

فهرست

سخن نخست ۲

پیامها ۴-۸

زندگی و آثار استاد عطاردی ۱۰-۳۶

عطاردی از زبان عطاردی

- ۳۸ مروری بر آثار استاد عطاردی در گفت و گو با ایشان
۴۳ مراحل تألیف «مسند الامام امیرالمومنین (ع)» در بیان مؤلف

از نگاه خانواده

- ۵۲ سایه علم بر سر خانواده نفیسه عطاردی
۵۳ تحمل مرارت‌های فراوان برای کسب علم محمدرضا عطاردی
۵۴ محققى که شاگرد نداشت دکتر نجیم فلاحتی

از منظر صاحب نظران

- ۵۸ هدایت‌گری، ارشاد و توجه دادن جامعه به حقایق آیت‌الله سیدجعفر سیدان
۶۰ گمنامی آیت‌الله عطاردی آیت‌الله محمود امجد
۶۰ رفع نیاز علمی هزاران محقق حجت‌الاسلام والمسلمین علی یونسی
۶۱ «عزیزالله» را عزیز بداریم استاد محمدرضا حکیمی
۶۳ طبعی بلند در خدمت اهل بیت (ع) احمد مسجدجامعی
۶۴ شخصیتی استثنایی که عمری را با عزت و امید گذراند حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا نوراللهیان
۷۰ نگارش تاریخ و جغرافیای علمای خراسان با دستان خالی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی
۷۲ گونه‌های تفسیری امام صادق (ع) بر اساس مسند عطاردی حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سیدمحمدعلی ایازی
۷۹ نماد پشتکار و کم‌توقعی در حوزه فرهنگ اسلامی و ایرانی دکتر سیدعباس صالحی
۸۰ میراثی متناسب با نیاز جامعه علمی شیعه آیت‌الله حسن عالمی
۸۱ سرمایه و ذخیره‌های بزرگ برای امروز و آینده آیت‌الله محمدحسن اختری
۸۲ محققى که به تنهایی یک امت بود آیت‌الله سیدجمال‌الدین دین‌پرور
۸۳ ساده‌پوش، ساده‌زیست و ساده‌گو حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی مهدوی‌راد
۹۰ خاطرات کوه شاه‌جهان حجت‌الاسلام والمسلمین تیمور علی‌عسکری
۹۲ استثنایی در میان روحانیون حجت‌الاسلام والمسلمین محمد عبداللهیان
۹۴ از اشتها به فاضل محقق در نجف تا فعالیت‌های انقلابی در ایران حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی رحمانی قوچانی
۱۰۲ امتیازات مسانید آیت‌الله عطاردی حجت‌الاسلام والمسلمین محمد کاظم رحمان‌ستایش
۱۰۷ ادای دین به نهج البلاغه حجت‌الاسلام والمسلمین مهدی مهریزی
۱۰۸ مورخ مجتهد حجت‌الاسلام حسین دست‌پروری
۱۰۹ علو همت، نستوهی و تواضع حجت‌الاسلام والمسلمین حسن طارمی
۱۱۱ قلم گفتا که من شاه جهانم دکتر نجیم فلاحتی



سال نهم . شماره ۱۱۱ . شهر یورماه ۹۳

مدیر مسئول: حمید صابر فرزام

سر دبیر: غلامرضا حسین پور

مدیر داخلی: حسین الهوردی

مدیر هنری: زهرا شیرخان‌زاده

همکاران این شماره: سیدمهدی موسوی،

سیدشهاب ابراهیمی، فاطمه باغبان،

نفیسه سلمانیان، حانیه لازم‌رودی،

سیدمیلاد اوصیاء، محمود قره‌داغی،

رسول صادقی.

عکاس: سید محمد نمازی، محمد نجفی،

سروش خطابی، ایمان جنتی، حسن آقامحمدی

چاپ: چاپخانه همشهری

این شماره از رایحه با مشارکت و حمایت

شهرداری تهران (شورای عالی قرآن) تهیه و

تدوین شده است.

نشانی: تهران، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر،

پلاک ۸۵ خبرگزاری قرآن ایران (ایکنا)

تلفن: ۰۲۱۲-۶۶۴۷۰۲۱-۹۸+

پست الکترونیک و نشریه: rayehe@iqna.ir

سخن نخست

دانشمند فرهیخته و پژوهشگر بلندهمت، مرحوم آیت الله عزیزالله عطاردی که ضمن تلمذ در محضر علمای نامداری چون آیت الله میلانی، آیت الله حکیم طباطبایی، آیت الله آقابزرگ تهرانی و آیت الله خویی، از ایشان اجازه رسمی نقل حدیث را داشت، در طول عمر هشتاد و شش ساله خویش، میراث گران بهایی مشتمل بر ۷۰ عنوان اثر را در ۱۶۰ جلد به چاپ رساند و تحقیقات دسته بندی شده اما چاپ نشده بسیاری را بر جای گذاشت.

در شیفتگی عطاردی به اهل بیت عصمت (ع) همین بس که نیمی از عمر خویش را به تدوین دهها جلد مسانید ائمه معصومین (ع) اختصاص داد که در این میان، همت او در تدوین مجموعه ۲۷ جلدی مُسند امیرالمومنین (ع)، نقل بیش از ۳۴ هزار حدیث در مُسند امام جعفر صادق (ع) و تدوین چندین اثر تحقیقی پیرامون نهج البلاغه، دیدگان هر پژوهشگری را به خود جلب می کند.

این عالم مبرز خراسانی که با دستان خالی و تنها با تکیه بر همت عالی و سخت کوشی، از فرصت های زودگذر بهترین بهره ها را می گرفت، در نیم قرن اخیر، ضمن سفرهای پر مشقت و خطیر، به جمع آوری و تدوین اطلاعاتی پرداخت که امروزه به رغم دسترسی فراگیر به کتابخانه های دیجیتال و ویکی های مجازی، همچنان ناشدنی به نظر می آید.

وی با دقت نظر، می کوشید خلأهایی را بیابد که با پر کردن آنها چشمه های جوشانی از منابع علمی را برای ادامه راه پژوهشگران پدیدار سازد و ستایش هایی که بزرگان در منزلت وی و عظمت فعالیت های او ابراز داشته اند، نشانه توفیق وی در نیل به این هدف والا است.

مجموع این ویژگی ها، استاد عطاردی را به نمادی از جهاد علمی بدل ساخت که در عمل نشان داد به ثمر نشاندن تحقیقات ژرف، بیش از نیازمندی به امکانات کذا، ملزوم همت بلند و مناعت طبع و شیفتگی نسبت به دانستن و حل مسائل است.

او نه به القاب دل خوش داشت و نه چشم به تکریم ها و بزرگداشت ها دوخت، بلکه ضمن وقف داشته های خود در مسیر علم و تحقیق، با بهره اندک از دنیا و پیشه کردن قناعت، آثاری سترگ پدید آورد که به تعبیر اهل نظر، نظیر ندارد.

این که دانشمندی توانمند، با حداقل امکانات، مشقت سفر به سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا را برای شناسایی و بهره گیری از مراکز فرهنگی بر خویش هموار کند و پس از به ثمر نشستن تحقیقاتی که تحسین اساتید فن را برمی انگیزد، اجری طلب نکند و مشتاقان معرفت را تنها به خریداری نسخه هایی از کتب خود ترغیب کند، نشان گر بالاترین مراتب اخلاص، وارستگی و نیت بی شائبه الهی او در ترویج دانش است.

عطاردی فارغ از مریدپروری و بدون دلبستگی به شهرت و القاب، با هدف خدمت به معارف اسلام و فرهنگ زادبوم خویش، به «عزیزاللهی» اکتفا کرد، اجر خود از حق طلبید و به شهادت دستاوردهای بی بدیل وی، به مقصود خویش نائل آمد.

ما نیز در راستای تکریم حقیقت و آگاهی، بر آن شدیم تا مصادف با چهلمین روز درگذشت استاد عطاردی، ضمن معرفی ابعاد شخصیت علمی و عملی آن پژوهشگر فرزانه به دانشجویان، طلاب و فرهیختگان، گامی در جهت تکریم ایشان برداریم. والحمد لله الذی بنعمته تمّ الصالحات.

حسین الهوردی

دبیر سرویس معارف



پیامها



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درگذشت عالم پارسا و متبوع مرحوم مغفور
حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ عزیزالله
عطاردی قوچانی رحمت الله علیه را به خاندان مکرم و
بازماندگان آن مرحوم و همه علاقه مندان و مستفیدان
از ثمرات علمی ایشان که پهنه گسترده ای از تاریخ و
حدیث و تراجم و کتاب شناسی را در برمی گیرد، تسلیت
عرض می کنم و رحمت و مغفرت الهی را برای آن مرحوم
مستلث می نمایم.

سیدعلی خامنه ای

۴ مرداد ۱۳۹۳





آیت الله العظمی صافی گلپایگانی:

رحلت محدث عالی مقام و اندیشمند بزرگ دینی مرحوم
حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عزیزالله عطاردی
رحمة الله علیه موجب تأسف و تأثر گردید.

از آن استاد فرزانه، آثار ارزشمندی باقی مانده که همه دلالت
بر عظمت فکری و مقام بلند علمی آن مرحوم می کنند.
جمع آوری مسانید حضرات ائمه معصومین سلام الله علیهم
اجمعین که با زحمت بسیار زیاد و تلاش فوق العاده ایشان
شکل گرفته، از آثار ماندگار و باقیات صالحات است.

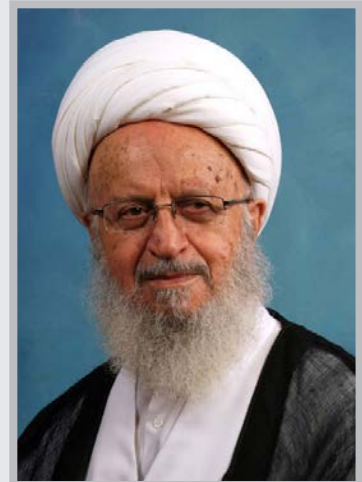
حقیر این مصیبت را به جوامع بزرگ علمی و خاندان محترم
ایشان تسلیت گفته و رضوان و رحمت الهی برای آن فقید
سعید از خداوند متعال مسألت دارم.



آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

فقدان اسفناک حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ
عزیزالله عطاردی که از محققان برجسته شیعه بود، موجب نهایت
تأسف گردید. این عالم برجسته در دوران خود آثار تحقیقاتی زیادی از
خود به یادگار گذاشت، محقق سخت کوش و عالی فرزانه و اندیشمندی
پرکار بود که هرگز قلم را به زمین نگذاشت و آثار با ارزش فراوانی از خود
به یادگار نهاد.

فقدان اسفناک این محقق برجسته را مخصوصاً به حوزه علمیه
خراسان و تمام علاقه مندان به ایشان و خانواده محترمشان تسلیت
عرض می کنم و صبر جمیل و اجر جزیل برای همگی از خداوند خواهانم.





آیت الله العظمی سبحانی:

درگذشت عالم ربانی، محقق عالیقدر، احیاگر آثار اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ عزیزالله عطاردی را با کمال تأسف و تأثر دریافت نمودم.

فقید سعید از رجال سخت کوش عصر معاصر ما بود، او در امر تحقیق سر از پا نمی شناخت و گمشده‌ی خود را در حضور و سفر تعقیب می کرد. کافی است که او برای تحقیق «التدوین فی اخبار قزوین» که از نوادر آثار بود، سفری به هند کرد و با معیشت سخت

به تحقیق و چاپ آن همت گماشت. او برای اولین بار روایت هر امامی را بصورت مسند، تدوین نمود و از این راه اطلاعات ارزشمندی در امر روایات به دست آورد.

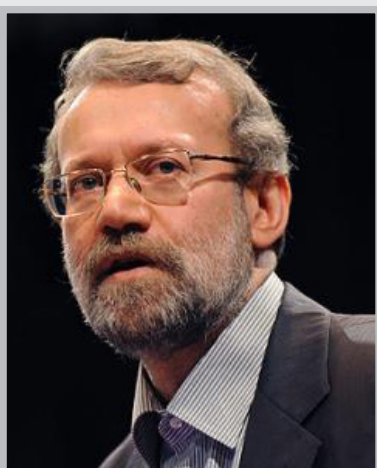
ما این ضایعه بزرگ را به حضرت ولی عصر (عج) و حوزه‌های علمیه، بالاخص حوزه علمیه مشهد و خاندان مکرم ایشان تسلیت می گوئیم و درود خود را به روح پاک او می فرستیم و می گوئیم فسلام الله علیه یوم ولد و یوم توفی و یوم یبعث حیاً.



دکتر علی لاریجانی:

ارتحال عالم ربانی و پژوهشگر برجسته دینی حضرت آیت الله عزیزالله عطاردی که در طول عمر پربرکت خویش همواره با اشتیاق و علاقه به نشر معارف دینی اهتمام داشت، موجب تأمل و تأثر گردید.

حضرت آیت الله عزیزالله عطاردی از چهره‌های ماندگار و صاحب تألیفات فراوان در مورد زندگی، سیره و سلوک ائمه اطهار (ع) و تاریخ ایران و اسلام بودند و در عین حال همواره از شهرت و اشتهار پرهیز جدی داشت.



ایشان پرورش یافته حوزه‌های علمیه خراسان، قم و نجف اشرف بودند و صاحب نبوغ و سبکی نوین در تاریخ‌نویسی و محدثی بزرگ در زمینه علوم حدیث بودند که خدمات علمی آن مرحوم تا آخرین روز حیات ارزشمندشان استمرار داشت.

اینجانب از سوی خود و نمایندگان مجلس شورای اسلامی این ضایعه را به حضور حوزه‌های محترم علمیه خراسان، قم و نجف اشرف و بیت مکرم ایشان تسلیت و تعزیت گفته، برای روح بلند آن عالم جلیل القدر علودرجات و برای سایرین تسلیی خاطر از درگاه خداوند باری تعالی مسئلت می کنم.



حجت الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی:

عالم فرزانه و محقق بزرگ و بنده خوب خدا، حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب حاج شیخ عزیز عطاردی چشم از جهان فرو بست و جهان فضیلت و دانش و ایمان را داغدار کرد.

این عزیز که همه عمر پرپرکت خود را صرف تحقیق و پژوهش برای نشان دادن عظمت تمدن اسلامی و ایران و نشر معارف اهل بیت کرد، یک تنه به اندازه یک دستگاه عریض و طویل پژوهشی، اثر برجای نهاد و انتظار می رود که پاداش خدمات ارزنده خود و پاکی و نیکی اش را از حضرت پروردگار دریافت کند.

مصیبت رحلت این عالم متواضع و پژوهشگر ارجمند را به همه دوستان علم اسلام و ایران و به خصوص به خانواده بزرگوار او و همه شیفتگان داغدارش تسلیت عرض می کنم و از خداوند منان برای آن فقید سعید علو درجات و برای بازماندگان معزز، صبر و اجر و سلامتی طلب می کنم.



جامعه مدرسین حوزه علمیه قم:

خبر ارتحال عالم فرهیخته و محقق حضرت آیت الله حاج شیخ عزیز الله عطاردی موجب تأثر و تأسف عمیق گردید. عالم زاهد و برجسته و محقق که عمر خویش را وقت احیاء تراث اهل بیت «علیهم السلام» نموده و همزمان



نسبت به احیاء فرهنگ و تاریخ ایران اسلامی بویژه خراسان بزرگ اهتمام ویژه داشت و حاصل این مجاهدت های بی دریغ و خالصانه، دهها جلد کتاب و اثر علمی در زمینه مسائلی ائمه هدی علیهم السلام و تاریخ ایران اسلامی بوده است.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ارتحال این عالم و ارسته را به پیشگاه حضرت ولی عصر «ارواحنا لتراب مقدمه الفداء»، مقام معظم رهبری «مدظله العالی»، مراجع عظام تقلید «دامت برکاتهم»، بویژه عموم اندیشمندان و محققان و حوزه های علمیه تسلیت عرض نموده و ضمن طلب صبر و اجر جهت بازماندگان، علو درجات آن مرحوم را از خداوند متان مسئلت می نماید.

پیام یونسکو به همایش بزرگداشت استاد عزیزالله عطاردی

برای من مایه خوشوقتی است که این پیام را به کنفرانس بزرگداشت محقق برجسته، عزیزالله عطاردی، که در سی ام نوامبر ۲۰۰۶ در شهری، ایران برگزار می‌شود، به مناسبت اثر او درباره تاریخ فرهنگی خراسان بزرگ که شامل مجلدات بسیار است ارسال کنم. در قانون اساسی یونسکو آمده است که «جهل ما به نحوه زندگی یکدیگر، در طول تاریخ بشر، علت عمومی بدگمانی و بی‌اعتمادی در میان مردمان جهان شده است که این خود باعث شده که تفاوت‌های میان آنان بسیاری اوقات به جنگ انجامیده است». بنابراین کسانی که تلاش می‌کنند تا تاریخ و میراث فرهنگی ملل مختلف را به یکدیگر معرفی کنند، در واقع سهمی در رسالت یونسکو ایفا می‌کنند که اثر فوق‌الذکر استاد عزیزالله عطاردی، از آن دست است.

چنان که می‌دانید، گفتگوی میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نقش مهمی در ایجاد هماهنگی و تفاهم متقابل و صلح میان مردمان دارد. یونسکو معتقد است که «از آنجا که جنگ در اندیشه‌ها آغاز می‌شود، بنیان صلح را می‌باید در اندیشه‌ها نهاد» و «... بنابراین اگر بخواهد فرو نپاشد، می‌باید بر همبستگی نظری و اخلاقی میان ابناء بشر بنا شود» (نقل از قانون اساسی یونسکو). عالیجناب سفیر احمد جلالی، که نه تنها جمهوری اسلامی ایران را در یونسکو نمایندگی می‌کند، بلکه در مقام رئیس سی و یکمین کنفرانس عمومی یونسکو و رئیس پیشین مجمع عمومی کنوانسیون میراث جهانی، سهم ارجمندی در کار تمامی یونسکو ایفا کرده است، نیز نماینده شایسته‌ای است برای ابلاغ این پیام به کنفرانس شما. می‌خواهم این فرصت را غنیمت شمرده، بگویم که معرفی میراث علمی و فرهنگی تمدن ایرانی که یکی از بزرگترین تمدن‌های تاریخی آسیا جهان اسلام و همه جهان است، به ملل دیگر به خودی خود به معنای سهمی شدن در ایده‌آل‌های یونسکو و برنامه ما در گفت و گوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها است.

برای کنفرانس شما آرزوی موفقیت دارم.

امضا شده توسط احمد صیاد

معاون مدیر یونسکو در روابط و همکاری‌های خارجی

A close-up portrait of an elderly man with a full, white beard and mustache. He is wearing a white turban and a light-colored, possibly grey or blue, traditional garment. The background is softly blurred, showing what appears to be a window with light coming through. The overall tone is warm and respectful.

زندگی و آثار استاد عطاردی

نگاهی به زندگی و آثار استاد عزیزالله عطاردی

مقدمه

اگر جوامع بشری را به هرمی تشبیه نماییم در رأس این هرم معدود افرادی قرار دارند که با سعی و تلاش خویش بسان ستارگان می درخشند و راه فراروی دیگران روشن می نمایند.

این شخصیت‌ها اگر چه تعدادشان اندک، ولی تأثیرات و آثارشان بس بزرگ است. در جامعه ما نیز چنین افرادی بودند و هستند و پشتوانه گرانسنگ علمی و فرهنگی امت ما می باشند اما دریغ که معاصران، خصوصاً جوانان و نوجوانان نسبت به این حلقه‌های زرین پیوند گذشته با آینده آگاهی و شناخت کافی ندارند. زنده نمودن یاد و نام این مفاخر بزرگ کمترین سپاس از تلاش آنان و افروختن چراغی است بر فراز راه آیندگان تا راه آنان در پیش گیرند و در مسیرشان گام بردارند.

یکی از چهره‌های پرتلاش معاصر حضرت آیت‌الله شیخ عزیزالله عطاردی بود که سال‌های سال بطور خستگی ناپذیر با تلاش و تکاپوی بسیار، به تحقیق و تصحیح و نگارش در موضوعات مختلفی چون حدیث، تاریخ و جغرافیا، ادبیات و... مشغول بود که اگر مجموعه آثار ماندگارش یکجا گردآوری شود به بیش از ده‌ها جلد می‌رسد.

در این نوشته تلاش شده است تا در بخش اول، زندگی نامه کوتاهی از استاد ارائه گردد و در بخش دوم نیز آثار استاد که در موضوعات گوناگونی چون، حدیث، تاریخ و فرهنگ و... است و چگونگی شکل‌گیری هر یک از آنان تقدیم می‌شود. در بخش سوم نیز ترجمه ایشان آمده است و در بخش آخر، کتاب‌هایی که توسط استاد تصحیح و تحقیق شده و سپس به چاپ و نشر آنها اقدام نموده است، ارائه شده است.

هیجده سالگی صفحه جدیدی در زندگی اش ورق می خورد و برای فراگیری علم حوزوی با اذن پدر در مدرسه عوضیه حوزه علمیه قوچان ساکن شده و رسماً به کسوت اهل علم درآمده و نزد اساتید فرهیخته آن مدرسه زانوی ادب به زمین زده و روح تشنه خویش را سیراب می نماید.

در مشهد مقدس

وی در سرآغاز دهه سوم زندگی مجاور بارگاه رضوی شده و در مدرسه بالا سرمبارک حضرت رضا(ع) ساکن و از اساتید حوزه علمیه مشهد بهره مند می گردد. محضر علما و اندیشمندان فراوان حوزه مشهد، مجالس و محافل علمی و ادبی و کتابخانه عظیم آستان قدس جاهایی بودند که این طالب علم و عاشق رشد و تعالی را در آن جامی شد جستجو کرد. او از میان کتابها به «شرح نهج البلاغه» ابن ابی الحدید و «بحار الانوار» علامه مجلسی بسیار علاقه داشت و همین علاقه او را به تحقیق درباره نهج البلاغه و حدیث کشانید و ثمره آن تألیف چندین مجلد کتاب در موضوع نهج البلاغه و حدیث شد.

احیای میراث اسلامی

در دهه سی باتوجه به فضای حاکم بر کشور زمینه فعالیت های فرهنگی و نشر علوم اسلامی فراهم گردید و عده ای از اساتید حوزه و دانشگاه در تهران و قم به تصحیح متون دینی و ادبی و دیوان شعرا پرداخته و به انتشار آنان پرداختند و استاد عطاردی نیز از مشهد به تهران آمده و با اقامت در مدارس علمیه تهران و با آشنایی با گروهی از علماء و ناشرانی که در این زمینه فعال بودند از تجربیات آنان بهره مند شده و باتوجه به زمینه فکری موجود در خود که از نوجوانی عاشق تحصیل و تحقیق بودند، وارد این میدان شده و به تحقیق و تصحیح متون اسلامی خصوصاً احادیث پرداخته و از مشکلات راه نهرا سیده و با کارهای شایان توجهی که انجام داده است مورد لطف و تشویق علماء اعلام و بعضی از مراجع عظام قرار گرفته است و از این طریق با منابع و ماخذ دست اول و مورد اعتماد آشنا شده است.

در نجف اشرف

حضور در حوزه علمیه نجف و نشستن پای درس مجتهدین و مراجع آن، آرزوی هر طالب علم حوزه شیعه است تا بتوانند با غواصی در آن اقیانوس صدف های گرانبهای ناگشوده را به چنگ آورده و

شخصیت علمی و زندگی استاد عطاردی

استاد حاج شیخ عزیز الله عطاردی در روز پنجم آذرماه سال ۱۳۰۷ برابر با هشتم جمادی الثانی ۱۳۴۷ هـ ق در روستای «بگلر» از توابع شهرستان قوچان در خراسان بزرگ در خانواده ای متدین و مذهبی دیده به جهان گشود. پدر و جد وی از خانواده ای از عشیره بزرگ حمزوی و یا به اصطلاح محلی «حمزکانلو» بودند که از زمان صفویه در خوشان - قوچان امروز - اردکان و چناران زندگی می کردند.

دهکده «بگلر» در زمان نادر شاه افشار ایجاد شد و اجداد او در این آبادی ساکن شدند. آبادی بگلر در دامنه های کوه معروف محمد بگ و سلسله جبال کوه شاه جهان ارغیان قرار دارد و در یکی از سرچشمه های رود اترک واقع شده و از نقاط خوش آب و هوا می باشد.

آغاز تحصیلات

او در پنج سالگی آموختن کلام الله را در زادگاهش آغاز نمود و پس از آن مطابق رسم روزگار به خواندن کتاب های فارسی چون گلستان و بوستان سعدی روی آورد و سپس در جلسات قرائت قرآن که به همت متدینان باصفای آبادی در مسجد تشکیل می شد شرکت نموده و علم تجوید را فرا گرفته و سخن خدانود را با قاعده و موزون تلاوت می کرد.

پدر دانش دوست وقتی علاقه فرزند را به مطالعه علم و دانش می بیند، در یکی از مسافرت هایش به شهر بهترین هدایا را برای فرزندش تهیه می نماید. او کتاب های دینی، تاریخی و ادبی چون یک قرآن مترجم چاپ سنگی، معراج السعاده مرحوم نراقی، شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، ناسخ التواریخ سپهر و کتابی در مناقب و مرآی اهل بیت(ع) برایش به ارمغان می آورد.

هرچه سن و سالش افزوده می شود و عشق و علاقه اش به فراگیری علم و دانش نیز افزایش می یابد و در چهارده سالگی کتاب جامع المقدمات را که کلید ورود به ادبیات عرب می باشد، نزد یکی از عالمان هم ولایتی خویش می آموزد. با آغاز



آثار و تألیفات

آثار و تألیفات استاد عطاردی محدود به موضوع یا رشته خاصی نیست او نه تنها در حوزه علوم دینی که به عنوان یک روحانی پس از تفقه در حوزه‌های علمیه وظیفه تعلیم و انذار داشت، به تألیف کتب دینی و بررسی و تحقیق در متون حدیث و آنچه از معصومین (ع) روایت شده است مانند: مجموعه عظیم مسانید ائمه اطهار (ع) و تحقیق درباره نهج البلاغه و... همت گماشت، بلکه در حوزه تاریخ و جغرافیا خصوصا درباره فرهنگ خراسان بزرگ نیز بیش از چهار سال تمام همیت و توان خود را در جمع‌آوری اسناد و مدارک علمی ماخذ و منابع فرهنگی و تاریخی منطقه خراسان صرف نمود و جهت تحقق آن



از صدها کتابخانه در کشورهای مختلف اسلامی و غیراسلامی دین نموده و نسخ خطی را بررسی کرده است.

در این مجموعه بزرگ، موضوعات علمی، سیاسی، تاریخی، جغرافیایی و هنری مورد بحث قرار گرفته و از رجال علم و ادب و سیاست و عرفان و هنر سخن به میان آمده است و در حدود سی هزار عنوان برای این کتاب جامع فراهم شده است و نیز درباره فرهنگ سیستان که منطقه‌ای مهم در تاریخ ایران است و علماء، ادباء و رجال برجسته‌ای در هر علم و فنونی از آن ناحیه برخاسته‌اند، کتاب‌ها و منابع فراوانی از چاپی و خطی در این موضوع مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و از نظر علمی، ادبی، تاریخی، جغرافیایی و سیاسی موضوعات آن استخراج و مرتب شده‌اند.

در ادبیات و لغت نیز باتوجه به این که سال‌ها با متون عربی سر و کار داشته است و از اصطلاحات علمی و لغات دخیل زبان فارسی در کتب عربی اعم از قرآن و حدیث یا سایر کتب آگاهی یافته و دریافت که بسیاری از آنان تغییر ظاهر داده و معرب شدند، بر خود لازم دید که آنها را به صورت کتاب مستقل تدوین نمایند (اللغات الفارسیه المعربه فی تارح العروس).

در این باره گرفت و گوی ایشان با مرحوم علامه امینی (ره) از زبان خودشان خواندنی است:

«مرحوم امینی پشت میز بزرگی نشسته بودند و کتاب‌های متعددی هم روی میز چیده شده بود. او کتاب بزرگی را در مقابل خود گذاشته و

از درون آن مرواریدهای تابناکی را به متدینان و دوستان اهل بیت (ع) هدیه نمایند. عطاردی جوان نیز در سال ۱۳۴۳ عازم عتبات عالیات و سپس حوزه علمیه نجف شد و از محضر بزرگان آن روز نجف بهره برد. اما گرمای شدید آن دیار با طبع لطیف او نساخت و لذا پس از سالی اقامت به وطن مراجعت نمود.

اساتید و مشایخ

وی پس از سال‌ها تحصیل در حوزه‌های علمیه و تحقیق در متون اسلامی و مسافرت‌های علمی و تحقیقاتی در کشورهای

مختلف ایران، عراق، سوریه، لبنان، عربستان، هند و پاکستان و حضور در مجالس اهل علم و فضل از اشخاص زیادی کسب فضل نمود و آن درجه از وثاقت و صداقت دست یافته بود که بتواند از آنان اجازه نقل حدیث و روایت دریافت دارند همانند:

- ۱- فقیه و مرجع عالی قدر شیعه حاج سید محسن حکیم (قدس سره)
- ۲- فقیه و مرجع بزرگ شیعه حاج سید ابوالقاسم خوئی (رضوان الله علیه)
- ۳- فقیه و مرجع عالی قدر حاج سید محمدهادی میلانی (طیب الله ثراه)
- ۴- علامه جلیل‌القدر شیخ الباقین حاج محمد محسن مشهور به آقا بزرگ تهرانی - مؤلف الذریعه - (رضوان الله علیه)
- ۵- محقق عالی‌مقام، مجاهد بزرگ حاج شیخ عبدالحسین امینی - مؤلف الغدیر - (قدس سره)
- ۶- محقق فقیه و عالم جلیل‌القدر میرزا خلیل کمره‌ای ساکن تهران (رضوان الله علیه)
- ۷- علامه محدث و محقق عالی قدر و محب اهل بیت (علیهم السلام) شیخ محمد ابراهیم مدنی ختنی بخاری حنفی ساکن مدینه منوره.

نمود و برای آنان فهرست‌های مناسب تهیه و سپس اقدام به چاپ برخی از آنها نمود.

مرحوم عطاردی تا پایان عمر پربرت خود ۷۰ عنوان اثر را در ۱۶۰ جلد به انتشار رساند و بخش اعظمی از تاریخ خراسان و برخی دیگر از آثار ایشان، آماده و تنظیم شده و مؤسسه فرهنگی خراسان به عنوان متولی حفظ و نشر این آثار به مرور نسبت به انتشار آنها اقدام خواهد کرد.

مسافرت‌های علمی

استاد به کشورهای بسیاری چون عراق، عربستان، سوریه، لبنان، یمن، مصر، ترکیه، هندوستان، پاکستان، افغانستان، روسیه، انگلستان، فرانسه، آلمان و بلژیک مسافرت و از ده‌ها کتابخانه دیدن نمود و در داخل کشور نیز به هر گوشه‌ای از

آن را مطالعه می‌کرد. بعد از احوال‌پرسی فرمودند: کتابی که در مقابل من قرار دارد، تاج العروس است و من از این کتاب بسیار استفاده می‌کنم و همواره آن را روی میز خود دارم.»

«بعد از آن فرمودند: این کتاب دریائی از علوم و معارف می‌باشد و مؤلف آن یک انسان فوق‌العاده و محقق بی‌نظیر می‌باشد در این کتاب فوائد زیادی هست و نویسنده آن به تناسب موضوع مطالب فراوانی از کتب مختلف در آن آورده است و این کتاب یک دائرةالمعارف می‌باشد که انواع علوم و معارف در آن گرد آمده است.»

«متأسفانه این کتاب بزرگ فهرست ندارد و محققان نمی‌دانند چه مطالب و مسائلی در این جا مورد بحث قرار گرفته است و برای همین جهت علماء از فوائد آن بهره نمی‌برند اگر چند فهرست برای این کتاب نوشته شود و اعلام رجال و امکنه و احادیث آن استخراج و مرتب گردد بسیار مفید خواهد بود.»

«عرض کردم این کار بسیار وقت گیر است و من اکنون کار دیگری دارم فرمودند این خودش یک کار است اگر این کار را انجام دهی برای خودت هم مفید خواهد بود و بیش از همه خودت از این کار منتفع خواهید شد و خدمتی هم به محققان و مؤلفان و اهل علم و ادب خواهید نمود.»

«پیشنهادهای شیخ بزرگوار و استاد عزیز و ارجمند را پذیرفتیم و کار را آغاز کردم. موضوعات مورد نظر را روی برگه‌ها نوشتم و در حدود هشت سال روزی چند ساعت به این کار مشغول شدم بعد از فیش برداری آنها را بصورت الفبایی مرتب کردم و برای چاپ آماده ساختم.»

«رجال آن در چهار مجلد و غریب الحدیث را نیز در چهار مجلد تدوین کردم و در سال ۱۳۶۲ در حیدرآباد هندوستان چاپ نمودم و در تهران مجدداً حروف چینی شده و بزودی آماده چاپ شد و همچنین مصادر و ماخذ تاج العروس را هم که مؤلف از آنها استفاده نموده و در حدود هشتصد کتاب می‌باشند فهرست کردم و لغات فارسی معرف را که در لابلای کتاب مورد بحث قرار گرفته، استخراج نموده و به چاپ رسانیدم.»

در ادبیات فارسی نیز استاد به تحقیقات متنوعی در شاهنامه حکیم فردوسی پرداخت. استاد در مسافرت‌های خویش که در کشورهای مختلف اسلامی و غیراسلامی و دیدار از کتابخانه‌های آنان داشته است، با بسیاری از نسخ خطی نادر برخورد که چاپ و انتشار آن ضروری می‌نمود، لذا با تهیه میکرو فیلم از آنها اقدام به شناخت و تصحیح و تحقیق و بررسی آنها

این سرزمین پهناور که احتمال می‌داده است کتابی باشد، سرزد. لذا سفرنامه استاد خواندنی است خصوصاً آنکه استاد فقط از کتابخانه‌ها دیدن نکرده بلکه از مراکز فرهنگی، تاریخ، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و آثار دیدنی نیز دیدار نموده و مهمتر آنکه با مدیران کتابخانه‌ها، فضلا، روحانیون، اساتید و محققین شناخته شده و ناشناخته تماس برقرار نموده و جلسات بحث و تحقیق دائر نموده و علم و دانش را از اهلش فرا گرفته است «خذالعلم... من افواء الرجال».



مرکز فرهنگی خراسان

از آنجا که استاد مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای در حدیث، رجال، ادب، تاریخ، جغرافیا و... انجام داده است به منظور استفاده بهینه محققان و پژوهشگران و آماده سازی دیگر تألیفات حضرت استاد عطاردی با همکاری تعدادی از علماء فضلا و صاحب نظران اقدام به تشکیل مؤسسه فرهنگی و تحقیقات تحت عنوان «مرکز فرهنگی خراسان» نمودند.

تالیفات

اجازات نهج البلاغه

عزیز الله عطاردی، تهران، انتشارات عطاردی، چاپ اول، ۱۳۶۳، ۱۵ صفحه رقعی.

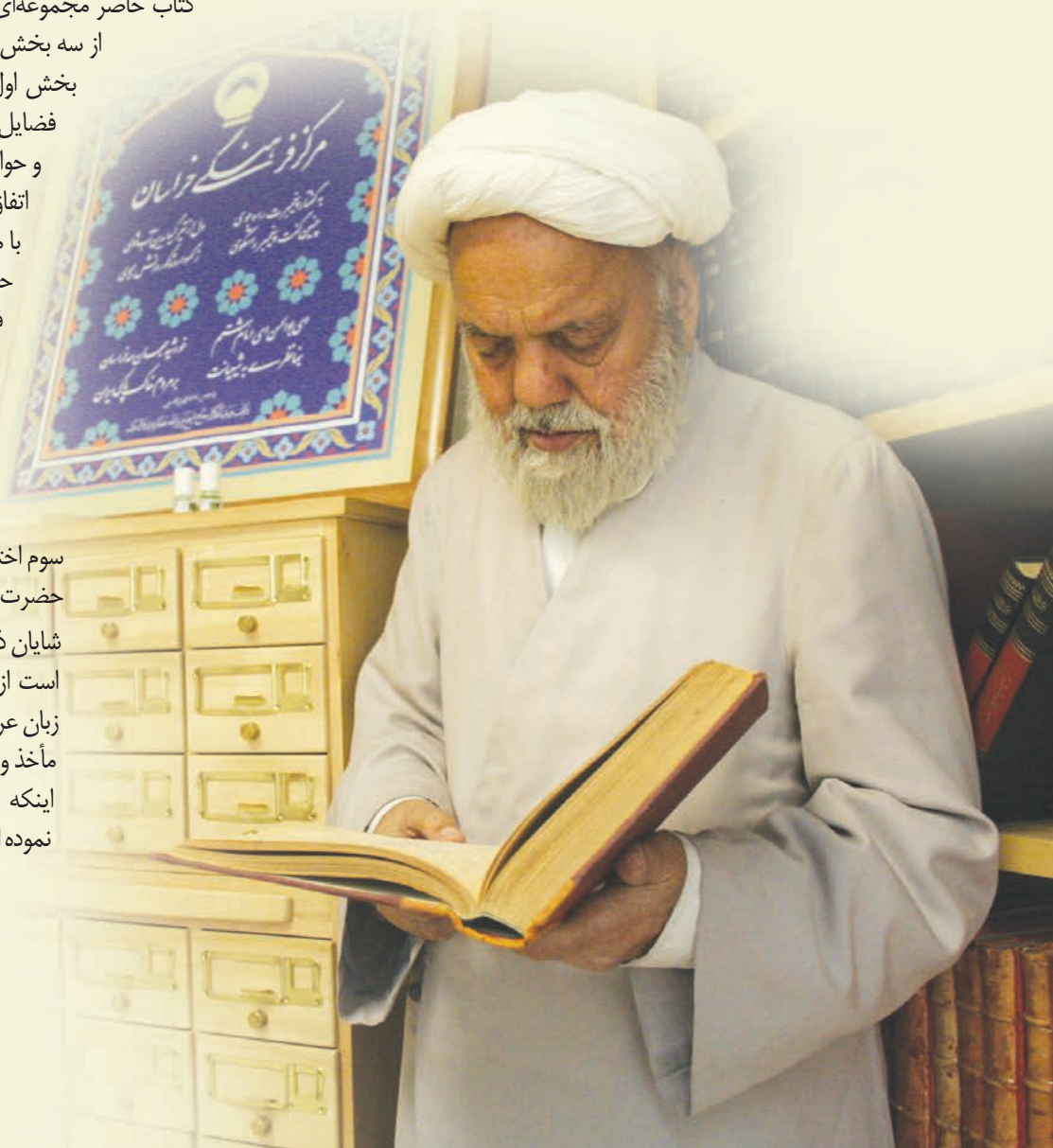
۱۴

اخبار و آثار حضرت رضا(ع)

عزیز الله عطاردی، تهران، کتابخانه صدر، چاپ دوم، ۱۳۶۸، ۸۸ صفحه، وزیری.

کتاب حاضر مجموعه‌ای جامع درباره حضرت رضا است که از سه بخش کلی تشکیل شده است. نویسنده در بخش اول به شرح کاملی از زندگی، مناقب، فضایل، امامت، دعوت مامون از آن حضرت و حوادثی که از مدینه تا خراسان در بین راه اتفاق افتاده و نیز مذاکرات حضرت رضا با مامون درباره خلافت و ولایت عهدی حضرت رضا، شهادت آن حضرت فرزندان امام رضا، فضیلت زیارت آن حضرت و همچنین کراماتی که در کنار قبر آن اتفاق افتاده پرداخته است در بخش دوم روایات و اخبار وارده از امام رضا به ترتیب موضوعی آورده است و بخش سوم اختصاص به اسامی راویان و ناقلان آثار حضرت رضا دارد.

شایان ذکر است این کتاب در واقع ترجمه‌ای است از کتاب «مسند الامام الرضا» که به زبان عربی نوشته شده است و مؤلف از آوردن مأخذ و منابع موضوعات مورد بحث به علت اینکه در اصل کتاب ذکر شده خودداری نموده است.



پاسخ به معاندان نهج‌البلاغه

عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران، انتشارات عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۳، ۴۳ صفحه، رفعی.

این کتاب ابتدا به معرفی نهج‌البلاغه و موضوعات مندرج در آن می‌پردازد و پس از نقل شبهه‌ها در مورد انتساب مندرجات نهج‌البلاغه به علی شبهات مزبور را پاسخ می‌دهد. این شبهات عبارت‌اند از نسبت دادن علم غیب به غیر خداوند در نهج‌البلاغه، اشکال در متداول نبودن سجع و قافیه موجود در نهج‌البلاغه در عصر علی، ذکر طاووس در کلام علی، ذکر و پارسایی در کلام علی در نهج‌البلاغه. نویسنده طرح این قبیل شبهات را غیرعلمی و از روی تعصب کورکورانه دانسته و به همگی آنها پاسخ داده و به دفاع از ساحت نهج‌البلاغه و گردآورنده آن برخاسته است.

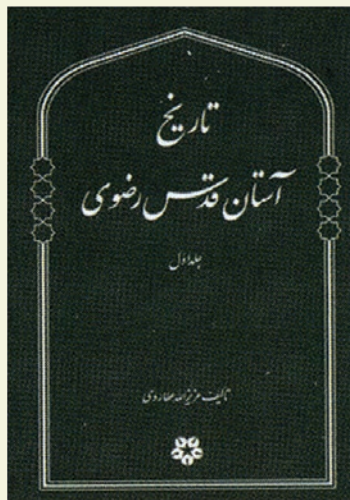


نهج‌البلاغه

الشریف الرضی، محمد بن الحسین الموسوی، مقابله و تصحیح: عزیزالله عطاردی، چاپ اول: ۱۳۹۱، ۷۸۶ صفحه، وزیری.

استاد عطاردی، در سال ۱۳۵۶، همزمان با هزارمین سال تألیف نهج‌البلاغه، مطالعات و تحقیقات خود را بر روی نهج‌البلاغه آغاز می‌کنند. ایشان مصمم می‌شوند که نسخه‌ای از نهج‌البلاغه را فراهم آورند که با کهن‌ترین متون نهج‌البلاغه و نزدیک‌ترین نسخ به زمان مؤلف، مقابله و تصحیح شده باشد.

پس از بررسی‌های فراوان، پنج نسخه کهن می‌یابند که نزدیک‌ترین آن‌ها به زمان مؤلف در ۴۶۹ هجری کتابت شده بود و دورترین آن‌ها در سال ۵۳۴ هجری به رشته تحریر درآمده است. بنیاد نهج‌البلاغه این کتاب را در سال ۱۳۷۲ شمسی در قطع رحلی چاپ کرده است.



امیرالمؤمنین (ع) و نهج‌البلاغه (۳ جلد)

عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران، انتشارات عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۹، ۶۵۲ صفحه، وزیری.

کتاب حاضر، شرح حال امام علی (ع) و فضایل و مناقب ایشان است نویسنده علاوه بر متن خطبه‌های امیرالمؤمنین به نویسندگان این خطبه‌ها، جمع‌کنندگان خطبه‌ها تا زمان سید رضی و به راویان نهج‌البلاغه در قرن پنجم و ششم اشاره کرده است پاسخگویی به شبهات پیرامون نهج‌البلاغه معرفی شارحان و مترجمان نهج‌البلاغه از آغاز تا قرن حاضر و نیز شرح حال سید رضی از دیگر مطالب کتاب است در پایان نسخه خطی نهج‌البلاغه متعلق به قرن پنجم و ششم شناسانده شده است.

تاریخ آستان قدس رضوی (۲ جلد)

عزیزالله عطاردی، تهران، نشر عطارد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۱، ۷۹۷ صفحه، وزیری.

ناحیه خراسان که شرق ایران را در بر گرفته از مهمترین مناطق بسط و توسعه فرهنگ و معارف اسلامی است. اکثر محدثان، فقیهان، حکیمان، عارفان، ادیبان، محققان، شاعران و... از آن ناحیه برخاستند مؤلف ارجمند از سال ۱۳۴۰ به فکر تألیف کتابی جامع در موضوع تاریخ و فرهنگ خراسان بوده و به مدت سی سال است که کار اصلی و اساسی ایشان تحقیق و بررسی در این موضوع می‌باشد و صدها کتابخانه را در کشورهای اسلامی و غیراسلامی مورد تحقیق و مطالعه قرار داده و هزاران کتاب

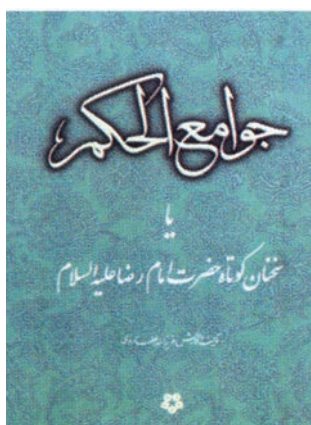


راویان امام رضا (ع) در مسندالرضا

عزیرالله عطاردی، چاپ اول: ۱۳۸۸، ۵۹۲ صفحه، وزیری.

در کتاب مسندالرضا (ع) نام ۳۶۱ نفر از روایانی که بدون واسطه از عالم آل محمد (ع)، اخذ حدیث کرده‌اند، آمده است. استاد در این کتاب به معرفی این روایان می‌پردازد. این اشخاص، البته از هر صنف و گروهی بوده‌اند.

برخی، از دانشمندان به نام شیعه هستند، گروهی از مردم عادی، کسانی از صاحب منصبان حکومتی و عده‌ای نیز از مشایخ و یا اهل سنت بوده‌اند. از این رو نام برخی از اینان در کتب رجالی شیعی نیامده بود. جمعی هم شاعران بوده‌اند که در ایام ولایت عهدی حضرتش، ایشان را به امید ثواب و تقرب به رسول خدا (ص) و یا صله‌ای، مدح کرده و پس از شهادت امام (ع)، اشعار خود را از ترس دربار، محو کرده‌اند.



جامع الحکم یا سخنان کوتاه حضرت رضا (ع)

عزیرالله عطاردی، دهلی هندوستان، ۱۴۰۴ هجری - ۱۳۶۳، ۴۱۲ صفحه رحلی.

خطی را بررسی نمودند و برای رسیدن به مطلوب با صدها نفر از رجال علم و ادب در کشورهای مختلف به گفت و گو نشستند و در طول سی سال تحقیق و تتبع در حدود سی هزار عنوان و موضوع در فرهنگ خراسان گردآوری کرده است.

اثر فوق اولین مجموعه «مرکز فرهنگی خراسان» است که با عنوان «تاریخ آستان قدس رضوی» در هشت بخش و یک خاتمه و در دو جلد به چاپ رسیده است از آنجا که هر کسی به خراسان سفر می‌کند، نخست به زیارت حضرت رضا مشرف می‌شود، مؤلف محترم نیز در تدوین و تنظیم فرهنگ خراسان از بارگاه ملکوتی آن حضرت شروع کرد و در بخش اول «اوضاع خراسان از صدر اسلام تا شهادت امام رضا» را شرح و سپس به بررسی و معرفی بیوتات متبرکه شامل: مدفن امام رضا، قبه هارونیه، مشهد طوس، مشهد رضا، سرداب مطهر، سنگ قبر مطهر امام رضا، صندوق قبر مطهر، ضریح مطهر، سیر تاریخی حرم مطهر امام رضا و توسعه آن، محراب‌های حرم مطهر، درهای ورودی به حرم، گنبد مطهر امام رضا، مناره‌های حرم، مسجد بالا سر مبارک، رواق‌ها، صحن‌ها، ایوان‌ها، حجره‌ها، دارالقرآن، بست‌های حرم مطهر، درهای اماکن متبرکه و... پرداخته است.

عناوین سایر بخش‌ها عبارتند از:

بخش دوم: اداره اماکن متبرکه، خادمان، حافظان، نگهبانان و کفشداران

بخش سوم: مراکز علمی - فرهنگی و هنری، کتابخانه‌ها، مدارس علمیه، دبستان‌ها، دبیرستان‌ها، هنرستان‌ها و دانشگاه امام رضا. بخش چهارم: موسسات درمانی و بهداشتی درمانگاه‌ها، بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها

بخش پنجم: صنایع و کارخانجات آستان قدس

بخش ششم: کشاورزی و دامداری در آستان قدس

بخش هفتم: موقوفات آستان قدس، املاک، مستغلات، باغ‌ها و اراضی شهری

بخش هشتم: خدمات و عمران در آستان قدس رضوی

از آنجایی که مسجد جامع گوهرشاد یکی از مهمترین و زیباترین مساجد تاریخی در بلاد و اماکن اسلامی به شمار می‌رود و نیز این مسجد مجلل و باشکوه یادگاری از قرون گذشته و نمونه‌ای از معماری‌های سنتی اسلامی می‌باشد که در جوار بارگاه ملکوتی امام رضا قرار گرفته و متصل به آن، است از این جهت نیز دارای امتیاز ویژه بوده و از عظمت و شهرت خاصی برخوردار می‌باشد مؤلف محترم «خاتمه» کتاب را به «مسجد گوهرشاد و تحولات آن در تاریخ» اختصاص داده است.

رضا و واقفیه، حضرت رضا و مامون، دعوت مامون از امام رضا، حرکت امام رضا به طرف خراسان، امام رضا در قادسیه، بصره، اهواز، دهکده اریق، نیشابور، رباط سعد، ده سرخ، سناباد طوس، سرخس، مرو، پیشنهاد خلافت و ولایت‌عهدی به امام رضا، مناظره امام رضا با علماء و بزرگان ادیان، ستایش شعراء از امام رضا و نماز عید... و شهادت امام رضا و طوس.

یادآوری می‌شود تمامی ادعیه و زیارات این کتاب از کتاب ارزشمند «مسند الرضا» گردآوری شده است و سند و ماخذ و مصادر آن نقل نشده ولی در کتاب «مسندالرضا» کلیه ماخذ و مصادر آن ذکر گردیده است.



الرجال فی تاج العروس (جلد ۱-۴)

عزیزالله عطاردی، حیدرآباد - دکن، هند، چاپخانه مجلس،
دائرةالمعارف عثمانیه، چاپ اول، ۱۴۰۱ هجری، ۱۹۸۱ م ۴۶۵
صفحه، وزیری.

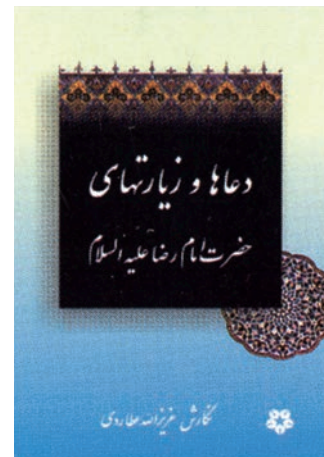
کتاب‌هایی که امروزه توسط دانشمندان نگاشته می‌شود خصوصاً کتب مرجع و دایره المعارف‌ها دارای فهرست‌های زیادی از قبیل فهرست منابع و ماخذ، اسامی اشخاص، اسامی مکان‌ها، آیات و احادیث و اشعار و... می‌باشند که دستیابی به محتوای کتاب را برای خواننده و محققین آسان می‌نماید، اما در گذشته چنین کاری معمول و مرسوم نبوده است لذا این کتاب نیز فهرست اسامی رجال و دانشمندی است که در تاج‌العروس آمده است.

آقای عطاردی، درباره انگیزه تألیف این کتاب یادآور شده است در کتابخانه امام بودم در حالی که او بر صندلی نشسته بود و به کتابی که در دستش بود نگاه می‌کرد.

کتاب حاضر شامل بیش از سیصد سخن کوتاه و احادیث است که همگی از حضرت امام رضا نقل شده و تمامی روایات نیز از کتاب شریف «مسند الامام الرضا» استخراج و هر روایت علاوه بر متن عربی به شکل زیبا و روان ترجمه و شرح گردیده و توسط کاتب هنرمند استاد اسماعیلی با خطی زیبا نوشته و اطراف صفحات را با نقش و نگار بیاراستند.

نویسنده در مقدمه کتاب، مختصری از حالات امام رضا و نیز فضائل و مناقب و... آن حضرت را بیان داشتند که عناوین موضوعات عبارت‌اند از: مختصری از حالات امام رضا، مادر امام رضا، امامت حضرت رضا، موقعیت امام رضا در عصر خود، خصوصیات و فضائل حضرت رضا، دعوت حضرت رضا به خراسان، حرکت حضرت رضا به طرف خراسان، موضوع ولایت‌عهدی حضرت رضا، مجالس علمی حضرت رضا در خراسان و شهادت حضرت رضا.

یادآوری می‌شود اثر فوق در پی مسافرت مؤلف محترم به هندوستان جهت دیدار از علماء و دانشمندان و نیز مراکز علمی و فرهنگی و کتاب‌خانه‌ها در دهلی نو به زیور طبع آراسته گردیده است.



دعاها و زیارت‌های حضرت امام رضا(ع)

چاپ دوم، ۱۳۷۹، ۱۷۶ صفحه رقعی.

اثر حاضر در بردارنده ادعیه و زیارات روایت شده از حضرت امام رضا است که از کتب ادعیه و زیارات جمع‌آوری شده است. کتاب از سه بخش تشکیل گردیده است. بخش اول که به شرح زندگانی و فضایل و مناقب و امامت اختصاص دارد عبارت‌اند از: تولد امام رضا، مادر امام رضا، امام رضا در زمان امام کاظم، امامت حضرت رضا، امام رضا و هارون، امام

و وجود صدها مدرسه، مسجد، آثار تاریخی و هزاران رجال علم و ادب شاهد این مدعا می‌باشد.

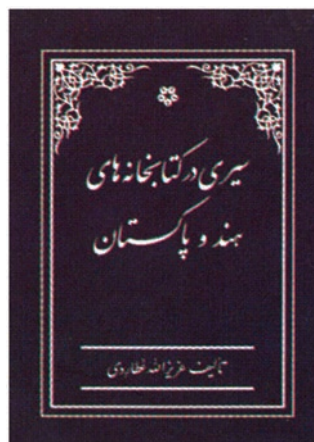
مؤلف در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی برای دیدن کتابخانه‌های شبه قاره هند و پاکستان به آن منطقه سفر کرده و از کتابخانه‌ها دیدن نموده و نسخه‌های خطی را مورد بررسی قرار داده است.

ایشان در مقدمه کتاب اظهار داشتند:

از هنگامی که به کارهای تحقیقاتی و فرهنگی مشغول شدم، با کتاب و کتابخانه‌های آشنایی پیدا کردم، با مصادر و منابع علمی و نسخه خطی و آثار فرهنگی ارتباط پیدا نمودم و از وجود کتابخانه‌های کهن و تاریخی در شبه قاره هند و پاکستان اطلاع یافتیم، همواره در نظر داشتیم فرصتی پیش آید تا به آن سرزمین همیشه خرم بروم و از منابع فرهنگی و علمی بسیار غنی آن کشور دیدن کنم و در کتابخانه‌های مختلف آنجا به مطالعات و تحقیقات خود ادامه دهم و منابع و مأخذ جدیدی برای تألیف آثار خود به دست آورم.

کتاب به گونه سفرنامه‌ای سامان یافته و مؤلف ارجمند در ضمن گزارش سفر خود، از کتابخانه‌ها و نسخه‌های خطی آنها یاد کرده است. در این اثر، کتابخانه‌های فراوانی معرفی شده، نسخه‌های بسیاری شناسایی و مراکز بزرگ علمی، پژوهشی و فرهنگی شناسانده شده و نیز از شخصیت‌ها و چهره‌های فرهنگی و علمی بسیار سخن به میان آمده است.

عناوین و سرفصل‌های مهم کتاب عبارتند از: حرکت از تهران، در کویت، در کراچی، در بمبئی، در احمد آباد گجرات در حیدرآباد کن، در مدارس، در کلکته، در پنته، در کلنپه، در درامپور، در عیگر، در آگرا، در دهلی، در پاکستان شرق، در داکا، در ملتان در لاهور، در راولپندی در پیشاور و در افغانستان.



سیری در کتابخانه‌های هند و پاکستان

عزیز الله عطاردی، تهران، عطارد، انجمن مخطوطات ایران، چاپ اول ۱۳۷۶، ۴۹۷ صفحه، وزیری.

ارتباط ملت ایران با مردم هندوستان داستان کهن دارد و از عهد باستان بین آنها رفت و آمدهای علمی و فرهنگی و بازرگانی برقرار بوده است. این دو کشور قدیمی و ریشه دار در تاریخ همواره با همدیگر در رفت و آمد بوده‌اند و آنها به عنوان دو کشور همسایه از هزاران سال پیش با هم ارتباط داشته‌اند. در دوره اسلامی رفت و آمد بین ایران و شبه قاره هند و پاکستان بسیار توسعه پیدا کرد. گروهی بی‌شمار از رجال ایران به هند مهاجرت کردند و در آن سرزمین اقامت نمودند، شریعت مقدس اسلام از طریق ایران با زبان فارسی به آن کشور رفت و ایرانیان مردم هند را با اسلام آشنا نمودند و در بسط و توسعه آن کوشیدند.

مهاجرت عالمان، عارفان، شاعران، اهل هنر و ادب و رجال سیاست از قرن چهارم هجری به آن سرزمین آغاز شد. اکنون هزاران اثر مکتوب از این ایرانیان مهاجر در شبه قاره هند و پاکستان موجود است

سپس مرا فراخواند و گفت: این کتاب تاج العروس، کتاب بزرگی است و در آن گنجینه‌ها و فواید درخشانی است که در کتاب‌های علمی و ادبی یافت نمی‌شود، مؤلف آن را به انگیزه جمع‌آوری احادیث و اخبار کمیاب و نایاب و اسامی کشورها و اماکن و مردان علم و ادب گردآورده است.

اما متأسفانه برای این کتاب فهرست جامعی که دانشجویان و محققان را راهنمایی نماید تا بتوانند از مطالب آن بهره مند شوند، وجود ندارد، لذا علما از فواید رجالی و مباحث ادبی و تاریخی و غیره آن بهره مند نمی‌شوند.

سپس فرمود اگر فهرست کاملی از رجال و اماکن و احادیث آن را با شرح کاملی استخراج نمایم، خدمت بزرگی برای اهل علم و تحقیق در علوم اسلامی خواهد بود و اثر مفیدی در موضوع خود خواهد شد و کار شایسته و ماندگاری خواهد گردید.

من نیز درخواست ایشان را لیبیک گفتم، اگرچه کار بس بزرگی بود و از خداوند کمک جستم و تراجم رجال علم و ادب و اسامی ممکنه و بلاد آن و همچنین احادیث آن را همراه و شرح و تفسیر استخراج نموده و آن را براساس حروف الفبا مرتب نمودم که خود کتاب مستقلی شد که نیاز به مراجعه به کتاب تاج العروس ندارد.

یادآور می‌شود که نویسنده در مقدمه کتاب، اسامی نویسندگان مشهوری را که در این موضوع از قرن اول لغایت قرن دوازدهم یعنی قرنی که مؤلف کتاب تاج العروس بدینا آمده است را به ترتیب قرن همراه با زندگینامه ایشان بطور مبسوط آورده است.

آن حضرت است که در طرق اخبار و روایات ذکر شده‌اند. طبق شمارش نگارنده، این تعداد به ۲۵ نفر می‌رسند. روایان و تلامذه‌ای که از ایشان اخذ حدیث کرده‌اند، ۱۵ نفرند که شرح احوالات این عده در فصل پنجم ذکر شده است. فصل ششم به شناسایی روضه مطهره حضرت عبدالعظیم حسنی و موسسات وابسته به آن می‌پردازد. در مجموع می‌توان این کتاب را یکی از جامع‌ترین تألیفات درباره حضرت عبدالعظیم دانست.

علمای خراسان و نهج‌البلاغه

عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول ۱۳۷۳، ۴۰ صفحه، رقعی.

کتاب نهج‌البلاغه که گزیده سخنان امیرالمؤمنین می‌باشد یکی از آثار ارزشمند و گرانبهای فرهنگ و معارف اسلامی است و از همان زمان تألیف یعنی اوائل قرن پنجم مورد توجه اهل علم و ادب قرار گرفت و نسخه‌های زیادی از آن برداشته و به اطراف و اکناف کشور پهناور اسلامی فرستاده شده و به سرعت جای خود را در محافل اهل فضل و ادب باز کرد.

یکی از مناطقی که در آنجا نهج‌البلاغه مورد توجه و عنایت قرار گرفت، منطقه خراسان بود. در قرن پنجم هجری شهرهای خراسان بزرگ از دامغان در غرب تا فرغانه در شرق، مرکز علم، ادب، فرهنگ و هنر بودند و مراکز علمی و تحقیقی در آنها تأسیس شد.

مؤلف محترم در این کتاب تعداد بیست و چهار تن از بزرگان علم و ادب و فضیلت در منطقه خراسان که نهج‌البلاغه را به خراسان آوردند و استنساخ نمودند و مورد بحث قرار دادند، معرفی کرده و اظهار داشتند نخستین کسی که نهج‌البلاغه را به خراسان آورد یعقوب بن احمد نیشابوری بود. او کتاب نهج‌البلاغه را به مردم معرفی کرد و از آن جا که خودش اهل ادب بوده آن را برای ادیبان قرائت می‌کرده است. سایر افراد عبارت‌اند از:

حسن بن یعقوب نیشابوری، علی بن احمد فنجگردی نیشابوری، علی بن زید ابوالحسن بیهقی، محمد بن حسین قطب‌الدین کبیری بیهقی، علی بن ناصر سرخسی، ابوالقاسم محمودبن عمرزمخشری، فخرالدین رازی، حسن بن محمد صنعانی ابوالفضائل، مسعود بن عمر تفتازانی، یحیی بن حمید طائی بخاری، امیرعلی شیرنوی، محمد بن حسین بهاء‌الدین عاملی، سلطان محمود طوسی، محمود بن محمد تقی

در انتهای کتاب پنج فهرست با این عناوین به چاپ رسیده است: فهرست موضوعات، فهرست کتاب‌ها، فهرست اعلام اشخاص، فهرست شهرها و مکان‌ها و آثار مؤلف.

الشریف الرضی محمد بن الحسین الموسوی

عزیزالله عطاردی، حیدرآباد هند، چاپخانه عزیزیه، چاپ اول، ۱۴۰۱ هجری ۱۹۸۱ م، ۳۸ صفحه، رقعی.

نویسنده در این کتاب ابتدا دیدگاه‌های مورخین بزرگی چون نجاشی، ابومنصور الثعالبی النیسابوری، حافظ ابوبکر الخطیب البغدادی، ابوالفرج بن الجوزی، ابن خلکان، ابوالفتح بن جنی النحوی، ابوعلی، حاج میرزا حسین نوری طبرسی، شیخ آقا بزرگ طهرانی، میرزا حبیب‌اله خوبی، علامه حلی، شیخ عباس قمی، ابن ابی الحدید، شیخ عبدالحسین الامینی و... را درباره جامع نهج‌البلاغه محمد بن الحسین الموسوی ملقب به شرف الرضی ذکر کرده و سپس به شرح زندگانی و ویژگی‌های علمی و اخلاقی او با این عناوین پرداخته است:

تولد شریف رضی، تعلیم و تربیت سید رضی، مقام علمی سید رضی، دیانت و عفت شریف رضی، شجاعت و آزادگی سید رضی، شعر و ادب سید رضی، القاب و عناوین سید رضی، نقابت سید رضی، امارت حج، درگذشت سید رضی، آثار سید رضی، مشایخ سید رضی، شاگردان و روایان سید رضی و والدین سید رضی.

عبدالعظیم حسنی (ع) حیات‌ه و مسنده (زندگانی

حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) و روایات او

عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ سوم، ۱۳۷۳، ۳۵۶ صفحه، وزیری.

این کتاب حاوی اطلاعات گسترده‌ای در شناخت حضرت عبدالعظیم است که به روش توصیفی نگارش یافته است مطالب در ۶ فصل تنظیم شده و مؤلف سعی نموده تا تمام مواردی که به نحوی با زندگی آن حضرت مرتبط بوده را در تألیف خود بیاورد. فصل اول در شرح زندگانی حضرت عبدالعظیم است و در فصل دوم آباء و اجداد ایشان معرفی می‌شوند.

فصل سوم حاوی اخبار و روایاتی است که در کتب حدیثی قدیم و جدید با سند از حضرت عبدالعظیم روایت شده‌اند. تعداد این احادیث در مجموع به ۷۹ می‌رسد که همگی به همراه ترجمه درج شده‌اند. فصل چهارم مربوط به مشایخ و اساتید روایتی

مشهدی، محمد رفیع جیلانیف نزیل مشهد، محمدتقی هروی، محمد کظایم مشهدی، هادی بن حسین برجندی، حسن علی بجنوردی، مرتضی مطهری و حاج سید جواد مصطفوی.

عبدالله المامون حیاته و سیرته

عزیرالله عطار دی، چاپ اول: ۱۳۹۱، ۵۴۸ صفحه، وزیری.

مامون از مادری خراسانی به دنیا آمد. در بار هارون بزرگ شد و همراه با او به خراسان رفت. پس از درگذشت هارون، میان امین که در بغداد بود و مامون که در خراسان بود بر جانشینی اختلاف شد و سرانجام با پیروزی سپاه مامون به سرکردگی طاهر ذوالیمینین، حکومت مامون مستقر شد.

این کتاب، بخشی از کتاب تاریخ عظیم خراسان محسوب می شود که تألیف استاد عطار دی است و به شرح حوادث دوران مامون، به ویژه آنچه بین مامون و رجال آن زمان اتفاق افتاده، به نقل از منابع گوناگون تاریخی می پردازد.

عصر مامون که تمدن اسلامی در عرصه های گوناگون علم و تحقیق و تربیت دانشمندان، فیلسوفان و ادیبان و فقهیان و متکلمان و نیز در عرصه هنر و معماری و فرهنگ، پیشرفت شگرفی داشت، موجب آشنایی و تعارف با ملل مختلف و تضارب فرهنگ های متنوع گردید. چهره مامون عباسی در این کتاب به صورت واقع بینانه ای، زشتی ها و نیکویی هایش ترسیم شده است.

غریب الحدیث فی تاج العروس (۳ جلد)

عزیرالله عطار دی، حیدرآباد، دکن - هند، چاپ اول، ۱۴۰۳ هجری - ۱۹۸۳ م، ۴۸۰ صفحه، وزیری.

کتاب تاج العروس حاوی لغات مشکل، ناآشنا و دیرفهمی است که برای خواننده آن کمی زحمت به همراه دارد لذا برای سهولت در مطالعه این کتاب گرانقدر مؤلف محترم لغات مشکل آن را گردآورده و آن «غریب الحدیث فی التاج العروس» نام گذارده است که در موضوع خویش کتاب مفید و سودمندی است.

این کتاب دارای دو ویژگی است:

۱- آنکه در توضیح لغات نهایت اختصار را مراعات نموده و از هر گونه زیاده گویی و اطناب پرهیز نموده است.

۲- برای سهولت در دستیابی معانی لغات از روش الفبایی مرسوم استفاده کرده است و از ترتیبی که خود مؤلف تاج

العروس بکار برده است پرهیز نمود، بدین صورت که بعنوان مثال کلمات «علم» و «مدن» را به ترتیب در باب عین و میم آورده است، حال آنکه مؤلف کتاب تاج العروس آن ها را در باب های میم و نون آورده است و یادآوری می شود که مؤلف در مقدمه این کتاب اسامی یکصد و ده تن از دانشمندان علوم بلاغت و صرف و نحو از قرن اول تا دوازده (قرن تولد مؤلف تاج العروس) همراه با مؤلفات آنان را آورده است.

فرهنگ خراسان: بخش طوس، مشهد مقدس، نوقان، طابران، تباکان و اردکان (جلد ۱-۷)

عزیرالله عطار دی قوچانی، تهران، عطار، چاپ اول ۱۳۸۲، ۴۱۴+۶۳۲+۶۷۴+۶۸۴+۶۸۰+۶۸۸+۷۳۲ صفحه، وزیری.

فرهنگ خراسان مجموعه ای است که بخش نخست آن در هفت جلد مفصل به چاپ رسیده و در آن اطلاعاتی در باب ابعاد گوناگون شهر مشهد، اعم از اوضاع علمی، فرهنگی، سیاسی، هنری و سیر تاریخ این شهر درج گردیده است. بخش نخست این مجموعه مربوط به طوس بوده که در برگیرنده مشهد مقدس، نوقان، طابران، تباکان و اردکان است. در دو جلد اول کتاب، اطلاعاتی درباره سوابق تاریخی، اوضاع جغرافیایی و فرهنگی، بنای شهر مشهد، اماکن متبرکه، مساجد، مدارس، دانشگاه ها، کتابخانه ها، کشاورزی، دامداری، صنعت، بهداشت و درمان، هنر و صنایع و سازمان های خدماتی درج شده، سپس در پنج جلد بعدی شرح حال و آثار و اقدامات رجال علم و ادب، عرفان، هنر و سیاست مشهد و یا شخصیت هایی که در طول تاریخ در مشهد بوده اند یا از خود در این شهر اثری باقی گذاشته اند آورده شده است.

جلد اول بخش نخست «فرهنگ خراسان» شامل سیزده فصل است:

۱- طوس، نوقان، طابران، اردکان، سناباد

۲- مشهد مقدس و تحولات آن از زمان بناء تا زمان حاضر

۳- اماکن متبرکه (قبر مطهر امام، ضریح، حرم، گبد رضویه، مناره ها، رواق دارالشکر، رواق دارالسیاده، رواق دارالسلام، رواق دارالذکر، سایر رواق ها، صحن کهنه، نو، بست ها، کتابخانه ها، موزه، مدارس دینی، مهمان سرا)

۴- فضاهای زیارتی در ادوار مختلف از قرن نهم تا چهاردهم.

۵- احداث فلکه اول

۶- تخریب بزرگ سال ۱۳۴۵

نفت و گاز در مشهد؛ راه‌های ارتباطی مشهد؛ بیلاق‌ها، خوار و بار و مواد غذایی؛ ملیت‌ها؛ انقلاب اسلامی در مشهد؛ مشهد در دفاع مقدس؛ اسامی شهدا و ایثارگران؛ جهانگردان خارجی در مشهد؛ بخش طرقله از توابع مشهد، شهرستان چناران شهرک گلپهار؛ غارهای ناحیه مشهد، صفحات پایانی به نمایه اسامی و مکان‌ها اختصاص یافته است و در صفحات میانی نیز عکس‌های رنگی از اماکن علمی موسسات معرفی شده و جاهای دیدنی و مذهبی و گذرگاه‌ها و میدان‌ها و... مشهد به چاپ رسیده است.

جلد سوم از این مجموعه در برگزیده حروف «آ» تا «ج» است. تنی چند از شخصیت‌های معرفی شده در این جلد عبارتند از: آقا بزرگ، ابراهیم قطیفی، ابراهیم میرزا صفوی، ابوالحسن حافظیان، ابوسعید گورکانی، ابوعلی سیمجور، ابوالقاسم کاشانی، حاج میرزا احمد خراسانی، احمد طوسی، احمد بهار، احمد بهمنیار، احمد علی خانه راجه محمود آباد، احمد گلچین معانی، احمد بن محمد غزالی، ارسلان جاذب، ارغون خان در مشهد، اسماعیل صفوی در مشهد، اعتماد السلطنه، القاص میرزا، الله‌وردی خان، اللهیار خان آصف الدوله، آلب ارسلان، الغ بیک تیموری، امامقلی خان، امیر چوپان، ایرج میرزا، بابر، بایسنغر، تکش خوارزمشاه، جابرین حیان طوسی، سید جلال الدین تهرانی، جمال الدین اسدآبادی، میرزا جوادآقا تهرانی، جواد خامنه‌ای و جواد فلاطوری. صفحات پایانی به فهرست مطالب و نمایه اشخاص و مکان‌ها اختصاص دارد و این جلد حاوی ۴۵۳ شرح حال است.

در جلد چهارم از بخش نخست مجموعه فرهنگ خراسان شرح حال و اقدامات و آثار برخی دیگر از مشاهیر و حکام و روالیان مشهد، به ترتیب الفبای نام تنظیم شده است.

این جلد در برگزیده حروف «ح» تا «ص» است و تنی چند از مشاهیر معرفی شده در این جلد، بدین قرارند: حاج میرزا حبیب‌الله مشهدی، حسام السلطنه، حسن خان سالار، حسن زنوزی، حاج آقا حسن طباطبایی، شیخ حسنعلی اصفهانی، حسنعلی میرزا حاکم خراسان، حسن بن اسحاق فردوسی خالق شاهنامه، حسن بن علی نظام الملک طوسی، حسین خان سپهسالار، حسین صفوی، حسین طباطبایی قمی، حسین میرزا، رافع بن هرثمه، ربع بن خثیم، رضا شاه و اقدامات او در مشهد، رضاقلی میرزا، سبکتکین، سلیمان صفوی، سنجر سلجوقی، شاهرخ تیموری، شاهرخ نادری، شهاب الدین غوری، صادق خان شقاقی، صادق رضوی، صدرالدین صدر، صدرالدین

۷- طرح توسعه حریم رضوی

۸- طرح مسکن سازان خراسان

۹- خیابان‌ها، میدان‌ها، بزرگراه‌ها، زیرگذرها و محلات مشهد،

۱۰- مساجد مشهد مقدس

۱۱- حسینیه‌ها و تکیه‌های مشهد مقدس

۱۲- مزارات مشهد مقدس

۱۳- آثار تاریخی منطقه طوس (هارونی در طول و رباط طرق). کتاب با عکس‌هایی رنگی از آثار تاریخی و اماکن دینی و چشم‌اندازهای مشهد و حوالی آن همراه شده و با نمایه اسامی به پایان می‌رسد.

در جلد دوم از بخش نخست مجموعه فرهنگ خراسان اطلاعاتی در باب اوقاف، مراکز فرهنگی و موسسات علمی و تمدنی درج شده که از آن جمله است: موقوفات مشهد مقدس (شامل موقوفات فرهنگی، کشاورزی و دامداری، باغ‌ها، صنعتی، درمانی و بهداشتی، امدادی، مهمانسرا، مستقالات و اوقاف مشهد، منابع و مأخذ موقوفات) مدارس علوم دینی مشهد (دو درب، پریزاد، نواب، عباسقلی خان، خیرات خان، میرزا جعفر، رضوان، بالاسر، فاضل خان، حاج حسن، عبدالله خان، قدمگاه ملاتاجر و مدارس دیگر، خصوصیات حوزه‌های علمیه مشهد) آموزش و پرورش مشهد مقدس (شامل معرفی دبستان‌ها، راهنمایی‌ها، دبیرستان‌ها، دانشراها. تربیت معلم) دانشگاه مشهد و دانشگاه آزاد، کتابخانه‌های مشهد (کتابخانه رضویه، کتابخانه مدرسه نواب، کتابخانه مسجد گوهرشاد، فرهنگ، مدرسه خوبی، مدرسه میرزا جعفر، مدرسه سلیمان خان، مدرسه خیرات خان، دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات، دانشکده ادبیات و کتابخانه‌های سایر دانشکده‌ها و دانشگاه‌های مشهد) روزنامه‌های مشهد از آغاز تا امروز؛ چاپخانه‌های مشهد از آغاز تا امروز؛ صدوسیمای مشهد؛ هنر و صنایع دستی؛ آموزشگاه‌های حرفه‌ای و فنی؛ منابع آب؛ برق مشهد؛ تجارت؛ کشاورزی و دامداری؛ صنایع و کارخانجات، مخابرات و پست، جهاد سازندگی؛ بنیاد مسکن؛ تربیت بدنی؛ شهرداری؛ هلال احمر؛ بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و مراکز درمانی و بهداشتی مشهد؛ بنیاد شهید؛ موسسات و سازمان‌های خیریه؛ صندوق‌های قرض الحسنه؛ انجمن‌ها از آغاز تا عصر حاضر؛ احزاب و گروه‌های سیاسی؛ تالارهای و باشگاه‌ها؛ سینماها و تماشخانه‌ها؛ وسایل نقلیه موتوری؛ هواپیما و فرودگاه؛ راه آهن؛ پایانه مسافربری؛ سازمان اتوبوسرانی؛ مهمانخانه‌ها و مسافرخانه‌ها؛ باغ‌ها و بوستان‌ها؛ آب انبارها و یخچال‌ها، آسیاب‌های مشهد؛ گرمابه‌های مشهد؛

در آخرین جلد از بخش نخست مجموعه «فرهنگ خراسان» شرح حال و آثار و اقدامات ۳۵۱ نفر از مشاهیر و رجال علمی سیاسی، تاریخی، مذهبی، اجتماعی و ادبی مشهد از نیمه حرف «م» تا «ی» آمده که برخی از آنان عبارتند از: محمد بن حسن ابوجعفر طوسی، محمد بن علی ابوجعفر صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی عمادالدین، محمد تبادکانی، محمد بن محمد خواجه نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد غزالی طوسی، محمود جم، محمود حلبی، مشهدی، محمود خان ناصرالملک، سلطان محمد غزنوی، محمود فرخ، محی الدین طوسی، مرتضی مطهری، مرشد قلی خان مسعود میرزا ظل السلطان، مسیح تهرانی، ملک‌شاه سلجوقی، منوچهر اقبال، موسوی عزالدین زنجانی، مهدی غروی اصفهانی، مهدی خراسان واعظ، نادرشاه افشار، ناصرالدین شاه، نورالله شوشتری، واعظ طبسی، هارون الرشید، هاشم نجف آبادی، یعقوب لیث صفاری و یونس اردبیلی، صفحات پایانی به فهرست منابع، فهرست مطالب و نمایه اسامی اختصاص دارد.



گرد آورندگان سخنان امیرالمؤمنین (ع) قبل از

سید رضی

عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات عطارد، چاپ اول ۱۳۷۲، ۵۷ صفحه، رقعی.

از امیرالمؤمنین خطبه‌ها و سخنان فراوانی و نیز نامه‌ها و فرمان‌هایی در کتب تاریخ و اخبار و آثار روایت شده است این خطبه‌ها در موضوعات مختلف وارد شده‌اند بعضی در توحید و خداشناسی و صفات الهی، بعضی درباره پیامبران و سفیران خداوند پاره‌ای از خطبه‌ها نیز درباره فضایل اخلاقی و آداب اجتماعی و فردی مسلمانان و... می‌باشد.

شیرازی، صدق الدوله، صفا اصفهانی، شاه صفی صفوی و صمصام السلطنه بختیاری. صفحات پایانی به نمایه اشخاص و مکان‌ها اختصاص دارد. در این جلد ۴۲۸ شرح حال آمده است.

پنجمین جلد از بخش اول مجموعه فرهنگ خراسان شامل شرح احوال و آثار و اقدامات ۴۵۵ تن از مشاهیر مشهد و با شخصیت‌هایی که در مشهد بوده و یا اثری از خود در مشهد باقی گذاشته‌اند، می‌باشد که به ترتیب الفبای نام اشخاص تدوین شده است. جلد حاضر در برگیرنده حروف «ط» تا «ف» است. مشاهیر و رجال علمی، سیاسی، تاریخی، مذهبی، اجتماعی و ادبی معرفی شده در این جلد عبارتند از: طالب الحق، طغا تیموریان، طهماسب صفوی، عابدزاده، شاه عباس صفوی، عباس میرزا قاجار، شیخ عباس قمی، علامه عبدالحسین امینی، عبدالحمید موسوی، عبدالرحمان خانه در مشهد، عبدالعالی کرکی، عبدالعزیز طباطبایی، عبدالعظیم ولیان، عبدالکریم هاشمی نژاد، عبدالله شوشتری، عبدالله خان ازبک، عبدالله شیرازی، عبدالله قندهاری، عبدالله جزائی، عبدالمؤمن خان، عبدالوهاب آصف الدوله، عبید خان ازبک، عسکری امام جمعه مشهد، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، سیدعلی خان مدنی، علی شاه افشار، علی شریعتی، علی شیرنوی، غازان خان، غلامحسین تبریزی، غیاث الدین غوری، فتحعلی خان قاجار، فتحعلی شاه قاجار، فتح الله پاک روان، فضائل اصفهانی، فضل بن حسن طوسی، فضل بن ربیع، فضل بن روزبهان، صفحات پایانی به فهرست مطالب و نمایه اشخاص و مکان‌ها اختصاص دارد.

در جلد ششم از بخش نخست مجموعه فرهنگ خراسان شرح احوال، آثار و اقدامات ۴۶۵ تن از مشاهیر مشهد، از ادامه حرف «ف» تا نیمه حرف «م» براساس نام کوچک افراد فراهم آمده که برخی از آنان بدین قرارند: فضل بن محمد طوسی، فیض الله تفرشی، قحطبه بن شیبب، گوهرشاد، مامون عباسی، موید آبه، مویداالاسلام، مویداالملک طوسی، حاج شیخ مجتبی قزوینی، محدث ارموی، محسن صدراالاشراف، محسن فیض کاشانی، محقق واعظ، محمد خدابنده، محمدباقر داماد (میرداماد) محمدباقر رضوی، محمد باقر مجلسی، محمدتقی بهار، محمدتقی جعفری، محمدتقی مصطفوی، محمدخان شیببانی، محمد خان قاجار، محمدخان دولو، محمدرضا شاه و مشهد، شهید محمدرضا سعیدی، محمد شاه قاجار، محمد علی حزین، محمد قوام الدوله، محمدکاظم آخوند خراسانی، محمدکاظم ملک النجار، محمدمحسن آغابزرگ تهرانی، محمد مهدی استرآبادی، محمدمهدی بحرالعلوم، محمدمهدی شهید، محمدولی خان اسدی، محمدولی میرزا، محمدهادی میلانی، محمد همایون تیموری و محمدبن حسن حر عاملی، در پایان نمایه اسامی و جاها درج گردیده است.

عدم وجود کتاب فارسی در حالات و خصوصیات این بانوی بزرگ مبادرت به تألیف کتاب فوق نموده است.

در این کتاب به اختصار مطالبی پیرامون شرح زندگانی و فضایل اخلاقی و کرامات معنوی و نیز خصوصیات آرامگاه سیده نفیسه بیان گردیده که اهم عناوین مطرح شده عبارتند:

تولد سیده نفیسه، تربیت سیده نفیسه، ازدواج سیده نفیسه، موقعیت سیده نفیسه در مکه، نفیسه در بیت المقدس، سید نفیسه در مصر، فضایل سیده نفیسه، گفته‌های علمای درباره نفیسه، وفات سیده نفیسه، روضه مبارکه سیده نفیسه، توجه اولیاء به مشهد نفیسه، تاریخ بنای روضه سیده نفیسه، کرامات سیده نفیسه، سخنان جهانگردان، حسن بن زید پدر نفیسه، مادر سیده نفیسه، برادران سیده نفیسه و اسحاق مؤتمن شوهر نفیسه

اللغات الفارسیة المعریة فی تاج العروس

عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۴، ۱۷۶ صفحه، وزیری.

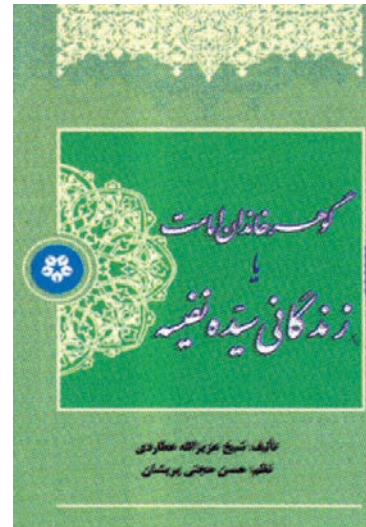
اگر چه ارتباط کشورها با همسایگانشان در گذشته به سهولت امروز نبوده است امپراتوری ایران باتوجه به اینکه در مقطعی از تاریخ یکی از چند قدرت برتر جهان بوده و در طول تاریخ به عنوان سرزمین مستقلى بوده است که ممالک و قبایل همسایه در تحت نفوذ و سیطره آن بوده‌اند، بنابراین فرهنگ و زبان فارسی در بسیاری از فرهنگ‌های جهان گسترش یافته است و کم نیستند واژه‌ها و کلمات فارسی که در زبان عربی و هندی و اروپایی راه یافته و جزئی از آنها شده‌اند، خصوصاً باتوجه به لشکرکشی‌های سلطان محمود غزنوی به هندوستان و پس از آن هجوم شاعران و ادیبان پارسی‌گویی که قند پارسی را به بنگاله بردند.

شکر شکن شوند همه طوطیان هند

زین قند پارسی که به بنگال می‌رود

و همچنین دانشمندان مسلمانی که برای ترویج اسلام از ایران به هندوستان کوچ کردند سبب شیوع اصطلاحات و کلمات فارسی در هندوستان شدند و مؤلف تاج العروس نیز که خود ادیب و دانشمند بزرگی است، از این خوان گسترده بهره‌ها برده است. وی چون مؤلفات خویش را به عربی نگاشته است، این اصطلاحات فارسی را به تعریب در تاج العروس آورده است و برای خواننده ناآشنا یا کسی که آشنایی اندکی به

از زمان امیرالمؤمنین گروهی خطابه‌های آن حضرت را ثبت نموده و در مجموعه‌هایی گردآورده‌اند هدف آنها از چنین اقدامی آن بود که آیندگان نیز از سر چشمه‌های فضیلت و دانش سیراب نمایند و مسیر رشد و تکامل را برای آنان هموار سازند. مؤلف محترم در این کتاب مختصراً به معرفی هشتاد تن از محدثانی که قبل از سید رضی به جمع‌آوری خطابه‌ها و سخنان امام علمی همت گماردند، پرداخته که نخستین کسی که خطابه‌های امام علی را جمع‌آوری کرده و کتابی در این زمینه تألیف نموده، حارث اعور همدانی می‌باشد.



گوهر خاندان امامت یا زندگانی سیده نفیسه

عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول ۱۳۷۳، ۱۰۵ صفحه، رقعی.

یکی از زیارتگاه‌های مشهور و معروف شهر بزرگ و باستانی قاهره، پایتخت کشور مصر بارگاه مقدس سیده نفیسه دختر حسن بن زیدبن حسن بن علی بن ابیطالب و همسر اسحاق مؤتمن فرزند حضرت امام صادق است. این روضه منوره بیش از هزار و دویست سال است که زیارتگاه اهالی مصر بوده و دوستان اهل بیت پیغمبر اکرم در آن مقام مقدس و مکان پاک به عبادت و پرستش خداوند متعال می‌پردازند.

نگارنده در سال ۱۳۵۳ پس از انجام مناسک حج و دیدار از یمن برای تحقیق و مطالعه در کتابخانه‌های مصر وارد قاهره شد و در ضمن زیارت مشاهد مشرفه مصر، روضه مبارکه سیده نفیسه را نیز زیارت نموده و پس از مراجعه از مصر باتوجه به

این سابقه دارد، برخورد با این اصطلاحات شگفت می‌نماید. لذا مؤلف این کتاب بر آن شده است که لغات فارسی معرب تارج العروس را با توجه به ریشه واژه‌ها از منابع و ماخذ مربوطه استخراج و به ترتیب الفبا در اختیار علاقه‌مندان به تاریخ و تأثیر نفوذ زبان فارسی در جهان قرار داده؛ در مقدمه نیز شرح حال کامل مؤلف کتاب «تاج العروس» را آورده است.



مسند الامام امیر المؤمنین (ع) (۲۷ جلد)
عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول
۱۳۸۶، وزیری.

این اثر از سلسله موسوعه «مسانید اهل بیت» است و احادیث و اخبار این مجموعه از مصادر موثق و مورد اعتماد شیعه و سنی جمع‌آوری شده و در ۲۷ جلد به چاپ رسیده است. در آغاز این مسند فصولی در زندگانی، فضائل، مناقب و دیگر ویژگی‌های امام علی (ع) نگاشته شده و سپس احادیث مسند روایت شده، با ذکر منابع و سلسله روات بیان شده است. فصل‌بندی ابواب این اثر به روش قدمای از محدثین است.

مصنف «مسند الامام امیر المؤمنین (ع)»، اخبار امام علی (ع) را از همه مصادر نقل کرده است، از جمله از صحاح سته و مسنداتی نظیر «احمد بن حنبل» و ... که

تمام اخبار علی (ع) در این آثار نقل شده است.

اخبار البلدان، آثار محدثین، کتب بزمی و ... از دیگر منابع جمع‌آوری مسندات بوده است که به طور مفصل و جامع در ۲۷ جلد تدوین شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.



مسند فاطمة الزهراء (س)

عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول ۱۴۱۳ هجری، ۶۱۵ صفحه، وزیری.

اثر فوق از سلسله موسوعه «مسانید اهل بیت» است. احادیث و اخبار این مجموعه از مصادر موثق و مورد اعتماد شیعه و سنی جمع‌آوری شده و از سه فصل کلی تشکیل شده است.

فصل اول: شرح مفصل زندگانی حضرت فاطمه زهرا مانند: ولادت حضرت زهرا، عبادات حضرت زهرا، جایگاه و مقام ایشان در نزد پدرش، فضایل و مناقب حضرت زهرا، ازدواج حضرت زهرا، مصحف فاطمه، مقام و منزلت ایشان در محشر، آنچه اتفاق افتاده برای ایشان در ماجرای سقیه و فدک، وفات حضرت زهرا و ...

فصل دوم: مجموع روایات و احادیث

آورده از حضرت فاطمه زهرا در مسائل مختلف مانند: علم، امامت، فضایل اهل بیت، غیبت امام (عج)، فضایل شیعه، صفات مؤمن، دعا، حرز فاطمه، مناظرات، نماز، حج، حکمت‌ها و موعظه‌ها و ... که براساس موضوع تنظیم شده‌اند.

فصل سوم: در این فصل اسامی تعداد بیست و نه تن از راویانی که از حضرت زهرا حدیث کرده‌اند، براساس حروف الفبا همراه با شرح حال اندکی از آنها فراهم آمده است.



مسند الامام المجتبی (ع)

عزیزالله عطاردی، چاپ اول ۱۳۷۳، ۸۰۲ صفحه، وزیری.

اثر فوق از سلسله موسوعه «مسانید اهل بیت» است که حاصل تلاش و سخت‌کوشی استاد مرحوم عزیزالله عطاردی می‌باشد. احادیث و اخبار این مجموعه از مصادر موثق و مورد اعتماد شیعه و سنی جمع‌آوری شده است. کتاب مسند الامام المجتبی در سه فصل کلی تقسیم شده است. فصل اول، در زندگانی امام حسن و فضائل و مناقب ایشان و نصوصی که بر امامت آن حضرت دلالت دارد و همچنین وقایع اتفاق افتاده میان امام حسن



و کرامات حضرت امام زین العابدین پرداخته است. کتاب از «باب ولادته» آغاز می‌شود و با باب «باب الرواء» پایان می‌پذیرد. وی با استناد به روایات و حکایات متعدد مطالبی درباره ولادت، نص امامت، علم، مناظرات امام با بوحنیفه، عبدالله بن حسن، عمر بن علی، حسن بن حسن و جابر به چاپ رسیده و همچنین به عبادات، دعاها و مناجات آن بزرگوار اشاره شده است.

در مجموع از حضرت سجاد ۱۶۶ حدیث نقل شده است و از ۲۳۷ تن از یاران و اصحاب و راویان آن حضرت سخن رفته است.

مسند الامام الباقر ابی جعفر محمد بن علی (ع) (جلد ۶-۱)

عزیزالله عطار دی قوچانی، تهران، عطار دی، چاپ اول ۱۳۸۲، ۵۵۶ + ۵۵۶ + ۵۴۰ + ۵۹۲ + ۵۶۴ + ۵۷۴، صفحه وزیری.

«مسند الامام الباقر (ع)» مجموعه‌ای از احادیث و روایات شیعه در باب اعتقادات، معارف و مسائل فقهی اسلام به ویژه مکتب تشیع است که به زبان عربی تدوین شده است. در جلد نخست آن

جلد اول کتاب درباره فضایل آن حضرت و قیام اوست و برخی از عناوین آن چنین است: نام‌ها و القاب آن حضرت، امامت آن حضرت، سید الشهدا بودن آن حضرت، امتناع آن حضرت از بیعت فرستادن مسلم بن عقیل به کوفه، رخدادهایی در مسیر مکه و قادسیه، وارد شدن آن حضرت به کربلا و محاصره آن حضرت.

جلد دوم با بحث از رخدادهای شب و روز عاشورا آغاز می‌شود و در ادامه از شهادت آن حضرت و اصحاب و خانواده‌اش سخن رفته است. آنگاه روایات درباره رخدادهای بعد از شهادت و اسارت اهل بیت آمده و سپس در باب زیارت آن حضرت و متن چند زیارت و پاداش گریستن نقل شده است.

جلد سوم با روایاتی درباره پاداش یاد کردن امام حسین، فضیلت کربلا، دست اندازی‌هایی به قبر امام و تعداد فرزندان و مدت حیات او آغاز می‌شود. آن گاه ذیل عنوان «باب النوادر فی قیام الحسین» نظر چند تن از اعلام (عبدالله بن جعفر، ربیع خثیم، سلیمان بن صرد، میثم تمار و...) درباره آن حضرت و قیام او آمده است سپس احادیث آن حضرت به صورت موضوعی ارائه شده است و در ادامه مختصری به شرح حال روایت کنندگان از امام پرداخته است. پایان بخش کتاب مرثیه‌های شاعران در سوگ آن حضرت است.

مسند الامام السجاد (ع)

(جلد ۲-۱)

عزیزالله عطار دی، تهران، عطار دی، چاپ اول ۱۳۷۹، ۵۲۴ + ۵۲۴، صفحه، وزیری. نویسنده در این کتاب به شرح گوشه‌هایی از زندگی، مناقب، فضایل

و معاویه و به ویژه صلح امام با معاویه، جریانات رخ داده بین امام و اصحاب ایشان و نیز شهادت حضرت و فرزندان همسران و اصحاب ایشان است. فصل دوم مشتمل بر احادیث و روایاتی است که از امام حسن در مسائل مختلف نقل شده است؛ مانند توحید، امامت، احکام و سنن و آداب که براساس موضوع و باب چیده و تنظیم شده‌اند که اولین موضوع عقل و آخرین موضوع الحکم و الاداب می‌باشد. فصل سوم، معجم روایاتی است که از امام حسن حدیث نقل کرده‌اند چه اینکه این احادیث مرسل باشند و چه متصل. در این بخش اسامی تعداد ۱۱۳۸ راوی همراه با شرح حال اندکی از آنها به شکل حروف الفبا فراهم آمده است.



مسند الامام الشهدی ابی عبدالله الحسین بن علی (ع) (جلد ۳-۱)
عطار دی عزیزالله، تهران، انتشارات عطار دی با همکاری رابطه الثقافه و العلاقات الاسلامیه و بنیاد شهید انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۶، ۵۳۱ + ۵۷۱ + ۵۰۴، صفحه.

مطالب کتاب از سه بخش تشکیل شده است ۱- زندگی و قیام و شهادت امام و کسانی که با او شهید شدند ۲- احادیث امام ۳- معجم روایت کنندگان از امام از این رو کتاب حاضر در شمار کتاب‌های تاریخی - روایی و رجالی به شمار می‌رود.

رسیده از ایشان می‌پردازد. کتاب سه جلدی «مسند الامام الكاظم» از سه بخش کلی تشکیل شده است. بخش اول: زندگانی امام هفتم و فضایل و مناقب ایشان و نصوصی که بر امامت آن حضرت دلالت دارد و همچنین وقایع اتفاق افتاده میان امام کاظم و حاکمان زمان ایشان منصور، مهدی و رشید و نیز شهادت حضرت فرزندان و برادران ایشان و... . بخش دوم: احادیث و روایاتی که از امام موسی کاظم در مسائل مختلف مانند: توحید، علم و معرفت، عقل، امامت و ولایت، ایمان و کفر و... و سنن و آداب که براساس موضوع تنظیم شده‌اند. بخش سوم: معجم روایانی که از امام کاظم حدیث نقل کرده‌اند که براساس حروف الفبا و همراه با شرح حال اندکی از آنها فراهم آمده است.

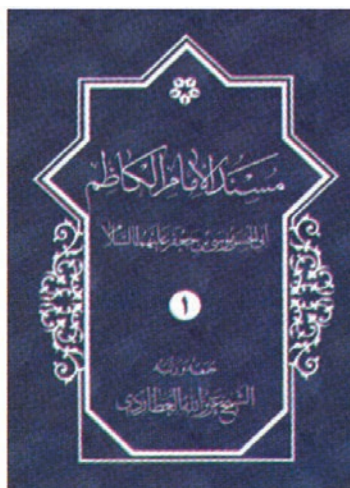


مسند الامام الرضا ابی الحسن
علی بن موسی (ع) (جلد ۱-۲)
عزیرالله عطار دی، بیروت، مؤسسه الوفاء،
چاپ اول ۱۴۰۳ هجری - ۱۹۸۲ م، ۶۰۵
صفحه، وزیری.

مطالب کتاب مسند الرضا از چند بخش
تشکیل شده است. نویسنده در مقدمه

مجموعه عظیم «مسند الامام الصادق»
به تاریخ زندگانی امام صادق و فضائل و
مناقب و اخبار و روایات رسیده از ایشان
می‌پردازد که از سه بخش کلی تشکیل
شده است.

بخش اول: زندگی امام ششم و فضایل
و مناقب ایشان و نصوصی که بر امامت
آن حضرت دلالت دارند و همچنین وقایع
اتفاق افتاده میان امام صادق و حاکمان
زمان ایشان و نیز شهادت آن حضرت و
فرزندان... . بخش دوم: احادیث و روایاتی
که از امام صادق در مسایل مختلف وارد
شده براساس موضوع تنظیم شده‌اند.
بخش سوم: معجم روایانی که از امام
صادق حدیث کرده‌اند، طبق حروف الفبا
و همراه با شرح حال اندکی از آنها فراهم
آمده است.



مسند الامام الكاظم ابن الحسن
موسی بن جعفر (ع) (جلد ۱-۳)
عزیرالله عطار دی، مشهد، کنگره جهانی
حضرت امام رضا، چاپ اول، ۱۴۰۹
هجری، ۵۲۱ صفحه، وزیری.

کتاب حاضر از سلسله «مسانید اهل
البیت» است که به تاریخ زندگانی امام
هفتم و فضایل و مناقب و اخبار و روایات

این موضوعات درج گردیده است: عقل،
علم، توحید، انبیاء امامت و غیبت امام زمان
(عج). در جلد دوم از «مسند الامام الباقر»
احادیث دیگری در ارتباط با فضایل اهل
بیت، اصحاب پیامبر و فضایل شیعه درج
گردیده است. همچنین برخی احادیث نیز
با موضوع ایمان و کفر، آداب و معاشرت
در آن جمع آمده است. مطالب پایانی
کتاب درباره مواعظ و تفسیر قرآن است.
جلد سوم این مجموعه متضمن احادیث و
روایاتی در ارتباط با آیات قرآنی و دعاهای
مختلف است که در پی آن چند احتجاج و
گفت و گو میان امام باقر و اشخاص دیگر
درج گردیده و سپس روایاتی نیز در باب
طهارت آورده شده است.

در جلد چهارم «مسند الامام الباقر»،
احادیث و روایاتی چند با این موضوعات
فراهم آمده است: نماز، روزه، معیشت،
سفر، حج، زیارت، جهاد و نکاح. بدین
ترتیب طی مباحث کتاب، به احکام مربوط
به موضوعات یاد شده اشاره می‌شود.

جلد پنجم از «مسند الامام الباقر» احادیث
و روایاتی چند با این موضوعات جمع
آمده است اولاد، تجمل و زینت، دواب
(حیوانات) اطعمه، اشربه، عتق (زاد کردن
بنده) صید و بذخ، قضاوت و شهادت، ایمان
و نذور، حدود، دیه، وصیت، مواریث و مانند
آن. در جلد ششم از «مسند الامام الباقر»
روایاتی از امام باقر که از جانب فرقه‌های
زیدیه، اسماعیلیه و اهل سنت نقل شده -
درج گردیده است این روایات در ارتباط با
پاره‌ای از احکام شرعی و فقهی است.

مسند الامام الصادق (ع)
(جلد ۱-۲۲)

عزیرالله عطار دی، تهران، عطار، چاپ
اول ۱۳۸۴، وزیری.

۴۰۰ صفحه وزیری.

مطالب کتاب از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول، شامل شرح زندگانی امام هادی و فضایل و مناقب و نصوصی که دلالت بر امامت ایشان دارد و نیز ماجراهایی که بین ایشان و خلفای زمان ایشان اتفاق افتاده و همچنین شهادت آن حضرت و اولاد و برادرانش می باشد.

بخش دوم: اخبار و احادیثی که از امام هادی در موضوعات مختلف مانند توحید، امامت، آداب و سنن و... که براساس موضوع و باب تنظیم شده که اولین آن «باب التوحید» و آخرین آن «باب الحکم و الاداب» می باشد. بخش سوم، معجم راویانی که از امام هادی حدیث نقل کرده اند که تعداد آنها به ۱۸۰ نفر می رسد، همراه با شرح کوتاهی از آنان فراهم آمده است.



مسنده الامام العسکری (ع)

عزیزالله عطاردی، بیروت، دارالصفوه، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق، ۱۹۹۳ م، ۳۷۱ صفحه، وزیری.

کتاب حاضر از سلسله «مسانید اهل بیت» است که به تاریخ زندگانی امام حسن عسکری (ع) و فضایل و مناقب و اخبار

هموار سازد. این کتاب جزء سلسله مسانید اهل بیت است که همه احادیث معصومان را به تفکیک در برمی گیرد.

کتاب حاضر دارای چهل باب است که هر یک به احادیثی خاص در یک موضوع اختصاص یافته است و از احادیث مربوط به ولادت امام آغاز می شود و به باب مواعظ و حکم حضرت پایان می یابد.

پس از این ابواب چهل گانه، راویان حضرت یکایک معرفی شده اند در این قسمت گزارش احوال یکصد و بیست و یک تن آمده است. شرح حال برخی در حد چند سطر و برخی نیز بیش از چند صفحه است برای مثال شرح حال عبدالعظیم حسنی نزدیک به ده صفحه و ابوصلت حدود دوازده صفحه و دعبل خزاعی چهار صفحه از کتاب را به خود اختصاص داده و پایان بخش کتاب فهرست منابع است.

این کتاب به مناسبت و با حمایت های معنوی کنفرانس جهانی امام رضا فراهم آمده و اینک به چاپ دوم رسیده است.



مسنده الامام الهادی (ع)

عزیز الله عطاردی، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا، چاپ اول، ۱۴۱۰ هجری

با اشاره به لزوم تمسک به اهل بیت در شناخت اسلام، فضیلت دانش حدیث و تدوین حدیث در مذهب اهل بیت به تبیین طرق روایی خود از عالمان شیعه و سنی پرداخته و سپس با تکیه بر متن روایات با فشرده گی و دقت تمام زندگانی حضرت رضا را از ولایت تا شهادت شرح نموده است.

بخش دیگر کتاب اختصاص به احادیث و روایات وارده از امام رضا در مسائل مختلف مانند عقل و علم و فضیلت کسب دانش خدائشناسی و صفات ثبوتی و سلیمی و مسایل مربوط به توحید، حالات پیامبران الهی و زندگی و خصوصیات آنها، امامت و خلافت و خصوصیات امام بر حق و منصوص از اهل بیت، فضایل اخلاقی و خصال پسندیده و ناپسند، آداب و مواعظ، تفسیر قرآن و معانی آیات شریفه، ادعیه، احتجاجات و مناظرات و... دارد که براساس موضوع تنظیم شده اند و مجموع روایات وارده از حضرت رضا در این بخش حدود دو هزار و چهارصد و پنجاه حدیث است.

بخش پایانی معجم راویانی است که از امام رضا حدیث کرده اند چه این که این احادیث مرسل باشند و چه متصل. در این بخش اسامی تعداد سیصد و سیزده راوی همراه با شرح اندکی از آنها به شکل حروف الفبا فراهم آمده است.

مسنده الامام الجواد (ع)

عزیز الله عطاردی خوشانی، بیروت، دارالصفوه، چاپ دوم ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۳ م، ۳۵۵ صفحه وزیری.

گرد آورنده کوشیده است همه احادیثی را که به امام منسوب است در یکجا گردآورد و به این ترتیب راه محققان این حوزه را

و روایت رسیده از ایشان می‌پردازد. کتاب «مسند الامام عسکری» از سه فصل کلی تشکیل شده است. فصل اول در زندگانی امام حسن عسکری و فضائل و مناقب ایشان و نصوصی که بر امامت آن حضرت دلالت دارد و همچنین وقایع رخ کرده میان ایشان و خلفاء زمان ایشان و نیز شهادت حضرت و بردارانش است. فصل دوم، احادیث و روایاتی که از امام حسن عسکری درباره توحید، امامت، احکام و سنن و آداب که براساس موضوع و باب تنظیم شده‌اند که اولین باب «باب التوحید» و آخرین باب «باب الحکم والاداب» می‌باشد. فصل سوم معجم روایانی است که از امام حسن عسکری حدیث کرده‌اند که تعداد آنها ۱۴۹ نفر می‌باشند. در این بخش اسامی روایان براساس حروف الفبا مرتب و در شرح حال آنها اندکی قلم زده شده است.



المضمرات والمرسلات من احادیث اهل البیت (ع) (۲ جلد)
عزیزالله عطاردی، چاپ اول: ۱۳۹۱، ۱۰۳۰ صفحه، وزیری.

در مجامع حدیثی، روایان، برخی روایات را بدون نام امام معصوم (ع) روایت کرده‌اند، به دلایل امنیتی و مشکل ارتباط با آن

بزرگواران، از امام نام نمی‌برند، بلکه با الفاظی مانند: «از یکی از آن دو امام» یا «از او سوال کردم» یا «از فقیه سوال پرسیدم» یا «از عالم پرسیدم» و موارد مشابه یاد می‌کنند. اینگونه روایات در کتب حدیث وجود دارند و دانشمندان علم حدیث، براساس قرائن و شواهد، به حدس یا قطع، نام امام (ع) را ذکر می‌کنند. و نیز بسیاری احادیث ما مرسل یعنی بدون نام راوی آمده است، مانند آنچه در کتاب معتبر تحف العقول هست، این احادیث را در اصطلاح، روایات مرسله (بدون سند) می‌خوانند.

استاد عطاردی، این احادیث را نیز استخراج کرده و براساس شیوه تبویب کتب حدیثی، گرد آورده‌اند و دلیل کار این بوده است که در جهت تکمیل پروژه عظیم، بیش از هفتاد جلد مسانید ائمه (ع)، هر سخنی و حدیثی از هر یک از ائمه (ع) صادر شده، به دلیل نبود اسم راوی یا مروی عنه از قلم نیافتد.

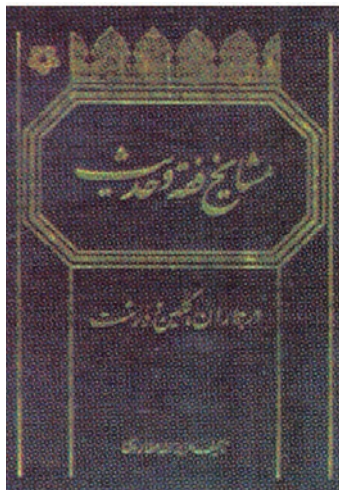
غرر الفرائد و درر القلائد

عزیزالله عطاردی، چاپ اول: ۱۳۹۱، ۷۴۰ صفحه، وزیری.

کتاب مشتمل بر روایات منقول از امام امیرالمؤمنین (ع) در آداب، سنن، اخلاق و محاسن است که در کتب روائی و لغوی پراکنده بوده و استاد در طی تتبعات خویش، آن‌ها را گردآوری کرده‌اند. کتاب در دو بخش تنظیم شده است، بخش اول شامل ۹۴۴ حدیث روایت شده از طریق شیعه است و بخش دوم ۲۸۹۸ حدیث از طریق اهل سنت را در بردارد. احادیث در هر دو بخش به صورت موضوعی، حسب حروف الفبا، تنظیم شده‌اند.

نکته قابل توجه در فلسفه پیدایش این کتاب این است که مؤلف محترم در مقدمه متذکر می‌شوند: چون مسند امام علی (ع)

در ۲۷ جلد تنظیم و به طبع رسید و مورد استقبال محققان قرار گرفت و به عنوان کتاب مرجعی ۲۷ جلدی که حاوی قال علی (ع) است به جامعه علمی ارائه گردید، اینجانب مواجه بودم با انبوه روایاتی که یا در انجمن‌های ادبی عرب، از امام علی (ع) خوانده می‌شده یا در کتب ادبی قدما عرب آمده یا در رزم‌ها و جنگ‌های مختلف به عنوان سخنان حماسی از علی خوانده می‌شده و معمول در اینگونه مواقع، ذکر سند حدیث نبوده و لذا به آن‌ها احادیث مرسله امام علی (ع) گفته می‌شود که از طریق شیعه و سنی حدیث شده و این آثار را جمع کردم و به جای نام راوی، نام کتابی که حدیث از آن نقل شده است را آوردم، و نام کتاب را غرر الفرائد و درر القلائد نامیدم.



مشایخ فقه و حدیث در جماران، کلین و درشت
عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۳، ۲۴۶ صفحه، رقی.

مؤلف در آغاز کتاب با استفاده از متون تاریخی و اسلامی به بررسی تاریخچه شهرستان ری و نیز فتح ری بدست

دوازدهم (قرن تولد مؤلف تاج العروس) که در موضوع جغرافیا و شناخت کشورها تألیفاتی داشته‌اند همراه با آثار آنان و همچنین زندگی‌نامه مؤلف تاج العروس و ویژگی‌های علمی و شخصیتی و اساتید تألیفات و سفرهای علمی ایشان را ذکر کرده است و نیز برای آشنایی محققین هشتاد و پنج اصطلاح جغرافیایی که امروزه کمتر استفاده شده یا به فراموشی سپرده شده است را توضیحاتی ارائه داده است.

مفتاح تفسیر گازر یا فهرست جلاء الاذهان و جلاء الاحزان

عزیزالله عطاردی، ناشر: سید جلال الدین محدث، چاپ اول، ۱۳۸۲ هجری - ۱۳۴۱ شمسی، ۱۷۶ صفحه، وزیری.

تفسیر شریف «جلاء الاذهان و جلاء الاحزان» معروف به تفسیر «گازر» تألیف ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی، از بهترین تفاسیر شیعه به زبان فارسی محسوب می‌شود. در این تفسیر در ذیل آیات به تناسب مطالب بسیار ارزشمندی در موضوعاتی چون: قصص انبیاء، تاریخ پیشینیان، فتوحات صدر اسلام، موضوعات فقهی، حوادث تاریخی، گفتارهای اخلاقی، مباحث ادبی، شأن نزول آیات و سخنان سودمندی از محدثین و مفسرین گنجانده شده است اما این تفسیر همانند بیشتر کتب گذشتگان فاقد هر نوع فهرستی بود.

نویسنده محترم جناب مرحوم عطاردی جهت استفاده بیشتر محققین و سهولت دستیابی به محتوای آن تفسیر شریف به نگارش فهرست‌های ذیل اقدام نموده است.

۱- فهرست نام‌های اشخاصی که در این تفسیر ذکر شده است.

۲- فهرست قصص و موضوعات که فهرست موضوعات نغز و قصه‌های

این اثر مجموعه احادیثی است که حضرت عبدالعظیم حسنی از ائمه اطهار نقل و روایت کرده است. حدیث مسند آن است که سلسله سند حدیث به پیامبر یا امامان معصوم برسد. این مجموعه که با عنوان «مسند عبدالعظیم حسنی» تدوین شده شامل ۱۲۰ حدیث است که با تفحص از مصادر اولیه حدیثی گردآوری شده و ترجمه فارسی هر روایت مقابل آن آمده است. در ابتدای کتاب، شرح حال عبدالعظیم حسنی و چهل تن از مشایخ حدیث او آمده و در پایان نیز فهرس فنی از جمله فهرست موضوعی برای مطالب تهیه شده است.

معجم البلاد و الامکنه (جلد ۱-۲)

جغرافیا و شناخت کشورها و سرزمینها از قدیمی ترین دانش‌هایی است که مسلمانان بدان روی آورده و درباره آن کتب زیادی نوشته‌اند.

از آنجا که بسیاری از اصطلاحاتی که آنان در نگارش خویش از آن استفاده می‌کردند امروزه به فراموشی سپرده شده است یا اینکه بسیاری از اسامی مکان‌ها به مرور زمان دچار تغییر و تحول شده است و برای محقق و جوینده‌ای که از لابلای متون قدیمی به دنبال آشنایی با سرزمین‌ها و ممالک می‌باشد امری مشکل است مؤلف را بر آن داشته که جهت استفاده هرچه بهتر پژوهندگان و محققین از کتب گذشتگان به ویژه کتاب ارزشمند تاج العروس، اصطلاحات و لغات جغرافیایی آن و نیز اسامی تمام اشخاص و مکان‌ها و کشورهای را که در کتاب تاج العروس آمده، به ترتیب حروف الفبا استخراج و با سبکی روان به شرح و تفسیر آن بپردازد.

یادآور می‌شود نویسنده محترم در مقدمه مفصل خود بر این کتاب اسامی چهل نفر از دانشمندان مسلمان از قرن اول تا قرن

مسلمانان پرداخته است و سپس موقعیت تجاری، سیاسی، فرهنگی شهر ری و علل توسعه و پیشرفت تشیع در ری و بویژه نقش بزرگ حضرت عبدالعظیم حسنی در نشر احکام ترویج مذهب تشیع اشاره نموده است.

کتاب از سه بخش تشکیل گردیده است: بخش اول «مشایخ حدیث در جماران»؛ نویسنده در این بخش به شرح نام جماران در کتب حدیثی و جایگاه مسلمانان جماران و نقش آنها در هنگام تصرف ری و نیز جماران در حال حاضر پرداخت و سپس مشایخ جماران مانند: ابوعبیدالله جمارانی، عمران بن موسی، سهل بن زیاد رازی و... را معرفی نمودند.

مشایخ کلین عنوان بخش دوم است که نویسنده ابتدا به ویژگی جغرافیایی آبادی کلین و نیز کلین در کتب جغرافیایی و رجالی پرداخته و آنگاه توضیحاتی درباره مشایخ منطقه کلین چون یعقوب بن اسحاق کلینی، احمد بن ابراهیم کلینی، علی بن محمد بن ابراهیم کلینی و... ارائه داده است. وی در بخش سوم ضمن بیان موقعیت جغرافیایی دَرَشْت و ذکر نام دَرَشْت در کتب حدیثی، به سابقه تاریخی دَرَشْت اشاره نموده است و سپس به معرفی فقها و مشایخ اهل دَرَشْت پرداخت که اسامی برخی از آنها عبارتند از: محمد بن احمد دَرَشْتی، جعفر بن محمد دَرَشْتی، حسن بن جعفر دَرَشْتی، ابوتراب دَرَشْتی و...

مسند حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)

عزیزالله عطاردی، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۳۱۱ صفحه، وزیری.

گوناگونی است که در ضمن تفسیر بیان شده است.

۳- فهرست نام‌های اشخاصی که در این تفسیر ذکر شده است.

۴- نام‌های شهرها و مکان‌ها، که در این تفسیر آمده است.

۵- فهرست لغات و اصطلاحات که در پاورقی‌ها معنی شده است.

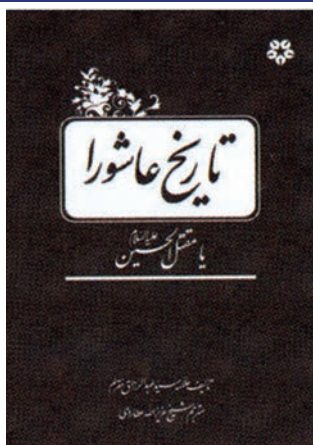
۶- فهرست کتاب‌های متنی و حاشیه که مفسر و مصحح از آن نام برده‌اند.

ترجمه‌ها

ایمان و کفر (۲ جلد)

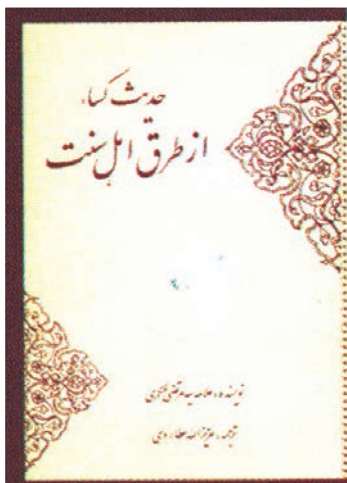
محمد باقر بن محمدتقی مجلسی، ترجمه: عزیزالله عطاردی قوچانی، تهران عطارد، چاپ اول ۱۳۷۱، ۶۶۲+۶۸۰ صفحه، وزیری.

اثر فوق ترجمه جلد پانزدهم بحارالانوار (از چاپ قدیم) یا کتاب ایمان و کفر است حاوی روایت‌های ائمه معصوم در زمینه‌های مختلف ایمان و کفر، که در ۴۵ فصل گردآوری و تنظیم شده است. مترجم در مقدمه‌ای طولانی به تاریخ تدوین حدیث در عصر حضور و عصر غیبت تا دوره علامه مجلسی پرداخته و بخشی را نیز به علامه مجلسی و کتاب بحارالانوار اختصاص داده است. روش مترجم (در ترجمه فارسی) آوردن نام‌های راوی اصلی و معصوم و حذف نام‌های راویان دیگر است. نیز گاهی توضیحات تحلیلی، ذیل برخی احادیث آورده است. موضوع‌های ۱۴۵ فصل این کتاب را می‌توان در چند عنوان زیر خلاصه کرد: ویژگی‌ها و ابعاد ایمان و کفر، صفات مؤمنین و فضائل آنها، خصوصیات کفار، ایمان شیعیان، اعمال و کردار و رابطه آن با ایمان و کفر، مکارم اخلاق، ردائل و مفاسد، منجبات و مهلکات.



تاریخ عاشورا یا مقتل الحسین (ع)
سید عبدالرزاق المقوم، ترجمه عزیزالله
عطاردی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸، ۵۳۴
صفحه، وزیری.

قیام حضرت سیدالشهداء یکی از مهمترین حوادث تاریخی جهان و بزرگ‌ترین وقایع عالم اسلام است. درباره این حادثه جانگداز، ده‌ها هزار کتاب و مقاله نوشته شده و مورخین، نویسندگان مسلمان و غیرمسلمان در این موضوع بررسی‌های لازم را کرده‌اند. یکی از کتاب‌هایی که حادثه کربلا را به خوبی بررسی کرده و اطراف و جوانب نهضت امام حسین را تحقیق نموده، کتاب «مقتل الحسین» تألیف مرحوم علامه محقق سید عبدالرزاق موسوی مرقم می‌باشد که جناب آقای عطاردی با قلمی روان و زیبا متن این کتاب ارزشمند را از عربی به فارسی برگردانده است.



حدیث کساء از طریق اهل سنت علامه سیدمرتضی عسکری، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۳، ۳۶ صفحه، رقعی.

اثر فوق ترجمه کتاب «حدیث کساء از طریق اهل سنت» تألیف علامه سید مرتضی عسکری است که مؤلف با استفاده از روایات وارده از اهل سنت به اثبات حدیث کساء پرداخته است.



رهبر انقلاب کوفه یا زندگانی زید شهید
سید عبدالرزاق الموسوی المرقم، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران، انتشار عطارد، چاپ اول، ۱۳۸۹ هجری، ۴۲۷ صفحه، رقعی.

قیام کربلا و شهادت امام حسین خونخواهی‌ها و انقلاب‌های خونین را به دنبال داشته است که برای انتقام خونخواهی امام حسین برپا شدند که یکی از آنها قیام زیدبن علی بن الحسین در کوفه می‌باشد.

درباره قیام زید کتاب‌های زیادی به فارسی نوشته شده است ولی به عربی خصوصاً در یمن کتب زیادی در این موضوع به چاپ رسیده است. یکی از

قلمرو امیرالمؤمنین و سرزمین های تحت تصرف او از طرف معاویه شده، یاد کند، آن را «الغارات» نامیده است که در این جا به معنی شبیخون و حمله غافلگیرانه می باشد.

مؤلف این کتاب، محدث بزرگوار و حافظ عظیم الشان ابراهیم بن محمد ثقفی، از بزرگان علماء و راویان و مصنفان گران قدر شیعه است و نام گرامی او در کتب رجال و تذکره های علماء و مصنفین آمده است. کتاب فوق از زمان پیشین و ادوار گذشته مورد استفاده علمای بزرگ اسلام بوده و دانشمندان نامی و برجسته فریقین، مطالب آن را در کتب خود نقل نموده اند تا آنجا که ابن ابی الحدید معتزلی بغدادی در شرح نهج البلاغه بسیاری از قصص و روایات آن را درج کرد و بر سایر کتب تاریخ مقدم شمرده است.

طبق تصریح علامه مجلسی و شیخ حر عاملی و محدث نوری و جمعی دیگر از فحول علمای ما این کتاب، مورد قبول و اعتماد فرقه حقه امامیه بوده و در شمار کتب معتبر به شمار رفته و احادیث و روایات آن در میان ایشان محل تمسک و ماخذ احکام واقع شده است. مرحوم عطار دی در سال ۱۳۶۰ برای مطالعه و تحقیق پیرامون موضوعات مورد نظر خود عازم هندوستان شد تا در کتابخانه های آن کشور پهناور و سرسبز و خرم، مطالعات خود را تکمیل کند. در یکی از کتابخانه و در میان انبوه کتاب های فارسی، عربی و انگلیسی به کتاب «الغارات» برخورد و از آن جایی که قبلاً با متن آن آشنایی داشته، این کتاب نظرش را جلب کرده و تا آن روز هم کسی آن را ترجمه نکرده بود و سپس عازم منطقه کشمیر شده و به ترجمه کتاب شریف «الغارات» اقدام نموده است.

صاحب الزمان (عج) علامات خروج صاحب الزمان (عج)، حکومت حضرت صاحب (عج) شمائل حضرت مهدی (عج) و شبهات وارده در پیرامون غیبت. مترجم در آغاز کتاب ضمن اشاره به توجه مسلمین به سیره نبی اکرم (ص) در عصر آن حضرت و در قرون گذشته و معرفی تعدادی از مهمترین سیره نویسان چون واقدی، یعقوبی، دینوری، طبری، به تبیین زندگی و خصوصیات علمی، فرزندان و احفاد و تألیفات طبرسی، مشایخ طبرسی، تلامیذ و راویان و... پرداخته و بیان داشته است که فضل بن حسن امین الاسلام طبرسی یکی از مفاخر شیعه است و درباره او هر چه گفته شود کم است. طبرسی یکی از محققین بی نظیر است که با گذشت چند قرن هنوز زنده و جاودان است. او در کلیه علوم و فنون عقلی و نقلی و معارف اسلامی دست داشته است و در هر رشته از فرهنگ و فضیلت متعهد بوده است. طبرسی فقیهی ارجمند، ادیبی چیره دست، مفسری بی نظیر، مورخی بی مانند محدثی عالی قدر، متکلمی توانا و نویسنده ای بزرگ می باشد.

الغارت و شرح حال أعلام آن

ابراهیم محمد ثقفی، ترجمه عزیزالله عطار دی، تهران، عطار دی، چاپ اول، ۱۳۷۳، ۶۳۵ صفحه، وزیری.

کتاب شریف «الغارات» یکی از کهن ترین متون عربی و اسلامی است که اخبار و حوادث ایام امام علی را پس از جنگ صفین و قضیه حکمین جمع آوری کرده و در یک جا گردآورده است و اکنون یکی از ماخذ و منابع مهم تلقی می شود. از آن جایی که هدف مؤلف در این کتاب آن بوده که غارت هایی که بعد از جنگ صفین و قضیه حکمیت به

کتب عربی پیرامون قیام زید بن علی بن الحسین کتاب زید شهید نوشته سید عبدالرزاق الموسوی المرقوم نویسنده عراقی است که توسط مرحوم عطار دی به سبکی زیبا و روان ترجمه شده است.

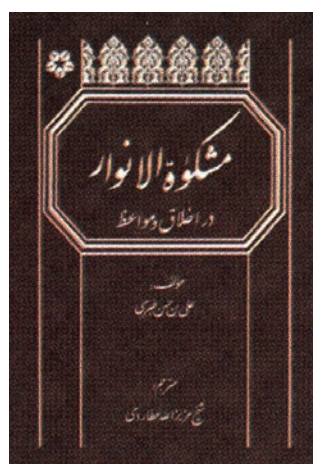
زندگی چهارده معصوم (ع)، ترجمه کتاب اعلام الوری بأعلام الهدی

امین الاسلام طبرسی، ترجمه عزیزالله عطار دی، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ۶۱۱ صفحه، وزیری.

کتاب حاضر ترجمه کتاب «اعلام الوری» یکی از مشهورترین کتب شرح حال و سیره رسول اکرم و اهل بیت اطهار تألیف امین الاسلام شیخ طبرسی است. مطالب کتاب در چهار بخش تنظیم شده است. بخش اول اختصاص به شرح زندگی، حالات و خصوصیات، جنگها، صفات و معجزات رسول گرامی اسلام و نیز تاریخ زندگی و دلائل دارد. بخش دوم به زندگانی امیرالمؤمنین و دلائل امامت ایشان و معجزات مناقب و فضایل و شهادت ایشان پرداخته است. بخش سوم به تبیین زندگانی، امامت، فضایل و مناقب، معجزات، شهادت و... امام حسن مجتبی تا امام عسگری می پردازد. بخش چهارم در امامت ائمه دوازده گانه و زندگی امام دوازدهم حضرت ولی عصر (عج) است که عناوین موضوعات آن عبارتند از:

اخبار و روایات عامه درباره ائمه دوازده گانه، روایات شیعه در عدد ائمه اثنا عشر، دلائل دیگری در امامت ائمه اطهار، امامت حضرت صاحب الزمان (عج)، دلیل امامت حضرت صاحب الزمان (عج)، نصوص امامت حضرت صاحب از طریق پدر بزرگوارش، توقیعات حضرت

از مهمترین مطالب کتاب می توان به خطبه حضرت علی بعد از جنگ نهروان، روش آن حضرت نسبت به اموال، روش آن حضرت نسبت به خودش، کارگزاران آن حضرت، ولایت قیس بن سعد بر مصر، ولایت محمدبن ابوبکر بر مصر، شهادت مالک اشتر، شهادت محمدبن ابوبکر و ... اشاره کرد.



مشکوة الانوار (در اخلاق و مواعظ)

علی بن حسن طبرسی، ترجمه عزیرالله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ دوم، ۱۳۹۱، ۳۲۰ صفحه، وزیری.

دانشمندان و محدثان شیعه از همان قرن اول هجری به جمع آوری اخبار و روایات وارده از خاندان عصمت و طهارت پرداختند و مجموعه های زیادی در این موضوع گردآورند. در میان این محدثان و محققان، کسانی هستند که فقط به جمع آوری اخبار و احادیث وارده در مواعظ و آداب و سنن و زهد و عبادت پرداخته اند و گزیده سخنان اهل بیت را که در مسائل اخلاقی و معاشرت با مردم و رابطه انسان با خدا و خلق وارد شده، جمع آوری نموده اند.

یکی از این کتاب های بسیار ارزنده و مفید، کتاب شریف «مشکات الانوار» تألیف علی

بن حسن بن فضل طبرسی می باشد. وی در این اثر گرانبقدر با سبکی خاص و اسلوبی جامع، اخبار و روایات را از مصادر اولیه که مورد اعتماد همگان باشد گلچین و در فصول و ابواب متعددی با عناوین جالب تألیف نموده است.

مترجم محترم در آغاز کتاب مختصری از حالات این محدث جلیل القدر و تولد و وفات او، نسبت ایشان با صاحب مجمع البیان و نیز مؤلفات او را بیان داشته است.

یادآور می شود، مترجم محترم در سال ۱۳۵۹ به هندوستان مسافرت کرده و در اقامت خود در شهر حیدرآباد تصمیم گرفت که در اوقات فراغت به ترجمه برخی از متون اسلامی بپردازد تا عموم مردم بتوانند از آن استفاده کنند. از این رو نسخه ای از متن کتاب شریف «مشکاه الانوار» که توسط حجت الاسلام حاج شیخ اسماعیل رجبی، امام جماعت مسجد ایرانیان بمبئی در اختیار ایشان قرار گرفته و وی اقدام به ترجمه آن به فارسی نموده است.



مواعظ صدوق

ترجمه عزیرالله عطاردی، تهران، انتشارات عطارد، چاپ اول، ۱۳۸۹، ۱۷۰ صفحه، رقعی.

کتاب حاضر ترجمه «مواعظ صدوق» است که مترجم جهت تکمیل تاریخ خراسان و تحقیق و بررسی در کتابخانه های هند و پاکستان در سال ۱۳۴۵ رهسپار آن دیار گردید و به مدت هشت ماه در آن کشور به تحقیقات پرداخته و ضمن مطالعه و تحقیق در کتابخانه «ناصریه» هندرساله ای خطی از آثار شیخ صدوق (رضوان الله علیه) نظرش را جلب کرده و سپس اقدام به ترجمه روان آن نموده است.

مترجم در آغاز کتاب ضمن بیان مختصری از حالات شیخ صدوق به تبیین زندگانی و مسافرت های ایشان به بغداد، شهر ری و خراسان و نیز سفرهای علمی به بلاد شرق و غرب جهان اسلام و دیدار با محدثین و رجال بزرگ در شهرهای سرخس، مرو، بلخ، بخارا، سمرقند و همچنین به دلایل انتساب این کتاب به شیخ صدوق پرداخته است. عناوین و سرفصل های کتاب عبارت اند از:

وصایای حضرت رسول به امیرالمؤمنین، سخنان حضرت رسول، سوالات مرد شامی از امیرالمؤمنین، سوالات زید بن صوحان از امیرالمومنین، وصیت امیرالمؤمنین به محمد حنفیه، مواعظ، وصیت ها، روایت و سخنانی از امام صادق، سخنی از حضرت سجاد، سخنی از موسی بن جعفر، سخنی از حضرت رضا، سخنان امیرالمؤمنین و روایتی از حضرت رضا در صفات امام.

النصایح الکافیة یا اندرز به هواداران معاویة

محمد بن عقیل حصرمی، ترجمه عزیر الله عطاردی، تهران، عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۳، ۳۶۲ صفحه، وزیری.

هرکسی در آن از زاویه‌ای نگر بسته و هر صیادی در این دریای بی‌کران معرفت و دانش به صید مطلوب خویش دست یازیده است. کتاب فوق که به همت دانشمند ارجمند جناب آقای عطاردی تحقیق و به رشته تحریر درآمده است، شرحی دیگر بر نهج‌البلاغه است که از عالمی بزرگ از خطه خراسان به نام علی بن ناصر الحسینی السرخسی به زیور طبع آراسته گردیده است. مرحوم عطاردی تصحیح این شرح مختصر را بر پایه دو نسخه انجام داده است که یکی از این نسخه‌ها مربوط به کتابخانه ملی کلکته هند است که به قلم یحیی بن احمد بن علی روشی در سال ۱۰۷۶ نوشته و در یک جلد به دستداران نهج‌البلاغه هدیه شده است.

از زندگی شارح اطلاعات فراوانی وجود ندارد و بسیاری از زوایای زندگی مؤلف روشن نیست. از نامه‌ای که فخرالدین رازی به وی می‌نویسد و آقای عطاردی متن نامه و پاسخ آن را در مقدمه کتاب آورده، چنین پیداست که وی فردی حکیم و متکلم و از سادات و نقبای قرن ششم و باتوجه به محتوای کتاب، وی فردی ادیب و نکته‌سنج و دقیق بوده و این شرح را بیشتر به انگیزه توضیح و شرح کلمات مشکل نهج‌البلاغه و تبیین نکات بلاغی و ادبی آن تدوین کرده است. وی از هر خطبه قسمت کوچکی را آورده است و قسمت‌های برگزیده شده چنان ظریف و دقیق است که گویی مؤلف در پی استخراج قطعه ضرب‌المثل و حکم از لابه‌لای خطبه‌ها در رساله‌های آن بزرگوار بوده است. در واقع این کتاب گزینش قطعه‌های بلیغ از دریای بلاغ نهج‌البلاغه است. مؤلف در خطبه‌هایی که شرح خطبه اول نهج‌البلاغه و خطبه ۱۵۲ آن صفحات بیشتری را به خود اختصاص داده است. شرح از حد شرح لفظ و بیان لغات مشکله خارج و به بحثی کلامی - فلسفی کشانده

خود ضمن معرفی نویسنده بزرگ کتاب «النصایح الکافیة» به جایگاه علمی و فضایل شخصی و نیز آثار و تألیفات او اشاره دارد.

تصحیحات و تحقیقات استناد نهج‌البلاغه للاستاذ امتیاز علیخان العرشی

(مقدمه و انتشار) عزیزالله عطاردی، تهران، مطبعه الحیدری، چاپ دوم، ۱۳۹۳ هجری، ۸۷ صفحه، رقعی.

در این کتاب نویسنده شبهات وارده به نهج‌البلاغه را بررسی و تبیین نموده است. یادآور می‌شود مؤلف کتاب فوق «امتیاز علیخان عرشی»، یکی از فضلا و محققان اسلامی است و در شهر رامپور هندوستان زندگی می‌کند. وی ریاست کتابخانه «سید مرتضی علیخان نواب رامپور» را به عهده دارد. ایشان کتاب ارزشمند «اسناد نهج‌البلاغه» را به زبان انگلیسی نوشته و در هند چاپ کرده و سپس این اثر را به زبان عربی ترجمه نموده است. جناب آقای عطاردی در سال ۱۳۷۸ هـ که به هندوستان سفر کرده بود جناب آقای امتیاز علیخان عرشی یک نسخه از این کتاب به ایشان اهدا نمود و مرحوم عطاردی نیز با نوشتن مقدمه‌ای بسیار با اهمیت بر این کتاب در ایران اقدام به چاپ و نشر آن نموده است.

أعلام نهج‌البلاغه

علی بن ناصر السرخسی، تحقیق شیخ عزیزالله عطاردی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق. ۳۷۱ صفحه، وزیری، عربی.

نهج‌البلاغه از آغاز تدوین، مورد توجه عموم اندیشمندان اسلامی قرار گرفته،

این اثر ترجمه فارسی کتاب «النصایح الکافیة لمن یتولی معاویه» تألیف سید محمد بن عقیل علوی حصرمی است. کتاب حاضر در تاریخ زندگانی معاویه نوشته شده و انگیزه نویسنده پاسخی است به برخی از شبهات در لعن بر معاویه و برخی از فضایل جعلی و دروغین او. مؤلف به شیوه توصیفی و با اسناد به منابع تاریخی و با بیانی صریح، تاریخ زندگانی معاویه را بررسی کرده و به برخی از جنایات او، به ویژه در جنگ صفین و کشتن یاران رسول خدا و قتل و غارت شهرها و بدعت‌های او پرداخته است. وی همچنین به دیدگاه صاحب نظران اهل سنت از صدر اسلام تا به حال درباره معاویه اشاره کرده و نتیجه گرفته است که معاویه از همان ابتدا دنبال مطامع دنیوی خود بوده و چهره مزورانه خویش را با زر و زور و تزویر نشان داده است.

یادآور می‌شود مترجم دانشمند در سال ۱۳۸۳ هنگام اقامت در نجف اشرف یکی از روزها در کتابخانه مبارکه امیرالمؤمنین در محضر پر فیض علامه جلیل‌القدر و محقق مجاهد شیخ عبدالحسین امینی (رضوان الله علیه) مؤلف «الغدیر» و موسس کتابخانه امیرالمؤمنین شرفیاب شدند، ضمن گفتگو با حضرت علامه متذکر شدند که در نظر دارند کتاب «نصایح‌الکافیة لمن یتولی معاویه» را ترجمه نمایند تا فارسی‌زبانان نیز از مندرجات این کتاب بهره‌مند شوند.

علامه امینی تصمیم ایشان را پسندیده و به ترجمه آن تشویق و ترغیب فرمودند. سپس شخصاً از پشت میز کارش حرکت فرموده و به منزل خودشان تشریف بردند و یک نسخه از کتاب نامبرده را از کتابخانه شخصی خود آوردند و در اختیار مترجم محترم گذاشتند. مترجم دانشمند جناب آقای عطاردی در مقدمه با ارزش

این کتابها به طور دقیق و کامل از «التدوین» استخراج شود خود رساله کتابشناختی مستقل و با اهمیتی را تشکیل خواهد داد که در رشته‌های مختلف علوم قرآنی، کلام، حدیث و عرفان حاوی اطلاعات سودمند و مفیدی می‌تواند باشد. یکی دیگر از فوائد «التدوین» ذکر خاندان‌های کهن چون اسماعیلیان، دیلیمان، لنگریان، مسافریان، خاندان‌های کرجی، جستانیان، سالاریان، کاکویان، جبال، ترکان، خزران و ... همچنین ذکر مشاهیر حکمت و عرفان و ادب چون ابو حامد غزالی، ابن فارس لغوی و (کتابخانه معروف او)، فخرالدین رازی، ابوسعید ابی‌الخیر، خاقانی شاعر، ابو حامد غزنایی، سیاح مشهور اندلسی، حافظ ابوالعلاء عطار همدانی، اعلام و محدثان سده ششم و نیز ذکر اسامی بسیار از بلاد، روستاها، مساجد، مدارس رودها و قنوات منطقه قزوین که در جای خود مهم و سودمند است. «التدوین» در عین حال که یک اثر رجالی و تاریخی بزرگ به شمار می‌رود از فوائد ادبی و فقهی و روائی نیز خالی نیست و مباحث فقهی به بهانه‌های مختلف در التدوین مطرح شده است.



جغرافیای نیمروز

ذوالفقار کرمانی: تصحیح عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد با همکاری دفتر نشر میراث مکتوب، چاپ اول، ۱۳۷۴.
کار آمارگیری و جمع‌آوری اطلاعات آماری در ایران به طور رسمی ظاهراً از زمان ناصرالدین شاه قاجار آغاز شده است. حکومت مرکزی برای کسب اطلاع از تعداد نفوس، خانوار، دام و سایر امور طبیعی و انسانی کشور، افرادی را به مناطق گوناگون می‌فرستاد تا از نتیجه تحقیق و بررسی آنها استفاده کند. البته ناگفته نماند که این افراد معمولاً از میان فارغ‌التحصیلان دارالفنون که در آن زمان تنها مرکز رسمی علوم و فنون نوین به شمار می‌آمد، انتخاب شدند. از جمله کسانی که به چنین

شده و صبغه حکمی مؤلف بیشتر نموده پیدا کرده است. استاد عطاردی با نگارش مقدمه‌ای سودمند ضمن معرفی اجمالی مؤلف، بحثی در خصوص رابیان نهج‌البلاغه و نکاتی در خصوص پاسخ پاره‌ای از اشکالات به ظاهر عملی و تحقیقی در مورد اصالت نهج‌البلاغه آورده است که برای خوانندگان کتاب مفید و پر بهره است.



التدوین فی اخبار قزوین (جلد ۱-۳)

عبدالکریم بن محمد رافعی، تحقیق: عزیزالله عطاردی، بیروت، دارالکتب العلمی ۱۴۰۸ ق / ۱۹۸۷ م ۴۰۸ + ۵۰۰ + ۵۰۸ + ۵۰۴ صفحه، وزیری.

التدوین فی اخبار قزوین از کامل‌ترین کتاب‌های تاریخ رجالی و محلی ایران است که توسط محقق ارجمند جناب آقای عطاردی تصحیح و تحقیق گردیده و در بیروت به شکلی زیبا و مطلوب به چاپ رسیده است.

رافعی «التدوین» را به زبان عربی نگاشته و مقدمه آن را به چهار فصل تقسیم کرده است ۱- در فضائل قزوین و خصوصیات آن ۲- درباره قزوین ۳- در کیفیت بنای قزوین ۴- درباره مساجد، مقابر، و مدارس شهرستان قزوین. مؤلف سپس به ذکر کسانی که از اصحاب رسول خدا (ص) و تابعین پرداخته که به قزوین وارد شده‌اند. پس از این مقدمات رافعی به متن اصلی کتاب و ذکر رجال منطقه قزوین پرداخته است.

ایشان در فهرست بندی نام رجال، دو عامل اصلی را ملاک کار خود قرار داده است. نخست، ترتیب الفبائی نام شخص و دوم، ترتیب الفبائی نام پدر.

یکی از فوائد مهم این کتاب ذکر نام و استفاده از کتابها و منابعی است که به هر مناسبت از آنها یاد کرده است. بنابراین چنانچه

حدائق الحقایق فی شرح نهج البلاغه (جلد ۲-۱)

قطب الدین الکیذری البیهقی، تحقیق: عزیزالله عطاردی، تهران، بنیاد نهج البلاغه، نشر عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۶۹۸+۷۰۹ صفحه، وزیری.

حدائق الحقایق فی شرح نهج البلاغه، تألیف دانشمند بزرگ قرن ششم علامه قطب الدین کیذری بیهقی است. این کتاب در نزد اهل علم و ادب از ارزش والایی برخوردار است به طوری که هر محققى بخواهد درباره نهج البلاغه تحقیق کند به این کتاب مراجعه می‌نماید. علماء و دانشمندان زیادی در کتب خود از این شرح استفاده نمودند من جمله ابی الحسن علی بن زید بیهقی در کتاب معارج نهج البلاغه، قطب راوندی در منهج البراعه و امام احمد بن محمد الویری الخوارزمی در شرح خود در این کتاب بسیاری از علوم و معارف الهی، آداب اسلامی مباحث کلامی، خلافت و امامت و ... تبیین و نیز لغات و الفاظ مشکل نهج البلاغه در موضوعاتی چون طب، نجوم، تاریخ و قصص، اخبار روایات اشعار و ... تشریح گردیده است.

محقق ارجمند و پرتلاش مرحوم آقای عطاردی در مقدمه پر محتوای ۶۲ صفحه‌ای خود بر این کتاب، به نکات بسیار مهمی درباره کتاب ارزشمند نهج البلاغه و مؤلف آن و نیز مؤلف این کتاب «حدائق الحقایق» اشاره نمودند که عناوین آن عبارتند از: ارزش و اهمیت نهج البلاغه، سخنان علماء و بزرگان درباره نهج البلاغه، موضوعات مطرح شده در نهج البلاغه، اجازات نهج البلاغه، شبهات درباره نهج البلاغه، علم غیب در نهج البلاغه، سجع در نهج البلاغه، اصطلاحات فلسفی، اصولی و کلامی در نهج البلاغه، مؤلف نهج البلاغه، سخنان نویسندگان درباره سیدرضی، ولادت، تربیت و تعلیم و دیانت سیدرضی، جایگاه سیدرضی در شعر و ادب، مناصب سیاسی و اجتماعی سیدرضی، آثار و تألیفات اساتید شاگردان پدر و مادر سیدرضی و نسخه‌های نهج البلاغه. محقق در پایان مقدمه توضیحاتی درباره شارح و آثار علمی و ادبی ایشان و نیز اساتید و نسخه‌های حدائق الحقایق فی شرح نهج البلاغه ارائه دادند.

شرح نهج البلاغه لشارح محقق من أعلام القرن الثامن

تحقیق و تصحیح: عزیزالله عطاردی قوچانی، ناشر: تهران، بنیاد نهج البلاغه؛ انتشارات عطارد، چاپ اول، ۱۳۷۵، ۵۳۰ صفحه، وزیری

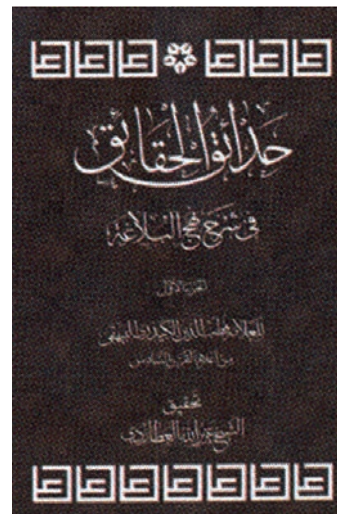
شرح و تفسیر برخی از خطبه‌های نهج البلاغه است. این کتاب

کاری گماشته شد، جواد بن موسی خراسانی بود که پس از مطالعه و تحقیق در منطقه خراسان، نتایج مطالعات خویش را در کتاب اشراق السیاحه گرد آورد.

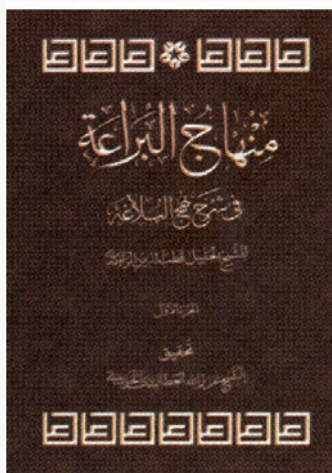
در همان زمان شخص دیگری به نام «مهندس ذوالفقار کرمانی» به همین منظور راهی سیستان شد تا با ترسیم حدود این ولایت، خصوصیات جغرافیایی آن را تبیین کند. وی طی سفری پر مخاطره به سیستان، اطلاعات مربوط را در کتاب جغرافیای نیمروز به ثبت رساند.

نسخه‌ای از این کتاب که ظاهراً منحصر به فرد می‌باشد و با خط نستعلیق نگاشته شده است، توسط یک زرتشتی به نام «بنده یزدان مانکجی درویش فانی» وقف انجمن زرتشیان بمبئی شده در کتابخانه «ملافیروز» این شهر نگهداری می‌شود. محقق گرانقدر مرحوم آقای عزیزالله عطاردی با تهیه میکروفیلمی از این نسخه به تصحیح آن همت گماشته، آن را برای چاپ آماده کرده است. همانگونه که از مقدمه مصحح محترم بر می‌آید، به گفته برخی از آگاهان و متخصصان آماری، نخستین کتابی که در مورد اطلاعات آماری در ایران نوشته شده، همین کتاب است و به همین جهت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

یادآوری مجدد این نکته ضروری است که جغرافیای نیمروز ضمن در برداشتن اطلاعاتی دقیق پیرامون سرزمین سیستان (از قبیل تعیین حدود جغرافیایی این ولایت، ذکر کوه‌ها، جلگه‌ها، کویرها، آب‌ها، مرداب‌ها، باتلاق‌ها، جنگل‌ها، بیشه‌ها، مرتع‌ها، شهرها، آبادی‌ها، آثار باستانی، دژها، قلعه‌ها، عشایر و قبایل گوناگون، پیشه‌ها و حرفه‌ها، نوع محصولات کشاورزی و تعداد نوع دام‌ها، تعداد خانوارها و نفوس و خصوصیات انسانی و جغرافیایی و ...) از آنجا که به شیوه یادداشت روزانه و گزارش‌گونه نوشته شده است می‌تواند به عنوان سفرنامه‌ای علمی معرفی گردد.



سخنان علمای بزرگی چون شیخ حر عاملی، محدث نوری، محدث قمی، علامه امینی و ... درباره فیض و نیز علامه فیض و صدر المتلهین، محقق فیض و معاصرین، فیض و تصوف و عرفان و فیض و کلمات مکنونه بیان داشته‌اند.



منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه شیخ الجلیل قطب‌الدین الراوندی (جلد ۲)

تحقیق و تصحیح: عزیزالله عطار دی

مصحح این کتاب را از روی سه نسخه خطی ۱- کتابخانه آستان قدس رضوی ۲- کتابخانه ملک تهران ۳- کتابخانه مجلس شورای اسلامی تصحیح نموده است.

مصحح در مقدمه طولانی بر این کتاب مطالب مفیدی را به شرح زیر آورده است که خود تألیف مستقلی است و بر ارزش کتاب افزوده است.

ابتدا سخنان عده‌ای از دانشمندان را پیرامون نهج البلاغه ذکر نموده و اجازات مؤلف نهج البلاغه را بیان نموده و سپس شبهاتی را پیرامون نهج البلاغه ذکر نموده و به پاسخ آنان پرداخته است. آنگاه به بیان زندگی‌نامه مؤلف نهج البلاغه شریف رضی و سخنان دیگران درباره وی و جایگاه علمی و ادبی و سیاسی و آثار و تألیفات و اساتید و شاگردان او پرداخته است. در پایان مقدمه نیز زندگی‌نامه و آثار علمی و مشایخ و تلامذه و فرزندان شارح نهج البلاغه و نویسنده کتاب «منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه» یعنی قطب راوندی فراهم آمده است.

که از روی نسخه منحصر به فرد آن در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی به زیور طبع درآمده است، از منابع قرن هشتم هجری به حساب می‌آید و نویسنده آن مجهول است. تنها در برخی از کلمات خود تصریح کرده که ملازم وزیر معروف، سلطان محمد خدابنده رشیدالدین همدانی بوده است. نویسنده پس از ذکر متن خطبه‌ها و سپس ترجمه و تفسیر لغوی واژه‌ها، نکات صرفی و نحوی را به صورت جداگانه آورده است.

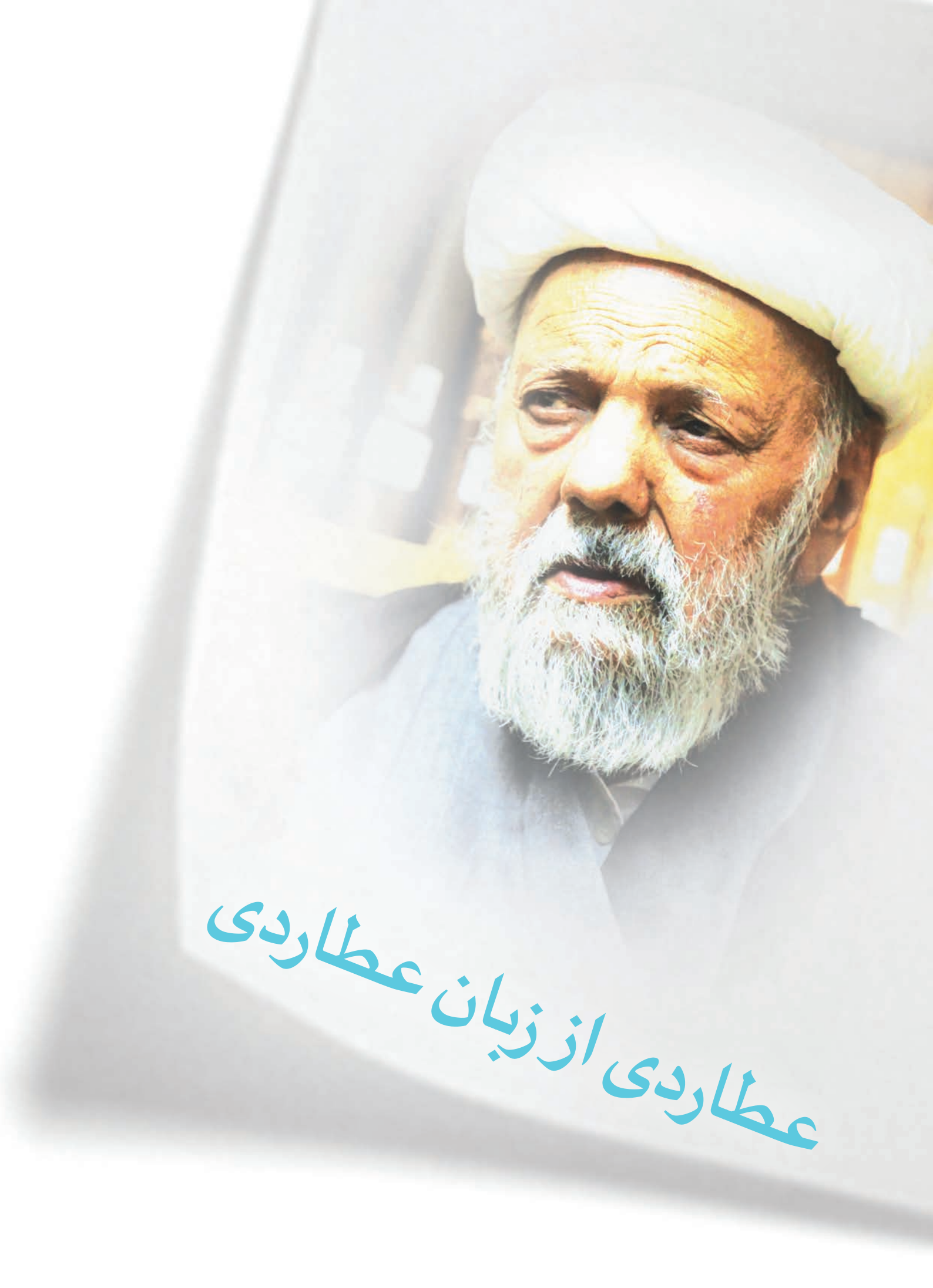
در مرحله بعد، معانی جملات آن حضرت مورد شرح و تفسیر قرار می‌گیرد. محقق در مقدمه مفصل خود به ویژگی‌های نهج البلاغه، شبهات و اجازات نهج البلاغه و مؤلف آن و نیز زندگانی و ویژگی‌های علمی و اخلاقی او پرداخته است.



کلمات مکنونه من علوم اهل الحکمة و المعرفة

محمد محسن فیض کاشانی، تصحیح و تعلیق: عزیزالله عطار دی
قوچانی، تهران، فراهانی، ۱۳۴۲، ۲۵۵ صفحه، رقیعی.

این اثر به سبک و روش اهل طریقت و عرفان نوشته شده و مطالب و موضوعات آن مبتنی بر اصول و عقاید عرفان و اهل باطن است. در این کتاب، اخبار و روایاتی از کتب معتبره مانند کافی و تألیفات شیخ صدوق نقل شده، لکن بر طبق روش اهل طریقت و عرفان تعبیر و تفسیر شده است و نیز اخبار و روایاتی از ائمه آورده شده است که در کتب حدیث و مشایخ روایت چه قدیم و چه جدید وجود ندارد. جناب آقای مرحوم عطار دی در مقدمه خود بر این کتاب ضمن تبیین جایگاه بلند علمی و عرفانی محقق بزرگ «فیض کاشانی» مطالب مختصری از زندگی ایشان و



عطاردی از زبان عطاردی

مروری بر آثار استاد عطاردی در گفت‌وگو با ایشان

استاد عطاردی چندی پیش از رحلت در گفت‌وگویی با اشاره به چگونگی تألیف آثار، بر آزادی انتخاب موضوع کتاب‌ها و جمع‌آوری مطالب و تحلیل و شرح آن‌ها تأکید کردند و از سفرهای علمی خود گفتند که بازخوانی آن در این مجال خالی از لطف نیست.

من صحبت‌های خودم را از آغاز ورود به مسائل علمی و تحقیقی شروع می‌کنم. در آذرماه ۱۳۳۱ از مشهد مقدس به تهران مهاجرت کردم و در مدرسه مرحوم شیخ عبدالحسین در بازار تهران حجره گرفتم. چون از دوره کودکی و جوانی علاقه‌مند به مسائل علمی و فرهنگی بوده و روحیه کتابخوانی داشتم، در تهران با تعدادی از ناشران و محققان و مؤلفان آشنا شدم که یکی از آن‌ها مرحوم علی اکبر غفاری بود.

همکاری من با ایشان در تصحیح متون، با چاپ کتاب کافی شروع شد. این کتاب تا دهه ۳۰ چاپ حرفی نشده بود و تنها چاپ سنگی قدیم بود. این برای من برکتی بود که وارد کارهای تصحیح متون شدم. حدود ۵ سال با ایشان همکاری داشتم. برخی از کتاب‌هایی که در آن‌ها با ایشان همکاری کردم عبارت‌اند از: کتاب فروع کافی در ۶ جلد، برخی از آثار شیخ مفید و شیخ صدوق مثل اختصاص و معانی الاخبار، کتابی از طبرسی به نام اعلام الوری با اعلام الهدی که قبلاً چاپ سنگی بود و آن را چاپ سربی و حرفی کردیم و در اواخر دهه سی چاپ شد. انجام این کارها موجب شد که من با منابع و مأخذ و کتب حدیثی، تاریخی، رجال، لغت، ادب، جغرافیا و انسان آشنا شوم.

کار در کتاب‌فروشی

تا سال ۱۳۴۰ مقیم مدرسه شیخ عبدالحسین بودم و چند ساعتی از روز را





در بخش دوم کتاب، اساتید و مشایخ و شاگردان ایشان را نوشتیم. در بخش بعد درباره باغی که حضرت عبدالعظیم(ع) در آن دفن شدند توضیح دادم که چه کسی باغ را به این صورت درآورد، گنبد و اتاق‌ها را چه کسی ساخت. این کتاب در حدود ۳۵۰ صفحه چاپ شد و مورد استقبال زیادی واقع شد و در واقع برکت و منشأ فواید علمی، معنوی و مادی زیادی برای کارهای بعدی من در آینده شد.

دومین اثر بنده ترجمه کتابی با عنوان «زندگانی چهارده معصوم» است. این کتاب ترجمه کتاب اعلام الوری نوشته طبرسی است که عربی آن را قبلاً با همکاری آقای غفاری چاپ کرده بودیم و با توجه به شناختی که نسبت به این کتاب پیدا کردم و آن را یک متن خوب و قوی می‌دانستم، تصمیم به ترجمه آن گرفتم. کارنامه تألیفی من تا سال ۱۳۴۵ یک کتاب تألیف و یک کتاب ترجمه را در خود داشت.

یک محدث و راوی مورد اعتماد امامان زمان خودش بوده است. این موجب شد که انگیزه‌ای در من پیدا شود که اخبار این بزرگوار را جمع کنم، با تحقیق در تمام کتب، هفتادو چند حدیث پیدا کردم و برای این که فارسی زبانان هم بتوانند استفاده کنند، آن را ترجمه کردم. به این صورت که متن عربی را آورده و در زیر آن را به فارسی ترجمه کردم.

انتشار پربرکت نخستین کتاب تألیفی

در سال ۱۳۴۲ کتاب مسند حضرت عبدالعظیم(ع) به عنوان اولین اثر تألیفی مستقل بنده چاپ شد. در آغاز این کتاب شرح حالی از خود حضرت عبدالعظیم(ع) تا زیدبن الحسن المجتبی - علیه‌السلام - نوشتیم زیرا نسبت ایشان با چهار واسطه به امام حسن مجتبی - علیه‌السلام - می‌رسد.

در کتاب فروشی به ایشان کمک می‌کردم. البته هر روز به آن جا نمی‌رفتم و بیشتر در مواقعی که کتاب چاپ می‌شد، برای مقاله کردن آن کتاب به آن جا مراجعه می‌کردم. گاهی ۲-۳ ساعت یا بیشتر در روز همراه ایشان بودم. از سال ۱۳۴۰ به طور مستقل شروع به کار کردم. در این دوره من با روش کار در کتاب کافی و کتاب‌های شیخ صدوق و مفید و طبرسی که از متون احادیث شیعه است، آشنا شده بودم و این کار من را هر چه بیشتر با اصول و مبانی آشنا کرد.

اولین آشنایی با شخصیت علمی حضرت عبدالعظیم

در ضمن مطالعات کتاب‌ها متوجه شدم اخبار و روایاتی از حضرت عبدالعظیم(ع) وجود دارد. بنده تا آن روز حضرت عبدالعظیم(ع) را یک شخصیت علمی - فقهی و حدیثی هم نمی‌دانستم و فقط او را یک امامزاده می‌دانستم، ولی هنگام کار بر روی این کتاب‌ها معلوم شد که ایشان

و ده‌ها کتابخانه را بررسی کردم. در آخر به این نتیجه رسیدم که نباید به این‌ها کفایت کرد و باید رحل سفر بست و به خارج از کشور رفت.

آغاز سفرهای علمی از مکه و مدینه

نخستین سفر خود را از مکه مکرمه و مدینه منوره در نوروز ۱۳۴۵ شروع کردم. دو ماه در آن جا اقامت کرده و از کتابخانه‌های حرمین شریفین استفاده کردم. چندین سفر به هندوستان رفتم و در پاکستان از شهرهای کراچی، لاهور، حیدرآباد، پیشاور و ده‌ها شهر در جنوب و مرکز آن دیدن کردم. سفر دیگری به یمن و مصر و سوریه و لبنان رفتم. سفر دیگر به اروپا و شهرهای پاریس و لندن و استانبول داشتم و در سفری نیز به مسکو، سن پترزبورگ، بخارا، سمرقند، تاشکند و دوشنبه رفتم. به همه جای افغانستان سفر کردم، چون بخش اعظم آن متعلق به خراسان قدیم بوده است. همه کتابخانه‌ها را دیدم و با علما و دانشمندان و رجال دیدار کردم و آثار تاریخی را دیدم. در واقع تا سال ۱۳۷۰ دائم‌ال سفر بودم و در طی سی سال مشغول جمع‌آوری اسناد و مدارک بودم.

از سال ۷۰ سفرها را به پایان رسانده و شروع به تنظیم مطالب جمع‌آوری شده کردم. در مرحله بعد نوشته‌ها را تنظیم کردم. ناگفته نماند که بنده بین سال‌های ۴۰ تا ۷۰ کارهای دیگری را نیز انجام داده‌ام، کار اصلی من کار خراسان بوده است، ولی در این سفرها، شب‌ها از وقتم استفاده کرده و کتاب‌های عربی را ترجمه کردم. اعلام‌الوری را در مشهد، کتاب مقتل‌الحسین نوشته مقرر را در تهران، کتاب زید شهید را نیز ترجمه کردم. کتاب الغارات نوشته ثقفی را که متوفای ۲۷۴ است در کشمیر ترجمه کردم. این کتاب از کتب معتبر شیعه است، کتاب النصایح الکافیة را در نجف، کتاب ایمان و کفر جلد ۱۵ بحارالانوار را در دو جلد ترجمه و چاپ کردم.

آغاز تحقیقات بر روی نهج‌البلاغه

کارهای نهج‌البلاغه مقارن با سال ۱۳۵۶ بود. مصادف با هزارمین سال تألیف نهج‌البلاغه از روی ذوق شخصی شروع به جمع‌آوری نسخه‌ای خطی نهج‌البلاغه کردم. ۳-۲ نسخه خطی از نهج‌البلاغه را در تهران و چند نسخه دیگر را نیز در هندوستان پیدا کردم و با مقایسه نهج‌البلاغه دوره کهن متعلق به قرن ششم تا هشتم است که از جمله این‌ها شرح نهج‌البلاغه قطب‌الدین کیذری و شرح نهج‌البلاغه قطب‌الدین راوندی

آغاز «فرهنگ خراسان» از سال ۱۳۴۰

در زندگی، اولین کاری که به تنهایی شروع کردم، کتاب فرهنگ خراسان بود. در واقع نقطه آغاز این کتاب از سال ۴۰ در من به وجود آمد؛ یعنی زمانی که من به دنبال رجال و اشخاص برای تحقیقات بودم، متوجه شدم علما و رجال زیادی در طول تاریخ متعلق به خراسان هستند. در قرن سوم و چهارم و پنجم هجری این سرزمین مملو از ادب و فرهنگ است؛ افرادی مثل بیهقی، نیشابوری، خوارزمی، مرزوی، طوسی، سمرقندی، بخارایی که بیش از صد نفر اهل خراسان هستند. این کار نوری را در دل من تابید که در این زمینه تلاش کنم.

من در سال ۱۳۴۴ برای اولین بار به عتبات عالیات و زیارت قبور اهل بیت مشرف شدم. در آن جا با مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی صاحب‌الذریعه، آشنا شدم. البته قبلاً ایشان را در تهران دیده بودم و ایشان را می‌شناختم. خدمت ایشان رفتم و نسخه‌ای از کتاب مسند حضرت عبدالعظیم (ع) در نجف به ایشان هدیه دادم. روزی به ایشان گفتم که من قصد کار کردن روی خراسان را دارم، ولی کاری سنگین است که به من گفتند: «شما جوان هستی، همت کن». راهنمایی که این عالم بزرگوار در من اثر گذاشت و شروع به کار کردم.

از جمله مشوقان من به این کار مرحوم شیخ عبدالحسین امینی، صاحب‌الغدیر و مرحوم مرتضی مطهری، جلال‌الدین همایی و مرحوم شهاب‌الدین مرعشی نجفی بود که ایشان همیشه از من درباره این کتاب سوال می‌کرد تا آن جا که حتی تا آخرین روزهای حیات شان هم پیگیر این کتاب بود.

من درباره خراسان کار خود را با فیش برداری شروع کردم. در مرحله اول کار، محدوده خراسان را از کتب جغرافیایی قدیم متعلق به قرن سوم و چهارم به دست آوردم. در مرحله بعد امکان، شهرها و قرا و قصبات را در این محدوده از کتب جغرافیایی استخراج کردم که بیش از دو هزار مورد به دست آمد. در سومین مرحله، به استخراج رجال این مناطق مثل نیشابور، بیهقی، سرخس، نیشابور، خوارزم، ابیورد، نساء، جوین، جاجرم، قومس، بسطام، گناباد، هرات، سمرقند، بخارا، جوزجانان، بداخشان و بلخ و... پرداختیم.

من برای انجام این کار دو نکته در نظرم بود؛ یکی این که، انتهای برای آن قرار ندادم و دوم این که مراجعه به همه کتاب‌ها اعم از کتاب‌های چاپی و خطی را آغاز کردم. کار را با مطالعه کتاب‌های موجود در ایران در شهرهای قم، اصفهان، یزد، شیراز، اهواز، تبریز، خوی، مراغه، ارومیه و همدان شروع کردم



شد. در این مسند از تولد امام رضا(ع) در کتابی مستقل در سال ۱۳۵۰ تنظیم و در دو جلد به عربی چاپ شد. در این مسند از تولد امام رضا(ع) تا شهادت از اخبار و روایاتی که از آن بزرگوار به ما رسیده است جمع کردم، چاپ شده است. بعد از چاپ این مسند آقای میلانی من را تشویق کرد که در خصوص بقیه ائمه نیز مسند بنویسم و تشویق ایشان بالاخص درباره امام محمد باقر(ع) بود.

بعد از مسند حضرت رضا(ع)، یکی از کارهایم را نوشتن مسانید اهل بیت با استفاده از منابع شیعه و اهل سنت قرار دادم. مسند بعدی مسند امیرالمومنین(ع) بود که به دلیل طولانی بودن، آن را برای آخر گذاشتم. بعد مسند حضرت زهرا -سلام الله علیها- و مسند تک تک ائمه را چاپ کردم، مسند امام حسن(ع) در یک جلد، امام حسین(ع) در سه جلد، امام سجاد(ع) در دو جلد، امام محمد باقر(ع) در شش جلد، امام صادق(ع) در بیست و دو جلد، موسی بن جعفر(ع) در سه جلد، امام رضا(ع) در دو

است. شرح نهج البلاغه علی بن ناصر سرخسی متعلق به اوایل قرن هفتم را چاپ کردم، شرح نهج البلاغه قرن هشتم را هم خودم چاپ کردم.

از دیگر کارهای من استخراج چند کتاب از تاج العروس است که به ارشاد علامه امینی بوده است. این استخراجها در رجال در ۴ جلد، غریب الحدیثها در ۴ جلد، لغات فارسی در یک جلد، اعلام بلاد و امکنه و شهرها آماده به چاپ است که الحمدلله تمام شد. این کار در خلال سال ۴۰ تا ۷۰ انجام گرفته است.

تألیف مسندات معصومین(ع) با ارشاد و تشویق بزرگان
مسانید اهل بیت(ع) از امام رضا(ع) آغاز می‌شود. در فرهنگ خراسان، یکی از عناوین علی بن موسی الرضا(ع) است که خود حضرت برکت کارهای بعدی من شد. مسند امام رضا(ع) در کتابی مستقل در سال ۱۳۵۰ تنظیم و در دو جلد به عربی چاپ

جلد، امام جواد و امام هادی و امام حسن عسگری -علیهم السلام- هر کدام در یک جلد و مسند امام علی (ع) در بیست و هفت جلد چاپ شده است. مجموعه این مسانید به ۷۰ جلد رسیده است.

البته درباره حضرت مهدی -عجل الله- مسندی نمی توان نوشت. چون درباره کتاب ایشان نمی توان کلمه مسند را به کار برد، چرا که مسند یعنی سند دار بودن مطلب و نیازمند شاگرد و استاد و داشتن حوزه درسی است. از ایشان به جز توقیعات، اخبار دیگری نداریم. البته در هر کدام از مسانید یک کتاب الغیبه دارد که محتوای آن، اخباری است که امامان ما درباره حضرت مهدی -عجل الله- گفته اند. ائمه روح دین جدها هستند و امام رضا -علیه السلام- می فرماید: « حدیثی، حدیثی، حدیثی و حدیثی، حدیثی، حدیثی، حدیثی، حدیثی حدیثی رسول الله ». بنابراین سرچشمه همه روایات پیامبر (ص) است. ما در مسانید، همه مصادر را از شیعه و سنی آوردیم.

تحقیقات گسترده درباره امام علی (ع) در منابع اهل سنت

بیشترین تحقیقات من درباره حضرت علی -علیه السلام- از اهل سنت است و این کتاب در سه بخش تنظیم شده است، بخش اول از ولادت تا شهادت، ایشان در چهارسالگی تحت تکفل و تربیت ایشان قرار گرفت و نخستین مسلمان، مومن و نمازگزاری است که از اول در برابر اذیت‌هایی که به پیامبر (ص) می شد، دفاع می کرد. بعد از یکسال در مدینه داماد پیامبر (ص) شد و در همه جنگ‌ها به جز جنگ تبوک با پیامبر (ص) بوده است. بعد از پیامبر (ص) نیز سال‌ها با ابوبکر، عمر و عثمان بوده است و بعد به خلافت رسیده و در این دوران جنگ‌های جمل و صفین

و نهروان را داشته است و بعد هم به شهادت رسیده است.

در چهار جلد از این مسند، روایاتی درباره فضایل حضرت علی (ع) آورده شده است. در هشت جلد نیز روایاتی از شیعه و زیدیه و اسماعیلیه و در سه جلد و نیم نیز روایاتی از اهل سنت چاپ شده است. این کتاب به زبان عربی و برای علما و دانشمندان نوشته شده است. امتیاز امیرالمومنین (ع) این است که سخنان فصیح و بلیغ زیادی را دارد. در میان بیت (ع) تنها کسی که نماز جمعه اقامه کرده، علی (ع) است و بعد از ایشان، امام حسن (ع) ۲ الی ۳ ماه نماز جمعه خوانده است.

حرم امام رضا (ع)؛ مطلع «فرهنگ خراسان»

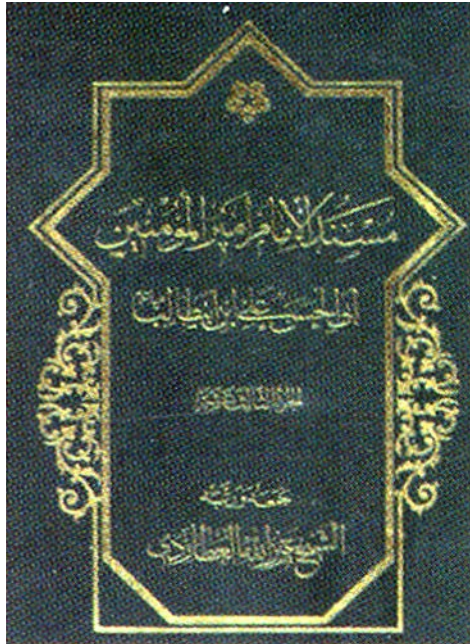
بعد از تمام شدن مسانید به نوشتن فرهنگ خراسان ادامه دادم. کار خراسان از قبر امام رضا (ع) که دل و مغز خراسان است، شروع می شود. بعد درباره رواق‌های حرم حضرت رضا (ع) مطالبی را آورده‌ام. بحث من از قبر اینگونه شروع می شود که حضرت رضا (ع) در باغ حمید بن قحطبه که باغی دولتی در سناباد طوس بود در روز ۳۰ ماه صفر سال ۲۰۳ یا ۲۰۲ در این باغ به خاک سپرده شد. بعد درباره صندوق روی قبر بحث می شود و این که این صندوق در طول تاریخ بارها عوض شده است. ضریح روی این صندوق از قرن هشتم همزمان با دوره تیموریان قرار داده شده است. بعد درباره گنبد بحث می شود که اولین گنبد را چه کسی ساخته است و این که گنبد حاتم‌خانی، گنبد الله‌وردی خان و گنبد حضرت رضا (ع) که از زمان

غزنویان و از بناهای سلطان محمود غزنوی است که هزار و خرده‌ای سال از عمر گنبد می گذرد. بعد رواق‌ها را شرح می‌دهم و بعد همه کتیبه‌ها را خوانده و نوشته‌ام و همه نوشته‌های موجود در آستان قدس تا سال ۸۲ را در کتاب آورده‌ام و در ۱۰۰۰ صفحه چاپ شده است و همه این‌ها را مشاهده کرده و در کتاب نوشته‌ام.

در بخش بعدی تاریخ شهر مشهد مقدس، طوس، نوغان، تایباد آورده شده است و بعد شکل‌گیری شهر مشهد آمده است که بعد از رحلت امام رضا (ع) به دلیل رفت و آمد مردم برای زیارت قبر امام رضا (ع) این منطقه شهر شد. در دو جلد جغرافیای مشهد و در پنج جلد رجال مشهد نوشته شده است که الان هم بر روی بخش‌های شمالی خراسان شامل گرگان، اسفراین و جاجرم و ... کار می‌کنم. مطالب را طوری جمع آوری کردم که اگر عمرم برای نوشتن این کافی نبود، مطالب استخراج شده، چاپ شود.

از انتخاب موضوع و تصحیح متون تا انتشار و فروش آثار

بنده تا امروز به تنهایی ده‌ها جلد کتاب را چاپ کرده‌ام، چرا که معتقدم من کار خودم را خودم باید انجام دهم و همیشه برای انتخاب موضوع کتاب‌ها و جمع‌آوری مطالب و تحلیل و شرح آن‌ها آزاد بوده‌ام. کتاب‌هایم را خودم ویرایش و صفحه‌گذاری می‌کنم و خودم آن‌ها را روخوانی می‌کنم و امسال فقط ۱۴۰۰۰ هزار صفحه را تصحیح و آماده به چاپ کرده‌ام و پروانه نشر کتاب به نام عطار گرفتیم و خودم نیز آن را می‌فروشیم. بنده با این سبک به راحتی کار می‌کنم.



مراحل تألیف مسند الامام امیرالمؤمنین (ع) در بیان مؤلف

مرحوم آیت الله عطار دی سالها پیش در زمان پایان تألیف «مسند الامام امیرالمؤمنین (ع)» که بعدها در ۲۷ جلد به چاپ رسید، در جمع تعدادی از پژوهشگران و علاقه‌مندان در موسسه فرهنگی خراسان، به ذکر نکاتی درباره این مسند و مصادر آن پرداخته بودند که زوایای اعجاب‌برانگیزی از تلاش خستگی‌ناپذیر این محقق برجسته را نمایان می‌کند.

«عبدالرزاق» است. این کتاب در ۱۴ مجلد حدود ۲۰ سال پیش در آفریقای جنوبی چاپ شده است و تاکنون چاپ نشده بود.

همچنین «عبدالرزاق صنعانی» که یک مسلمان معتدل بوده، در مصنف خود از اهل بیت (ع) از حضرت علی (ع)، امام جعفر صادق (ع) و امام محمدباقر (ع) حدیث نقل کرده است یا «ابوبکر بن ابی شیبه» یک کتاب در ۱۴ جلد دارد که اسمش «مصنف» است. ایشان هم در اواخر قرن دوم به دنیا آمده و در اوایل قرن سوم این کتاب را نوشته است.

اثر جریان‌ات فکری و سیاسی بر مسندنویسی

این‌ها تعدد همه‌گونه روایات داشته‌اند ولی بعد عواملی پیش می‌آید و این دو کتاب را به خاطر جریان‌های فکری یا سیاسی از صحنه بیرون می‌کنند. حالا چه جریان‌های فکری یا سیاسی بوده به خاطر این که در این کتاب‌ها اخبار و احادیثی بوده که گروهی از رهبران زمان از اصحاب فکر و اندیشه یا از اصحاب سیاست نخواستند این اخبار باشد و بعد میدان را برای «محمد بن اسماعیل بخاری»، «مسلم بن حجاج نیشابوری» و «ابوعبدالرحمن نسائی»، «ابو داود سجستانی» و «ابن ماجه قزوین» که همه ایرانی هستند، باز کردند. آن دو عرب بودند ولی اینها همه ایرانی هستند. از این‌ها یک نفر سیستانی، سه نفر خراسانی، یک نفر هم قزوینی هستند و کتاب‌هایشان مقتدای اهل سنت است.

شیعه در قدیم مسندنویسی داشته است، ولی گم شده و از بین رفته است. در قدیم کلمه «مسند» بوده است، ولی کم کم اسامی دیگر آمد. «تهذیب»، «استبصار»، «کافی»، «من لایحضره الفقیه» و... نوشته شد. البته کتب حدیثی (اهل سنت) نیز همه مسند نیستند، آن‌ها صحاح دارند؛ صحیح «بخاری» دارند، صحیح «مسلم» دارند. سنن «ترمذی» دارند، سنن «سجستانی» دارند. آنها کتاب‌هایی به نام «مصنف» دارند. آن طور که من اطلاع دارم، کتاب‌نویسی و جمع‌آوری اخبار و احادیث در آغاز اسمش «مصنف» بوده است؛ مثل مصنف «ابن ابی شیبه»، مصنف «عبدالرزاق». بعد از مدتی اصطلاح «مسند» آمد؛ مثل «مسند ابن حنبل»، «مسند طیالسی»، «مسند اسحاق بن راهویه»، «مسند دارمی» و پس از مدتی کلمه «صحاح» آوردند. به قول خودشان اخباری که صحیح و درست است؛ مثل صحیح «بخاری» و صحیح «مسلم». بعضی عنوان «سنن» به آن دادند؛ مثل «نسائی»، «ترمذی»، «سنن ابوداود سجستانی»، «سنن ابن ماجه قزوینی»؛ این آثار همه به جمع روایات و آثار از پیامبر (ص) و قدم هم از اصحاب برمی‌گردد.

ولی خوب عواملی در زمان بنی عباس پیدا شدند که جریان‌های فکری و سیاسی پیش آمد و این جریان‌ها بر مؤلفین اثر گذاشت؛ مثلاً نخستین کتابی که ما در میان اهل سنت داریم، مصنف

تمام این فسادها از دربار خلفای بنی عباس بیرون می‌آمده. اشخاص خودفروخته در آن جا جمع شده بودند و صاحبان اندیشه را منحرف و تحریم می‌کردند.

این دو کتاب اصلاً در جامعه اسلامی مطرح نشده یعنی «مصنف عبدالرزاق» و «ابن ابی شیبیه» اصلاً روی صحنه نیامد و متروک شد. تعجب است که در دهه ۴۰ این کتاب را یک هندی به نام «عبدالرحمن ندوی» در بمبئی چاپ کردند، مراکز حساس از این کتاب خوش‌شان نمی‌آید و حالا این هندی چه اندیشه‌ای داشت که آن را چاپ کرد، نمی‌دانم.

کتاب عبدالرزاق صنعانی را عده‌ای حدود ۳۰ تا ۳۵ سال پیش در آفریقای جنوبی چاپ کردند، یعنی این دو کتاب، نه در مصر چاپ شده، نه در بیروت، نه در کشورهای عربی، نه سعودی، بلکه یکی در هند و یکی در آفریقای جنوبی چاپ شده است. بنابراین اینها حاصل یک جریان‌های فکری و سیاسی بوده است. از قضا راوی عبدالرزاق صنعانی یک شخص تهرانی از ری به نام محمدبن حماد تهرانی و از قدیمی‌ترین محدثین است که جزء شاگردان عبدالرزاق بوده است.

این کتاب‌ها در حوزه‌های علمیه وارد شدند. شما اگر به هر حوزه از حوزه‌های علمیه اهل سنت بروید، می‌بینید که صحیح بخاری می‌خوانند، صحیح مسلم می‌خوانند و همه صحاح سته می‌خوانند و این جور کتاب‌ها اصلاً مطرح نیست. بعدها افراد دیگری هم کتاب نوشته‌اند مثلاً ما یک ابو عبدالله نیشابوری داریم به نام حاکم. این حاکم نیشابوری، مردی بسیار بزرگ و از علمای اواخر قرن چهارم است. این شخص در حدیث، درجه اول است و کتابی به نام مستدرک الصحیحین نوشته است؛ یعنی روایاتی را نقل کرده که بخاری و مسلم نقل نکرده‌اند. این کتاب حدود صد سال پیش در حیدرآباد چاپ شده است و اخیراً هم در بیروت افست شده است که من آن را دارم.

این مرد بزرگ با چه شهامت و جسارتی وارد میدان شده و چهار جلد رحلی بزرگ به نام المستدرک علی الصحیحین چاپ کرده است. این مرد حرفش این است که این روایت‌ها که من در این کتاب نقل کرده‌ام براساس روشی که صحیحین داشته‌اند، تمام رجالی است که آنها به آن رجال استناد کرده‌اند؛ ولی چرا آنها را نقل نکرده‌اند، می‌گوید شما که در صحیح بخاری به این سند و روایت همه را تفه و مقبول‌القول می‌دانید، به چه دلیل این احادیث را نیاورده‌اید؟ اگر آنها آدم خوبی بوده‌اند، چرا این احادیث را نیاورده‌اید؟ اگر بد بودند، چرا آنها آورده‌اید؟ علی شرط الشیخین در واقع رسوا کردن این دو تا شیخ است که معنی آن این است

که شما غرض داشته‌اید، حاکم نیشابوری در این کتاب بسیاری از فضائل علی (ع) را نقل می‌کند؛ اخباری از امام جعفر صادق (ع) و امام محمدباقر (ع) نقل می‌کند می‌گوید: هرچه من نقل می‌کنم علی شرط شیخین است، یعنی شما این طریق روایات را قبول دارید، ولی چرا آنها آورده‌اید، این جا نیاورید.

روی هم رفته جریان‌های فکری که در قرن سوم و چهارم هجری بوده و جریان‌هایی سیاسی که اغلب از دربار خلفای بنی عباس و حکام و امرایی که سیاست آنها را تعقیب می‌کردند، در این کتاب‌ها راه پیدا کرده و این کتب در جامعه آمده و جا افتاده است.

مصادر مسند امام علی (ع)

ما در کتاب «مسند امام علی» اخبار علی (ع) را از همه مصادر نقل کرده‌ایم. ما ۶ کتاب صحیح داریم. تعدادی هم مسند داریم. مثلاً مسند «احمد بن حنبل» ۶ جلد دارد و با خط ریز نوشته شده است که من تمام اخبار علی (ع) را از آن نقل کرده‌ام.

در میان این‌ها از همه منصف‌تر احمد بن حنبل است. احمد بن حنبل احادیث زیادی از علی (ع) نقل کرده و بسیاری از فضائل ایشان را مطرح کرده است. به قول مرحوم طباطبایی (ره) اگر احمد بن حنبل این‌ها را جمع نکرده بود، از بین می‌رفت و از این جهت از احمد بن حنبل همیشه به نیکی یاد می‌کرد، چون صاحبان «صحاح سته» این اخبار را نوشتند، ولی احمد نوشته، کمی شهامت داشته، چون خیلی مطالب دارد که ما از آن نقل کرده‌ایم. احمد بن حنبل معاصر با مأمون بوده و اصالتاً مروی بود اصلاً خودش خراسانی است و بعضی گفتند بچه بود که به بغداد رفت و روی هم رفته با پدران ساکن مرو بودند و در زمان مأمون ساکن بغداد شدند.

همچنین کتاب‌های دیگری هست که دیگران نوشته‌اند. یکی از محدثین از طبران شام یا از فلسطین است. طبریه الان هست، جزء فلسطین است. یک نفر از این طبریه در قرن ۴ و ۵ پا گذاشت و چند کتاب به نام «معجم کبیر»، «معجم صغیر» و «معجم اوسط» نوشت. این‌ها از کتاب‌های بسیار معتبر در میان اهل سنت است و تمام این کتاب‌ها را در یک جا به نام «مجمع الزوائد» جمع کرده است. اهل سنت کتب دیگری به نام مسند ابویعلی و مسند بزاز دارند. این‌ها کتاب‌های مختلفی است که بعد از صحاح نوشته شده و همه این‌ها را شخصی به نام نورالدین علی الهیثمی که اهل شام است جمع کرده است و با حذف سند در کتابی به نام مجمع الزوائد گردآورده است. من از همه این کتاب‌ها استفاده کرده‌ام، یعنی همه متون احادیثی که مورد اعتبار و توجه حوزه‌های

اما این‌ها عرض کردم همه کتب حدیثی است از امام علی(ع) یک سلسله روایت‌ها و شرح زندگی در کتاب‌های تاریخی مثل تاریخ طبری، کتاب «اخبار الطوال» اثر ابوحنیفه دینوری کتاب «الامامه و السیاسة»، تاریخ «مروج الذهب» مسعودی، «مغاری» واقدی، «سیره ابن هشام»، کتاب «یعقوبی» که مورخ معاصر امام رضا بوده است و غیره که من تمام اخبار علی(ع) را از این کتاب‌ها خارج کرده‌ام.

نکته مورد توجه درباره واقدی این است که نوشته‌هایش بسیار مورد قبول خاورشناسان است. وی معاصر مامون بوده است و به تمام سرزمین‌هایی که پیامبر(ص) بوده یا جنگ کرده‌اند سفر کرده و آنها را از نزدیک با چشم خود دیده بود. شخصی می‌گوید من واقدی را در مکه دیدم که مقداری آذوقه به همراه داشت و گفت: می‌خواهم به حنین بروم تا مکانی را که پیامبر در آنجا جنگیده، از نزدیک ببینم.

استخراج کلمات امیر المؤمنین(ع) از اخبار بلدان

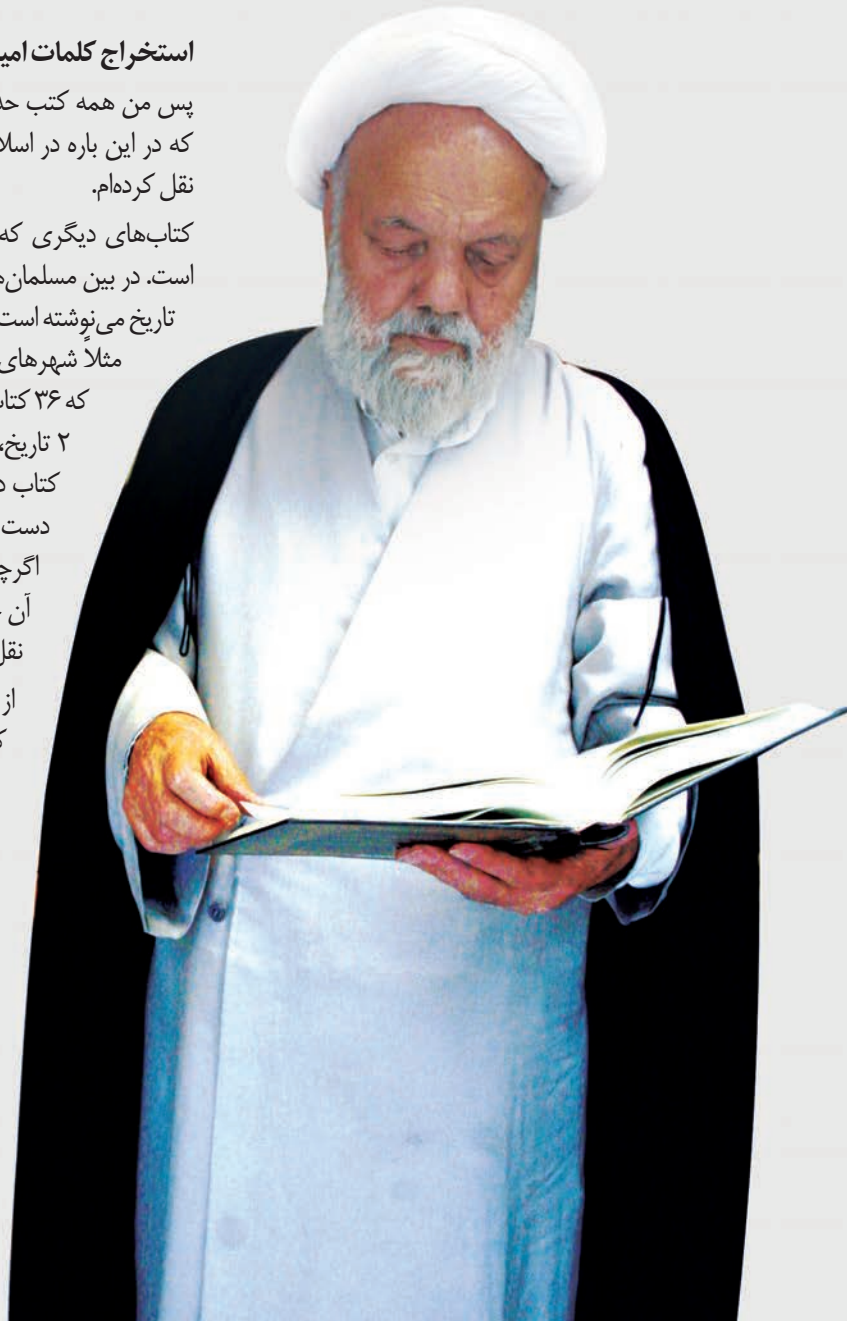
پس من همه کتب حدیث، سیره، تاریخ، مغازی و در واقع امهات کتبی که در این باره در اسلام اعم از شیعه و سنی وجود دارد، دیده و از آنها نقل کرده‌ام.

کتاب‌های دیگری که از علی(ع) در آن بحث شده است، اخبار بلدان است. در بین مسلمان‌ها از قدیم رسم بوده که هر طیف برای شهر خود تاریخ می‌نوشته است. از آنها تعدادی مانده و بسیاری هم گم شده است. مثلاً شهرهای خراسان اغلب تاریخ داشته‌اند. من فهرستی دارم که ۳۶ کتاب برای خراسان بوده است، بخارا ۳ تاریخ، سمرقند ۲ تاریخ، ترمز، خوارزم، ایبورد و نیشابور، نساء و... همه کتاب داشته‌اند، ولی از بین رفته است. الان آنچه که در دست مانده استفاده می‌کنیم، اخبار اصفهان و... است، اگرچه اسم آن، تاریخ اصفهان است، ولی به مناسبت در آن جا از اشخاصی نام برده شده که از علی(ع) حدیث نقل می‌کنند.

از جمله کتب اخبار بلدان، «التدوین» رافعی است که درباره قزوین نوشته شده یا تاریخ «جرجان» که تاریخ گنبد کاووس است. اسم اصلی جرجان برای گنبد کاووس است، نه این گرگان فعلی. اسم اصلی گرگان استرآباد بود. ما یک گرگان داشتیم و یک گرگانک. گرگانک که به عربی می‌شود جرجانیه و الان بخش قدیم آن در ترکمنستان است و بخش بعدی آن در ازبکستان است. در این‌ها نیز از علی(ع) احادیث بسیاری روایت شده است. مثلاً در التدوین واقعی نزدیک

اهل سنت است را در کتاب «مسند امام علی» ملحوظ کرده‌ام.

همچنین مجموعه‌هایی در قدیم بود که علما و رجال از قدیم داشته‌اند و خارج از این کتاب‌ها است. اخبار آنها در این کتاب‌ها نیامده و در جزوه‌هایی بود که از قرن دوم و سوم هجری در دسترس علما بوده است. گروهی از این جزوه‌ها استفاده کرده‌اند. مقداری از این جزوه‌ها را صاحب التدوین در قزوین داشته و مقداری هم فرد دیگری داشته، من این اخبار پراکنده را از همین مصادر موجود در آورده‌ام، بنابراین هر آنچه در کتب روایی از علی(ع) نقل شده است، بیرون کشیده‌ام.





زیادی نقل شده و من هم سطر به سطر این کتب را دیده‌ام. من این‌ها همه را دیده و سخنان علی(ع) را از آنها استخراج کرده‌ام و حاصل آن، این مجموعه به نام «مسند امام علی(ع)» شده است. در این کتاب همه طرق و مسانید را آورده‌ام؛ یعنی براساس سنت‌هایی که علمای قدیم داشتند، مثلاً یک حدیث تکرار شده، ولی در سند فرق می‌کند. در سند آن حدیث شخصی است که در دیگری نیست یا متنی چاپ شده که متن با آن اختلاف دارد یا یک جمله کوتاه اختلاف دارد. من این را تکرار کرده‌ام و از همه مسانید آورده‌ام. مثلاً جنگ صفین هزار حدیث دارد. یک جلد این کتاب مربوط به صفین است. یک دریا مطلب است که همه را از کتب اصیل و مورد عنایت اهل تحقیق آورده‌ام و کسی نمی‌تواند در اصالت این کتاب‌ها حرف بزند، همه از منابع اصیل است.

علت گرایش به مسندنویسی

این‌ها همه از برکت امام رضا(ع) بود. من که در فکر مسندنویسی نبودم. من روی خراسان کار می‌کردم. یکی از کتب بنده درباره علی بن موسی الرضا(ع) است و همیشه گفته‌ام سلطان خراسانی، شاه خراسان، سید خراسانی در همه قرون و اعصار این مزار این جا می‌درخشید. مستقلاً برای ایشان یک کتاب نوشتم که در سال ۵۲، به نام مسند الامام ابوالحسن رضا چاپ شد. یک جلد از آن را به مرحوم آیت‌الله میلانی هدیه کردم و ایشان گفت: دوست دارم در مورد امام محمد باقر(ع) نیز چنین کتابی بنویسید، کتابی که شما نوشته‌اید بسیار خوب است و خوب تنظیم شده است و من همه عناوین آن را دیده‌ام. از این جا بود که من تصمیم گرفتم مسند همه امامان را بنویسم.

نگارش تاریخ آستان قدس رضوی

اما کار خراسان که به دنبال آن هستیم، ۴، ۵ سال عمر می‌خواهد. تا عید، جلد جدید تاریخ خراسان مربوط به بخش شمالی از جاجرم تا خموشان چاپ خواهد شد که در پنج یا شش جلد است. برنامه دیگر من نوار مرزی است؛ نوار مرزی بین ما و ترکمنستان که قسمت شمالی سلسله جبال هزارمسجد (در گذشته خوارزم خاوران می‌گفتند و حال ترکمنستان شده) است. من در این باره مطلب بسیار دارم. آنجا نسا است، شهرستان، دهستان، ... تا سرخس، اینها جزء برنامه است. مطالب استخراج شده فقط باید تنظیم شود و به حروفچینی برود. من این کارها را در جوانی انجام داده‌ام.

به چهارصد حدیث از امام علی(ع)، امام حسن(ع)، امام حسین(ع)، امام محمدباقر(ع)، امام جعفر صادق(ع) و امام رضا(ع) داریم که به مناسبت‌هایی در این کتاب نقل شده است و من از همه این روایت‌ها استفاده کرده‌ام.

۴۶

پیگیری بیانات امام علی(ع) در کتب بزمی

یکی از کتاب‌هایی که از علی(ع) زیاد حدیث نقل کرده‌اند، کتب بزمی است. کتاب‌های بزمی، کتاب‌هایی ادبی و حاوی سخنان فصحاء، شعرا و دانشمندانی است که حرف‌های آنها در سطح بالایی بوده در مجالس امراء، حکماء، شعرا و ادیان در شب‌نشینی‌های معروف به مجالس بزمی است که این کتاب‌ها واقعا خواندنی هستند.

کتاب «البیان» جاهز از قدیم‌ترین این کتب است. بعد از آن رسائل خود جاهز است، بعد می‌رسیم به «الکامل»، بعد «عیون الاخبار» این قتیبه که ۴ جلد است و بعد «نهایه العرب» نویدی که ۱۸ است. صاحبان این آثار سخنان علماء، فصحا و شخصیت‌های درجه اول شعر و نثر را جمع کرده‌اند. یکی از سخنان که در این مجالس خوانده می‌شد، سخنان حضرت علی(ع) بود. چون زیبا سخن گفته است. شما نباید فقط نهج‌البلاغه را ببینید. نهج‌البلاغه یک صدم سخنان علی است، این ادعای بنده نیست. سید رضی به مناسبت‌هایی، یک تکه را انتخاب کرده و خودش هم گفته است که گزینش کرده است. سخنان علی(ع) یکی از سخنانی بوده که در مجالس فصحا و بلغا و ادبا خوانده می‌شده است. در این کتب بزمی از ایشان کلمات

کجاست و دیگر کاری به این خاورشناسان ندارم.

روی هم رفته من مشکلی ندارم که با آن‌ها حرف بزنم. الان این فرهنگی که ما داریم، در آن جا حاکم نیست، آن‌ها اصلاً «انوری» و «نسائی» و... نمی‌شناسند، به شاعری به نام چی چی قلی افتخار می‌کنند. ازبکستان همه زبان ازبکی دارند و به «امیر اردشیر نوایی» افتخار می‌کنند و بهترین میدان و بهترین ایستگاه مترو به نام اوست؛ چرا؟ چون ایشان دیوان ازبکی دارد. اصلاً آن‌ها در این وادی نیستند، زبان آن‌ها ازبکی است. این‌ها هم زبان ترکمنی دارند، فقط در تاجیکستان چون با ما هم زبان هستند، هنوز فرهنگ ما در آن جا برقرار است.

دیگر اسم‌ها عوض شده، خطشان این خط نیست، زبانشان این زبان نیست، چه کسی دیگر «انوری» می‌فهمد؟ چه کسی به دنبال «ابوسعید ابوالخیر» است؟ اگر خدا سلامتی به من بدهد، من ۵۰۰۰ صفحه راجع به «مرو» خواهم نوشت که این مرو چه شهری است و این خوارزم چه منطقه‌ای است. امروز خوارزم بین سه کشور تقسیم شده است. جنوبش ترکمنستان، مرکزش دست ازبک‌هاست و شمالش دست قزاق‌ها است. این منطقه، اغلب ریگستان است.

تأسیس مرکز فرهنگی خراسان

من عمری دویدهام، از سال ۱۳۴۰ در مسافرت بوده‌ام، مطالب زیادی جمع‌آوری کرده‌ام، کتاب‌ها نوشته‌ام، ترجمه کرده‌ام، متونی تحقیق کرده‌ام، فیش‌ها و مطالب زیادی راجع به خراسان و سیستان جمع‌آوری کرده‌ام و برای این که این‌ها از بین نرود، از سال ۷۰ در ذهن خود یک مرکز ذهنی پدید آورده‌ام، در منزل خود در امامزاده قاسم این کار را شروع کردم. بعد اولین کتابی که به نام مرکز چاپ کردم، تاریخ آستان قدس بود؛ یعنی خراسان را از امام رضا (ع) شروع کردم؛ گنبد امام رضا؛ دل و مغز خراسان است. من از قبر امام رضا شروع کردم.

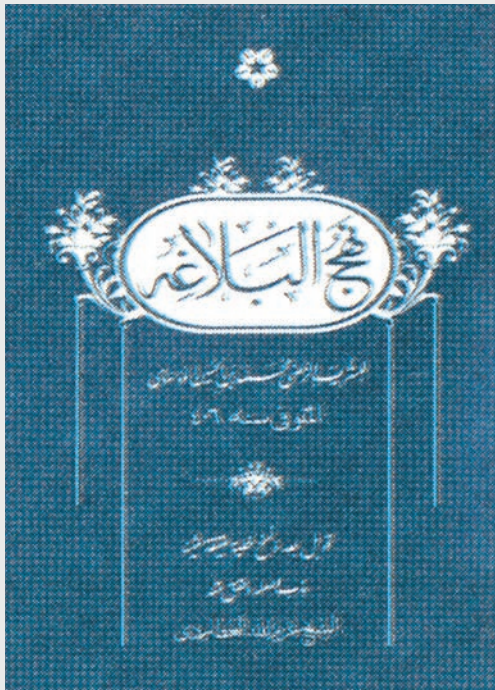
تا حالا حدود ۸۰ جلد کتاب از من چاپ شده است و برای این که از بین نرود مرکز خراسان را تأسیس کردم، دیدم سایر مؤلفین آثار آن‌ها بعد از خودشان از بین می‌رفت و پراکنده می‌شد و دست هر ناشری می‌افتاد، خواستم این نوشته‌ها از بین نرود. من خیلی رنج برده‌ام. من قله‌های هندوکش را دیده‌ام تا طحارستان و بدخشان و هزار مسجد رفته‌ام. این‌ها نباید از بین بروند. من از سیحون تا نیل، از خلیج فلاند تا خلیج بنگال را دیده‌ام و یک روز هم این لباس (لباس روحانیت) را عوض نکرده‌ام؛ یعنی اگر به میان کمونیست‌ها در شوروی رفته‌ام، با همین لباس بوده است، پیش خاورشناسان با همین لباس رفته‌ام و آن‌ها خیلی هم خوششان آمده است.

من از اول تنها هستم، یعنی موضوع کتاب را خودم انتخاب می‌کنم، خودم جمع‌آوری می‌کنم، خودم تنظیم می‌کنم، خودم ویراستاری و حروفچینی می‌کنم، به چاپخانه می‌فرستم، تصحیح می‌کنم و خودم می‌فروشم.

یک روز در اجتماعی که خاورشناسان همه در تاشکند بودند، همه ازبک بودند و فارسی زبان. آنجا صحبت طالقان خراسان شد، من گفتم: طالقان خراسان الان جزء اتحادیه جماهیر شوروی است، گفتند: نه در افغانستان است. من حد آن را هم گفتم و برای‌شان شرح دادم که زیر ولایت جوزجانان در کنار مرز افغانستان و شوروی است و قسمتی از آن هم داخل خاک شوروی است. این شهر در زمان مغول‌ها خراب شده، ولی آن طالقان قدیم، طالقان خراسان است. گفتند: نه در افغانستان است. من اهل جدل نیستم و آن‌ها رفتند، روز بعد جوانی آمد و گفت: آقا شما راست می‌گویید، من دیشب نقشه‌ای را که برای صد سال پیش است، پیدا کردم، دیدم طالقان جزء شوروی است. یعنی من از آن‌ها بیشتر کشورشان را می‌شناسم. چون من روی خراسان قدیم کار می‌کنم، من به «یاقوت حموی» نگاه می‌کنم که می‌گوید طالقان



من در سال ۶۶ در ترکمنستان بودم، وقت بسیار کمی به من داده بودند، گفته بودم که می‌خواهم نسا را ببینم، ولی نگذاشتند مرو و ابیورد را ببینم. یک روز شخص ترکمن و بسیار خوش صحبت در کمال ناراحتی به من گفت: ما سال‌هاست که از زیارت «قزل



امام» محروم هستیم. منظور از قزل امام، امام رضا است. این مرد رئیس آکادمی علوم ترکمنستان بود. پس آن‌ها با فرهنگ ما آشنا هستند

آشنایی با شاهنامه از پنج سالگی

۱۲۰ صفحه در فرهنگ خراسان در شرح حال فردوسی نوشته‌ام؛ یعنی مشهورترین شرح حال مربوط به فردوسی است. زندگی ما در خراسان، زندگی عشیره‌ای بود. عشیره مادری و پدری ما از زمان صفویه اسمشان در تاریخ است. در میان عشایر قدیم، رسم بود که به بچه‌های خودشان فنون رزم یاد می‌دادند؛ اسب سواری، جزء کار اصلی آن‌ها بود، بعد تیراندازی و شمشیربازی.

در خانواده ما، همیشه شاهنامه فردوسی بود. پدر بزرگ من خودش شاهنامه‌خوان خوبی بود، پدر من هم علاقه داشت و برای من هم یک شاهنامه خرید. من از ۵ سالگی با شاهنامه آشنا بودم، یاد می‌آید که پدرم برای من یک تفسیر قرآن مترجم و یک تاریخ معجم خرید که در آن، تاریخ ایران از زمان پیشدادیان تا اسلام، به طور فهرست‌وار آمده است. همچنین یک «معراج السعادة» خرید که کتاب اخلاقی است. آن روز کتاب «معراج السعادة» را همه می‌خواندند، ولی امروزه، حتی بیشتر افرادی که دکترای ادبیات دارند، آن را نمی‌فهمند، چون نثرش، نثر ۱۵۰ سال پیش است. پدر برایم کتاب‌های مرثیه هم خریده بود و چند تا هم کتاب داستانی.

قدیمی را کنار هم گذاشتم و یک نسخه بر اساس آن‌ها چاپ کردم. من قدیمی‌تر از این نسخه‌ها پیدا نکرده‌ام. من به مخازن همه کتابخانه‌ها رفته‌ام؛ مخازن استانبول، پاریس، مسکو، مکه، مدینه، یمن و صدها مخزن دیگر را دیده‌ام و از این قدیمی‌تر پیدا نشد.

این فخرالدین نصیری که گفتم، خانواده‌ای بودند که جداً کتاب‌های نفیسی داشتند. همانطور که گفتم یک نسخه قدیمی از نهج البلاغه داشت. این نسخه در شهر «لک‌نهو» بود، صاحب کتابخانه آن را نشان نمی‌داد، من چند بار به کتابخانه رفتم، ولی نشان نداد تا این که جوان عالمی به نام «کلب صادق» - که الان استاد دانشگاه «علیگر» است - آن‌جا بود که نزد وی رفتم و مشکل را به ایشان گفتم و با هم نزد صاحب کتابخانه که خود روحانی و از علمای شیعه بود، رفتیم؛ با زبان اردو به وی جملاتی گفت و ایشان شرمند شد و سریعاً رفت و کتاب را برایم آورد.

بیش از ۱۰۰ هزار کتاب خطی در دانشگاه علیگر وجود دارد، حدود ۱۰۰، ۲۰۰ کتاب نفیس را در یک صندوق نسوز در اتاق رئیس بخش خطی کتابخانه گذاشته‌اند؛ یعنی باید در اتاق رئیس بنشینم و پیش خودش کتاب‌ها را نگاه کنی، من که از ایران به آن‌جا رفته بودم، دیدم دو نفر دیگر هم در این اتاق نشسته‌اند؛ یکی، یک آلمانی بود که روی یکی از کتاب‌های «ابوریحان بیرونی» کار می‌کرد، دیگری هم یک

رضایت‌بخش‌ترین کار برای استاد عطاردی

یکی از کارهایی که از انجامش خیلی خوشحال شدم، آن کارهایی بود که از سال ۵۶ روی نهج البلاغه انجام دادم. بنده یک متن از نهج البلاغه چاپ کرده‌ام که برای اولین بار با قدیمی‌ترین نسخه‌ها را مقابله کرده‌ام. ما چون نزدیک هزارمین سال تألیف نهج البلاغه بودیم (سیدرضی نهج البلاغه را در سال ۴۰۰ تمام کرد و در سال ۴۰۳ هم فوت کرده است) رفتیم تا نسخه‌های خوب را ببینیم. من از سال ۵۶ این کار را شروع کردم. قدیمی‌ترین نسخه در قم در کتابخانه «سیدشهاب‌الدین مرعشی» پیدا شد که ایشان آن را از یک عتیقه‌فروش خریده بود. آن را من دست یک عتیقه‌فروش در بازار تهران دیده بودم، ولی پول گزافی می‌خواست. نسخه بعد از آن در کتابخانه «فخرالدین نصیری» است که کتاب فروش بود. یک نسخه قدیمی هم در مدرسه نواب مشهد پیدا کردم که متعلق به سال ۵۴۸ بود و هم اکنون در آستان قدس است. یک نسخه ۵۳۸ در دانشگاه «علیگر» در هندوستان پیدا کردم. یک نسخه ۵۱۰ هم در «لک‌نهو» در کتابخانه «ممتازالعلماء» - از علمای شیعه یافتیم. من این ۵ نسخه

خط شما در پرونده ما باشد. ما خودمان ترجمه می‌کنیم.

بر اساس این نسخه‌ها بود که این کتاب را چاپ کردم و آن زمان من انتشاراتی نداشتم تا این که سال ۷۰، آقای دین پرور، رئیس بنیاد نهج‌البلاغه، این کتاب را به این صورت چاپ کرد.

ما در مسند امام علی(ع) همه کتاب را آورده‌ایم، ولی سید رضی از هر خطبه‌ای یک تکه‌هایی را نقل کرده است. از هر نامه تکه‌ای نقل کرده، ولی ما در مسند امام علی(ع) همه را آورده‌ایم؛ یعنی اگر ایشان ۴ صفحه آورده، ما ۲۰ صفحه آورده‌ایم. یک مصادری هم داشتند که نقل نکرده، ولی من نقل کرده‌ام، ولی من این‌ها را پخش کرده‌ام، آن‌ها که درباره توحید است، در باب توحید آمده، آن‌ها که امامت است در امامت و آنچه نبوت است، در باب نبوت آمده. آنچه در اخلاق و آداب و ... هر چیز در باب خودش آمده و پراکنده شده در این ۲۳، ۲۴ جلد، کامل آن اینجا است.

من ۴ شرح نهج‌البلاغه را چاپ کرده‌ام؛ نهج‌البلاغه «راوند» - آن که قبرش در قم

کیدری، راوند، نهج‌البلاغه قرن هشتم و چند تا کتاب هم قریب‌الحديث ادبی بود، وقتی این‌ها را جلوی میزش گذاشتم، گفت: من باید چه کاری انجام دهم؟، گفتم: در کتابخانه شما یک نسخه از نهج‌البلاغه متعلق به سال ۵۳۸ است که من می‌خواهم از آن عکسی داشته باشم تا بتوانم روی متنی از آن کار کنم و تا الان هم این‌ها را چاپ کرده‌ام و شروع کار است. فوراً به رئیس بخش کتاب‌های خطی زنگ زد و گفت که نسخه را نزد من بیاورید. رئیس بخش خطی نسخه را آورد، بعد زنگ زد عکاس هم آمد - همان جوانی که گفته بود که دو سال طول می‌کشد - به وی گفت: از این عکس بگیر، به من گفت: چه مدت می‌خواهی؟ گفتم: یک هفته، به عکاس گفت: ایشان روز دوشنبه از دهلی می‌آید تا عکس را دریافت کند. قرار شد تا درخواست بنویسم، چون آن‌جا هر کس عکس می‌خواست باید درخواست می‌نوشت، گفتم: من انگلیسی نمی‌دانم، گفت: فارسی بنویس، ما افتخار می‌کنیم

«رضوی» نامی بود که فارسی هم بلد بود، گفت: من استاد دانشگاه در استرالیا هستم «خیراً یک کتاب از وی در ایران ترجمه شده است» ما سه نفر در اتاق رئیس کتابخانه نشستیم و مطالعه کردیم.

حال این عکس برداری خودش به صورت معجزه‌آسا درست شد؛ من به رئیس کتابخانه گفتم که من یک عکس از این کتاب می‌خواهم. به عکاس زنگ زد، عکاس آمد و گفت: این کار دو سال طول می‌کشد؛ یعنی دو سال دیگر این عکس را به شما می‌دهم، گفتم: آقا من با این عکس کار دارم، گفت: این جا نوبتی است، تقاضا زیاد داریم، مانده بودم چه کنم، ناگهان به فکرم رسید که در حیدرآباد حدود هفده، هیجده جلد کتاب چاپ کرده بودم، فوراً با قطار به دهلی آمدم و ظرف ۲۴ ساعت به حیدرآباد رفتم و کتاب‌ها را بسته‌بندی کردم و با قطار سریع‌السیار به دهلی آمدم و از دهلی به علیگر رفتم، پیش رئیس کتابخانه آقای سید محمد رضوی، رفتم و کتاب‌ها را جلوی ایشان گذاشتم، من زبان اردو و انگلیسی بلند نبودم، وی گفت: من فارسی خوب بلدم، اما نمی‌توانم حرف بزنم پس هر چه بگویند می‌فهمم، من توضیح دادم که از ایران آمده‌ام، دو سال در هند مقیم شدم و این کتب را در حیدرآباد چاپ کرده‌ام و می‌خواهم یک دوره هم به شما هدیه کنم.

۸ جلد از این کتب شرح نهج‌البلاغه بود؛ نهج‌البلاغه





بعد از غیبت صغری، این کتاب مطالب درجه اول زیاد دارد و از زمانی که صاحب آن فوت کرده است، مورد استفاده علما چه سنی و چه شیعه بوده است. این کتاب را مرحوم «محدث» چاپ کرده است.

ترجمه «الغارات» داستانی دارد که در مقدمه آن نوشته‌ام؛ روزی در سال ۶۲ در هندوستان در خانه نشسته بودم، هوای داغ خردادماه دهلی، سرم دَوَران می‌زد، دانشجویانی که آن‌جا بودند، گفتند: حاج آقا حال شما اصلاً خوب نیست، به ایران بروید و هوایی تازه کنید. گفتم: کار دارم، نمی‌توانم بروم، بالاخره مرا وادار کردند تا بروم. چون بچه‌ها تهران بودند و من آن‌جا تنها بودم و در یک خانه فرهنگ زندگی می‌کردم.

گفتم: بلیط کجاست؟ گفتند: الان تابستان است و تمام پروازهای «سری‌نگر» پر است و تهیه بلیط هم کار بسیار مشکلی است. برخی گفتند: شما مقداری از مسیر را با قطار بروید و از آن‌جا با اتوبوس به کشمیر بروید. یکی از دانشجویان گفت: نه این جاده کوهستانی است، خسته می‌شوید، علاوه بر این که مانع شما می‌شوند. چون نمی‌گذارند کسی به کشمیر برود. یکی گفت: با هم می‌رویم از آن‌جا فرار می‌کنیم، گفتم: من نمی‌خواهم از این طریقی که شما می‌گویید بروم، من می‌خواهم آزاد بروم، اگر پلیس من را با این لباس ببیند، زشت است. یکی از دانشجویان گفت: راهی جز این نیست که به سفارت، نزد کارمند هندی بروید. نزد وی رفتیم، من را می‌شناخت، گفت: بلیط برای فردا ظهر آماده است، چون می‌خواستم چند روزی در کشمیر بمانم، به کتابخانه فرهنگی (در دهلی) سرزدم، همه قفسه‌ها را گشتم تا کتابی برای ترجمه پیدا کنم و مشغول باشم.

«الغارات» را پیدا کردم که تا آن زمان ترجمه نشده بود. این کتاب را امانت گرفتم و به کشمیر رفتم. آن‌جا آقای به نام «مختار شاهی» زندگی می‌کرد. وی اهل سبزواری بود، بعد به نجف و بعدها به کشمیر رفت و آن‌جا ازدواج کرد. بدون اطلاع قبلی به آن‌جا رفتم، یک اطاق بود، یک نفر پرسید: کجا می‌روید؟ گفتم: منزل مختار شاهی، می‌شناخت، به یک راننده تاکسی زنگ زد و گفت: این آقا را به این منزل می‌بری و نتیجه را به من اطلاع می‌دهی. ۲۰ روز آن‌جا بودم، بهشت بود، نیمی از این کتاب «الغارات» را آن‌جا ترجمه کردم، این کتاب محصول کشمیر است.

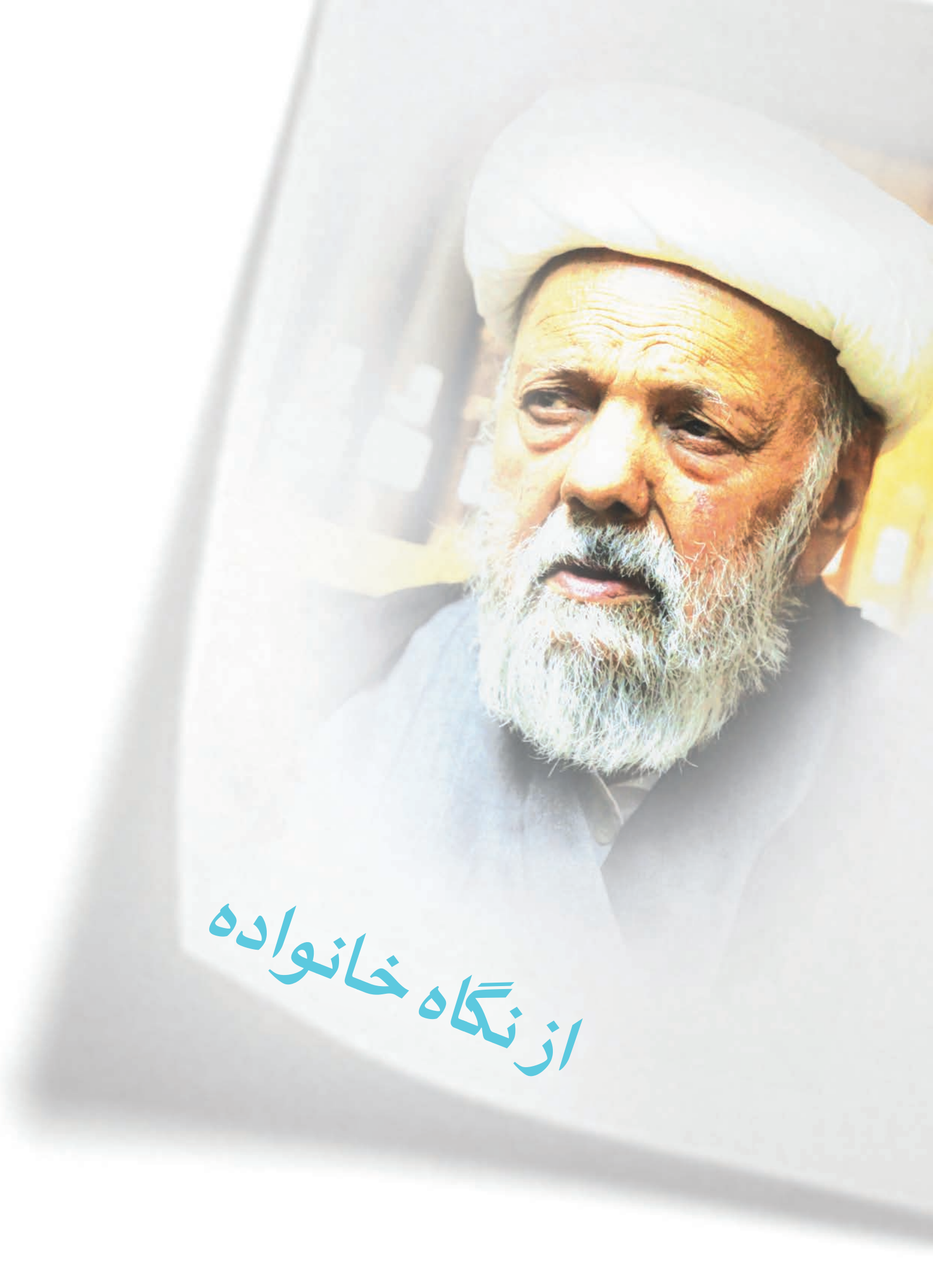
است- نهج البلاغه «قطب الدین کیذری» که اهل کیزر بیهق است، نهج البلاغه «علی بن ناصر سرخسی» که نسخه آن را در کلکته و رامهر دیدم. شرحی هم از یک نویسنده ناشناس که مربوط به قرن هشتم هجری است، چاپ کردم. آن نسخه منحصر به فردش در کتابخانه «اصغر مهدوی» است.

مصادر کلمات قصار حضرت علی(ع)

کتاب «غررالحکم و درالکلم» مشتمل بر کلمات قصاری است که از حضرت علی(ع) در دست داریم و خیلی هم زیاد است. حدود ۳۰ هزار کلمه از شیعه و سنی رسیده است. این کلمات قصار از همین حدیث‌ها گرفته شده است، اشخاصی علاقه‌مند بوده و از هر حدیثی چیزی را انتخاب می‌کردند، نه این‌که این‌ها مستقل هستند. خود بنده «مسندالرضا» نوشته‌ام و چاپ کرده‌ام و از امام رضا ۴۰۰ حدیث گزینش کرده‌ام. این‌ها جدید نیست. این‌ها اشخاصی بوده‌اند که از این اخبار، بر اساس سلیقه خودشان کلماتی گزیده‌اند. مصادر ندارد، این‌ها ذوق یک نویسنده است. «ابن ابی الحدید» در شرح خودش می‌گوید: من ۱۰۰۰ کلمه پیدا کردم. اولین کسی که این کار را کرده است، «جاهز»- معاصر مأمون- است. با این‌که خودش عثمانی بود، ولی به حضرت علی(ع) از نظر علمی و ادبی احترام می‌گذاشت.

ترجمه «الغارات»؛ محصول سفر به کشمیر

«الغارات» کتاب بسیار مهمی است، قدیمی‌ترین کتاب شیعه است، ابراهیم ثقفی کوفی در سال ۲۸۴ فوت کرده است، حدود ۲۴ سال



از نگاه خانواده

سایه علم بر سر خانواده

نفیسسه عطاردی، دختر بزرگ استاد عطاردی است که ضمن تحصیل در مقاطع عالی رشته الهیات، در برخی فعالیتها نظیر مقاله، استنساخ، تصحیح یا متن خوانی برخی از کتابها به پدر کمک رسانده است.



۵۲

چوپانها گوسفند هایشان را آنجا می آوردند و پدر برای ما درباره تاریخ، ویژگی و مشخصات آن بنا صحبت می کرد، نوشته های کتیبه ها را برای ما می خواند، ضمن این که بیان می کرد که این بنا متعلق به چه کسی بوده است که این تجربه ای بود که نگاه ما را به مسائل، عمیق تر می کرد. همچنین در سفر به مشهد وقتی به حرم مشرف می شدیم، ایشان از سردرها، صحن ها و کتیبه ها صحبت می کرد و برایشان فرقی نداشت که این سفر تفریحی است یا معنوی، در همه این ها، بعد علمی پدر قابل ذکر و توجه است.

وی درباره چگونگی ازدواج با همسرش گفت: پدر در مورد ازدواج می گفتند: «هر طور خودت دوست داری، انتخاب کن تنها نکته ای که من به شما توصیه می کنم این است که کسی را انتخاب کن که اهل علم باشد و توقع خاصی نداشته باشد». ما هم تحقیق کردیم و در آن چون ایشان اهل علم و دانش و مذهبی بودند، پاسخ مثبت دادیم.

نفیسسه عطاردی درباره نحوه ارتباط آیت الله عطاردی با فرزندانش اظهار کرد: ایشان چون محقق بودند، ما ایشان را همیشه در کتاب هایشان دیده ایم. البته اینطور نبوده که با ما و در کنار ما نباشند. ایشان همواره به تحصیل و زندگی و درس ما توجه داشته اند.

نیاید، چون مادر معتقد بودند که پدر به دلیل نویسنده بودن، باید ذهنی آزاد داشته باشند و تنها مشکل ما در دوره کودکی، بیماری بود که مادر اجازه نمی دادند که این مسأله نیز مشکلی برای کار پدر ایجاد کند.

وی درباره سفرهای پدر و سختی های آن گفت: من در دو سفر همراه پدر بودم که در آن زمان حدود ۷ یا ۸ سال داشتم و سختی های این سفرها را مادر درک می کرد، چون در همه شهرها، اولویت با کار پدر بود که به سراغ کتابها برود، عکس بگیرد، نسخه ها را ببیند و مطالب مورد نیاز برای تحقیقاتش را پیگیری کند و بعد رسیدگی به کار ما می کردند.

عطاردی درباره خاطراتش از سفرهای پدر گفت: در این سفرها، چون بسیار کوچک بودم، خاطره چندان در ذهن ندارم، فقط بازدیدهایمان را از مکان هایی مثل تاج محل و قصرهای هند به یاد دارم.

فرزند ارشد استاد عطاردی نگرش ایشان را به مسائل، نگرشی علمی برشمرد و گفت: در سفرها مثلا در مدت ۴ سال اقامت در مشهد، در روز تعطیل، تفریح ما این بود که به خرابه ای می رفتیم که

نفیسسه عطاردی با اشاره به دیدگاه پدر درباره تربیت دینی، اظهار کرد: ایشان از لحاظ مذهبی اصلا سختگیر نبودند و ما را مجبور به قبول عقاید نمی کردند و سعی بر آموزش اصول داشته اند. البته پدر معتقد بودند که نباید مطالب را بیان کرد بلکه باید در رفتار و کار و سلوک مسائل را دید و خود ایشان نیز با ما همین برخورد را داشته اند.

وی به نقش همسر استاد در پیشرفت های علمی فرزندان به علت مشغولیت های استاد اشاره کرد و گفت: پدر چون بسیار مشغول به کار بودند، بیشتر کارهای تحصیلی ما در زندگی بر دوش مادر بوده است، چون مادر خود معلم ابتدایی بودند. من کلاس دوم را در هند نزد مادر خواندم. ایشان در مباحث تاریخی، دینی، عربی، قرآن، جغرافی و به ویژه درس دانشگاه به ما کمک می کردند.

وی ادامه داد: مادرم همیشه تلاش می کردند که مشکلی برای پدر پیش

تحمل مرارت‌های فراوان برای کسب علم



۵۳

به گفته فرزند مرحوم شیخ عزیزالله عطاردی، ایشان در طول سفرهای خود به هندوستان، پاکستان، عراق و کشورهای اروپایی سختی‌های زیادی را متحمل شد و تنها دلیل تحمل این مشکلات، کسب علم و انجام کارهای علمی بود.

محمد رضا عطاردی با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی این مرحوم، عنوان کرد: ایشان از دوران کودکی و جوانی خواستار انجام فعالیت‌های علمی بود، به همین جهت این عالم ربانی از دوران جوانی فعالیت‌های علمی خاص خود را آغاز کرد و در رشته‌های تاریخ اسلام و حدیث فعالیت‌های زیادی را انجام داد.

وی ادامه داد: ایشان قبل از انقلاب به کشورهایی از جمله هندوستان، پاکستان، عراق و کشورهای اروپایی سفرهای فراوان داشت و در طول این سفرها کتاب‌های زیادی را به چاپ رساند. پدرم در طول این سفرها مشکلات زیادی را متحمل شد و تنها دلیل تحمل این مشکلات کسب علم و انجام کارهای علمی بود.

عطاردی با بیان اینکه پدرش تعهد فراوانی به انجام فعالیت‌های بسیار داشت، گفت: ایشان علاقه زیادی به انجام کارهای علمی، خواندن کتاب‌های زیاد داشت و اکثر وقت ایشان در کتابخانه بود، به گونه‌ای که بیشتر به کارهای خودشان سرگرم می‌شدند.

وی با اشاره به کتاب مسند حضرت عبدالعظیم حسنی (ع)، مرحوم آیت‌الله عطاردی گفت: ایشان در سال ۴۱ هجری شمسی با هزینه خودشان این کتاب را چاپ کردند که با پول حاصل از فروش این کتاب به هند سفر کرده و در آنجا از کتابخانه‌های زیاد مانند کتابخانه‌های شخصی افراد برجسته، بهره بردند.

عطاردی ادامه داد: همچنین ایشان کتاب‌های زیادی را در سفرهای خود جمع‌آوری کرده بود، همچنین سعی می‌کرد تمام کارهای خود را به تنهایی به سرانجام برساند. وی گفت: همچنین ایشان در سال ۷۰ یک مرکز فرهنگی دارای انتشارات را تأسیس کرده که به نام خودشان به ثبت رسیده بود و کتاب‌های ایشان را به چاپ می‌رساند.

ایشان پدری فوق العاده مهربان هم برای من و هم خواهر و برادرم بوده‌اند. استاد با وجود اختلاف سنی زیاد با خواهرم، ایشان را خوب درک می‌کردند.

وی درباره ویژگی‌های اخلاقی پدر گفت: از توصیه‌های دائمی ایشان، تشویق به علم اندوزی بود. ایشان می‌گفت: «دنیای آینده، دنیای علم است و اگر می‌خواهید زندگی خوب و آبرومندی را داشته باشید، بهتر است درس بخوانید»، البته ایشان در درس خواندن ما را اجبار نکرده‌اند که چه رشته‌ای بخوانیم؛ مثلاً من رشته الهیات و معارف اسلامی با گرایش فقه و حقوق خوانده‌ام، در صورتی که کار اختصاصی پدر حدیث است و برادرم علوم سیاسی و خواهرم هم زیست‌شناسی خوانده‌اند. ولی ایشان همیشه به علم اندوزی که همراه با علاقه و استعداد باشد، تأکید می‌کردند.

وی ادامه داد: در مجموع فضای منزل همیشه فضای علمی بوده است و جهت‌گیری ما نیز در کارهای علمی بوده است و خود ایشان از سن ۴-۵ سالگی به مطالعه مشغول بوده است که تا پایان عمر ادامه داشت. همچنین از ویژگی‌های اخلاقی ایشان این بود که در رویدادهایی که پیش می‌آمد تحلیل‌هایی می‌کردند که باعث می‌شد از سطحی‌نگری و احساس‌های لحظه‌ای جلوگیری شود.

محققی که شاگرد نداشت

نجیم فلاحی، دکترای رشته بیوفیزیک دانشگاه تهران از سال ۱۳۷۵ به سبب ازدواج با دختر مرحوم عطاردی با ایشان نسبت خویشاوندی یافت و از سال ۱۳۷۸ از نزدیک با فعالیت‌های علمی ایشان آشنا شد.



۵۴

و سپس کتابخانه‌های سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا را زیر پا می‌گذارد و از سواحل اقیانوس هند تا سواحل اقیانوس اطلس مسافرت می‌کند. ایشان تحقیقات کتابخانه‌ای را برای حوزه تحقیقاتی خود کافی نمی‌داند و به تحقیق میدانی دست می‌زند که به نوعی روش تحقیق علم در اوایل قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است و به آخرین پیشرفت علمی نیز دست می‌زند و این چیزی است که در سنت علمی رایج در حوزه‌های علمیه نبوده است. این شیوه تحقیق میدانی در آن زمان در حوزه جایگاهی نداشته است که بعدها از دانشگاه به جاهای دیگر سرایت می‌کند.

اینکه ایشان در آن زمان به این نتیجه می‌رسند که به این تحقیق روی بیابورند، موضوع عجیبی است. ایشان پشتوانه مالی نداشته است و فقط با توکل به خدا زندگی خود را پیش می‌برد و در حداقل معیشت زندگی بود و تا آخر عمر نیز به همین گونه بود و تمام عمر خود را وقف تحقیقات کرد.

تحقیقات ایشان در حوزه دینی شامل شاهکارهای ایشان یعنی مسندات عطاردی است که بیش از ۷۰ جلد است که تمامی آنها درباره حضرات معصومین (ع) است و ۴ جلد از آنها درباره موضوعاتی نزدیک به این مضامین است. ایشان اولین شخصی است که نهج البلاغه را با آخرین نسخه‌های موجود در قرن پنجم و ششم تطبیق می‌کند.

در حوزه فرهنگ و تاریخ خراسان نیز این کار بزرگ دینی است که

گفته می‌شود که آیت‌الله عطاردی با فقر و تنگ‌دستی این آثار عظیم را نگاشته‌اند و هر یک از این آثار هم اتفاقاً یک خلاء علمی را پر کرده است، چگونه ایشان توانستند با این وضعیت این خدمات علمی را به منصف ظهور برسانند؟

زندگی حاج آقا معجونی از عشق، هدفداری، پشتکار و توکل به خدا بود. اگر به مجموع کارهای ایشان بنگریم، به قول دنیای مدرن، مجموعه کارهای تحقیقاتی علامه عطاردی یک کار چند رشته‌ای و بین‌رشته‌ای با استفاده از دو روش کتابخانه‌ای و تحقیق میدانی بود. این که در دهه ۴۰ این چنین محقق از حوزه برخیزد و این خدمات علمی را ارائه دهد، بسیار جای بحث دارد که استاد عطاردی چه خلایبی را احساس می‌کرده است که به این روش دست تمسک می‌کند.

ایشان اول تمامی کتابخانه‌های ایران را بررسی می‌کند

ایشان محقق بسیار بزرگی بودند و شاگردان زیادی داشتند. آیا ایشان شیوه تحقیقات و تجارب خود را به شاگردان منتقل کردند؟

مرحوم عطاردی یک محقق بزرگ بود، اما در عین حال، کسی از ایشان به عنوان یک معلم بزرگ یاد نمی کند. در واقع تاجایی که من می دانم، هیچ رابطه استاد و شاگردی با کسی نداشتند و از رابطه مرید و مرادی هم گریزان بودند. ایشان اعتقاد داشت که اگر کسی توکلش به خدا باشد، خدا هم او را هدایت می کند و راه را به او نشان می دهد و این چیزی است که واقعا برای او اتفاق افتاد و حتی مکاشفه مرگ خود را نیز به چشم دیده بود. ایشان از هیچ کسی توقعی نداشت، ولی تعدادی از دوستان و محبان خاصی داشتند که همواره در کنار او بودند.

۵۵



چند ده هزار عنوان را شامل می شود و بخش بخش تمام اینها را فیش برداری کرده است و ۱۱ جلد چاپ شده است و ۹۰ جلد آن باقی مانده است که ایشان زمینه چاپ آن را فراهم کرد.

ایشان مجسمه زهد و تقوا به معنای واقعی بود و اهل عطا، نصیحت و .. نبود. با حداقل نیاز، زندگی را ادامه می داد و هیچ اعتنایی به دنیا نداشت. به گفته خود وی، من وقتی تحقیق خود را می خواستم آغاز کنم، از خداوند کنار کعبه خواستم که از نظر تحقیق مستقل باشم و به کمک مالی کسی وابسته نباشم و دعایشان نیز مستجاب شد و به هیچ جا وابستگی نداشتند و هر کسی می خواست کمک کند، به آنها می گفت که کتاب بخرند. او در عمل تجسم زهد و درویشی واقعی و بی رغبتی به دنیا بود و هرگز هم دنبال مادیات نبود و به قول معروف دنیا و چک های سفیدامضا زیاد نزد وی می آمد، ولی ایشان رد می کرد.

نحوه تعامل استاد با خانواده و ارتباط با فرزندان و رفق و فتق امور چگونه بوده است؟

ایشان همسری بسیار صبور، ایثارگر و فداگر داشته است و همسر ایشان در پیشرفت استاد عطاردی نقش مهمی داشتند و به خصوص در اوایل ازدواج، در کنار مسافرت های حاج آقا، بسیاری از آثار دست نوشته ایشان را تایپ می کند و به چاپ آنها کمک می کند. خداوند به آقای عطاردی همسری عطا کرد که بتواند با فقر و تنگدستی شان بسازد. مرحوم عطاردی انسانی فوق العاده با محبت و خانواده دوست بود و نسبت به همه با محبت رفتار می کرد و بسیار اهل نیکی و خیر بودند.

حاج آقا نسبت به وضعیت زندگی اطرافیان بی توجه نبودند و تا حد امکان در گشایش مشکلات و کمک به آنها تلاش می کرد. این نتیجه محبتی است که خدا در دل اولیای خود قرار می دهد و آنها هم متقابلاً این محبت را نسبت به دیگران اعمال می کنند.

جالب است، بسیار روحیه بشاش و شادی داشتند و مسئله سن و سال برای وی مطرح نبود و با همان نشاط جوانی کارهای تحقیقاتی خود را پیش می بردند.

تفریح ایشان چه بود؟

بزرگترین تفریح ایشان همان مطالعه و خواندن کتاب بود و تفریح خاصی نداشتند. خداوند عنایت خاصی به ایشان داشته است که به صورت متوسط در هر سال حداقل دو جلد کتاب نوشتند

ایشان حتی محل دفن خود را در ۳۰ سال پیش هم مشخص کرده بود و کنار شیخ طبرسی مدفون شدند.



آخرین تحقیقات ایشان تا چه سالی بود؟ آیا زمانی بود که می خواستند باز نشستگی شوند؟

استاد تا دم مرگ و حتی دقیقاً در بیمارستان صحبت از ادامه کار و نشر آثارشان داشتند. تحقیقات ایشان چند رشته ای و میان رشته ای ناشی از منظومه فکری بود که تنوع خاصی از لحاظ موضوعی برخوردار بود. ایشان یک اندیشمندی بود که درباره موضوعات مختلف هم زمان با هم فکر می کردند. به عبارت دیگر در حوزه دین دو شاهکار ایشان نهج البلاغه و مستندهای اهل بیت (ع) هست که به تمام ایده آل ها و آرزوهایشان رسیدند و تمامی آثار چاپ شد.

تحقیقات فرهنگ خراسان بزرگ که شاهکاری است که دهها محقق باید به سبک ایشان این آثار را به چاپ برسانند، ناتمام مانده است و دغدغه ایشان چاپ این مجموعه نفیس بود که برآورد می شود. کل این مجموعه به ۱۰۰ جلد برسد. در چند ماه مانده به فوت ایشان، تمام عناوین فرهنگ خراسان را به ترتیب الفبایی تدوین کرد که کار را برای ادامه بسیار مرتب کرده است و در زمینه تحقیقات کار تمام شد و فقط تدوین و انتشار آن مانده است.

در حال حاضر افرادی هستند که این کار را ادامه دهند؟

ایشان در دوره حیات خود برای ادامه کار مرکز فرهنگی خراسان برنامه ریزی کردند و قرار شد یک هیئت علمی در این مرکز تشکیل دهیم و چند نفر را هم مشخص کردند که بخش بخش و به همان ترتیبی که باب بندی شده است، با جدیت و دقت این کار را دنبال کنند و به ثمر برسند. این کار بعد از مراسم چهلم آغاز می شود.

برنامه روزانه استاد برای تحقیق چه بود؟

در آن زمان که من به خدمت ایشان آمدم، معمولاً در کتابخانه خود مطالعه می کردند و برنامه منظمی نداشتند و براساس حال جسمی، هروقت که می توانستند، به نوشتن اقدام می کردند و چند ساعت می نوشتند و این که ایشان در چنین سنی می توانستند چند ساعت مداوم بنویسند، مسئله ای

A close-up portrait of an elderly man with a full white beard and a white turban. He is looking slightly to the left with a thoughtful expression. The background is blurred, showing some architectural elements. The text is overlaid on the bottom right of the image.

از منظر صاحب نظران

هدایت‌گری، ارشاد و توجه دادن جامعه به حقایق

آیت‌الله سیدجعفر سیدان یکی از زنده‌ترین پروردگان مکتب خراسان، از نزدیک با آیت‌الله عطاردی آشنا بود و در مراسم تشییع ایشان در مشهد مقدس، برپیکروی نمازگزارد.

۵۸

جناب استاد! ارزیابی شما از شخصیت و فعالیت علمی مرحوم آیت‌الله عطاردی چیست و حاصل عمر ایشان را چه ارزیابی می‌کنید؟

در ارتباط با مرحوم فقید سعید، دانشمند گرانقدر ارزنده محیط مرحوم آیت‌الله عطاردی رضوان الله تعالی علیه عرض کنم که طبق جمله شریفه‌ای که از مولا امیرالمؤمنین(ع) در کتب حدیث آمده است که «قیمه کل امرء ما یحسن؛ ارزش هر انسانی به اندازه کاری است که آن کار را به خوبی انجام می‌دهد یا انجام داده است»، با توجه به این مسئله روشن و مهم که ارزش هر انسانی در ارتباط با کاری است که به بهترین صورت می‌تواند آن را انجام بدهد محصول زندگی مرحوم عطاردی (رضوان الله تعالی علیه) بسیار ارزشمند است.

محصول زندگی ایشان جمع‌آوری بیانات و حیاتی به صورت بسیار ممتاز و مفید بوده است. ایشان با زحمات فراوان و با رفتن به مراکز مختلف و کتابخانه‌های مختلف داخل و خارج کشور، در سطح بسیار وسیع و تا آن جا که بنده اطلاع دارم به شکلی بی‌نظیر آثار هر یک از معصومین(ع) را از کتب مختلف جمع‌آوری کردند و در ارتباط با هر یک از این بزرگواران مطالبشان را آن چه که از این بزرگواران از نظر اعتقادی، اخلاقی، دستوری، اجتماعی، اقتصادی، عبادی، فردی و ... رسیده است، به عنوان مسند جمع‌آوری کرده‌اند و در اختیار علاقه‌مندان به حق و آن‌ها که دوستدار آثار وحی هستند قرار داده‌اند.

این کار بسیار ارزنده و مهم کاری است که نتیجه زندگی این مرد بزرگوار است و چون این کار به معنای حفظ مکتب وحی و مطالب و حیاتی و به معنای نشر آثار خاندان رسالت(ع) و ترویج مکتب اهل البیت(ع) و احیای آثار رسالت و تنویر قلوب و دل‌های علاقه‌مندان به انوار نورانی بیانات معصومین(ع) است، نتیجتاً باید گفت که محصول زندگی ایشان مهم‌ترین محصول است.



از خصوصیات اخلاقی ایشان که آن هم بسیار امتیاز دارد این بود که هیچ نوع وابستگی به هیچ جمعی و به هیچ گروهی پیدا نکردند. البته نسبت به همه کسانی که در مسیر حق بودند و جمعیت‌هایی که در مسیر حق بودند علاقه‌مند بودند اما خودشان به کار خودشان مشغول بودند و این چنین نبود که وابستگی‌های معمول برایشان به وجود بیاید. بدون تعلق به این و آن در کار خودشان موفق بودند. البته در ارتباط با علاقه‌مندی به افراد و گروه‌هایی که در مسیر حق بودند مشخص است که هر انسان علاقه‌مند به حق این چنین خواهد بود و ایشان هم این چنین بودند.

نیز از این خصوصیت هم برخوردار بودند که تا آن جایی که من اطلاع دارم در عین این که یک نفر بودند امت واحده‌ای بودند؛ یعنی بدون این که به عنوان مؤسسه‌کذایی یک جمعیتی و اعوان و انصار خاصی داشته باشند کارهای زیادی را انجام می‌دادند. البته آن‌ها هم به جای خودش در ارتباط با این مسائل ارزنده است و گاهی افراد چاره‌ای ندارند، اما ایشان همت‌شان آن چنان بود که تک و تنهایی کار مؤسساتی را کردند و تعبیر من این است که در جهت تحقیق و رسیدن به مسائل مهمه و فرورفتن در دریای انوار مطالب اهل‌البيت(ع) و به طور کلی مطالب و حیانی در عین این که فردی بودند، امتی بودند؛ در حدی که کاملاً چشم‌گیر است و هر کس که آثار ایشان را متوجه باشد به خوبی به این معنا متذکر می‌شود که تک و تنها و منفرد کار مؤسسات متعدد و بسیاری را انجام داده‌اند.

چه پیشنهادی برای استفاده از میراث باقی مانده از ایشان دارید.

البته هر چه بیشتر در ارتباط با آثار ایشان کار بشود و به مردم معرفی بشوند معلوم است که نتایج خیر خود را دارد و می‌تواند برای افرادی که در جهت پژوهش حقایق و در جهت تحقیق نسبت به مسائل مختلف اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، فردی و اقتصادی هستند، مفیدتر واقع شود. مجموعه‌هایی که ایشان از مطالب و حیانی جمع‌آوری کرده‌اند می‌تواند برای همه محققین زمینه خوبی را فراهم کند که هر چه زودتر و سریعتر به مبانی و مدارک و متون و حیانی دست یابند. می‌دانیم که همه تحقیق‌ها در مقابل تحقیقاتی که در وحی آمده، ناچیز است و محققان می‌توانند با توجه به آثار ایشان و متون و حیانی، تحقیقات‌شان را از ارزش والایی برخوردار بسازند.

چه این که از هر محصولی مهم‌تر مسئله هدایت‌گری، ارشاد و توجه دادن جامعه به حقایق است که به عنوان هدایت در بیانات و حیانی مطرح است. این محصول از همه محصول‌ها مهم‌تر است. آن گاه کسی که در این مسیر عمرش را گذرانده است مصداق این حدیث شریف است که «من تعلم الله و علم الله و عمل الله دعی فی ملکوت السماوات عظیماً؛ آن کسی که برای خدا فرا بگیرد و برای خدا هم تعهد پیدا کند به آن چه که فرا گرفته است و برای خدا هم نشر بدهد در ملکوت آسمان‌ها به عظمت یاد می‌شود» و شخصیتی که در آسمان‌ها به عظمت یاد بشود ارزش‌اش مشخص است و معلوم است که از امتیاز والایی برخوردار است.

بنابراین اجمالاً باید عرض کنم که چون مهم‌ترین محصول زندگی ایشان مهم‌ترین محصولی است که زندگی یک انسان و یک فردی که در مسیر کمال است می‌تواند داشته باشد، می‌شود گفت که از موقعیت والایی برخوردار هستند.

با توجه به آشنایی با ایشان، چه ویژگی‌های شخصیتی و خصوصیات اخلاقی را در ایشان بارز می‌دیدید؟

در ارتباط با خصوصیات اخلاقی ایشان، طبیعتاً برای افراد وقتی در ارتباط با مسائل مهمه‌ای توفیقی حاصل می‌شود مواردی پیش می‌آید و در بسیاری از افراد این چنین می‌شود که به صورتی یک حالت توجه به ارزش کارشان و بالنتیجه حالتی که نمی‌خواهم تعبیر نامناسبی کنم... حالتی که آن حال تواضع و فروتنی را از افراد می‌گیرد، در بسیاری از افراد پدید می‌آید. اما ایشان از معدود افرادی هستند که به عکس، با وجود کار عظیمی که کردند و اشاره شد، در عین حال آن حالت فروتنی، تواضع، مردمی بودن و به خود نگرفتن را داشتند. آن چه در ایشان می‌شد دید به حقیقت توفیق را از ناحیه پروردگار دانستن و شاکر بودن و به هیچ صورت تعینی برای خود قائل نشدن بود و ایشان در یک چنین وضعیت روحی بودند. از مهم‌ترین فضائل روحی یک انسان این است که این حالت تواضع و فروتنی را، با وجود داشتن امتیازاتی که به طور معمول بسیار زمینه غیر آن را دارد، داشته باشد.

از نظر جهات روحی اجمالاً در چنین وضعیتی بودند. خدا رحمت‌شان کند که هیچ تعینی را به خود راه ندادند و در کمال تواضع و فروتنی زندگی کردند و به سادگی دوران زندگی را گذراندند و تمام همت‌شان این بود که در ارتباط با این هدف مهم هر چه می‌توانند وقت‌شان را بگذرانند.

گمنامی آیت الله عطاردی

به گفته آیت الله محمود امجد، آیت الله عطاردی یک‌سره عمر خود را صرف موضوعاتی کرد که همه دستاوردهای وی در این موضوعات، منابعی برای علما و دانشمندان به حساب می‌آید.

می‌کنند و به هر حال علمای اسلام هدفی جز خدمت به بشر ندارند و اگر کسی این‌گونه نباشد و به فکر خودش باشد، جزء علمای اسلام نیست. کسانی که عالم اسلام هستند، جز خدا را در نظر نمی‌گیرند و جز رضایت خدا را عمل نمی‌کنند.

آیت الله امجد با بیان این که خوش به حال کسانی که در فکر خودشان و خدمت به خودشان، به خدا و اهل بیت (ع) دست بیاویزند، افزود: عطاردی به تنهایی در تمام کتابخانه‌های گوشه و کنار دنیا گشت و نوشت و زندگی کرد و زندگی‌اش با اهل بیت (ع) بود و راهش وقف برای اهل بیت (ع) شده بود.

وی در مورد ویژگی منحصر به فرد آیت الله عطاردی، بیان کرد: در میلیاردها بشر چگونه می‌توان فردی این‌گونه را یافت که یک‌سره عمر خود را صرف موضوعاتی کند که باقیات باشد و منبع باشد؟ همه کتب ایشان منابعی برای علما و دانشمندان است و این بسیار مهم است.

آیت الله امجد با اشاره به گمنامی آیت الله عطاردی، گفت: ایشان خیلی بزرگ بود، اما کسی او را نمی‌شناسد. چرا؟ چون که بزرگی‌اش در این بود که دنیا پیش او کوچک بود و خدا پیش او بزرگ بود. عالم اسلامی هم کسی است که خدا نزد او بزرگ باشد.



آیت الله محمود امجد، با اشاره به ویژگی‌های علمی آیت الله عطاردی، گفت: ایشان از جمله بزرگانی بود که یک عمر قلم زد و با اهل بیت (ع) زندگی کرد.

آیت الله امجد با بیان این که علمای اسلام هیچ‌کس را و انگیزه‌ای ندارند، الا این که به دین و قرآن و بشر خدمت کنند، بیان کرد: عطاردی، این مرد بزرگ، از کسانی بود که به مکتب اهل بیت (ع) خدمت کرد و یک کتابخانه از آثار خود به یادگار گذاشت.

وی ادامه داد: علمای ما در شئون مختلف خدمت می‌کنند، بعضی‌ها با قلم خدمت می‌کنند، بعضی‌ها با بیان خدمت می‌کنند، بعضی‌ها با مدیریت خدمت

۶۰



رفع نیاز علمی هزاران محقق

حجت الاسلام والمسلمین علی یونسی با بیان این که آیت الله عطاردی شخصیتی است که در آینده طلوع خواهد کرد، اظهار کرد: وی توانسته است به تنهایی نیاز علمی هزاران محقق در آینده را فراهم کند.

یونسی به بیان چند نکته راجع به آیت الله عطاردی پرداخت و گفت: مرحوم آیت الله علامه نامدار، شیخ عزیزالله عطاردی یکی از معدود شخصیت‌های محقق و پژوهشگر نامدار ناشناخته اسلامی است که همه عمر خود را در پژوهش و تحقیق صرف کرد.

یونسی با اشاره به این مطلب که آیت الله عطاردی به تنهایی یک کتابخانه عظیم از اسناد و مدارک اسلامی تهیه کرد، افزود: به خصوص در تاریخ خراسان هیچ کس به اندازه ایشان تحقیق نکرده است.

وی شخصیت آیت الله عطاردی را شخصیتی ناشناخته برای امروز ما و برای جوانان ما توصیف کرد و گفت: ایشان شخصیتی است که در آینده طلوع خواهد کرد؛ مانند بسیاری از شخصیت‌های گذشته که در عصر خودشان ناشناخته بودند و بعداً شناخته شدند.

وی با بیان این که عطاردی در واقع یک دایره المعارف بزرگ تاریخی آماده کرده است، این را خدمت بزرگی به عالم بشریت توصیف کرد و افزود: عطاردی عالمی است که فقط به ایران تعلق ندارد، بلکه به همه اسلام و حقیقتاً به همه تعلق دارد.

استاد محمدرضا حکیمی، صاحب دایرة المعارف گرانسنگ «الحیاء»، یکی از اصحاب معرفت در خطه خراسان است که با آگاهی و آشنایی کامل نسبت به فعالیت‌های علمی آیت الله عزیزالله عطاردی، یادداشتی در مورد آثار ایشان به رشته تحریر درآورده است.

«عزیزالله» را عزیز بداریم

۶۱

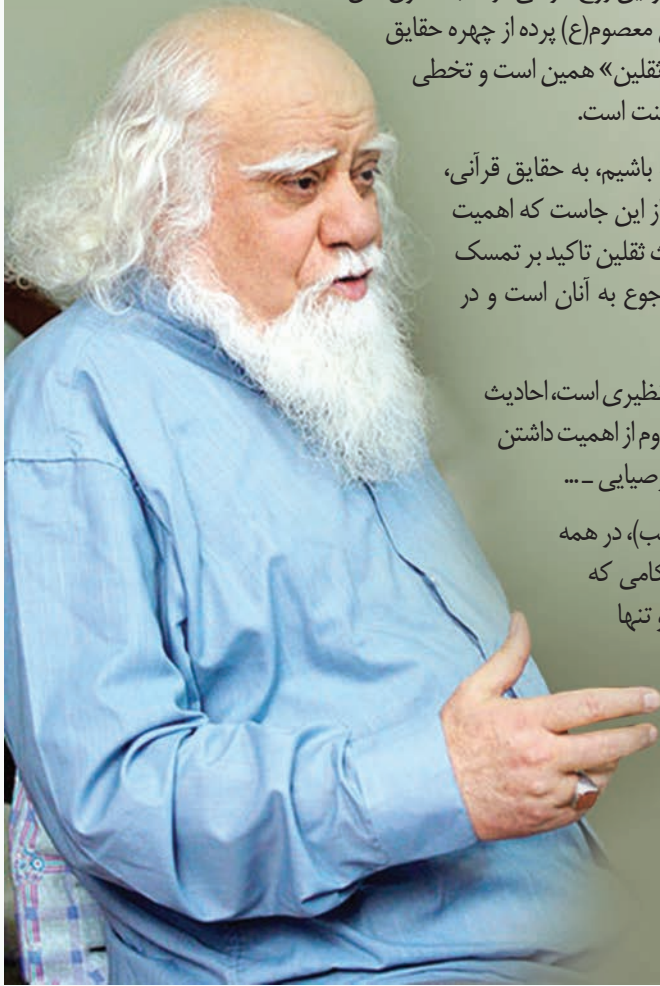
در همه فرهنگ‌ها و میراث‌ها و در همه گوشه و کنار جهان، کتابی به عظمت قرآن، در تربیت و هدایت و حرکت و معرفت و عدالت و ... نمی‌توانیم رسید و این میراث گران و این روح عرشی در کالبد عقول اهل جهان، جز با احادیث، تفسیری درست نخواهد شد و جز با سخنان معصوم (ع) پرده از چهره حقایق آن برداشته نخواهد گشت، که مؤدای «حدیث غدیر» و «حدیث ثقلین» همین است و تخطی از این دو حدیث نبوی فوق متواتر، تخطی از خود قرآن و اصل سنت است.

پس اگر ما به احادیث رجوع کنیم و فهم حدیثی از قرآن نداشته باشیم، به حقایق قرآنی، در الهیات و اخلاق و احکام - به نص آورنده قرآن - نرسیده‌ایم و از این جاست که اهمیت احادیث و ارزش منحصر به فرد آنها معلوم می‌گردد. اینکه در حدیث ثقلین تاکید بر تمسک به قرآن کریم و اهل بیت (ع) شده است، مهمترین متمسک، رجوع به آنان است و در معارف تفسیر قرآن.

همانگونه که قرآن کریم، برای انسان و رشد تالهی انسان، کتاب بی نظیری است، احادیث نیز به عنوان شارح و مفسر و ترجمان و سخن گوی قرآن، در مرتبه دوم از اهمیت داشتن و همانند ناپذیر بودن، قرار دارند - چه احادیث نبوی و چه احادیث اوصیایی - ...

هیچ دقت کرده‌اید که اگر احادیث نبود، هیچ مسلمانی (از هر مذهب)، در همه عالم نمی‌توانست دست کم در عمل، مسلمان باشد، زیرا ریز احکامی که مسلمانان به آنها عمل می‌کنند، اصلاً در قرآن کریم نیامده است و تنها و تنها احادیث مبین آن احکام و متکفل بیان آنها است ...

در اینجا لازم است یاد شود که مراجعه به احادیث نباید منحصر به مسائل فقهی و آداب اخلاقی باشد، بلکه عمده الهیات



حدیثی است و توضیح احادیث، درباره آیات مربوط به الهیات قرآنی. اگر این مراجعه نباشد، الهیات، التقاطی خواهد بود و غیراصیل، چه فلسفی و چه عرفانی و حتی کلامی. پس می‌نگرید که رجوع به اخبار و احادیث استفاده از آنها یک ضرورت قرآنی - اسلامی است و یک رسالت فرهنگی - بشری و تطهیرگر الهیات ما از زنگار التقاط است...

نیز یادآوری می‌کنم برای آنچه معروض افتاد - که مرحوم علامه طباطبایی در کتاب «شیعه در اسلام» تصریح فرموده‌اند که: برای شناخت اسلام فقط و فقط دو منبع

منحصر به فرد وجود دارد، قرآن کریم و احادیث شریف نیز در مصاحبه‌ای فرموده‌اند که: اگر احادیث نبود، من نمی‌توانستم تفسیر بنویسم. و این سخنان همه درست است، و توجهی است آگاهانه، و اظهاراتی است متعهدانه. با دقت در این نکات مهم و حیاتی در فرهنگ اسلام و تشیع، خوب می‌فهمیم که گردآوری دائرةالمعارفی حدیثی، در ۷۰ جلد به عنوان سندها و مسانید، در طول سال‌های سال، زحمت و مرارت، و تتبع و مراجعه و گذراندن در کتابخانه‌ها و با کتاب‌ها و سفرها و مشقات و رونویسی و نسخه‌برداری، چه کاری عظیم است و چه خدمتی بزرگ، نه تنها به شیعه و دیگر اهل اسلام، بلکه به فرهنگ تربیتی انسان و آفاق معرفت‌های بشریت.

این است که استاد، محقق و پژوهشگر نستوه و خادم مخلص و حقایق اوصیائی و معلم الهی، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ عزیزالله عطاردی - حفظه‌الله تعالی و اعزه - پدید آورنده این اثر به راستی گران‌سنگ، از مفاخر تاریخ ما به شمار می‌آیند.

چنانکه عرض کردم و این جانب خدمت بزرگ ایشان را به جهان تشیع و اسلام منحصر نمی‌کنم، بلکه این کوشش درازآهنگ و این سامان گستره فکری و شناختی و دینی و اقدامی که در این مجموعه عظیم‌الشان نمودار گشته، میراثی است برای همه بشریت. با دیدن این گونه آثار ما می‌فهمیم که چرا فرموده‌اند: «مدادالعلماء افضل من دماءالشهداء».

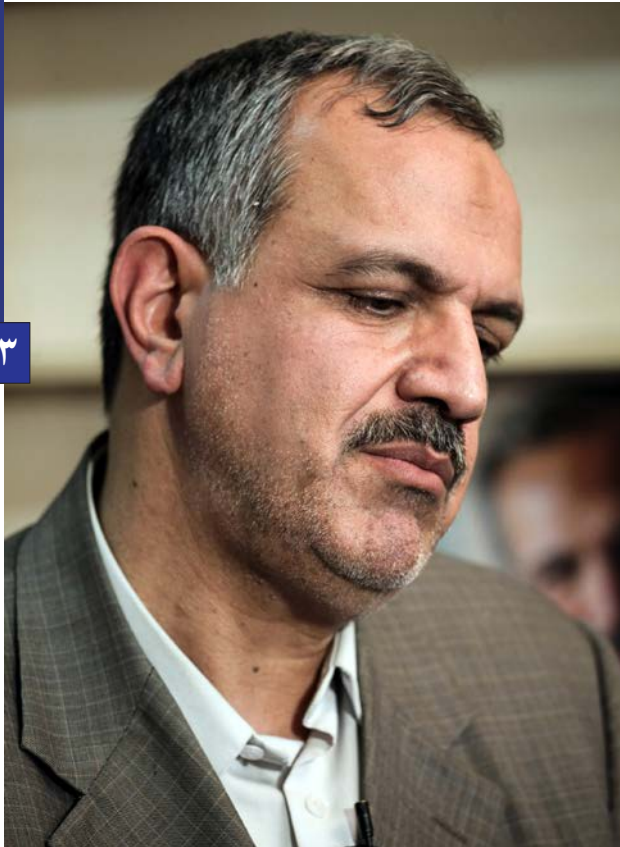
من امیدوارم، روزی شیعه قدر معارف خود را بهتر بدانند و پس از شناخت بهتر قدر قرآن کریم و تعالیم پیامبر اکرم (ص)، در حق معارف اوصیایی اهتمام ورزد و در شناساندن معالم پرتوزاد این مکتب زندگی‌ساز، با جدیت تمام بکوشد، و به اهمیت این کار بیاندهشید.

این جانب که اندکی مراجعه به احادیث داشته‌ام، خوب می‌فهمم که ۷۰ جلد مسند یعنی چه؟ و آیا چه زحمتی عمری و توان‌سوزی برای تدوین آنها تحمل شده است؟ و اکنون چه مشعل‌هایی در آنها فروزان است؟ و چه خورشیدهای تابان؟ و چه چشمه‌سارانی - از آب حیات - برای تشنگان وادی تربیت و شناخت و حرکت، در آنها در حال جریان و فوران؟ کاش نسل‌ها از آن استفاده سرشار کنند. انشاء الله تعالی.

* برگرفته از یادداشت استاد «محمدرضا حکیمی» که به مناسبت رونمایی از «مسند امام علی (ع)» اثر استاد عزیزالله عطاردی منتشر شد.



طبعی بلند در خدمت اهل بیت (ع)



۶۳

به گفته رئیس شورای اسلامی شهر تهران، آیت الله عطاردی در زندگی خود با طبعی بلند زیست و روی به هیچ درگاهی جز درگاه اهل بیت (ع) نیاورد و خدمت جز به این آستان نکرد و در کمال قناعت و پارسایی و فروتنی زندگی را به سربرد.

احمد مسجدجامعی، رئیس شورای شهر تهران درباره مرحوم آیت الله عطاردی، اظهار کرد: آیت الله عطاردی در زندگی خود با طبعی بلند زیست و روی به هیچ درگاهی جز درگاه اهل بیت (ع) نیاورد و خدمت جز به این آستان نکرد و در کمال قناعت و پارسایی و فروتنی زندگی را به سر برد.

مسجدجامعی افزود: آنان که از نزدیک با ایشان آشنا بودند می دانند که چگونه وقتی که بحثی در حوزه های مختلف مربوط به اسلام و ایران و تشیع مطرح می شد، شاهد مثال های گوناگون می آوردند و چه زیبا مباحث را بسط می دادند و در عین حال شاهد بودید که که اگر نکته ای بود، سخنی بود، سؤالی بود، پیشنهادی بود می شنیدند و چه زاهدانه زندگی می کردند.

رئیس شورای شهر تهران با بیان این که مجموعه این جهات از ایشان شخصیت منحصر به فردی را ساخته بود، اظهار کرد: برخی از آثار ایشان از جهت علمی در تاریخ ماندنی است. کاری که راجع به ائمه (ع) انجام دادند کار بی بدیلی بود. کاری که راجع به تاریخ خراسان انجام دادند کار بی نظیری بود و چه دقت های علمی که در این کار بود و چه تلاش ها کردند.

وی با اشاره به سفری که همراه با مرحوم عطاردی به کتابخانه نجف اشرف داشته است، از تواضع و فروتنی و دانش ایشان در گفت و گو با کتابداران و کتابشناسان آن جا یاد کرد و این که ایشان اطلاعاتی به مراتب بیش از کتابشناسان آن جا در مورد نسخ خطی آن کتابخانه داشته است و همین امر در کنار تواضع آیت الله عطاردی موجب شیفتگی آنان نسبت به شخصیت آیت الله عطاردی شده بود و موجب شده بود که آنان نسخه های مورد نظر را خارج از هر قاعده و سلسله مراتبی تکثیر کرده و در اختیار ایشان قرار دهند.

مسجدجامعی با اشاره به بنیانگذاری مؤسسه فرهنگی خراسان از سوی آیت الله عطاردی، آن را یکی از خدمات اجتماعی ایشان برای عموم و به ویژه کسانی که در حوزه خراسان پژوهش می کنند دانست و افزود: همه آثار و اسناد و کتاب هایی که در این مجموعه جمع شده است و گفته می شود ۳۰ هزار اثر است که تک تک انتخاب شده، همه این ها در آثاری که ایشان پدید آوردند مورد توجه قرار گرفته است.

رئیس شورای شهر تهران این کتابخانه را کتابخانه ای ارزشمند خواند و گفت: نباید رقم ۳۰ هزار را در مقایسه با دیگر کتابخانه ها در نظر آورد بلکه باید در نظر گرفت که مجموعه مطالعاتی که منشأ شکل گیری ماندگارترین مجموعه های حدیثی و تاریخی، به خصوص تاریخ محلی خراسان و حتی آثار ادبی ایران، آثار تاریخی ایران و آثار اساطیری ایران مانند شاهنامه شده است، در این جا وجود دارد. این هم یکی از خدمات ایشان است.



وی همچنین از خدمت‌گزاری خاندان رجایی که خانواده همسر آیت‌الله عطاردی هستند به ایشان یاد کرد و گفت: این همه آثار بدون همت و حمایت ایشان و به خصوص همسر ایشان میسر نبود که انجام شود و به سامان برسد.

مسجد جامعی عنوان کرد: همه عمر ایشان با علم و دانش و فضیلت و معنا و معنویت و زهد گذشت و واقعاً چه عمر پربرکتی بود و ما خدمت خانواده محترم ایشان این ضایعه را تسلیت می‌گوییم و همه تلاش می‌کنیم که این چراغ همچنان روشن بماند و همه از آن بهره بگیریم.

مسجدجامعی با اشاره به جشنی که آیت‌الله عطاردی هر ساله در سالروز تولد امام رضا(ع) در مؤسسه فرهنگی امام رضا(ع) برگزار می‌کرده است، گفت: من خدمت ایشان توضیح دادم که خوب است این جشن هر سال برگزار شود و نمادی از بهترین آثار پژوهشی و علمی راجع به حضرت معرفی شود که با استقبال ایشان مواجه شد و امیدوارم که همین الان هم در فکر برگزاری این مراسم باشیم و این کار در همین امسال هم به نحو مقتضی به نتیجه برسد.

وی با اشاره به یادداشت‌های آیت‌الله عطاردی، آن را مجموعه‌ای بسیار ارزشمند توصیف کرد و گفت: ایشان با نظمی تحسین برانگیز این موارد را نوشته‌اند و یادداشت کرده‌اند و مدخل‌هایی است که می‌تواند برای بسیاری از دانشنامه‌ها مفید و مؤثر باشد و مبنای کار قرار بگیرد. آن نظم ذهنی ایشان در همه این آثار رعایت شده است و امیدوارم که ما دستداران و همکاران ایشان زمینه‌ای را فراهم کنیم که این آثار همچنان استمرار داشته باشد و از این دریای عظیم معارف که ایشان دست بسیاری را گرفتند و به ساحل آن نزدیک کردند، همچنان ما بتوانیم از آن بهره بگیریم.

شخصیتی استثنایی که عمری را با عزت و امید گذرانید

جناب آقای نوراللهیان جامعه ما شخصیت علمی برجسته‌ای را از دست داده است، لطف بفرمائید برای شروع اشاره‌ای به جایگاه ایشان داشته باشید. مرحوم آیت‌الله عطاردی مجسمه‌ای بود از فضایل فراوان، از سخت‌کوشی، از اخلاق والا، از دانش و فضل سرشار. ایشان محدث بی‌نظیری در عصر ما بودند. امروز در عصر ما، محدثینی در این سطح، با این دانش گسترده و در رده سلسله محدثینی مانند محدث نوری، محدث قمی، علامه امینی و شیخ آقابزرگ تهرانی، شاید تعدادشان از تعداد انگشتان تجاوز نکند و آقای عطاردی یکی از آن‌ها بودند. ایشان در عرصه روایات اهل بیت(ع) و احادیث توانستند آثار بسیار بسیار بزرگی از خودشان به جا بگذارند.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدرضا نوراللهیان، رئیس سابق سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور، هم‌اکنون عضو هیئت امنای مجموعه فرهنگی خراسان است و سابقه طولانی تلمذ در محضر آیت‌الله عطاردی و آشنایی دقیقی با آثار ایشان دارد.



تمدادی فرهنگ و تمدن و دانش و ادبیات شرق جهان در خراسان متبلور بوده است. ابن سینا، فارابی، زکریای رازی، شیخ طوسی، خواجه نصیرالدین طوسی، خواجه نظام الملک طوسی، همه اینها خراسانی هستند و مرحوم آیت الله عطاردی می خواست این تاریخ را مدون و مکتوب کند.

ایشان برای این که تاریخ خراسان را بنویسند بیش از ۵۰ سال در سطح جهان، کشور به کشور مسافرت کردند و هر جا که نسخه ای خطی بود از شخصیت های خراسانی، از دانشمندان خراسانی و از آثار خراسانیان و از هر آن چه ردپای خراسان را داشت گرد آوردند. ایشان این ردپاها را حتی تا فتح آندلس نیز پیگیری کرده بود و می گفتند که شهری در اسپانیا به نام توره است که باید متعلق به دوره فتح آندلس توسط مسلمانان باشد و احتمال قوی می دادند که جنگاورانی که از طوس و خراسان با طارق بن زیاد به آن منطقه رفته بودند، پس از پیروزی در جنگ و با ورود به اروپا در آن منطقه ساکن شده اند.

خراسان بزرگ هم از نظر ایشان بر اساس آثار هزارساله تاریخی ثبت شده، از دهنمک گرمسار شروع می شود تا دره فرغانه تاجیکستان، تا رود سیحون و جیحون و تمام منطقه خوارزم و ترکستان و آن چه را

درباره این آثار، یعنی مسانید اهل بیت (ع) که ایشان از خود به یادگار گذاشتند برای مخاطبین ما توضیحی بیان بفرمائید.

ایشان ۷۳ جلد مسانید ائمه شیعه (ع) را نوشتند و این کار را به تحقیق در طی سالها انجام دادند. فقط روایات امام علی (ع) را با شرح حالی از آن حضرت که جمع کردند ۲۷ جلد شده است، مسند امام صادق (ع) ۲۲ جلد شده است. قریب ۴۰ سال از عمرشان را به تدوین و جمع آوری این مسانید مصروف کردند؛ کار ابتکاری و یک نوآوری قابل تقدیر در عرصه حدیث؛ با اشراف و اطلاعی که ایشان به علم الحدیث، علم الدرایه، علم رجال داشتند و از این حیث من می خواهم بگویم که یک شخصیت استثنایی را از دست دادیم.

جناب آقای نوراللهیان! می دانیم که مرحوم آیت الله عطاردی در عین حال یک مورخ هم بودند. در این باره هم توضیحاتی بدهید و بفرمائید که در کار ایشان تقدم با حدیث بود یا تاریخ؟

کار اصلی علامه عطاردی تدوین تاریخ خراسان بزرگ بود. محدث بودن ایشان هم از دل مورخ بودنشان در آمد. ایشان می خواستند تاریخ خراسان بزرگ را بنویسند؛ تاریخی که از قرون

که امروز چندین کشور شده است در بر می‌گیرد و خراسان امروز در کشور ما قطعه‌ای از آن خراسان بزرگ بوده است. ایشان سمرقند، بخارا، نیشابور، قومس، بسطام، بیهق، مرو، هرات، بلخ و تمام این خطه خراسان را در طول ۱۴ قرن بررسی کرده است.

ایشان فلسفه، عرفان، ادبیات را در خراسان بررسی کرده است. ایشان در تمام زمینه‌های علمی، در تاریخ، در جغرافیا، طب، فلسفه، ادبیات، علوم متداول هر عصر از ریاضیات گرفته تا فیزیک و شیمی در امروز که در گذشته باز به نوع دیگر وجود

داشته است، هر جا هر دانشمندی هر کتابی نوشته و هر اثری که در هر رشته علمی از خراسان به شرق و غرب جهان رفته و ترجمه شده بود، ایشان جمع‌آوری کردند و آن چه در این رابطه گرد آوردند با تدوینی ۵۰ ساله به ثمر نشانند.

کار ایشان در این زمینه یعنی در زمینه تاریخ خراسان تا کجا پیش رفته است؟

کار ایشان در این زمینه خیلی گسترده بود و تنها تاریخ نیشابور آن نزدیک ۳۰ هزار مدخل را در بر می‌گرفت. تاریخ خراسان آیت‌الله عطاردی بیش از ۸۰ جلد و شاید نزدیک به ۹۰ جلد کتاب می‌شود. ۸۰ جلد این تاریخ دارای فیش برداری‌های منظم و تدوین شده است، اما تا الان فقط هفت جلد آن به چاپ رسیده است و ما به دلیل این که فیش‌ها منظم است داشتیم به سرعت مجلد به مجلد آن را چاپ می‌کردیم.

آیا پیوندی بین دو حوزه کاری ایشان، یعنی خراسان و حدیث بود؟

خب وقتی که ایشان در پرداخت‌شان به تاریخ خراسان به مشهد رسیدند، می‌بایست اعلام و بزرگان خراسان را معرفی می‌کرد و یکی از کسانی که باید به او می‌پرداخت و در واقع خراسان ۱۲۰۰ سال است که به او شناخته می‌شود امام رضا(ع) است که محور خراسان در دوره اسلامی است. ایشان قصد داشتند امام(ع) را معرفی کنند و بر همین اساس رفتند به سراغ سخنان امام، نامه‌های امام، سیره امام و همچنین مسیر حرکت امام به سمت خراسان و ارشادات و ملاقات‌هایی که در این راه داشتند و تصمیم‌گیری‌هایی که خلیفه وقت در مسیر خراسان و در مشهد تا زمان شهادت برای ایشان داشتند.



کوچک من گنجاند و این که من از او
و عظمت او بگویم.

راجع به فعالیت حدیث پژوهی ایشان بفرمائید و این که با چه انگیزه‌ای این بخش از کارهای ایشان انجام گرفت.

خب همچنان که گفتم کار ایشان در
تمام طول مدت عمر علمی‌شان تمدن
خراسان بود. وقتی که ایشان وارد
عرصه خراسان شناسی و تاریخ خراسان
شد، می‌بیند که امام رضا(ع) به عنوان
امام شیعه بزرگترین چهره از خاندان
پیامبر(ص) است که به این منطقه
سفر کرده است و به دنبال شرح حال و
سفر امام رضا(ع) به خراسان، به سراغ
احادیث ایشان هم می‌رود و بعد این کار
توسعه پیدا کرد و به سخنان سایر ائمه
شیعه(ع) نیز پرداختند.

یکی دیگر از چیزهایی که می‌توانسته
انگیزه برای تدوین مسانید ائمه(ع) شود،
این است که در همین تاریخ خراسان
با افرادی مواجه است که صحاح سته
را نوشته‌اند. کسانی که این صحاح را
نوشته‌اند و اهل سنت هستند هر شش
نفر خراسانی‌اند. خب همین می‌تواند
یک ایده برای نوشتن مجموعه‌ای از
مسانید شیعی به ایشان بدهد.

در مورد نسبت کارشان در حدیث با
کارشان در مورد تاریخ خراسان این
را هم باید افزود که ایشان در حدیث
بیشتر ایستاده‌اند، منتها کار اصلی‌شان
تاریخ خراسان بود. همین روزها داشت
سه جلد دیگر از تاریخ قوچان که زادگاه
خودشان است منتشر می‌شد. بعد هم
نوبت بجنورد، بعد جاجرم، بعد جغتای
بود که همه آماده بود و بعد قرار بود
تاریخ نیشابور آماده شود که دیگر اجل
مهلت نداد.

می‌اندیشید. این‌ها توصیفاتی است که
من می‌توانم از او داشته باشم. در پیامی
که بعضی بزرگواران نوشتند، ایشان را
این‌گونه توصیف کردند که یک تنه، یک
مؤسسه عظیم تحقیقاتی بود و خودش
یک تنه می‌رفت و تحقیق می‌کرد، ترجمه
می‌کرد، تصحیح می‌کرد، حاشیه می‌زد ...
آسایش نداشت.

همه عمرشان در قرض و بدهکاری
گذشت، اما در عین حال همه عمر در
عزت زیست، همواره در صعوبت بود اما به
شدت امید به آینده علم را با خود داشت و
به آینده این منطقه تمدنی نیز امیدوار بود.
در بزرگداشتی هم که در شهر ری برای
او برگزار شده بود، یونسکو پیام داد برای
ایشان. ایشان همچنین از بسیاری از
شخصیت‌های بزرگ پیام‌هایی دریافت
کرده بود و یا دست‌خط‌هایی از برخی
از شخصیت‌های مذهبی داشت، از
اجازه روایت تا پیام‌هایی به مناسبت‌های
مختلف دیگر؛ آیت‌الله العظمی حکیم،
آیت‌الله العظمی میلانی از نجف، از آیت‌الله
خوئی، از علامه امینی، از شیخ آقابزرگ
تهرانی، از خراسان ... ایشان هر کدام به
یک صورت بعضی اجازه روایت دادند.

ایشان از سوی رؤسای جمهور تا به امروز
غیر از حجت‌الاسلام روحانی مورد تقدیر
قرار گرفتند. وزیران ارشاد و فرهنگ دائماً
با ایشان در رفت و آمد بودند. ایشان از
کشورهای مختلف اروپا، کشورهای عربی،
کشورهای جنوب شرقی آسیا و روسیه
دیدن کرده بود و هر کتابخانه خطی در هر
جای دنیا بود با دست خالی سفر می‌کرد
و مدتی می‌ماند و فیش برداری می‌کرد و
بالاخره از دانشمندان آن کشورها اجازاتی
پیام‌ها و هدایایی در مورد شخصیت ایشان
دادند که در مجموعه فرهنگی خراسان
موجود است.

دیگر مرد بزرگ را نمی‌شود در قالب الفاظ

از همین جا ایشان به سراغ مسند امام
رضا(ع) رفتند و بعد آیت‌الله العظمی میلانی
هم که کار ایشان را می‌بیند از ایشان
می‌خواهد که راجع به امام باقر(ع) هم
همین کار را بکنید. ایشان می‌گوید که کار
من تاریخ خراسان است، اما در هر صورت
راجع به امام باقر(ع) و بعد امام علی(ع) و
بعد سایر ائمه معصومین(ع) نیز این کار را
انجام می‌دهد.

چه توصیفی از شخصیت و فعالیت علمی گسترده ایشان دارید؟

مرحوم علامه عطاردی مرد محقق،
سخت‌کوش، با اراده بلند و مردی بود که
در قله‌های بلند از دانشی که به آن وارد
شدند، قرار داشت. او در رجال صاحب‌نظر
بود و یک نسخه‌شناس فوق‌العاده هم بود.
در همین مورد من باید واقعاً دو ساعت
صحبت کنم که ایشان چه نسخه‌های
نفیس خطی را فراهم کرد و در مجموعه
فرهنگی خراسان گرد آورد و الان این‌ها
در اختیار ماست.

ایشان از کتابخانه‌های بزرگ دنیا دیدن
کردند و میکروفیلم گرفتند و ۲ هزار
میکروفیلم را با فقر و دست خالی فراهم
کردند. ایشان با ۱۰۰ یک تومانی سفر
می‌کرده است و از راه زاهدان و زابل به
نیمروز، از آن جا به کوه‌های هندوکش
افغانستان، از آن جا به پیشاور پاکستان و از
آن جا به هند می‌رفته است.

او دو سال و چهار ماه در هند با همسرشان
که دختر برادر شهید رجایی، رئیس جمهور
شهید، هستند زندگی کرد و در آن جا خانم
ایشان در گرمای ۵۰ درجه و بالاتر، شش
هزار نسخه تایپ کرده است. می‌گفتند که
در آن جا با یک پنکه سقفی با یک لباس
معمولی زندگی می‌کردیم.

او اهل باطن، اهل تقوا و اهل خدا بود و
همیشه رو به آخرت بود و همیشه به علم

خاصی تدوین می کنند و بر آن می افزایند و تصحیح می کنند. بعد از مرحوم فیض و معاصر ایشان، شیخ بهایی و بزرگان دیگر و مرحوم علامه مجلسی هم کارهایی را انجام داده اند. این اواخر هم که علامه محمدرضا حکیمی الحیاء را نوشتند. این ها هر کدام با یک نوع نگاه خاص خود در حدیث وارد شدند و علامه عطاردی نیز با یک نگاه و روش جدید وارد شد که در شیعه کم نمونه داشت و آن هم مسندنویسی است و هر سخنی از هر امامی آمده است به نام آن امام در یک جلد خاصی جمع آوری شد.

برای مخاطبان توضیحی بدهید که مسندنویسی به چه نوع روشی اطلاق می شود؟

مسندنویسی ائمه (ع) این است که هر چه از ائمه (ع) سخن و حدیثی وجود دارد، دسته بندی شده و در یک جا بیاید. مسندنویسی یعنی این که هر چه از امامی نقل می شود گفته می شود که چه کسی آن را به چه کسی اسناد داده است تا به آن امام می رسد و اگر در یک روایت تمام سلسله روایان ذکر شده باشد، آن روایت روایت مسند است.

خب کاری هم که مرحوم عطاردی کردند این بود که همه مطالبی را که از ائمه (ع) به این شکل بود جمع آوری کردند. هر چه در گفتارشان بوده است، آن چه که در مکاتبات آن ها بوده است و در پاسخ هایی که به سؤالات داده اند، این ها را همه آورده اند.

ایشان دو جلد را هم به مضمرات اختصاص داده اند و روایات بدون سند را در این دو جلد آورده اند. برای مثال روایات امام علی (ع)، اشعار امام علی (ع) و یا سخنان ادیبانه ای که از ایشان در مجالس خوانده می شده و گفته نمی شده که چه کسی از چه کسی شنیده است، یا روایاتی که صرفاً برای مجالس وعظ و خطابه از سوی بزرگان املا



با توجه به چنین اثر بزرگی که مرحوم آیت الله عطاردی در عرصه حدیث فراهم آورده است، از نظر شما ایشان در عرصه حدیث و تاریخ حدیث چه جایگاهی دارد؟

تاریخ حدیث هزار سال در پویایی بوده است. برای مثال در حدیث مرحوم کلینی می آیند و یکی از کتب اربعه یعنی کافی را می نویسند و شیخ صدوق یکی دیگر از کتب اربعه شیعه یعنی من لایحضره الفقیه را می نویسد. این دو بزرگوار هزار سال بر عمرشان گذشته است، هر دو هم ایرانی هستند و هر دو هم اهل شهر ری هستند. دو کتاب دیگر، یعنی تهذیب و استبصار هم از شیخ طوسی است که از نام او پیداست که اهل طوس بوده است. همیشه این چهار کتاب کتاب های اصلی شیعه است. این تاریخ هزار ساله در تحقیق بوده است تا به دوره های مرحوم فیض کاشانی می رسد که ایشان وافی را می نویسند و این چهار کتاب را با یک دسته بندی جدید و متد

اثنه ۵۰ صفحه شده است. این کار یک منبع کامل برای تفسیر قرآن در بیان هر امامی است.

همین طور در فقه هم فی الواقع بزرگترین مجموعه فقهی را تدوین کرده است و به سبکی هم هست که فقهایی که می‌خواهند فتوا بدهند زود به احادیث دسترسی پیدا می‌کنند.

ایشان یک نسخه‌شناس بزرگی هم بود و کارهای ارزشمندی در این رابطه انجام داده است. من الان این کتاب را که می‌خوانم، این کتاب نمایه دارد، تدوین اصولی شده است، کاغذ خوب، جلد خوب ... فرق دارد این کتاب با نسخه‌های خطی خاک گرفته، موربانه خورده در کتابخانه‌های قدیمی دنیا و با خط‌های نامناسب. مطالعه نسخه‌های قدیمی خیلی سخت است و فرد مطالعه‌کننده را می‌آزارد.

در همین رابطه حامیان نسخ خطی کتابخانه مجلس هم از ایشان تجلیل بزرگی کرد و کتابی تحت عنوان «عطارد دانش» با مقالات تحقیقی راجع به نسخه‌نویسی و نسخه‌نویسان به بزرگداشت ایشان منتشر کرد.

برای آثار باقی مانده‌ای که از مرحوم آیت‌الله عطاردی هنوز به چاپ نرسیده است و همین طور آئینه مؤسسه فرهنگی خراسان چه برنامه‌ای وجود دارد؟

مرحوم عطاردی مؤسسه را وقف آستان قدس رضوی کردند و یک هیئت متولیان هم گذاشته‌اند که در همین جا این موقوفه را مدیریت کنند و آثار چاپ نشده ایشان چاپ بشود. تحقیقات بعدی هم به تدریج و شاید حتی به سرعت چاپ شود، همچنان که اگر اشتباه نکنم ما در این مدت دو سالی که ایشان کسالت داشتند ۶۳ جلد کتاب‌هایشان را چاپ کردیم.

ابتکار فکری خود مرحوم علامه عطاردی بود که با توجه به فعالیت علمی و مطالعات گسترده‌ای که داشت و سفرهای متعدد علمی به نقاط مختلف جهان داشت در ذهنش شکل گرفته است.

این مسندها چه مزیتی نسبت به آثار گذشتگان دارد و الان برای چه کسانی قابل استفاده است؟

همچنان که گفتم دریای وسیعی از دانش در نوشته‌های ایشان ظاهر شده و هر چه از ایشان نوشته داریم مرجع تحقیق است. ایشان می‌توانست مرجع تقلید بشود و یک رساله و توضیح المسائل بنویسد، اما رفت و مرجع تحقیق شد. الان پایان‌نامه‌ها، مقالات تحقیقی و کتاب‌های مختلف می‌توانند از این مجموعه مسانید بهره ببرند.

خب اگر کسی بخواهد تحقیقی راجع به هر یک از ائمه (ع) داشته باشد باید افکار و سخنان و مواضع سیاسی آن‌ها را مورد توجه قرار دهد و این مجموعه چنین امکانی را به او می‌دهد. مزیت آن این است که یک منبع کامل از میراث شیعی برای فقه برای تفسیر و برای موضوعات مختلف معارف شیعه است. ایشان روایات تفسیری را جدا کرده است و در واقع با این کار هر چند یک خط تفسیر هم ننوشته است اما به نوعی بزرگترین تفاسیر الائمه را نوشته است. ایشان روایات تفسیری را گرد آورده است، هر چه را امام علی (ع) راجع به قرآن و آیات قرآن و خود قرآن گفته‌اند این‌ها را ایشان ضبط کرده‌اند و با سند آورده‌اند و دو جلد تقریباً مسند روایات تفسیری امام علی (ع) است. در مورد روایات تفسیری امام صادق (ع) هم همین طور. برای بعضی از ائمه این دو جلد شده است، برای بعضی یک جلد، برای بعضی نصف جلد و برای بعضی دیگر از

می‌شده و در امالی‌ها گرد آمده بوده است، ایشان این‌ها را در مضمرات آورده است.

یک نکته قابل توجه در مورد این مجموعه هم این است که بعد از پایان هر مجموعه مخصوص به هر امامی، افراد و اصحابی را که از آن امام حدیث نقل کرده‌اند ذکر کرده‌اند و تحلیل‌های رجالی دارند و می‌گویند که راویان نامبرده مورد اطمینان هستند یا نه. برای مثال بعد از مجموعه مسند امام علی (ع) ایشان در دو سه جلد این راویان را معرفی کرده است. این را می‌گویند علم رجال و درایه.

در هر صورت دریای وسیعی از دانش در نوشته‌جات ایشان ظاهر شده است.

آیا فی الواقع ایشان کار نویی ارائه کرده است؟

بله، جای این مسندها و شیوه خاص ایشان یعنی مسندنویسی در میان کارهای شیعه خالی بود. بحارالانوار کاری این چنینی است، وسائل الشیعه شیخ حر عاملی همین طور اما این نوع کار ابتکارش با آقای عطاردی بوده است.

کارهایی که در مجموعه دارالحدیث شده است چطور؟

کارهایی هم که آقای ری‌شهری کردند همه بعد از ایشان است و در عین حال هر کدام ویژگی‌هایی دارد و یک مثبتاتی دارد و یک ضعف‌هایی دارد. کار حاج آقا هم می‌تواند طبعاً ضعف داشته باشد. حاج آقا یک نفره این کار را انجام داده است. آقایانی که امروز انجام می‌دهند از جمله در دارالحدیث، این‌ها یک گروه هستند. در هر صورت این متد مسندنویسی

مجموعه فرهنگی خراسان مجموعه زنده‌ایست. رئیس هیئت امنا آقای مسجدجامعی هستند، بنده و دیگران هم هستیم و علمای بزرگ هم حمایت می‌کنند و انشاءالله این کار تاریخ خراسان به پایان می‌رسد.

در پایان از درگذشت آیت‌الله عطاردی بفرمایید.

از درگذشت ایشان نپرسید ... ما شاگردان ایشان بودیم، در طول زمان. من نزدیک ۴۰ سال است که با آثار ایشان و ۳۰ سال است که از شاگردان ایشان بودم. نه تنها من آقای

مسجدجامعی، بزرگان قم، آقای مهدوی‌راد، آقای ایازی، آقای مهریزی، آقای عبداللهیان، آقای معراجی همه از کسانی هستیم که ۲۰، ۳۰ سال پای آموزش‌هایی که از ایشان دیدیم، چه حضوری و چه در مقالات و تحقیقات و آثارشان، زانو زدیم و از خصائل حمیده ایشان، از این همه سخت کوشی درس گرفتیم. ایشان انسان همه‌جانبه‌ای بود.

اما این مرد با آن زندگی پر از رنج و مرارتی که به هر حال ایشان از همان دوران جوانی برای خودشان انتخاب کرده بود، دیگر باید می‌رفت.

نگارش تاریخ و جغرافیای علمای خراسان با دست‌ان خالی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی، در خصوص خدمات علمی مرحوم آیت‌الله عطاردی، اظهار کرد: ایشان کتاب‌ها و خدمات علمی ارزنده‌ای در زمینه تاریخی و فرهنگی نوشته‌اند که مجموعه تاریخ خراسان ایشان نزدیک به ۱۰۰ جلد می‌رسد که بخشی از آن هنوز منتشر نشده است.

وی ادامه داد: تاریخ‌چه و جغرافیای علمایی که در منطقه خراسان بزرگ زیستند، اقدامی بزرگ است و این وقتی ارزش بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم ایشان با دست خالی این کار را انجام دادند. این مجموعه علمی را به تنهایی باید یک گروه عظیم علمی انجام می‌دادند. علامه عطاردی ده‌ها جلد کتاب را در عمر با برکت خود نوشتند که به تدریج در حال چاپ و تصحیح است.

این استاد فلسفه و حکمت توضیح داد: در این مجموعه از من هم برای تصحیح و آماده‌سازی دست‌نوشته‌های ایشان برای چاپ دعوت به عمل آوردند که با کمال میل پذیرفتم تا قدمی در راستای گسترش فرهنگ شیعی بردارم. ایشان برای هر یک از حضرات معصومین(ع) یک مسند نوشته است. وی بیان کرد: این کاری توان‌فرسا است که شخصی با دست



به گفته رئیس سازمان سمت، نگارش تاریخ و جغرافیای علمایی که در منطقه خراسان بزرگ زیستند، اقدامی بزرگ است و این وقتی ارزش بیشتری پیدا می‌کند که بدانیم آیت‌الله عطاردی این کار را با دست خالی انجام دادند؛ مجموعه‌ای که نگارش آن به تنهایی نیازمند یک گروه عظیم علمی است.

می‌کنم، می‌بینم که پر از حدیث در باب حضرات معصومین (ع) است. آیت‌الله عطاردی احادیث دو کتاب قاموس و تاج العروس را استخراج کرده است و از لابه‌لای آن یک مجموعه حدیثی بزرگ در آورده است.

رئیس سازمان سمت اظهار کرد: با اینکه ما امام حسن مجتبی (ع) را به عنوان امام دوم خود می‌دانیم، ولی احادیث این امام شریف در کتاب‌های روایی اهل سنت بیشتر وجود دارد. وقتی من به این کتاب‌ها و تفاسیر مراجعه می‌کنم می‌بینم باید سر تعظیم فرود بیاوریم برای عالمانی که خود شیعه نیستند، ولی دغدغه‌ای داشتند و این روایات را نقل کردند.

علامه عطاردی؛ عالم ربانی عاشق

وی افزود: این عالم جلیل‌القدر مسانیدی برای معصومین (ع) را از منابع شیعه و اهل سنت گردآوری کرد. کار مرحوم عطاردی کار یک عاشق، انسان دردمند و یک عالم ربانی و دلسوز است که با دست تهمی به کشورهای جهان اسلام سفر کرده است و با مشکلات مالی دست و پنجه نرم کرده است تا این مطالب ارزشمند را گردآوری کند.

حجت‌الاسلام احمدی خاطر نشان کرد: شایسته است که مجلس شورای اسلامی بودجه جداگانه‌ای را برای انتشار و احیای این آثار در نظر بگیرد و جمعی از محققان با همکاری هم منتشر شود. در زمان حیات علامه عطاردی بخشی از کتاب‌هایشان منتشر شد، ولی چاپ آنها خوب نیست و غلط دارند. برخی از آثار ایشان فیش برداری شده است و هنوز به کتاب تبدیل نشده است و با سیاست واحد باید اینها منتشر شود.

وی گفت: همانطور که برای لغت‌نامه مرحوم دهخدا مجلس بعد از سال ۱۳۲۰ بودجه‌ای را در نظر گرفت تا به وجه خوبی لغت‌نامه دهخدا منتشر شد که کار بسیار بزرگی بود، مجلس ما نیز در این زمینه باید اقدام کند، زیرا کار مرحوم عطاردی به مراتب از کار مرحوم دهخدا بالاتر است، زیرا لغت‌نامه دهخدا فقط در یک زمینه بود اما مرحوم عطاردی در حوزه‌های مختلف فعالیت کرده است.

خالی و بدون پشتوانه مالی و نداشتن امکانات امروزی در فضای طلبگی این خدمات علمی را انجام دهد. علامه عطاردی تا سن ۴۰ سالگی ازدواج نکرد و تمام عمر شریف خود را در سفر به هندوستان و یمن و آفریقا و کشورهای جهان بودند تا اطلاعات لازم را برای کتاب‌های خود از نزدیک جمع‌آوری کنند.

حجت‌الاسلام احمدی افزود: اگر جمعی از محققان و پژوهشگران دور هم گرد می‌آمدند باز هم نمی‌توانستند این مجموعه کتاب‌ها را در این مدت تدوین کنند. این مرحوم کتاب قاموس در لغت نوشته فیروزآبادی و شرح آن را به نام تاج العروس دقیقاً بررسی کرده است و از داخل آن تمامی احادیثی که از حضرات معصومین (ع) آمده است را گردآوری کرد.

وی ابراز کرد: گاهی که به لغت‌نامه لسان‌العرب مراجعه

گونه‌های تفسیری امام صادق (ع) بر اساس مسند عطاردی



درباره منابع و طریق‌های دیگر چون کتاب‌های عرفانی و گردآوری‌های مستقل منسوب به امام جعفر صادق (ع) سخن‌های بسیار است، به عنوان نمونه می‌توان از دو کتاب ظاهراً تفسیری منسوب به ایشان یاد کرد. یکی تفسیر جعفر الصادق که توسط علی زیعور گردآوری و تحقیق و توسط موسسه عزالدین للطباعه و النشر چاپ شده است و دیگری تفسیر جعفر الصادق به تحقیق پول نویا که ظاهراً گردآوری شده از اصل حقائق التفسیر ابو عبدالرحمن سلمی (۳۲۵-۴۱۲ ق) است و سلمی با تعبیر تردید آمیز نقل می‌کند: «ذکر آنها عن جعفر بن محمد» و به صورت مرسل گزارش شده است.

البته پیش از پل نویا، لویی ماسینیون نخستین مستشرقی است که آثار تفسیری امام صادق در کتاب حقائق التفسیر را جسته و درباره منابع آن سخن گفته است اما اخیراً گرهارد باورینگ تفسیر سلمی و زیادات حقائق التفسیر را تحقیق و روایات منسوب به امام صادق را در این تفسیر که ۲۱۱ نقل تفسیری است مورد توجه قرار داده است.

محمد کاظم رحمتی بر آن است تا نشان دهد که حداقل بخشی از آنچه به نام تفسیر امام صادق در متون عرفانی، مخصوصاً آثار ابوعبدالرحمن سلمی مشهور است، تحریری از اثر شیعی مشهور به نام صحیفه الرضا به شمار می‌رود. شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) این صحیفه را در کتاب عیون اخبار الرضا آورده است.

گفته شده این روایات، از طریق علی بن موسی الرضا به امام جعفر بن محمد صادق منتهی می‌شود. نکته پایانی که از این محقق آورده آن است که روایات صوفیانه امام صادق (ع) پیش از «سلمی» در محافل صوفیانه عراق تداول داشته و کاری که وی انجام داده انتقال این روایات به محافل صوفیانه خراسان بوده و با وجود آن که عالمان امامی به طریق‌های دیگر روایت این کتاب، آشنا بوده‌اند ظاهراً هیچ‌گاه از تحریر صوفیانه این اثر که به دست «سلمی» تدوین نهایی یافته بهره نبرده‌اند.

از سوی دیگر، تفسیر نعمانی و در برخی تفسیرها رساله محکم و متشابه که علامه مجلسی آن را در جلد نود بحار الانوار آورده و به صورت مستقل هم چاپ شده روایاتی است که به امام جعفر صادق (ع) نسبت داده شده است.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد علی ایازی، به عنوان قرآن پژوهی برجسته، ضمن تمرکز بر روایات «مسند الامام صادق (ع)» عطاردی، به بررسی ویژگی‌های تفسیری امام صادق بر اساس روایات ذکر شده در این اثر در قالب یک مقاله پرداخته است که شرح کامل آن از نظر مخاطبین می‌گذرد.

از امام صادق (ع) روایات فراوانی از طریق منابع حدیثی شیعه درباره تفسیر قرآن نقل شده است. کافی است که به مسند الامام الصادق (ع) محقق معاصر عزیرالله عطاردی جلد ششم، هفتم و هشتم مراجعه شود که بخش قرآن و تفسیر این مسند را تشکیل می‌دهد تا معلوم شود که تعداد این روایات در مقایسه با روایات منقول از دیگر معصومان از چه حجمی برخوردار است.

پژوهی و گونه شناسی است و مباحث سندی این روایات مد نظر نبوده و نیست و کار مستقلى را می طلبد و در تحلیل و ارزیابی محتوای آن از این جنبه لحاظ نشده است. به همین دلیل گاهی برای استناد و استدلال به روایتی از رساله محکم و متشابه، روایات تفسیر علی بن ابراهیم و تفسیر فرات استناد شده است، بدون آن که اشکالات سندی و حجیت آن‌ها مورد غفلت قرار گیرد. همچنین برخی از این روایات به صورت مرسل نقل شده مانند روایات مرسلی که طبرسی در مجمع البیان نقل می کند و منابع آن‌ها مشخص نیست، یا در تفسیر عیاشی آمده و اسناد آن حذف شده است و یا مجلسی از منابعی نقل می کند که جای چون و چرا دارد.

در طرح و بررسی این روایات، آسیب‌های تفسیر اثری مورد توجه بوده چون روایات اسرائیلی، روایات مشتمل بر غلو و خرافات در بحث گونه شناسی مورد استفاده قرار نگرفته‌اند و چون در این مقاله در مقام معرفی این آثار به صورت کلی بوده نیازمند این وارسی‌ها نیست و تنها در صورتی جای توجه دارد که بنابر استناد به یک روایات خاص باشد، اما بدون شک در تفسیر مآثور یکی از مشکلات که همچنان باقی می ماند و لازم است مانند روایات فقهی نقد و بررسی و پالایش شوند، روایات اسرائیلی، روایات مشتمل بر غلو و خرافات و دخیل است که این کار هر چند در این اواخر و دیر هنگام انجام گرفته، گران قدر است.

بنابراین با توجه به این نکات، روایات تفسیری امام صادق (ع) مورد بررسی قرار می گیرد و انواع و دسته بندی و گونه‌ها و موضوعات این روایات معرفی می شوند.

با پذیرش این نکته که از امام صادق (ع) در تفسیر آیات، روایات گوناگونی نقل شده که چند گونه هستند، می توان این چندگانگی را در ابعاد زیر تقسیم بندی کرد:

۱- شرح واژگان:

گونه‌ای از این روایات در شرح واژگان و معانی لغوی کلمات قرآنی رسیده است. تفسیر لفظی و لغوی قرآن و به طور خاص تفسیر غرائب قرآن از هنگام نزول قرآن مورد توجه صحابه بوده است آنان هر چه که به واژه‌ای بر می خورد که ناآشنا به نظر می رسید، از پیامبر (ص) می پرسیدند و یا به دیوان اشعار شاعران مراجعه می کردند و یا به استعمال آن در میان اهل بادیه می رفتند نمونه این مراجعه را می توان در کتاب «مسائل» نافع بن ازرق از ابن عباس دید که روایت‌های گوناگونی از آن شده است. این شیوه تبیین واژگان، تفسیر قرآن نیست، امام (ع) مقدمه‌ای برای فهم و کشف پیام الهی را تشکیل می دهد. امام صادق (ع) در این

به هر حال با چنین نوشته و سخن‌هایی از تفسیر امام صادق (ع) مواجه هستیم و آن چه مد نظر این نوشته است روایاتی است که در مجامع روایی شیعه نقل شده و آقای عطار دی با ترتیب رایج با عنوان کتاب تفسیر در مسند الامام صادق نقل کرده است.

این روایات شامل مطالبی است که به طور مشخص آن حضرت از پیامبر (ص) و امام علی (ع) و امام باقر (ع) نقل کرده یا حضرت بدون اسناد، آن را بیان می کند، این روایات شامل سه بخش است: روایاتی که در باب جایگاه و فضیلت قرآن رسیده و مسلمانان را به تحفظ، انس و تدبر قرآن تشویق می کند و اهمیت قرآن را در زندگی نشان می دهد؛ روایاتی که در موضوعات علوم قرآنی مانند ناسخ منسوخ، محکم و متشابه، اسباب نزول، جمع قرآن و خواص قرآن رسیده است و دسته آخر، روایاتی است که در تفسیر آیات رسیده و به ترتیب سوره‌ها و آیات طبق مصحف شریف تنظیم شده است.

نویسنده در این مقاله بر آن است تا میراث تفسیری آن حضرت را توصیف و تحلیل کند و ویژگی‌ها و گونه‌های تفسیر امام صادق (ع) را شرح دهد و در هر قسمت نمونه‌ای از روایات تفسیری را نقل کرده و اهمیت آن را در توسعه مفهومی و باز کردن فضای کشف معانی ذکر کند پیش از ورود در سخن لازم است نکاتی کلی یادآوری شود.

آنچه در این مجموعه مطرح شده، تفسیر مآثور است؛ یعنی آموزه‌های پیامبر (ص) و امامان (ع) در توضیح و تفصیل و پرده برداری از معانی و معارف قرآن گزارش شده و همه ویژگی‌های تفسیر مآثور را دارد و در برابر تفسیرهای دیگر چون تفسیر اجتهادی و عقلی و متکی به منقولات صحابه و تابعین است و بر فرض صحت و اتقان سند، از حجیت خاص خود برخوردار است. این روایات از منابع گوناگون نقل شده و از نظر دقت ضبط، اسناد و تاریخ ضبط روایت و روایاتی که آن‌ها را نقل می کند چندگانگی دارند. برخی از این روایات در مجامع معتبر روایی شیعه چون الکافی، تهذیب الاحکام و من لایحضره الفقیه نقل شده و یا چون کتاب المحاسن برقی و عیون اخبار الرضا صدوق و معانی الاخبار آمده، اما برخی روایات از کتاب‌هایی چون تفسیر عیاشی و بصائر الدرجات و احتجاج طبرسی و تفسیر قمی نقل شده که درباره آن سخن‌ها است.

برخی از منابع آن، کتاب‌های حدیثی اهل سنت مانند مصنف ابن ابی شیبیه، تاریخ بغداد، تفسیر سفیان ثوری و شواهد التنزیل از منابع حدیثی و تفسیری اهل سنت است و برخی از منابع آن را منابع دست دوم به حساب می آید، مانند بحار الانوار مجلسی. بررسی و سخن درباره روایات تفسیر امام رضا (ع) در قلمرو تفسیر

نمونه دیگر از این گونه واژگان، فروغ اللغه یاد کرد، تفاوت میان دو واژه نزدیک به هم است. فروغ اللغه، یکی از گرایش‌های دیرین واژه شناسی است. به عنوان نمونه دو کلمه فقیر و مسکین معنایی نزدیک به هم دارد اما چون در قرآن باهم آمده است «انما الصدقات للفقراء و المساکین» (سوره مبارکه توبه، آیه شریفه ۶۰) این پرسش مطرح است که تفاوت میان این دو کلمه چیست؟ حضرت می‌فرمایند: فقیر کسی است که به مردم اظهار نیاز نمی‌کند و مسکین کسی است که حالش از فقیر سخت تر باشد و از مردم سوال و درخواست می‌کند. ذکر این تفاوت هم جنبه تفسیری دارد تا روشن شود که در قرآن مترادف به کار نرفته و معانی مختلفی در نظر است. جنبه فقهی هم دارد که اگر امر دائر میان فقیر و مسکین شد باید نوعی ترتب در پرداخت زکات، رعایت شود.

نمونه دیگر بیان تفاوت میان سر و خفی در آیه «یعلم السر و اخفی» (سوره مبارکه طه، آیه شریفه ۷) از آن حضرت است که می‌فرماید: سر، آن چیزی است که در درون خود پنهان کنی و خفی، آن چیزی است که به ذهن تو می‌رسد و فراموش می‌کند.

البته گاهی شرح واژگان، در مقام بیان مصداق است، چنان که از آن حضرت درباره آیه «انفروا خفا و ثقالا» (سوره مبارکه توبه، آیه شریفه ۴۱) که



معنایش این است که سبکبار و گرانبار کوچ کنید، پرسیده می‌شود که معنایش چیست؟ حضرت می‌فرماید: «شبابا و شیوخا؛ چه جوان باشید یا پیر مرد، برای جهاد فی سبیل الله کوچ کنید.» بی گمان سبکباری به معنای جوانی نیست؛ اما می‌تواند مصداق این واژه باشد. همچنین گرانباری و ثقیل بودن، یکی از مصداقش پیری، کهولت و ضعف و سستی است.

۲- شرح مفاد کلمه:

گونه‌ای از روایات امام صادق در تبیین مفاد کلمه است. حضرت در این دسته از روایات در مقام بیان لغت نیست. کلمه را شرح می‌دهد، مثلا در قرآن دوبار کلمه طوفان آمده است. طوفان و طیفون از یک ریشه است و به هر چیزی که فراگیر شود، گفته می‌شود و معمولا برای باران‌های سخت و سهمگین و تشکیل امواج هولناک به کار گرفته

روایات در توضیح واژگان به دو جنبه از شرح واژه پرداخته‌اند؛ گاهی تبیین واژه جنبه ظاهری و لفظی دارد و در جهت آگاه کردن شیوه محاوره عرب و استعمال آن است، و گاهی در جهت تفسیر کلمه و توجه دادن به معنایی خاص است، مثلا در روایتی در ذیل آیه «و لا تجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کل البسط فتقعد ملوما محسورا» (سوره مبارکه اسراء، آیه شریفه ۲۹) «محسور» و «احسار» را که به معنای حسرت زده ترجمه می‌شود و معنایش این است که در انفاق کردن چنان گشاده دستی منما که ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی، حضرت به برهنگی و عریانی معنا می‌کنند و در نتیجه معنای آیه چنین می‌شود

که در انفاق کردن چنان گشاده دستی منما که دچار برهنگی و درماندگی شوی و املاق را در آیه «ولا تقتلوا اولادکم خشیه املاق» (سوره مبارکه اسراء، آیه شریفه ۳۱) را فقر و گرسنگی.

اما تفاوتی که میان این دو نوع لغت شناسی وجود دارد، در اولی تفسیر واژه است چون محسور به همان معنای حسرت زده است اما حضرت به علت حسرت توجه داده که یکی از آنها می‌تواند بخشش تا حد برهنگی و عریانی شدن باشد، در صورتی که حسرت زدگی مصادیق دیگری

هم می‌تواند داشته باشد چون فقر و گرسنگی، درماندگی، فشار محدودیت، ملامت همسر و فرزندان.

اما در کلمه «املاق»، اگر تنگدستی معنا کنیم، یا فقر و گرسنگی، شرح الفاظ و توجه دادن به واژگان است و تفاوتی میان لغت با حدیث نیست و حضرت به همان معنای لغوی توجه می‌دهند.

نمونه دیگر از موارد شرح لفظی نقل شده از امام در توضیح کلمه «متوسم» در آیه «ان فی ذلک لایات للمتوسمین» (سوره مبارکه حجر، آیه شریفه ۷۵) است. قال: المتوسمون. متوسم در لغات به معنای هوشیاران معنا شده است اما حضرت به افراد زیرک معنا کرده‌اند که میان زیرکی و هوشیاری تفاوت چندانی نیست، اما نکته قابل توجه بیان این گونه از تفسیرهای واژه شناسی است.

کلمات، احد، صمد، هدایت و ضلالت، مفهوم کرسی، صراط، ابتلای به کلمات، معنای رجس و غیب و شهادت و دهها کلمه قرآنی در این جهت تفسیر شده‌اند. نمونه دیگر، در تفسیر آیاتی است که شبهه جبر در آنها آمده مانند: «من یهد الله فهو المهتدی» و آیه «و ما توفیقی الا بالله» است.

۵- تأویل آیات:

گونه‌ای دیگر از روایات امام صادق تأویل آیات و راه بردن به معانی غیر از ظاهر الفاظ و توجه دادن به فراسوی معانی است. در تأویل، یکی از لایه‌های چند گانه نص، کشف می‌شود و کشف بخشی از حقایق و فرجام سخن از طریق تأویل فرصتی است برای کاوش متن که علم آن به بشریت ارمغان داده شده و به تدریج به آن برسد و فراخی ذهن در حوزه معارف دینی پیدا کند. این گونه نیست که فقط خداوند بداند و بس و دیگران در مرتبه‌ای از آن بی بهره باشند و گرنه نزول قرآن و قصد آن معانی لغوی می‌شود و توجه بر لایه‌های زیرین حاصل نمی‌شود آن چه در آیه هفتم سوره آل عمران بیان شده و از آن نهی شده تنها تأویل قرآن نیست. تأویل آیه به انگیزه فتنه جویی و ضرب قرآن به قرآن به جای شاهد آوردن قرآن به قرآن است.

با آن که معنای درست آن را می‌دانند و می‌توانند کشف کنند. واژه «ابتغاء الفتنه»، در این آیه، گویای این نکته است که تأویل کنندگان خود می‌دانند تأویلشان با مراد خداوند مغایر است، اما این عمل را برانگیزه باطل تغییر می‌دهند.

به هر حال، یکی از وجود تفسیری امام صادق (ع) که موارد آن هم کم نیست، تأویل جمله‌ها و آیات است وقتی امام صادق (ع) بر طبق و روایت کلینی آیه شریفه «هل اتی علی الانسان حین من

باز خواهند گشت. طبق روایات برقی در المحاسن، امام صادق «یوتون ماء اتوا» را به یعلمون ما عملوا من عمل و هم یعلمون انهم یتابون علیه، تفسیر می‌کند، دادن را به انجام دادن چیزهایی که شرایط برای آن‌ها فراهم شده می‌داند، در حالی که این گروه می‌دانند که کارهای آنان پاداش داده می‌شود و خشیت و نرمی به خاطر علم آنان به عاقبت کار و آینده روشن است.

۴- زودودن شبهه و تصحیح بدفهمی نسبت به قرآن:

بی گمان یکی از مسئولیت‌های اهل بیت (ع) پاسخگویی به شبهات بوده است آنان با تمام سختی و دشواری و شکنندگی انزواء افزون بر روش ایجابی در بیان آیات، به تصحیح حرکت تفسیر و زودودن شبهات از آیات برآمده‌اند آنان با مخالفت با تفسیرهای غلط و شیوه‌های مخالف با قواعد تفسیر، مانند تفسیر به رای و تقطیع کردن آیات و بی توجهی به آیات ناسخ و منسوخ و حمله بر نقل و دخل کردن اسرائیلیات در روایات، راه تفسیر صحیح را هموار ساختند بخشی از این روایات از امام صادق رسیده که نشان می‌دهد یکی از جایگاه‌های انحصاری آنان در هدایت به تفسیر و تصحیح بدفهمی نسبت به قرآن است نهی امام صادق (ع) از تفسیرهایی که به سیاق آیات توجه نشود، یا از قیاس خاص (دستیابی علل واقعیه احکام شرعی از طریق عقل برای معیار قرار دادن صحت نصوص شرعی) یا به محکم و متشابه آن توجه نشود، نمونه‌ای از راهنمایی‌های حضرت نسبت به تصحیح حرکت تفسیر است، چنان که جهت فهم صحیح و پیشگیری از بدفهمی معانی

می‌شود، اما وقتی از امام صادق (ع) درباره طوفان و مفاد این کلمه می‌پرسند، حضرت می‌فرماید: هو طوفان الماء و الطاعون؛ یعنی به مفاد لغوی کلمه توجه می‌دهد و شامل بیماری‌های فراگیر و کشنده هم می‌داند و از معنای رایج کلمه فراتر می‌رود.

نمونه دیگر از شرح مفاد کلمه، معنای: «یوم التناد» در آیه «انی اخاف علیکم یوم التناد» (سوره مبارکه غافر، آیه شریفه ۳۲) است. معنای کلمه روز ندا دادن مردم به یکدیگر است اما حضرت شرح بیشتری می‌دهد و می‌فرماید: «و نادى اصحاب النار اصحاب الجنة ان افيضوا علينا من الماء» روزی که اهل جهنم بهشتیان را ندا می‌دهند که بر ما، آبی افاضه کنید؛ یعنی عینیت روز قیامت و ویژگی آن را بیان می‌کنند

در روایات امام صادق (ع) این گونه از بیان شرح کلمه که فراتر از معنای لغوی پیش رفته بسیار است و در حقیقت تفسیر لغوی قرآن می‌باشد.

۳- شرح جمله و مفاد کلمه:

گونه‌ای دیگر از تفسیرهای منقول از امام صادق (ع) مواردی است که به جای بیان واژگان و تفسیر لغوی، در شرح جمله و برداشتن اجمال و ابهام در کلام است مانند چندین روایتی که از حضرت در شرح جمله «الرحمن علی العرش استوی» (سوره مبارکه طه، آیه شریفه ۵) رسیده است که می‌فرماید: «استوی من کل شی فلیس شی هو اقرب الیه من شی؛ خدای رحمان از هر جهت، بر عرش استیلا دارد، پس چیزی نیست که نزدیک تر به او باشد.» نمونه دیگر در تفسیر این جمله است «و الذن یوتون ماء اتوا و قلوبهم و جله انهم الی ربهم راجعون» و کسانی که آن چه را دارند، می‌دهند در حال که دل هایشان ترسان است و می‌دانند که به سوی پروردگارشان

الدهر لم یکن شیئا مذکورا» را تفسیر می کند «شیئا مذکورا» را به «کان مقدر» غیر مذکور» تأویل می برد و معنایش چنین می شود انسان آن هنگام از روزگار، چیزی تقدیر شده بود اما در خور یاد کردن نبود یا در تفسیر آیه «والذین یصلون ما امرالله به ان یوصل» «یصلون» را در تفسیر ظاهری آن به صله رحم و پیوند خویشاوندی آن ارجاع می دهد و اما در ذیل روایت می فرماید: «وغایه تأویلها صلتک ایانا؛ و نهایت تأویل آیه، پیوند تو به امامت و ما اهل بیت (ع) است» در این جا لفظ، تحمل معنای گسترده ای را دارد تا شامل اهل بیت پیامبر (ص) بشود، اما این نهایت تأویل آیه است.

نمونه دیگر در تأویل آیه «وان من شی الا عندنا خزائنه» است که حضرت به نقل از پدران خود می فرماید: در عرض خدا، تمثال همه آفریده های دریایی و خشکی است و این معنا تأویل آیه است.

البته موارد تأویل آیات به اهل بیت (ع) فراوان است مانند آن چه عبدالعظیم حسنی به اسناد خود از امام صادق روایت می کند درباره آیه «وان لو استقاموا علی الطریق لاسقیناهم ماء غدقا» و اگر در راه درست پایداری ورزند، قطعا آب گوارایی بدیشان نشانیم، حضرت این راه درست را، راه اولیای خدا و اوصیای پیامبر (ص) می داند و بر این معنا تأویل می برد. هر چند ظاهر آیه درباره جن آمده و سخنان آنان درباره انسان ها و در حیات پیامبر (ص) و در شهر مکه است.

۶- تعیین مصداق و مصادیق:

یکی دیگر از گونه های تفسیر در این روایات، نشان دادن نمونه های عینی و بیرونی و در تطبیق با حقایق و اشاره هایی قرآنی است. در تفسیر، توجه به مصداق و آوردن نمونه، برای تصور ذهنی کامل

از مفهوم استفاده می شود. نشان دادن مصداق، هم قلمرو معنا را تعیین می کند و هم به کلام عینیت می بخشد و از ابهام درمی آورد. در سخنان مردم گاهی از مفاهیم ارزشی سخن می رود، می گویند ایثار، و بعد به موردی در خارج اشاره می کنند که کاملا مفهوم را نشان می دهد و مثل اعلای آن می شود: شهادت، تواضع و اخلاص. در این موارد، ذکر مثال ها به این معنا نیست که آن مفهوم در آن مثال خلاصه شده اما یاد کرد مثال، در جلوه کردن آن ارزش، سهم به سزایی دارد. روایات بسیاری از امام صادق (ع) در نشان دادن مصداق یا مصادیق آیات رسیده و گاه چنان تعبیر شده که گویا در انحصار همان مصداق است، با آن که مفهوم کلام کلی و شامل مصداق های فراوان است. به عنوان نمونه، طبرسی از امام صادق (ع) در ذیل آیه «رجال لاتلهیهم تجاره و لا بیع عن ذکر الله» نقل می کند آن ها کسانی هستند که در هنگام نماز، تجارت و خرید و فروش خود را رها و به نماز مشغول می شوند. «روشن است که «ذکر الله» مفهوم عام دارد و شامل مصداق های فراوان می شود یا درباره آیه «والمستغفرین بالاسحار» امام می فرماید: کسی که پس از رکوع نماز وتر هفتاد بار استغفار کند از استغفار کنندگان در سحرها است.

اما گاهی مسأله از این بالاتر است و ذکر مصداق از قبیل جری و تطبیق است؛ یعنی کشاندن مفهوم به موضوعاتی است که به ظاهر از کلام استفاده نمی شود و آیه ظاهرا در موردی نازل شده که گویا تنها ناظر به آن حادثه است ولی امام صادق (ع)

گستره پیام را روشن می کند و تصور دیگری به مصداق می دهد. این که اهل بیت پیامبر (ص) در سخنان خود از مفهوم به مصداق های گوناگون راهنمایی کرده اند تردیدی نیست و در بررسی روایات این که به خوبی آشکار می شود به عنوان نمونه در روایت فضیل بن یساز از امام باقر (ع) آمده است، نمی تواند آیه ای از قرآن باشد که برای آن افزون بر ظاهر، لایه ای دیگر نباشد، در نهایت برخی از آن ها درباره اموری است که زمان آن گذشته و برخی از آن ها درباره چیزهایی است که هنوز وقت آن فرا نرسیده است و مانند جریان خورشید در بستر حرکتش. در روایتی دیگر از آن حضرت در فلسفه جری و تطبیق آمده است: «ولو ان الایه اذا نزلت فی قوم ثم مات اولئک القوم ماتت الایه، لما بقی من القرآن شی؛ اگر آیه ای درباره مردمی نازل شد و آنان مردند، دیگر جایی برای مصداق خارجی نداشته باشد، آیه مرده است و در آن صورت دیگر از قرآن چیزی باقی نمانده است. به همین دلیل روایات بسیاری از امام صادق (ع) در جری و تطبیق؛ یعنی کشاندن مفهوم به موضوعات جدید عینی و نشان دادن مصداق های پدید آمده رسیده است و گویی به مخاطب این روش را تعلیم می دهند که خیلی به مصداق های کهنه و قدیمی خود را محدود نکنید، می توانید این مفاهیم را به عصر و زمان خود تطبیق دهید.

۷- تبیین معارف اعتقادی:

از آن جا که یکی از جایگاه های اهل بیت (ع) مرزبانی از اعتقادات قرآنی و نظارت بر روند اندیشه دینی در جامعه مسلمانان بوده یکی از گونه های تفسیری امام صادق (ع) تبیین این معارف بلند در حوزه مسائل اعتقادی است در این گونه از روایات گاه دیده می شود با استناد به آیات، عقیده ای تصحیح و عقیده ای تبیین می شود. از این رو می توان مبارزه آن حضرت با مرجئه، قدریه، جبریه، اندیشه تشبیه و تجسیم دیگر نحله های فکری را در روایات تفسیری

الارض و لا فسادا و العاقبه للمتقین» (سوره مبارکه قصص، آیه شریفه ۸۳) بحثی درباره جایگاه دنیا و چگونگی استفاده از آن را مطرح می کند و در حال گریه می فرماید: به خدا سوگند آرزوها و آمال با این آیه از بین رفته است به خدا نیکان سعادت مند شدند. « آنگاه حضرت با لحنی تربیتی و عرفانی نکات آیه را بیان می کنند و قلمرو زهد از دنیا را شرح می دهند و در پایان به مهم ترین فراز آیه « علوا فی الارض و لا فسادا و العاقبه للمتقین » اشاره و بزرگ ترین آفت انسان در دنیا؛ یعنی قدرت طلبی و زنجاری اشاره می کنند و بر این جمله تطبیق می دهند.

نمونه دیگر، شرح آیه «مثل الذین حملوا التوراة ثم لم يحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا» (سوره مبارکه جمعه، آیه شریفه ۵) که امام به مقایسه حمار با انسانی که می داند و عمل نمی کند، می پردازد و در پایان به نقل از امیر مؤمنان (ع) می فرماید: «یا ایها الناس کل امری ملاق فی فراره ما منه یفر و الاجل مساق النفس الیه و الهرب منه موافاته؛ ای مردم، هر کسی از آن چیز که می گریزد، به سر وقتش می آید و اجل به سوی او سوق داده می شود و فرار کردن از آن رسیدن به آن است.»

۱- توضیح قصص قرآنی: بخش گسترده ای از آیات قرآن را قصه های اقوام پیشین و زندگی پیامبران الهی تشکیل می دهد و در آن مفهوم و اهداف و فلسفه تکرارها و توضیح و تفصیل داستان ها و مرزبندی اخبار صحیح از غیر صحیح از سوی امام صادق (ع) مطرح شده است آن حضرت در مورد بسیاری ضمن تبیین قصص قرآن اشاره به نکته ها و تفسیرهای ویژه ای کرده و به صور محسوس در بیان اهداف قصه و توضیح و تفصیل آن داستان ها پرداخته و برای تکمیل صورت و جهت حوادث، گاهی با عنایت به واژه ای، این آیات را شرح می دهند، اما اغلب در تفصیل وقایع در پی ذکر جزئیات و توصیف حال شخصیت های داستان، به دنبال ترویج پیام و ذکر هدف داستان برای ترویج حق یا تأیید اصول اعتقادی و گاهی تطبیق آن با شرایط و احوال مسلمانان است.

تفصیل و توضیح در این روایات امام صادق (ع) گاهی در قالب گفت و گو و زمانی در قالب رفع ابهام و هشدار نسبت به آیندگان و تکرار حوادث و ضرب المثل و تطبیق با مسلمانانی است که حیات پیامبر اسلام را تجربه کرده اند و هم اکنون حوادث بنی اسرائیل، یعقوب و یوسف، موسی و هارون با فرعون تکرار می شود. به عنوان نمونه محمد بن قاسم از امام صادق (ع) به مناسبت تفسیر آیه ۵۳ سوره حجر به گفت و گوی ساره با ابراهیم (س) و نداشتن فرزند اشاره می کند و درخواست آنان از خداوند و زمان استجابات دعا و فاصله میان به دنیا آمدن اسحاق و یعقوب را اشاره می کند

اهل بیت (ع) مشاهده کرد. معمولا بیشتر این دسته از روایات، جنبه استنادی دارد تا پرده برداری و کشف معنا، هر چند در جاهایی که احتمالات گوناگونی در کلام مطرح است مانند آن چه امام در آیه «وسع کرسیه السماوات و الارض» (سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۲۵۵) در توضیح کرسی می فرماید: مراد از آن علم پروردگار است که بر آسمان ها و زمین سیطره دارد و در تفسیر «یمحو الله ما یشاء و یشاء و یشاء» (سوره مبارکه رعد، آیه شریفه ۳۹) درباره محور و اثبات الهی که چه چیزی را از بین می برد و چه چیزی را بر جای می گذارد، حضرت می فرماید: «و هل یمحو الله الا ما کان و هل یشاء الا مالکم یکن؛ آیا جز آن چه ثابت بوده، محو می شود؟ و آیا جز آن چه نبوده اثبات می شود.» در این باره کافی است که به کتاب «التوحید صدوق» مراجعه شود تا معلوم شود که حجم این دسته از روایات چه بسیار است.

۸- توجه به پیام و اهداف تربیتی و هدایتی:

بی گمان نگرش قرآن به عنوان کتابی که هدایت گر است و مهم ترین پیام آن مسائل هدایتی و تربیتی است که از آن بینش جامع و کامل و سازنده استفاده می شود، بینشی که روح حرکت و مسئولیت و ایجاد هویت مستقل معنوی برمی آید این جهت تفسیری در عهد بنی امیه و بنی عباس مغفول مانده بود و حتی با طرح مباحث حاشیه ای چون تأکید فراوان به قرائت و وجوه ادبی و قصه پردازی اسرائیلی فضای گرایش به قرآن منحرف شده بود یکی از گام های مهم اهل بیت (ع) تأکید بر هدفمندی نزول قرآن و اولویت دادن به طرح مسائل اخلاقی و تربیتی و پررنگ کردن ابعاد هدایتی قرآن بود.

امام صادق (ع) که فرصتی پیدا کرده بود تا بتوانند ناگفته ها را بگویند، در تفسیر آیات، هدف اصلی قرآن را در جهت ساخت شخصیت روحی مخاطبان خود بیان می کنند و با طرح مباحث اخلاقی و تطبیق آن به قرآن و یا برجسته کردن این نکات، فضای دیگری از مسائل سیر و سلوکی و عرفانی به وجود آوردند اگر استناد روایات ابو عبدالرحمن سلمی را در حقایق التفسیر به امام صادق (ع) را تردید کنیم، اما وجود «صحیفه الرضا» منقول از امام صادق در کنار عیون اخبار الرضا شیخ صدوق را نمی توانیم انکار کنیم همچنین حجم انبوهی از روایاتی که در همین کتاب مسند الامام الصادق رسیده و توجه به پیام و اهداف تربیتی و هدایتی را نشان می دهد، و افزون بر تفسیر کلمه، نکته های پیام و آموزه های آن را شرح می دهد به عنوان نمونه حضرت در ذیل آیه شریفه «تلك الدار الاخره نجعلها للذین لا یریدون علوا فی

و این شیوه در داستان موسی و خضر، قصه ذی القرنین، و قصص دیگر در ابعاد مختلف دیده می شود.

۱۰- توجه به لایه های باطنی:

راهیابی به معانی باطنی و شناخت گستره ابعاد پیام در لایه های زیرین کلام، یکی دیگر از گونه های تفسیری امام صادق (ع) است.

اشاره به بطن، نوعی اهتمام برای برگرداندن ظاهر به چیزی است که به نظر اهل بیت (ع) بخشی از مقصود کلام و لایه دیگری از مراد گوینده است. گرایش به باطن، ریشه در خود قرآن دارد وجود آن در روایات بسیاری تأکید شده است و در جاهایی دیگر مانند حقایق هستی و بیان احکام آمده است در روایات اهل بیت (ع) باطن عمدتاً در برابر تنزیل و تفسیر استعمال شده و از این جهت وجود متمایزی دارد و معنایی جز ظاهر آیه و تنزیل آن قصد کرده اند؛ یعنی باطن، ناظر به سبب نزول و از مقوله توضیح مفاهیم و مدلول و شرح کلام نیست؛ مثلاً در آن جا که امام صادق (ع) طبیعت و اشیای خارجی را بر علم و انسان تطبیق می دهد و در آیه شریفه «شراب مختلف الوانه» آن را به «العلم الذی یخرج منا الیکم» معنا می کنند، و غسل را به علم برمی گرداند، لایه ای دیگر از کلام حق را نشان می دهند.

در تفسیر آیه «لیقضوا تفتهم و لیوفوا نذورهم»، که درباره انجام دادن مناسک حج و به جا آوردن نظافت و ناخن گرفتن، کوتاه کردن شاربها و وفای به نذر آمده و در فقه این امور یادآوری شده است، امام صادق (ع) طبق روایاتی آن را به لقای امام تفسیر می کند و می گوید: مراد ملاقات با امام پس از تهذیب و سیر و سلوک و زدودن ارجاس و اخبایث معنوی است. با آن که در روایتی دیگر به همان معانی ظاهری و ذکر برخی مصادیق آن اشاره شده است. و در روایتی دیگر در پاسخ به پرسش محمد بن سنان که آن معنا چگونه است، می فرماید: ان للقرآن ظاهرا و باطنا.

از این روایات در این مسند و مجامع روایی بسیار است و بخش عظیمی از روایات اهل بیت (ع) و امام صادق (ع) تفسیر امور طبیعت مانند آب و آسمان، سایه، بهشت و جهنم به معانی خاص اشاره دارد حتی می توان آن را در مورد اشخاص به ویژه اهل بیت (ع) و دشمنان و مخالفان آنان دید. شیوه آنان در بیان باطن و برگرداندن آیات به فضایل اهل بیت (ع) شیوه اقتباسی و استنادی دارد و اگر به این دلیل که در کتب اصلی شیعه کمتر ذکر شده - هر چند برخی از این روایات در کتابهایی

چون کافی نقل شده - اما حجم انبوه آن ها را نمی توان انکار کرد و اگر در گروهی از این روایات به دلیل ضعف سند تردید شود، اما عده ای از آن ها را نمی توان انکار کرد.

البته ممکن است بگوییم بیان باطن، نوعی تأویل است اما نمی توان تردید کرد که در روایات باطن و تأویل هر دو به کار رفته است، که شاید در جاهایی باهم انطباق داشته باشد.

این بود خلاصه ای از گونه های تفسیری امام صادق (ع) بر اساس مسند، که البته گونه های دیگری می توان از روایات امام صادق (ع) بر شمرد و ذکر این نمونه های به عنوان نمونه های انحصاری نیست، چنان که درباره شیوه و روش تفسیری و ویژگی های آن فرصت دیگری می طلبد که این نوشته مجال آن را ندارد.

کتاب نامه

- ۱- اعجاز بیانی قرآن، عایشه بنت الشاطی، ترجمه حسین صابری، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- ۲- الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم انتشارات رضی، چاپ اول، ۱۳۸۳ س، ۲ ج.
- ۳- الاعجاز البیانی و مسائل این ازرق، عایشه بنت الشاطی، قاهره، دارالمعارف بمصر، ۱۹۷۱ م.
- ۴- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، دارالوفا، ۱۴۰۰ ق، ۱۱۱ ج.
- ۵- البرهان فی تفسیر القرآن، هاشم بن سلیمان بحرانی، موسسه الاعلمی، مقدمه مراد الانوار، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق، ج.
- ۶- بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفار، تحقیق میرزا محسن کوه باغی، قم، مکتبه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- ۷- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۲ ق، ۲ ج.
- ۸- تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی، قم، موسسه بعثت، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق، ۳ ج.
- ۹- تفسیر قرآنی به زبان عرفانی پل نوین، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران مرکز نشر دانشگاه، چاپ اول ۱۳۷۳.
- ۱۰- تفسیر مجمع البیان، تحقیق رسول محلاتی، افسست از چاپ اسلامیة ایران.
- ۱۱- توحید، محمد بن علی بن بابویه صدوق، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، افسست از نشر صندوق.
- ۱۲- حقائق التفسیر، محمد بن حسین سلمی، تحقیق سید عمران، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۳۲۱ ق.
- ۱۳- دانش نامه جهان اسلام، تهران، موسسه دایره المعارف اسلامی، (تاکنون ۱۳۸۵-۹۹ ج).
- ۱۴- دعائم الاسلام، تحقیق عارف تامر، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق، ۲ ج.
- ۱۵- صحیح بخاری، ابو عبیدالله بخاری، بیروت، دارالمعرفه، با حاشیه سندی، افسست از چاپ بولاق، بی تا، ۴ ج.
- ۱۶- فرهنگ معین، محمد معین، تهران، امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۸ ش.

- ۱۷- قرآن و اهل بیت، سید محمد علی ایازی، آماده چاپ.
- ۱۸- کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
- ۱۹- کتاب ماه دین، شماره ۷۰-۷۱.
- ۲۰- کنز العمال، علاء الدین متقی هندی، بیروت موسسه الرساله ۱۳۹۹ ق.
- ۲۱- مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی، نصرالله پور جوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.
- ۲۲- المحاسن، احمد بن محمد برقی، تحقیق مهدی الرجائی قم، المجمع العالمی لاهل البیت (ع) ۱۳۷۱ ش، ۲ ج.
- ۲۳- مسند الامام الصادق، عزیزالله عطاردی، تهران؛ عطارد، چاپ اول ۱۳۸۴، وزیری.
- ۲۴- معانی الاخبار، صدوق، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، موسسه دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۳۹۹ ق-ق.
- ۲۵- معجم غریب القرآن المستخرج من صحیح البخاری، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دارالمعرفه، چاپ دوم، افسست از چاپ اول، ۱۹۵۰ ق.
- ۲۶- مفردات الفاظ القرآن، حسین بن محمد راغب اصفهانی، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
- ۲۷- مکتب تفسیر اشاری، سلیمان آتش، ترجمه توفیق سبحانی، تهران، دفتر نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۸- نورالثقلین، علی بن جمعه حویزی، قم، مطبعه حکمت، چاپ اول، ق.

نماد پشتکار و کم توقعی در حوزه فرهنگ اسلامی و ایرانی

دکتر سیدعباس صالحی، ضمن بیان نکاتی درباره آیت الله عطاردی، اظهار کرد: مرحوم آقای عطاردی نماد پشتکار، پیگیری و کم توقعی در حوزه فرهنگ دینی و اسلامی و ایرانی ما بود. صالحی با اشاره به بیش از ۶۰ سال تکاپوی پیوسته آیت الله عطاردی در فضاهای فرهنگی و علمی، بیان کرد: در نتیجه این فعالیت، از او مجموعه آثاری باقی مانده است که گواهی بر این واقعیت است که این فرد به اندازه دهها مؤسسه توانایی داشت به فعالیت پردازد و آثار ماندگاری را از خود به جا بگذارد.

وی مرحوم عطاردی را دارای تعلقات متنوعی توصیف کرد که این تعلقات متنوع به او یک ویژگی موسوعه‌ای و دایره‌المعارفی می‌داد. صالحی در این باره اظهار کرد: مرحوم عطاردی از یک طرف به خراسان بزرگ تعلق داشت و بخش قابل توجهی از عمر و سرمایه وجودی خود را برای بازخوانی و احیای میراث فرهنگی و فکری خراسان بزرگ گذاشت که چیزی بیش از ۹۰ جلد از آن به یادگار مانده است. تعلق دیگر او هم به اهل بیت (ع) و مسانید اهل بیته بود که بخش وسیعی از فعالیت‌های او معطوف به این حوزه شد و بیش از ۷۰ جلد از آثار او در این حوزه تألیف شده است.

وی افزود: آیت الله عطاردی به تنهایی توانست به اندازه چندین مؤسسه پر تعداد و پر منبع مالی به فعالیت پردازد و آثار او آثار ماندگار در تاریخ ایران اسلام و تشیع خواهد بود.



معاون فرهنگی وزیر ارشاد، مرحوم عطاردی را نماد پشتکار، پیگیری و کم توقعی در حوزه فرهنگ دینی و اسلامی و ایرانی دانست و گفت: ایشان به تنهایی توانست به اندازه چندین مؤسسه پر منبع مالی به فعالیت پردازد.

میراثی متناسب با نیاز جامعه علمی شیعه

انجام داده‌اند، من نظیری برای کار ایشان به این زیبایی و به این سلاست ندیده‌ام.

آیت‌الله عالمی از اخلاص و شهرت‌گریزی آیت‌الله عطار دی نیز یاد کرد و گفت: ایشان علاوه بر این و با همه این تلاش‌ها و آثار در کمال اخلاص و در کمال پرهیز از شهرت‌طلبی زیست و اصلاً دوست نداشت که مشهور بشود و به زبان این و آن بیفتد و مطرح بشود. او همه این کارها را حقیقتاً برای خدا انجام داد و هیچ ذره‌ای از آن فعالیت‌ها برای دست‌یابی به شهرت و دست‌یابی به مسائل ظاهری و عنوانی و مادی نبود. این در معاشرت‌هایی که ما با ایشان داشتیم و سفرهایی که با ایشان داشتیم و در اعمال و رفتار و گفتار و کردار او به خوبی مشهود بود.

وی میراث‌های به جای مانده از آیت‌الله عطار دی را بسیار گران‌بها توصیف کرد و گفت: چه میراث‌های حدیثی که از ایشان به جای مانده است، چه میراث‌های علمی‌ای که به جای مانده است و چه میراث‌های تاریخی‌ای که به جای مانده است و چه میراث‌هایی که در زمینه شخصیت‌شناسی باقی مانده است، همگی برطرف‌کننده یک نیاز اصلی برای جامعه علمی آینده جهان شیعه است و بر همه ما لازم است که نتایج کارها و زحمات و تلاش‌های ایشان را با شیوه‌های خوب و مطلوب به نسل‌های آینده برسانیم.

وی افزود: ایشان شخصیتی متضلع بود که حقیقتاً به اعتقاد بنده عنوان علامه دادن به ایشان عنوان صادق و واردی است؛ برای این‌که ایشان در علوم مختلف ید طولاً داشت و فراوان در علوم مختلف کار کرده است و در هر کجا هم که وارد شده، شاهکار کرده است.

آیت‌الله عالمی با اشاره به تلاش‌های خستگی‌ناپذیر آیت‌الله عطار دی برای احیای علوم اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، بیان کرد: ایشان قلمش بسیار رسا، زیبا و پربرکت بود و حاصل این قلم، کار بسیار بزرگی که ایشان در رابطه با مسند روایات ائمه (ع) کردند. این اثر در نوع خود، به این ترتیب و به این زیبایی و به این تبویب نظیر ندارد. وی با بیان این‌که آیت‌الله عطار دی دقت‌نظرهای بسیار خوب و زیبایی داشت، عنوان کرد: در گذشته هم بزرگان ما برای جمع‌آوری روایات کار کرده‌اند و ما جوامع روایی متعددی از علمای شیعه داریم، اما دقت‌هایی که ایشان در دسته‌بندی‌ها و در باب‌بندی‌های مجموعه مسندات اهل بیت (ع) به کار گرفته است، در تاریخ تشیع حقیقتاً بسیار کم‌نظیر است و در بین کتاب‌های اهل سنت نیز در کارهایی که راجع به روایات نبوی

عضو مجلس خبرگان رهبری میراث به جای مانده از آیت‌الله عطار دی را بسیار گران‌بها توصیف کرد و گفت: میراث ایشان برطرف‌کننده یکی از نیازهای اصلی جامعه علمی آینده جهان شیعه است.

آیت‌الله حسن عالمی ضمن بیان نکاتی درباره آیت‌الله عطار دی، اظهار کرد: در ایام معاصر در یک نگاه باید گفت که مرحوم علامه عطار دی حقیقتاً بی‌نظیر بود و حداقل ما نظیری برای او نمی‌شناختیم.

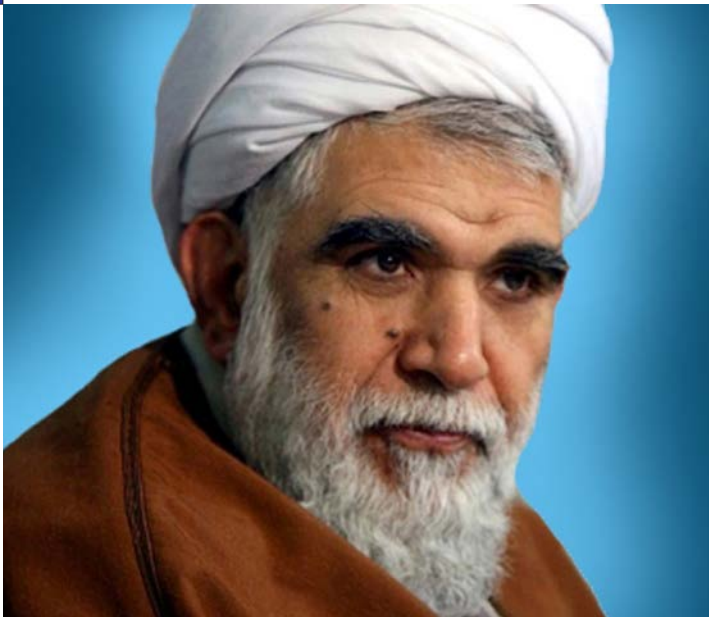
آیت‌الله عالمی با اشاره به منحصر نبودن معلومات و نوشته‌های آیت‌الله عطار دی به یک باب یا به یک موضوع، گفت: ایشان در علوم مختلف وارد شد و در هر موضوعی هم که وارد شد، به خوبی وارد شد و مستوفیاً بحث کرد و گاهی اوقات در بعضی از بخش‌ها به عنوان مبدع و مبتکر به حساب می‌آمد.



سرمایه و ذخیره‌ای بزرگ برای امروز و آینده

به گفته رئیس مجمع جهانی اهل بیت (ع)، آثار و دستاوردهای عمر با برکت آیت الله عطاردی یک سرمایه بزرگ و غنی است که هم علما و اندیشمندان امروزمی توانند از آن برخوردار شوند و هم ذخیره‌ای خواهد شد برای آینده.

۸۱



آیت الله محمدحسن اختری ضمن بیان نکاتی در مورد مرحوم آیت الله عزیزالله عطاردی، اظهار کرد: این شخصیت از ثمرات حوزه علمیه مشهد بودند و امیدواریم که خداوند این عالم بزرگ را با پیامبر (ص) و خاندانش محشور بفرماید.

آیت الله اختری عنوان کرد: این عالم بزرگ اقدام به یک تحقیق و پژوهش و بررسی بسیار عمیق و گسترده و همه جانبه در آثار و روایات و احادیث ائمه اطهار (ع) داشتند که نظیر آن در مکتب اهل بیت (ع) و نسبت به احادیث و روایات ائمه اطهار (ع) صورت نگرفته بود.

وی افزود: ایشان اقدام به مستندسازی و جمع‌آوری کلیه احادیث و روایاتی کردند که با اسناد از سوی ائمه (ع) رسیده است و موفقیت‌های ویژه‌ای در این عرصه داشتند.

آیت الله اختری همچنین با اشاره به نگارش مجموعه مستندی در باب خراسان و تاریخ آن از سوی آیت الله عطاردی، بیان کرد: ایشان اقدامات بسیار شایسته و بی نظیری را انجام داد و به خاطر همین اقدامات است که در میان پژوهشگران و در میان علما و اندیشمندان جایگاه خاصی را دارد و یاد و خاطره او باقی خواهد ماند.

وی آثار و دستاوردهای آیت الله عطاردی را سرمایه‌ای بزرگ برای امروز و آینده خواند و بیان

کرد: آثار و دستاوردهای عمر با برکت ایشان یک سرمایه بزرگ و غنی خواهد بود که هم علما و اندیشمندان امروزمی توانند از آن برخوردار شوند و هم ذخیره‌ای خواهد شد برای آینده.

رئیس مجمع جهانی اهل بیت (ع) همچنین آثار آیت الله عطاردی را منابعی بسیار قوی و عمیق برای پژوهشگران و حوزه‌های علمیه خواند و افزود: ایشان به دلیل این که پژوهشگری قوی بودند در هر زمینه‌ای که وارد شدند توانستند کار بسیار خوب و تحقیق شده علمی تحویل بدهند و امیدواریم که پژوهشگران بتوانند از نتایج این زحمات و تلاش‌ها و پیگیری‌های خستگی‌ناپذیر در طول مدتی طولانی، بهره‌مند شوند و آن‌ها را به خوبی مورد استفاده قرار دهند.

محققی که به تنهایی یک امت بود

آیت‌الله دین‌پرور با اشاره به تألیف ده‌ها جلد کتاب توسط آیت‌الله عطاردی، بیان کرد: همه کتبی که ایشان تألیف کردند، واقعاً یک تنه به سرانجام رسید. تمام تحقیقات و تمام بررسی‌ها را خودشان انجام می‌دادند و واقعاً شناخت منابع و بررسی و کار یک تنه بود و پشتکار عجیبی داشتند.

وی ادامه داد: ایشان آثار همه ائمه معصومین (ع) را، جمع کردند و سخنان حضرت امیر را که در ۲۷ جلد جمع‌آوری کرده‌اند، واقعاً گنجینه عظیمی است.

آیت‌الله دین‌پرور آیت‌الله عطاردی را الگویی برای دیگران دانست و گفت: واقعاً ایشان باید الگو باشد برای کسانی که برای کار به دنبال دم و دستگاه می‌گردند و می‌گویند تا کامپیوتر نباشد، تا نیرو نباشد، تا فالان نباشد، نمی‌شود. ایشان یک تنه همت کرد و عمل ایشان الگویی برای همه جوان‌ها و محققین است که می‌توانند یک تنه کار را انجام دهند و منتظر کسی نباشند.

رئیس بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه با بیان این که آیت‌الله عطاردی از کسانی بود که یک تنه یک امت بود، مجموعه ۲۷ جلدی وی با عنوان «مسند امیرالمؤمنین (ع)» را یک گنجینه عظیم توصیف کرد.

آیت‌الله سید جمال‌الدین دین‌پرور، مؤسس و رئیس بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه ضمن اشاره به ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله عطاردی، گفت: همچنان که قرآن می‌گوید که «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً؛ همانا ابراهیم [به تنهایی] یک امت بود» (نحل/۱۲۰) آیت‌الله عطاردی نیز از کسانی بود که یک تنه یک امت بودند.



ساده پوش، ساده زیست و ساده گو

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی مهدوی راد، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، قرآن پژوه برجسته و همشهری آیت الله عطار دی است که پس از انقلاب اسلامی از نزدیک با ایشان آشنا شده و گفتنی‌های بسیاری از تکاپوهای علمی مرحوم عطار دی و اخلاص عملی ایشان دارد.

در دوره طلبگی بنده در مشهد، عارف و عالمی جلیل القدر و بزرگ به نام آیت الله حاج شیخ ذبیح الله قوچانی مقیم بود که ایشان سالروز مولود ائمه جشن مفصلی در منزلشان برپا می‌کرد و جشن عید غدیر را هم مفصل تر برگزار می‌کرد و علاقه مندان و دوستان ایشان به دیدارشان می‌رفتند.

روز عید غدیر ایشان به طلابی که منزلشان می‌رفتند هدیه می‌داد و از آن جایی که پسران ایشان در کار چاپ کتاب بودند، این هدیه کتاب بود. اولین سالی هم که من به دیدارشان رفتم، سه کتاب جیبی هدیه دادند که یکی از آن‌ها کتابی به نام «زمین و تربت حسینی» نوشته مرحوم آیت الله حاج سید محمدحسین کاشف الغطاء بود که آقای عطار دی آن را ترجمه کرده بودند.

این اولین باری بود که اسم ایشان را می‌دیدم و پس از خواندن این کتاب علاقه آغازین من به استاد رقم خورد، من عشق عجیبی نسبت به کتاب داشتم و این حس از سال دوم طلبگی هر روز در من تقویت شد تا آن جا که کتابخانه شخصی من الان شاید کتابخانه‌ای کم نظیر باشد. این مطلب

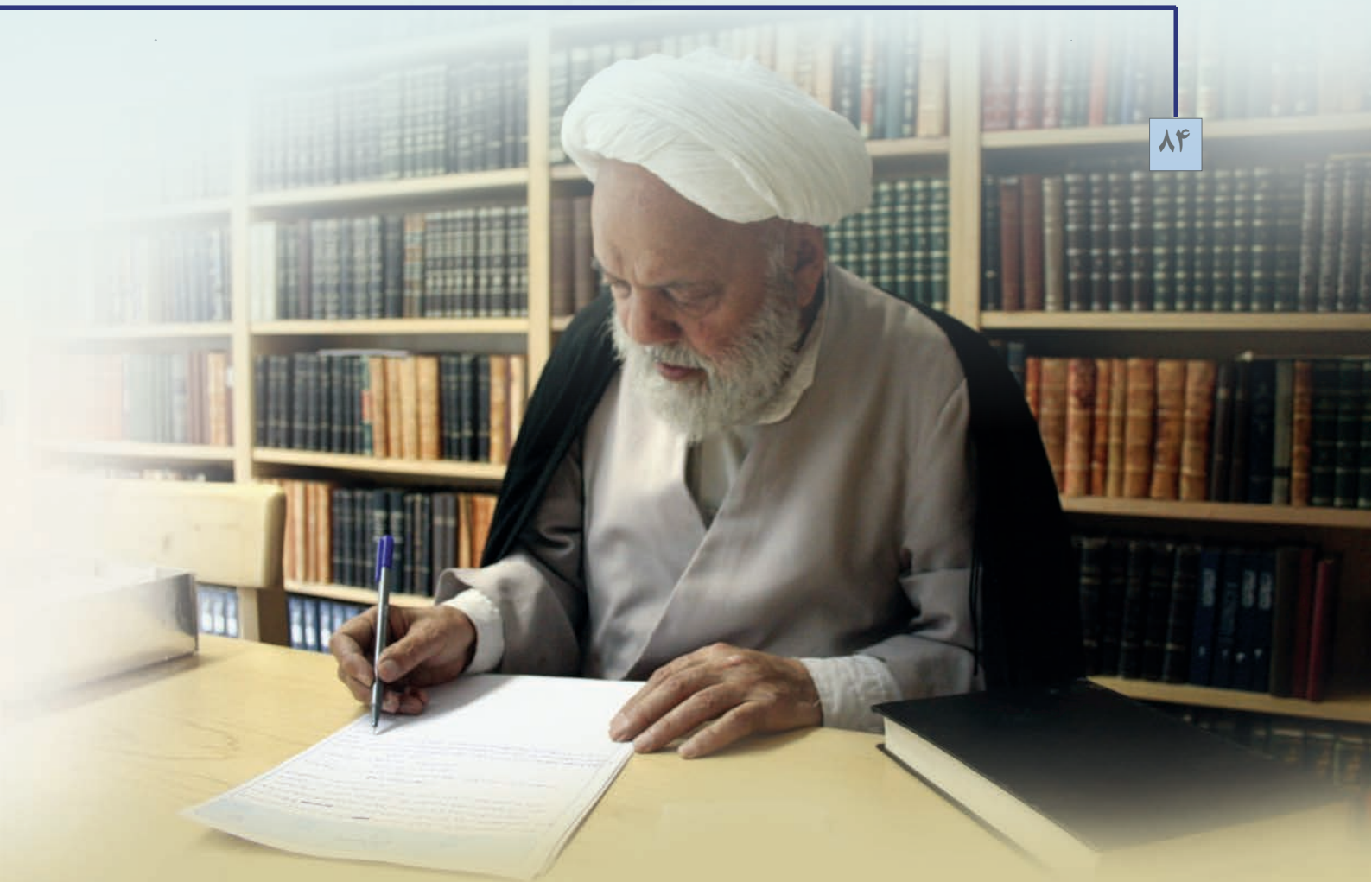


پاسخ گفتند که ایشان آقای حاج شیخ عزیزالله عطار دی هستند و مردی بسیار عالم و فاضل از اهل قوچان هستند و اگر شما روزی توانستید خدمت ایشان برسید، از ایشان استفاده کنید که این بار دوم آشنایی من با ایشان بود.

در دورانی که بنده مقیم مشهد بودم، اتفاقی نیفتاد که با ایشان بیشتر آشنا شوم، ولی آثار ایشان را در میان آثاری که چاپ می‌شد، می‌دیدم؛ مثل مسند الامام الرضا- علیه السلام- که در آن دوره به عنوان بخش اول کتاب فرهنگ خراسان چاپ شده بود. تا انقلاب پیروز شد و آشنایی من بعد از انقلاب با آثار ایشان بیشتر شد و ایشان نیز که بنده

در ذهن من باقی ماند. عالم دیگری از ده ما در نجف به نام حاج شیخ نعمت الله یساقی بود که مرد بزرگ و فاضلی بود. ایشان تابستان‌ها که به مشهد می‌آمد، در همان یکی دو روز اقامتشان در مشهد به اتاق من می‌آمد و من از ایشان استفاده می‌کردم.

روزی در مدرسه «دو درب» ورودی آن که دو سکو قرار داشت، دیدم آقای حاج شیخ نعمت الله با مردی نشسته است و به گرمی بسیار با یکدیگر صحبت می‌کنند. وقتی که ایشان رفت، از حاج شیخ نعمت الله پرسیدم حاج آقا ایشان چه کسی بودند؟ در



یک بار یکی از دوستان در خانه ما از ایشان پرسید: «شما که اینقدر سفر کرده‌اید هزینه این سفرها از کجا تأمین شد؟» ایشان پاسخ داد: «من در این سفرها در هتل نمانده‌ام. من در تمام این سفرها که در هند مشغول مطالعه برای تاریخ خراسان، مسانید یا شرح نهج‌البلاغه بوده‌ام در امام‌باره زندگی کرده‌ام؛ شیعیان پاکستان و هند به حسینیه، امام‌باره می‌گویند. البته این مطلبی است که شاید خود ایشان هیچ وقت نگوید. امام‌باره جای تمیز و مناسبی نبوده است و پر از حیوانات موذی و گزنده بوده است.

که چگونه یک فرد به تنهایی به اندازه یک موسسه کار می‌کند. واقعا بدون هیچ اغراقی آقای عطاردی به تنهایی به اندازه یک موسسه کار کرده‌اند.

سکونت در امام‌باره‌های هند برای تألیف مسانید و شرح نهج‌البلاغه

شما امروز را نبینید که به راحتی پای کامپیوتر نشسته و یک دکمه می‌زنید و هزار مطلب در مقابل شما ظاهر می‌شود، افرادی که قبل از شما تحقیق و پژوهش کرده‌اند، برای پیدا کردن مطلب در هر کتابی آن را کلمه به کلمه می‌خوانند تا به نکته مورد نظرشان دست پیدا کنند.

را شناختند و متوجه شدند که هم منطقه‌ای ایشان هستم، لطف بیشتری به من کردند. بعدها در قم عالم فاضل و بی نظیر و محقق بی بدیلی به نام حاج سید عبدالعزیز طباطبایی بود که نوه دختری مرحوم صاحب عروه بود که ایشان در عرصه دانش مرد بی نظیری بود، وقتی آقای عطاردی به قم آمدند من هم به منزل ایشان رفتم و از آقای عطاردی خواهش کردم بعد ایشان مرتب به منزل ما می‌آمدند. اوقاتی که ایشان به خانه ما می‌آمدند، من دو کار را انجام می‌دادم؛ اول این که خیلی از ایشان سوال می‌کردم و دوم این که بقیه دوستان طلبه ام را هم دعوت می‌کردم که بیایند و با ایشان از نزدیک آشنا شوند و ببینند

که مسانید ایشان را نیز بنویسم. آیت الله رضا استادی می گفتند: از توفیقات ایشان این است که بیش از صد هزار حدیث را با انگشتانشان نوشته اند. آقای میلانی یک جمله به ایشان گفتند و ایشان اینقدر حرکت کرده اند. از این جمله ها، ما هزار بار در زندگی شنیده ایم و هزار بار ما را ترغیب به انجام کاری کرده اند ولی ما تکان نخورده ایم.

توصیه علامه امینی؛ انگیزه عطاردی در پردازش تاج العروس

ایشان درباره تاج العروس کارهای بزرگی انجام داده اند. ایشان به من می گفتند: من وقتی نجف بودم به کتابخانه آیت الله حاج شیخ عبدالحسین امینی که به نام کتابخانه امیرالمؤمنین - علیه السلام - نامگذاری کرده اند، می رفتم، روزی خدمت ایشان وارد شدم، کتاب بزرگی در مقابل ایشان در قطع رحلی و با چاپ قدیمی دیدم، گفتند: «این کتاب تاج العروس نوشته زبیدی است. بعد علامه امینی درباره او گفتند: «این زبیدی آدم که نیست، جانور است.» ترک های آذربایجان و خراسان وقتی بخواهند درباره چیز بگویند: خیلی عجیب و غریب و حیرت آور است، می گویند: جانور است. کتاب تاج العروس در دوره ای نوشته شده که همه کتابها خطی بوده است. حدود نهصد عنوان کتاب منبع آن است که بعضی از آنها مثل تاریخ دمشق، حدود ۱۰۰ جلد است. «علامه امینی به من می گفتند:» این کتابی، پرفایده است ولی فضلانی دانند که چه فوایدی دارد و فقط به آن به چشم یک کتاب لغت نگاه می کنند. این کتاب، بهترین کتاب در زمینه غریب القرآن، غریب الحدیث، شناخت

هدایت کرد. آقای عطاردی برای نوشتن تاریخ خراسان بزرگ، وجب به وجب سفر کرده است. به طور مثال ایشان سه مرتبه به روستای ما آمده است. دره ها، کوه ها، امام زاده ها، فرهنگ ها را دیده است و با هر وسیله نقلیه ای اعم از ماشین و اسب و قاطر و حتی با پای پیاده سفر کرده است. و تاریخ خراسان را ضبط کرده است و اگر تاریخ خراسان ایشان به طور کامل چاپ شود، بیش از ۵۰ درصد اطلاعات را، مستقیم دیده اند و کپی برداری از کتابها نبوده است.

درخواست آیت الله العظمی میلانی؛ انگیزه عطاردی در نگارش مسانید

ایشان وقتی مشغول بخش رجال تاریخ خراسان بوده اند، متوجه می شوند که حضرت رضا - علیه السلام - در ۲، ۳ مورد خودشان را خراسانی نامیده اند و گفته اند علی بن موسی الرضا الخراسانی. آقای عطاردی نیز آغاز می کنند و روایات مربوط با امام رضا - علیه السلام - را جمع می کنند و در مقدمه هم شرح زندگانی امام رضا - علیه السلام - را نوشته اند که بعد آن را مسند الامام الرضا - علیه السلام - نامیدند که اگر شما این کتاب را ببینید در صفحه اول آن نوشته است: «من تاریخ الخراسان» که بخشی از تاریخ است. ایشان می گفت بعد از این که من این را در چاپخانه حیدریه چاپ کردم، خدمت آیت الله حاج سید محمد هادی میلانی بردم، که ایشان تورقی کردند و بعد گفتند: آقای عطاردی این کار شما کار تحقیقی بسیار خوب و مفیدی است. ای کاش شما برای همه ائمه این کار را می کردید و آقای عطاردی می گفت: من از همانجا که بیرون آمدم شروع کردم به فیش نوشتن درباره ائمه

آقای خواجه پیری در خاطراتشان می گوید: روزی من در رایزنی فرهنگی بودم و دیدم کسی کنار باغچه رایزنی فرهنگی نشسته و مشغول آب خوردن است، در آن داغی هوا وقتی نزدیک شدم، دیدم تمام صورت ایشان زخم شده است و دیده نمی شد. ایشان گفت: در یکی از این سفرها که سه سال در هند طول کشید، ایشان حدود ۲۰ جلد نهج البلاغه چاپ کرده اند. ایشان می گفتند که من بدون اغراق برای چاپ کردن هر کدام از این کتابها و برای هر ورقش، یک بار گزیده شدم.

عطاردی؛ قله همت و کوه استقامت

اگر کسی تعبیر کند که آقای عطاردی قله همت و کوه استقامت است، مجامله نکرده است. جالب است که بدانید ایشان با یک اشاره حرکت کرده اند و کتابی مانند کتاب تاریخ خراسان را که در واقع دنیایی تألیف و تحقیق است آفریده اند. من در جایی ندیدم این خاطره را مکتوب گفته باشند ولی به من گفته اند که یک روز من به خانه مرحوم جلال الدین همایی که از اعجوبه های تاریخ است رفتم. این بزرگوار هم کتابی به نام تاریخ اصفهان دارد. مرحوم همایی در زیرزمین خانه نشسته بود در حالی که کلاهی بر سر داشته و پیراهنی با آستین های گشاد که قدری آن ها را بالا زده بود و مشغول نوشتن بود و بعد از اینکه مدتی با من حرف زد و فهمید که من هم اهل تحقیق هستم، اشاره کرد و گفت: آقای عطاردی این کارتنها را ببین، اینها همه فیشهایی است که من برای نوشتن تاریخ اصفهان جمع کرده ام؛ شما هم یک تاریخ خراسان بنویس، شما هنوز جوان هستید و می توانید کارهای بزرگی کنید.

این اشاره ای از جانب آقای همایی بود که حدود ۵۰ سال ایشان را در جهت تحقیقات

اماکن، جغرافیا، رجال و مردم‌شناسی است. ولی چون اسمش کتاب «تاج‌العروس فی شرح قاموس» است کسی نمی‌داند این همه فواید دارد، آقای عطاردی این کتاب را مطالعه کن و فواید آن را از درون آن استخراج کن، شما جوان هستید و کارهای بزرگی را می‌توانید انجام دهید. «آقای عطاردی می‌گفت: من از نجف به تهران آمدم و پول نداشتم که این کتاب را بخرم و آن را از یکی از علمای بزرگ تهران، جلد جلد قرض می‌گرفتم و کار انجام می‌دادم، غریب‌القرآن، غریب‌الحديث، رجال، اماکن، مفرس‌ها و معرب‌ها را هم استخراج کردم. این کتاب برای بار اول در هند به صورت دستی چاپ شد. ایشان در مقدمه کتاب تمام اصطلاحات جغرافیایی را شرح کرده است؛ مثل الکوره، بلد و...»

عطاردی؛ خالق آثار ارزشمند

ایشان در حوزه‌های مختلف مثل حدیث، رجال، ادبیات، تاریخ کار کرده است و در همه جا نیز آثار بزرگی آفریده است. مسانید ایشان بخشی از تحقیقات حدیثی ایشان است. آقای عطاردی کتاب‌های بسیاری از متون حدیثی را ترجمه و تصحیح کرده است.

اگر شما در زندگی ایشان تأمل کنید، متوجه می‌شوید که ایشان حتی سه دقیقه از زندگی اش را تلف نکرده است. بخش‌های اساسی از کار ایشان ترجمه است که این ترجمه‌ها برای اوقاتی بوده که ایشان نمی‌توانسته کار پژوهشی مستقلی انجام دهد؛ از جمله این کتب، کتاب معروف النصایح الکافیة لمن یتولی المعاویه، مقتل الحسین - علیه‌السلام -، زید الشهید و... است که در موضوعات اخلاقی و غیر اخلاقی است.

ساده پوشی، ساده زیست و ساده‌گو

ایشان محدثی فاضل، ادیبی برجسته و متفکری درست‌اندیش بود و در پس ظاهر

این روحانی ساده پوش، ساده‌زیست و در عین حال ساده‌گو، روشنفکری قابل توجهی وجود داشت. خاطرات ایشان به این مطلب گواهی می‌دهد؛ مثلاً در یادنامه استاد محمدتقی شریعتی با ایشان مصاحبه‌ای را انجام داده‌اند، اگر به نوع نگاه ایشان به استاد محمدتقی شریعتی و فرزند برومندش دکتر علی شریعتی دقت کنید، متوجه می‌شوید که چه نگاهی به مسائل فکری و سیاسی اطرافش داشته است.

ایشان روحانی‌ای بودند که بر روحانی بودنشان تأکید داشتند؛ وقتی دوستان در بزرگداشت شان پوستری را چاپ کردند که عمامه شان دیده نمی‌شد با وجود این که پوستر بسیار هنری و شیکی بود؛ اعتراض کردند و گفتند: «من یک آخوند هستم و آخوند بودن و طلبه بودنم هم افتخار می‌کنم» و دوستان مجبور شدند پوستر دیگری را در کنار آن چاپ کنند که عمامه شان دیده شود.

شاید حدود ۱۰ سال از سوی علاقه‌مندان ایشان پیشنهاد برگزاری مراسم گرامیداشت برای ایشان داده می‌شد ولی ایشان اجازه نمی‌داد، بالاخره بعد از رفت و آمدهای فراوان و تأکیدهایی که کردیم، راضی شدند. قبل از برگزاری مراسم نیز بارها با من تماس گرفته و گفتند: «فلانی کاری نشود که من از موقعیت و جایگاه یک آخوند بیرون بیایم، من یک آخوندم و می‌خواهم آخوند باقی بمانم نباید پیرایه دیگری به من بچسبد.»

در این مراسم برای چاپ پوستر، نوشتن القابی پیشنهاد شد، القابی نظیر علامه، آیت الله، محقق عالی قدر، ولی ایشان قبول نکرد و در نهایت راضی به نوشتن





در ابتدای همه مسانید ایشان زندگانی دقیقی از ائمه، بدون هیچ نوع پرگویی و زیاده گویی آورده شده است که بهترین منبع برای زندگانی ائمه این مقدمه‌ها است و بعد وارد احادیث ائمه شده است. مطلب جالب دیگر موجود در مسانید ایشان، روایان هستند. اگر شما به مسانید نوشته شده توسط قدیم‌ها و جدیدها دقت کنید، متوجه می‌شوید که در آن مسندها، احادیث را هر نوعی که خواسته‌اند آورده‌اند ولی ایشان روایانی را که در محضر امام بوده و روایت نقل کرده‌اند نیز آورده است. همچنین در قسمت اخیر هر مسند با روایانی مواجه هستید که به صورت واقعی راوی هستند، اگر جست و جو کنید، می‌بینید که هر راوی که نامش آمده است، روایاتی که در سند آن‌ها نامش آمده، موجود است که این مطلب برای شناخت شخصیت و گرایش‌های راوی و دریافت مفهوم روایت هایش کمک می‌کند.

آثار عطاردی؛ منابع اولیه پژوهش در آینده نزدیک

بنده تردیدی ندارم که آثار نوشته شده توسط آقای

دقیق و عمیقش درباره شاهنامه است. آقای عطاردی به خاطر تاریخ خراسان که فردوسی از چهره‌های برجسته آن است، شاهنامه را بارها و بارها، کلمه به کلمه خوانده است تا زندگی فردوسی را از دل شاهنامه بیرون بکشد و زندگی نامه‌ای که ایشان در تاریخ خراسان از فردوسی نوشته است، بهترین زندگی نامه نوشته شده درباره فردوسی است.

به این مناسبت تحقیقات مفصلی هم انجام داده و تمام کلمات عربی شاهنامه را استخراج کرده است. چون فردوسی متهم به فارسی گرایی و عربی ستیزی است و ملی گراهای کم فهم و بی فهم در بوق دمیده‌اند که ایشان عربی‌های شاهنامه را بیرون آورده است، در صورتی که اگر کسی این مقایسه را بین متن شاهنامه و متنی که داعیه عربی زدایی و نوشته شده در همان زمان را دارد، انجام دهد، به این نکته می‌رسد که در آن زمان کاربرد عربی در سنجش حجمی بیش از آن چیزی است که در این کتاب آمده است. این مطالب حواشی کار آقای عطاردی است.

کتاب القرآن؛ بخشی ویژه در مسانید عطاردی

یکی از نکات مورد توجه ابعاد و گرایش‌های قرآنی و حدیث ایشان است. ایشان کار قرآنی مستقلی انجام نداده است ولی در تمام مسانید چون آنها را برای اساس منابع حدیث کهن تبویب کرده است، بخشی از آن «کتاب القرآن» است که در آن بخش‌ها همه روایات تفسیری آن امام را در کنار یکدیگر آورده است. آنچه که مربوط به تفسیر قرآن در مسند امام علی - علیه‌السلام - آمده است بیش از سه جلد است و کتاب القرآن مسند امام صادق - علیه‌السلام - نیز یک جلد و اندی است.

این اسم شدند، «حاج شیخ عزیز الله عطاردی». جالب است که این حاج شیخ عزیز الله که برای حاجی شدن به مکه رفتند، آنجا هم فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه مدینه را نوشته است.

محدثی قابل، ادیبی برجسته و متفکری درست اندیش

یک انسان به تنهایی و یک تنه این همه کار انجام داده است. واقعا ایشان، بدون هیچ مجامله‌ای نه ده‌ها هزار بلکه صدها هزار صفحه کتاب را میکروفیلم کرده است. از نسخ خطی میکروفیلم گرفته که بخش اعظم آن را قبل از تأسیس مرکز عطارد به آستان قدس رضوی هدیه کرده است و همه این تلاش‌ها در جهت ساماندهی تاریخ خراسان، مسانید ائمه و یا دیگر کارهای پژوهش ایشان بوده است؛ یعنی اگر کسی از نزدیک با ایشان آشنا نباشد و تلاش‌های ایشان را نبیند نمی‌تواند تصور کند که چه حجمی از کار در زندگی این انسان نهفته است.

محقق و پژوهشگری ناآرام

مجموعه کارهای ایشان نشان می‌دهد که محقق و پژوهشگری ناآرام است؛ یعنی ایشان هیچ وقت فراغت و آرامش نداشته و همواره در حال کار بوده است.

ایشان درباره تاریخ خلفا، آثار بزمی، رزمی، فکری، ادبی، جنگی مطلب دارند، شاید برای شما تعجب آور باشد که یک آخوند عمامه به سر سنتی از جمله پژوهش‌های بسیار

خودت را به کتاب الله عرضه کن اگر آن چنان که مقتضای امام آن است، عمل می کنی و از نواهی می گیزی و به آن چه هشدار داده، ره میبری، ثابت بمان و گرنه چه چیزی تو را فریفته است؟!» این ترسیم چهره آقای عطاردی است.

شخصیت قرآنی عطاردی

قرآن و سنت اهل بیت، برای این است که ما انسان گونه زندگی کنیم. یکی از علمای بزرگ گفته است: «خداوند قرآن را کتاب سرگرمی نفرستاده بلکه قرآن برنامه سلوک فردی و اجتماعی انسان است.» یعنی قرآن برای این است که شما آن را خوانده و مانند یک دستورالعمل با آن زندگی کنید. در این صورت مؤمن واقعی کسی است که قرآنی زندگی کند و قرآن را برنامه زندگی خود قرار دهد. تصویر قرآن از مؤمن واقعی کسی است که دل را به خدا سپرده و چشم به آینده دوخته و با کار محکم حرکت می کند، این تصویر درست از چهره مؤمن است.

زمانی قرار بود جایی آثار ایشان را چاپ کنند، یک بی مهری کوچکی به ایشان کرد، ایشان به خانه ما آمد و گفت: اگر همه این آثار بنا باشد که بماند و به روخانه ریخته شود من حاضر نخواهم شد خودم را دلیل کنم «العزة لله و لرسوله و للمؤمنین»، به این می گویند انسانی که روی پای خودش ایستاده است.

ایشان یک بار در خانه ما بودند، پرسیدم: استاد حالتان چطور است؟ گفتند: الحمد لله اما وقتی که نهار را آوردم، گفتند «اگر فلان چیز را بخورم یک مشکل دارم اگر نخورم مشکل دیگری پیدا می کنم» این در حالی بود که ایشان در آن روزها ساعات کارشان بین ۱۰ تا ۱۴ ساعت بود. فشار جسمی و گرفتاری کاری را ببیند باز هم می گویند: «الحمدالله» این یعنی شخصیت الهی.

مرد عبادت، تفکر، اندیشه و قلم

واقعا می توان ادعا کرد که آقای عطاردی شخصیتی قرآنی است. عبادت، تفکر، اندیشه، قلم همه را با هم داشت. در روایات وارد شده است که وقتی انسان را در قبر می گذارند می گویند که جوانی را در چه راهی گذراندی و عمرت را چگونه سپری کردی؟ یعنی از نگاه خدا عمر انسان، ارزش زیادی دارد و من با دقتی که در زندگی ایشان کرده ام می توانم به جرأت بگویم

عطاردی، به غیر از ترجمه ها، که در واقع کارهای کمک پژوهشی است، در آینده ای نه چندان دور از منابع و مصادر درجه اول پژوهش خواهد شد.

تلاش بدون چشم داشت

بنده در دوره طلبگی مرد بسیار مهم و بزرگی را دیدم و از او پرسیدم: چرا فلان کار را نیمه تمام گذاشتید؟ گفت: برو بابا، گفتم برای چه؟ گفت: هیچ کس به من حتی یک بارک الله نگفت. من بچه بودم و گفتم: آقا شما مگر برای خدا کار نمی کنید؟ گفت: این حرفها را دور بینداز و کمی هم از تاریخ نقل کرد که نمی دانم چقدر صحت دارد که فلان کس در فلان تاریخ چون پول به او نداده، فلان تحقیق و فلان اثر را نیمه تمام گذاشت و دیگری چون پشتیبانی نشد فلان اثر مهم را دور ریخت و رها کرد. اما آقای عطاردی از روزی که کاری پژوهش را با نوشتن فهرست برای کافی شروع کرده حتی منتظر یک نگاه نبوده است. وقتی در دانشکده برای ایشان بزرگداشتی را برپا کردیم، موسسات بزرگ همکاری نکردند ولی موسساتی که دل در گرو خدا داشتند همکاری فراوانی را کردند، پسر آیت الله صدوق رییس بنیاد صدوق روز کنگره از عمره آمد و از فردودگاه به خانه اش نرفت و با نهایت تواضع آمد، هدیه اش را داد و رفت و برای تجلیل وی به مراسم آمد. آقای عطاردی برای او چه کاری کرده بود که وی از ایشان تجلیل کرد.

من وقتی به زندگی ایشان نگاه می کنم می بینم که کسی در یک فضایی که هیچ کس به یاری اش نمی رود این همه کار را بدون هیچ گونه چشم داشتی انجام داده است و مانند ما منتظر فراهم شدن امکانات نبوده تا به انجام کار بپردازد. چه درون مایه ای جز اخلاص و چه انگیزه ای جز خدا دارد.

عطاردی؛ مخلص لوجه الله

ایشان مخلص لوجه الله است. یکی از دوستان روز گرامی داشت ایشان به بنده گفت: من از آغاز تا آخر همایش به چهره این مرد نگاه می کردم و حتی به اندازه ذره ای هم تکان نخورد. ایشان سر سوزنی به خود نگرفت و به اصطلاح «باد به غبغب نینداخت».

در روایتی که در کتاب تحف العقول از امام باقر - علیه السلام - نقل شده است که حضرت می فرماید: «تو ولی ما خواهی بود مگر این که چنان چه تمام مردم شهر جمع شوند و بگویند تو آدم خوبی هستی مغرور نشوی و اگر گفتند تو آدم بدی هستی محزون نشوی،

در حدیث آمده است «من كان لله، كان الله له» آقای عطاردی خودش را برای خدا وقف کرده است و خدا به او عنایت دارد و دیگران هم به او توجه می کنند، ایشان درباره آخرین مسند ائمه به من و دوستان در قم تأکید کردند که من از کسی پول مفت نمی خواهم و شما کسانی را پیدا کنید که این ها را پیش خرید کنند یعنی با پول هایی که پیش از چاپ کتاب گرفته ایم، آن را چاپ کنیم. این قضیه پر غصه در روزگاری اتفاق می افتد که الاف و الوف از بیت المال و غیر بیت المال مصرف می شود و آب هم از آب تکان نمی خورد، این هم از بازی های روزگار است.

که آقای عطاردی حتی سه دقیقه از زندگی اش را رها نکرده است. به این شخصیت قرآنی می گویند.

عبدی وقف معبود خویش

ایشان همه دارایی، آثار، نوشته ها و کتاب هایش را در مرکز فرهنگی خراسان وقف کرده است. آقای عطاردی عمری را برای خدا تولید می کند، برای خدا نشر می دهد و فرایندش را هم برای خدا می گذارد و می رود، این معنی «انا لله و انا الیه راجعون» است.



خاطرات کوه شاه جهان

جایگاه آیت الله عطاردی در مسندنویسی کجاست؟

مسندنویسی از قبل در بین اهل سنت رواج داشته است؛ مانند مسند حنبل، مسند مالک، مسند شافعی و ... اما در بین شیعه یکی دو مورد پیش از این بوده که شیوهها و روشهای خاصی در آن مد نظر بوده است، اما ایشان مسانید ائمه(ع) را با یک اسلوب خیلی جامع ارائه کردهاند و از این منظر می توانیم بگوئیم که آیت الله عطاردی مسندنویس بزرگ شیعه هستند.

بخشی از کارهای آیت الله عطاردی و شاید بخش اصلی کارهای ایشان به تاریخ خراسان اختصاص داشته است. راجع به این بخش هم توضیح بفرمائید.

بله. در این مورد تعبیر خود ایشان این بود که من چون اکثر خیزش تفکر دینی اسلام ناب و شیعه را ایران و امام رضا(ع) می دانستم در نتیجه تصمیم گرفتم که تاریخ خراسان را هم تحقیق کنم و حدود ۵۰ سال از عمر شریفشان را هم در تاریخ خراسان تحقیق و پژوهش کردند. در این بحث دو مجموعه تاریخ مشهد و تاریخ آستان قدس چاپ شده است و بقیه هم آماده چاپ است.

توصیف شما از روش و منش علمی و زندگی آیت الله عطاردی چیست؟ ایشان سفرهای علمی هم در داخل کشور

شدند و مقداری که تحصیلاتشان پیش رفته است با بزرگانی مانند مرحوم آیت الله میلانی و مرحوم علامه امینی؛ صاحب الغدیر و مرحوم آخوندی بزرگ آشنا شد. ایشان همچنین با مرحوم مطهری هم آشنا بود و استاد مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام، حدود ۴۰ صفحه از مطالب آقای عطاردی را می آورند و تجلیل فوق العادهای از ایشان دارند.

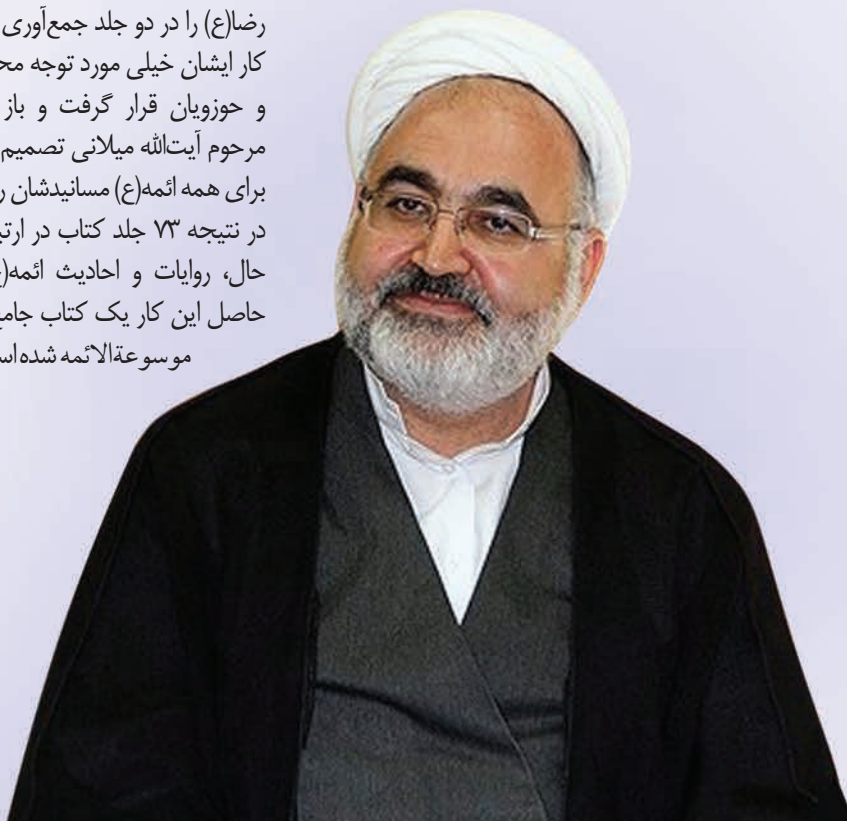
مروری هم بر آثار ایشان داشته باشیم. با توجه به آشنایی نزدیک شما با آیت الله عطاردی، چه انگیزه های باعث شد که ایشان چنین آثار عظیمی را پدید آورند؟

آیت الله عطاردی در ابتدا بنا به توصیه آیت الله العظمی میلانی مسند الرضاع(ع) را نوشتند و احادیث و روایات مربوط به امام رضا(ع) را در دو جلد جمع آوری کردند. این کار ایشان خیلی مورد توجه محافل علمی و حوزویان قرار گرفت و باز به توصیه مرحوم آیت الله میلانی تصمیم گرفتند که برای همه ائمه(ع) مسانیدشان را بنویسند و در نتیجه ۷۳ جلد کتاب در ارتباط با شرح حال، روایات و احادیث ائمه(ع) نوشتند. حاصل این کار یک کتاب جامع و در واقع موسوعه ائمه شده است.

حجت الاسلام والمسلمین تیمور علی عسگری، از نزدیکان آیت الله عطاردی و یکی از افرادی است که از سنین نوجوانی با آیت الله عطاردی آشنا و از محضر ایشان بهره مند شده است.

برای شروع اشاره ای مختصر به زندگی ایشان داشته باشیم.

آیت الله عطاردی ۸۶ سال پیش از این در روستای بگلر از توابع قوچان به دنیا آمد و روحیه تحقیق، تتبع و جستجوگری از همان نوجوانی در ایشان سرشار بود؛ این محقق برجسته بعد از این که وارد حوزه علمیه



در پایان اگر نکته‌ای هست و یا اگر خاطره‌ای از آیت‌الله عطاردی دارید که تمایل به ذکر آن دارید، بفرمائید.

من خاطره‌ای بسیار شیرین از ایشان دارم که آن را برای شما ذکر می‌کنم. وقتی که قرار شد کنگره جهانی امام رضا(ع)، برگزار شود آیت‌الله العظمی جواد آملی گفتند که شما اول مسند الرضای آیت‌الله عطاردی را برای محققین و مراجع و بزرگان دینی چاپ کنید تا ما از روی آن مطالب‌مان را بنویسیم و به کنگره جهانی امام رضا(ع) عرضه کنیم. در آن زمان ما با ایشان مسندالرضای(ع) را برای چاپ مجدد بازنویسی می‌کردیم. آن موقع ایشان زن و بچه‌شان را به مشهد آورده بودند و در منطقه طلاب در خانه قدیم پدری‌شان ساکن شده بودند و کار می‌کردند. به من هم که در دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشغول بودم، گفتند که من بچه شیرخواره دارم و ظاهراً شیر خشک نایاب است و اگر یکی دو قوطی شیر خشک برای من پیدا کنید و بیاورید ممنون می‌شوم. من رفتم شیر خشک گرفتم و آوردم و دیدم که دختر کوچک ایشان که الان بزرگ شده‌اند و دارای تحصیلات عالی هستند، بی‌تاب در حال گریه کردن است و صدای تاپ تاپ هم می‌آمد. من گفتم که حاج آقا بچه گریه می‌کند نکند که گرسنه است! و ایشان هم گفتند که بله، همین طور است. بعد خودشان کمی از آن شیر خشک را آماده کردند و به بچه دادند و بچه آرام شد. من گفتم که مادر بچه کجاست. ایشان هم گفتند که در حال تاپ تاپ کردن مطالب ماست برای این که به اجلاس کنگره جهانی امام رضا(ع) برسانیم.

ایشان در آن جا خاطره‌ای را هم نقل کردند که خیلی ارزشمند است. ایشان

این کوه قصری وجود دارد خب همین را بنویسید و خودمان را راحت کنیم، اما ایشان گفت تا نبینم نمی‌نویسم، و نهایتاً یکی دو ساعت دیگر کارگران کار کردند و اطراف را هم حفر کردند تا این که سنگچینی مشخص شد و آن‌ها را که کنار زدند تا ساروج بزرگی که در حقیقت بتون‌های قدیمی محسوب می‌شدند آشکار شد. وسط آن ساروج سوراخی بود و آقای عطاردی از آن جا نور چراغ قوه را پایین انداخت و گفت بین آن جا قصر است.

تعبیر او این بود که کوه شاه‌جهان که می‌گویند، از آن جهت است که شاه جهان در این نقطه مستقر بوده است و از این نقطه بر سبزواری و شیروان و مناطقی از قوچان دید و احاطه داشته است و تعبیرش این بود که رؤسای ایل‌ها و شاهان بزرگ در این نقطه سوق‌الجیشی زندگی می‌کرده‌اند تا از نظر امنیتی و سایر جهات اشراف به پائین دست‌ها داشته باشند.

منظور این است که آقای عطاردی تحقیق میدانی انجام می‌داد و از این تحقیق میدانی خسته هم نمی‌شد.

چه پیشنهادی برای استفاده از میراث به جای مانده از زحمات ایشان دارید؟

در شرایط حاضر آن چه که مهم است این است که آن بخش قابل توجه و زیادی مربوط به تاریخ خراسان که تنظیم نهایی و چاپ آن باقی مانده است، توسط مسئولان مورد اهتمام قرار گیرد و چاپ شود. ضمن این که ایشان آن کتاب‌خانه و کتاب‌ها و همه آثار، فیش‌ها و مجموعه و هر چه دارد را وقف امام رضا(ع) کرده است.

و هم خارج از کشور زیادی داشتند. ایشان چند سال در هندوستان اقامت گزیدند، در عراق بودند، در مصر بودند، حتی قبل از پیروزی انقلاب به شوروی سابق هم سفر داشتند و همه سفرهای علمی‌شان را هم در یک کتاب تحت عنوان روایت عشق جمع کرده‌اند که بسیار خواندنی است. این کتاب در واقع توصیف تنگناها و مشکلاتی است که در آن سفرهای علمی داشتند و این که چگونه آن مشکلات نتوانست امان ایشان را ببرد.

این محقق برجسته در سفرهایی که به خارج از کشور داشتند از نسخه‌های بسیار زیادی میکروفیلم گرفتند یا فیش‌برداری کردند و به ایران که آمدند در همین محل کتابخانه‌شان سعی می‌کردند آن‌ها را بازنویسی کنند. ایشان تحقیق میدانی هم انجام می‌دادند و من توفیق داشتم که در اکثر سفرها و گردش‌های علمی در داخل کشور با ایشان همراه باشم.

یکی از مواردی که الان یادم هست این است که در نقطه خاصی از شمال خراسان جایی نزدیک اسفراین با نام کوه شاه‌جهان، ایشان گفتند که من هر گونه شده است باید بروم و نقطه‌ای هست که باید ببینم. وقتی که رفتیم و از مسیری دشوار در آن کوه بالا رفتیم به یک درخت و یک چشمه رسیدیم که آن را از روی یادداشت‌هایی که در هندوستان در مطالعات خود شناخته بودند. در آن جا گفتند که کارگرانی که همراه ما بودند به فاصله ۴۰ متر قبله آن محل را حفر کنند و این تا غروب ادامه داشت و به نتیجه‌ای نرسیدیم و تأکید ایشان این بود که ما نمی‌توانیم برگردیم و بروید از روستا چراغ بیاورید. رفتند و چراغ آوردند و نهایتاً خود من که خسته شده بودم گفتم که حاج آقا شما می‌خواهید بگوئید که بر سر

گفتند که من شرح حال حضرت عبدالعظیم (ع) را که نوشتم گفتند که اثر شما کتاب سال شده است و می‌خواهیم به شما جایزه بدهیم و من برای این که از دست شاه جایزه نگیرم به مشهد آمدم. ایشان می‌گفتند که آن موقع مجرد بودند و در حوزه علمیه مدرسه مروی زندگی می‌کردند و چون جای مشخص داشتند نگران بودند که به دنبالش بیایند و از او بخواهند که برود و او هم در محذور قرار گیرد و مجبور به رفتن شود. می‌گفت که اما من نمی‌خواستم در محافل، مخصوصاً محافل مربوط به دستگاه و حکومت آن روز ظاهر بشوم.

گفتند که به مشهد آمدم و در پائین دست یک زیارت امین‌الله خواندم. ... در آن زمان مدرسه‌ای هم بوده است

معروف به مدرسه بالاسر که در آن جا یا دیوار به دیوار آن اتاقی بوده است که اتاق مرحوم شیخ بهاء بوده و مرحوم شیخ بهاء در آن جا تهجد داشته است و در این اتاق پنجره‌ای رو به ضریح تعبیه شده بود. این اتاق در آن زمان در اختیار برادر آقای علم‌الهدی، امام جمعه مشهد بود. ایشان این محل را در اختیار آقای عطار دی قرار دادند که محل خوبی هم برای درس خواندن و هم برای ارتباط با امام (رضاع) بود. ایشان می‌گفتند که من در همان ابتدا رفتم و از خادم آن جا کلید اتاق را گرفتم و رو به ضریح یک زیارت امین‌الله نیز از آن جا خواندم. در آن جا به دلم افتاد که ما برای این کارها از شاه صله نگرفتیم اما اگر حضرت به ما صله‌ای خوب بدهد برای این که کتاب شرح حال حضرت عبدالعظیم را نوشته‌ایم، خیلی با طیب نفس ما سازگار است.

استثنای در میان روحانیون

شد و از آنجا به خاطر اینکه رفت و آمد به قم داشتند و برای مرکز فرهنگی خراسان که من جزء هیئت امنای آنجا بودم، انس بیشتری ایجاد شد.

این نویسنده تصریح کرد: علامه عطار دی ضمن اینکه تمامی ویژگی‌های یک عالم برجسته شیعه را مانند درک اساتید تراز اول حوزه علمیه دارا بود، یک ویژگی برجسته داشتند که سبب تمایز ایشان می‌شد. آیت‌الله عطار دی شیوه تحقیقی خاصی داشتند که کمتر کسی از آن بهره‌مند است و آن را در تحقیقات خود به کار می‌برد.

وی توضیح داد: مشاهده علمی و حرکت در میدان مسائل تاریخی بارزترین جنبه تحقیقاتی این استاد بود. معمولاً در مسائل تاریخی به منابع و کتاب‌ها و تحلیل نوشته‌های آن استناد می‌شود. مثلاً وقتی در تاریخ اسلام جنگ احد را بررسی می‌کنیم، باید جغرافیای وقوع آن حوادث را نیز به طور دقیق بررسی کرد.

حجت‌الاسلام عبداللهیان عنوان کرد: علامه عطار دی تمام عمر خود را بر این مسئله گذاشت تا در مسائل تاریخی، موقعیت

مدیر موسسه معارف اسلامی امام
رضا (ع) ضمن تشریح ویژگی‌های
علمی علامه عطار دی، مطالعات
میدانی در مسائل تاریخی را مهم‌ترین
تمایز روش شناسی ایشان برشمرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد عبداللهیان، در خصوص شخصیت مرحوم آیت‌الله عطار دی ضمن بیان این مطلب اظهار کرد: آغاز شناخت من از آیت‌الله عطار دی به سال‌های اول انقلاب برمی‌گردد.

وی ادامه داد: به خاطر شهرت ایشان در قم و مشهد در آن زمان دورادور به این بزرگوار شناخت حاصل کرده بودم و بعد از سال ۱۳۷۰ شمسی، ارتباط من با ایشان بیشتر



وی اظهار کرد: با وجود کسالت و بیماری که داشتند، بعد از گذشت چند ماه می‌دیدیم کتاب‌هایی را تالیف یا اصلاح و آماده چاپ کردند. ایشان برای اینکه به هدف خود برسند، از تحمل هیچ‌گونه سختی روی گردان نبود. گویا ایشان در این زمین زندگی نمی‌کردند و امور مادی و سختی‌ها برای ایشان هیچ مشکلی مانعی ایجاد نمی‌کرد. این استقامت ستدونی ایشان برای ما الگویی بود.

حجت‌الاسلام عبدالله‌یهان در پایان بیان کرد: ارزش و اهمیت این مطالعه میدانی علامه عطاردی به این زودی‌ها شناخته نمی‌شود و روزی می‌رسد که سازمان‌های جهانی برای این عالم مراسم یادبود می‌گیرند و تمام دنیا برای آنها ارزش زیادی قائل خواهند شد.

جغرافیایی حوادث را بیاید. حتی وقتی ایشان از شاهنامه می‌گوید، از نزدیک به محل پیکار لشکرها رفته بود و بیان می‌کرد که من به یقین می‌دانم که وقتی فردوسی این صحنه جنگ را توصیف می‌کند، قطعاً باید در بالای فلان کوه مستقر می‌بود.

وی افزود: اینکه جغرافیای حوادث را بیابیم و درک کنیم، چیزی بود که ایشان برای آن سفرها و رنج‌های بسیار زیادی را انجام داده بود تا بتواند حوادث را در جایگاه خودش تجزیه و تحلیل کند. به نظر من اگر این روش علمی که با رنج به دست می‌آید و جایگاه جغرافیایی مسائل و حوادث اجتماعی، فرهنگی و تاریخی را جلوی چشم بیاوریم، به نکات جدیدی دست می‌یابیم.

مدیر موسسه معارف اسلامی امام رضا(ع) گفت: این شیوه مسائل ابتکاری زیادی را به همراه دارد و سبب می‌شود که تجربه‌های پراکنده را سامان دهد و فرهنگ را غنی کند. مرحوم عطاردی بسیاری از موضوعات دینی را آمیخته با خرافات عوامانه می‌دید که در بستر زمان به آموزه‌های حقه دینی نشسته است.

وی تشریح کرد: این مسائل خرافی و نادرست گاهی به جای مسائل اصلی ما نشسته است و برای مشخص کردن اینکه چه بخشی از آن حق و چه بخشی خرافه است، ایشان مسائل را به جایگاه تاریخی و جغرافیایی محل آن رویداد برمی‌گرداندند تا اصل و فرع را مشخص کند. وی از جغرافیای اماکن به دقت عکس و اسلاید تهیه می‌کرد.

این پژوهشگر علوم دینی یادآور شد: این شیوه مشاهده میدانی تحقیقی که مورد تاکید قرآن کریم نیز هست، باعث زدودن خرافات از دین می‌شد و انگیزه علامه عطاردی از این شیوه تاریخی همین هدف مهم بود. بیشترین خاطراتی که از ایشان به یاد دارم، حیرت و تعجب ما از پرکاری شبانه‌روزی این عالم جلیل‌القدر بود.

از اشتهار به فاضل محقق در نجف تا فعالیت‌های انقلابی در ایران

جناب استاد از سابقه آشنایی خود با مرحوم آیت‌الله عطاردی برای ما بگوئید.

با اظهار تأسف از درگذشت محقق بزرگ و دانشمند عالیقدر جناب آیت‌الله آقای شیخ عزیزالله عطاردی باید بگویم که بنده از علاقه‌مندان به ایشان بودم و با ایشان ارتباط خانوداگی داشتیم. پدرم با والد معظم ایشان در ارتباط بود و خود من هم سالیان طولانی با ایشان ارتباط داشتم. آخرین دیداری که با این بزرگوار در روز دهم یا یازدهم رمضان در دفتر ایشان داشتم و ایشان هم در حال دیالیز بودند، یکی دو ساعتی به طول انجامید و مطالب زیادی بیان شد و گمان نمی‌کردم که این عزیز را به این زودی از دست بدهم. من در سفر خارج از کشور به سر می‌بردم که مطلع شدم این بزرگوار رحلت فرمودند و توفیق شرکت در تشییع و تدفین و همراهی‌شان تا مشهد مقدس را نداشتم و از این جهت بسیار متأسف هستم.

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی رحمانی قوچانی که سابقه طولانی در عرصه‌های جهادی و اجرایی داشته، از علمایی است که از حدود ۵۰ سال پیش با مرحوم آیت‌الله عطاردی آشنایی داشته و زمینه‌های این آشنایی نیز به تعلق هر دوی این بزرگواران به شهر قوچان برمی‌گردد. وی در حال حاضر عضو دفتر مقام معظم رهبری می‌باشد.



بنده در آن سال‌ها نبودم، اما پدرم از ایشان بسیار تعریف می‌کرد و می‌گفت که ایشان یک جوان محبوب بوده و تدین از وجناتش آشکار بود و به هر حال در دوران طلبگی، چه در قوچان و چه در مشهد، سیر و سلوک خوبی داشت.

اما اولین دیدار من با ایشان در سال ۱۳۴۴ در نجف اشرف رخ داد. اوایل نهضت بود که به دلیل این که پدر من هم روحانی دوست بود و هم در رابطه با حکومت پهلوی اهل نظر و مخالف این خاندان بود و از طرفی هم مقلد واقعی بود و نسبت به مرجعیت و علمای مجاهد و مخصوصاً مرجعی مثل امام(ره) که در برابر ظلم و ظالمین قیام کرده بود علاقه ویژه‌ای داشت، به هر حال به دلایلی زمینه فراهم شد که بعد از تبعید امام(ره) مشرف به عراق بشوم. در آن زمان عمومی من هم از روحانیون محترم قوچانی در حوزه علمیه نجف و از ارادتمندان به امام(ره) و شاگرد علمای بزرگ حوزه نجف بودند.

عمومی ما، در آن زمان که تازه به نجف رفته بودم، ما را راهنمایی می‌کرد و با علمای بزرگ و اساتید و مراجع و شخصیت‌های بزرگ و برجسته و علمای خراسان و قوچان آشنا می‌کرد. یک روز ما به مدرسه علمیه‌ای رفتیم به نام مدرسه قوام شیرازی که قوچانی‌ها از گذشته در آن جا نسبتاً زیاد بودند و مراتب تحصیل و تکمیل معارف و معرفت را در آن جا می‌گذراندند. به آن جا که رفته بودیم تا با راهنمایی عمومی با برخی از افراد آشنایی پیدا کنیم وارد غرفه‌ای شدیم و عمومی من در آن جا آقای حاج شیخ عزیرالله عطار دی را به من معرفی کرد و گفت که ایشان تازه از ایران آمده‌اند. ایشان هم مرا ندیده بودند اما گفتند که با پدر من آشنایی داشته‌اند و بحمدالله معارف‌های حاصل شد. در همان جا عمومی من توضیح داد که ایشان از محققینی است که در صد تالیف کتب ارزنده‌ایست. اگر اشتباه نکنم گفتند که بخشی از «الغدیر» را در دست ترجمه دارند. به هر حال در همان مدت اقامت‌شان در نجف هم مشغول تحقیق و تألیف بودند.

اظهار خوشبختی هم می‌کردند که توفیق پیدا شده است که به زیارت عتبات عالیات مشرف شده‌اند. از طرفی هم در آن دوره با مراجع وقت تماس داشتند و به حضور آن‌ها می‌رفتند. من فکر می‌کنم اجازاتی که برای ایشان صادر شده است مربوط به همان وقت است یا شاید هم بعداً برای ایشان ارسال شده باشد. به هر حال در همان زمان به عنوان یک عالم فاضل و محقق خوبی مطرح بود و در آن جا هم گفته می‌شد که شرایط کار و تلاش ایشان اجازه نمی‌دهد که ازدواج کند.

برای توضیح سابقه آشنایی باید به سال‌ها پیش از آشنایی خودم با مرحوم آیت‌الله عطار دی برگردم. من سخنم را از مطالبی که خود ایشان از گذشته‌های خود برای من می‌گفتند آغاز می‌کنم. حضرت استاد عطار دی در یکی از روستاهای معروف شهر قوچان به نام بیگلر متولد شدند و همان جا مرکز نشو و نما می‌ایشان بود. پدر ایشان هم با مرحوم والد من که در شهرستان قوچان اهل کسب و کار بودند ارتباط داشتند و اجناس مورد نیاز خودشان را از مغازه پدر من تهیه می‌کردند. خب آقای عطار دی متولد سال ۱۳۰۷ بوده‌اند و خودشان برای من نقل می‌کردند که در سن ۱۰ یا ۱۱ سالگی هر وقت به قوچان می‌آمدند به مغازه پدر من می‌رفتند و آشنایی ایشان با پدر من به آن سال‌ها برمی‌گردد.

پدر من خیلی روحانی‌دوست بود و از تربیت‌یافتگان مکتب آقاجنقی قوچانی بود و به روحانیت هم علاقه ویژه‌ای داشت و همراهی ویژه‌ای با کسانی داشت که تمایل به ورود به حوزه داشتند و به نحوی هم این افراد را شناسایی می‌کرد. یک روز پدر من به پدر ایشان می‌گوید که فرزند شما که اسم خوبی هم دارد و «عزیرالله» نام دارد، خوب است زمینه این را فراهم کنیم که به قوچان بیاید و وارد حوزه علمیه بشود. از چهره فرزند شما برمی‌آید که از اهل علم شود و حیف است که شما او را در روستا نگه دارید. آقای عطار دی می‌گویند که پدر من هم با این که تقریباً بر او سخت بود که فرزندش را به قوچان روانه کند، به هر حال نظرش جلب شد. پدرشان از خود ایشان هم می‌پرسد که آیا علاقه به ورود به سلک روحانیت دارد یا نه، مرحوم عطار دی هم اظهار علاقه و موافقت می‌کند. ایشان می‌گفت که تأکید پدر شما باعث شد که پدر من علاقه‌مند به تحصیل فرزندش شود و بالاخره تشویق مؤثر پدر من را در ایجاد تحولی در زندگی خودش مهم می‌دانست و همیشه به نیکی یاد می‌کرد. خداوند پدر ایشان و پدر ما را و همه علاقه‌مندان به اهل بیت(ع) را غریق رحمت کند.

خودشان می‌گفتند که ۱۳، ۱۴ ساله بودند که به قوچان آمده‌اند و همانطور که خودشان نوشته‌اند و به من هم گفتند در سال ۱۳۲۵ بود که به مدرسه عوضیه قوچان که در آن زمان از حوزه‌های علمیه به نام بود، وارد شدند. در آن زمان مجتهدین، فضلا و طلبه‌های بسیار خوبی هم که در قم و مشهد و حوزه علمیه نجف و نزد مراجع تحصیل کرده بودند، در قوچان بودند. ایشان حدود دو یا سه سال در قوچان بوده و سپس به مشهد مشرف می‌شود و در آنجا ادامه تحصیل می‌دهند.

ایشان به عنوان «الفاضل الكامل مروج الاحکام» یاد کرده‌اند و این‌ها تعابیری است که از یک مرجع بزرگ حوزه علمیه نجف است. یا همچنین آیت‌الله العظمی خویی هم در اجازه روایتی که برای ایشان صادر کردند از ایشان به عنوان یک دانشمند و فاضل و محقق خوب یاد کردند. بنابراین اگر ما هم ایشان را محقق بزرگ می‌نامیم بی‌دلیل نیست. این عنوانی است که علما و مراجع ما برای ایشان قائل شده‌اند.

با این وجود ما می‌بینیم که ایشان در همین حوزه‌های علمیه نیز خیلی شناخته شده نیستند و برای مثال ممکن است به اجتهاد و این قبیل امور شناخته نشوند. دلیل این امر از نظر شما چیست؟

خب در حوزه‌های علمیه از میان علمای بزرگ بیشتر به کسانی که در زمینه‌های فقه و اصول مرادفات داشته‌اند و در این زمینه‌ها کار می‌کنند توجه می‌شود. ایشان هم در حوزه‌های متعدد تحقیقی و تألیفی کار می‌کردند و واقعاً آن‌هایی که اهل تحقیق‌اند و اهل تألیف‌اند شخصیت علمی این گونه افراد را می‌شناسند. خب این محقق علاوه بر دروس حوزوی در زمینه‌های مختلف علمی هم تحقیقات مهمی را انجام دادند، اما متأسفانه از کسانی بودند که کمتر در جهت معرفی خود در عرصه‌های اجتماعی حاضر می‌شد. به هر حال آن چه که مهم است این است که مرحوم آیت‌الله عطاردی در عرصه‌های مختلف مرد محقق بود و تحقیقات بزرگی هم بعد از خودش به جای گذاشت.

ایشان واقعاً عالمی پرهیزگار، فاضلی حوزه‌دهیده در حوزه‌های علمیه بزرگ و همراه با اکثر بزرگان، از مراجع تقلید و از محققین و اهل تألیف و اساتید، بود.

همچنان هم که شما اشاره کردید، نحوه و سبک مطالعات و فعالیت‌های علمی مرحوم آیت‌الله عطاردی از سبک و شیوه متعارف حوزه‌های علمیه متفاوت بود و به زمینه‌های مختلفی ورود کردند و به نحوی خودانگیزخته شیوه‌ها و حوزه‌هایی را برای مطالعات و فعالیت‌های علمی خود برگزیدند. گویا شما مطلبی در این باره و در مورد نحوه ورود جدی‌شان به فعالیت‌های علمی دارید.

بله. ایشان خودشان می‌گفتند اوایلی که به تهران آمدم مدتی مردد بودم که حوزه تهران بمانم یا به قم بروم و یا حوزه علمیه نجف را برای ادامه تحصیل انتخاب کنم. از خدا خواستم کمک کند تا راهم را به روشنی انتخاب کنم. از خود ایشان شنیدم که

اگر اشتباه نکرده باشم ایشان در آن جا صحبتی هم از کتابی که در رابطه با حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) نوشته‌اند، کردند و گفتند که کتابی در رابطه با ایشان نوشته‌اند. البته من کتاب را آن روز ندیدم اما بعد در کتابخانه‌ها مخصوصاً کتابخانه امیرالمؤمنین(ع) آیت‌الله امینی که از کتابخانه‌های معروف نجف بود و من آن جا زیاد برای مطالعه می‌رفتم، این کتاب را در آن جا یافتیم و از قلم ایشان و مطالبی که در مورد حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) گردآوری کرده بود بسیار بهره بردم. این کتاب واقعاً از کتاب‌هایی است که تا به امروز هم با وجود اختصارش، هر آن چه دارد متن و مستند و مفید برای همه علاقه‌مندان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) و امامزاده‌های واجب‌التعظیم و مخصوصاً دانشمند است.

به هر حال اولین آشنایی من با ایشان سال ۱۳۴۴ در مدرسه قوام بود. ایشان تا اواخر آن سال در نجف بودند و به جهت علاقه‌ای که عموی من به ایشان داشت، گاهی به منزل عموی ما می‌آمدند و ما هم ایشان را زیارت می‌کردیم.

این آشنایی چگونه ادامه یافت؟

من تا قبل از انقلاب مکرر به ایران می‌آمدم و برمی‌گشتم، در بعضی از اوقات که ایشان ایران بودند، ما توفیق دیدارشان را پیدا می‌کردیم و ایشان را در مشهد می‌دیدیم. از این جهت هم که راجع به خراسان کار می‌کرد، من با ایشان آشنایی و ارتباط داشتیم.

مرحوم عطاردی واقعاً عالمی پرهیزگار و فاضلی حوزه‌دهیده بود. هم در حوزه قوچان، هم در حوزه مشهد و هم در حوزه علمیه آن وقت تهران که شخصیت‌های بزرگ علمی را در خود داشت از محضر بزرگان بهره برده بود.

نظر بزرگان در مورد ایشان چه بود؟

شخصیت‌های بزرگی از مراجع عظام تقلید مثل آیت‌الله العظمی میلانی از ایشان به عنوان «عالم فاضل غیاث الاسلام» تعبیر کردند. محقق بزرگ مرحوم حاج‌آقا بزرگ تهرانی که به موقعیت و جایگاه رفیع علمی آیت‌الله عطاردی توجه داشت اجازه‌ای نوشته‌اند و تعبیری که کرده‌اند این است که «فان مولی الفاضل البارء الباهر و المحقق البحاث الماهر» و به عنوان یکی از محققین ماهر از ایشان یاد کرده است. یا مرحوم آیت‌الله العظمی حکیم در اجازه‌ای که برای ایشان صادر فرمودند از



جناب استاد از شخصیت ایشان و ویژگی‌ها و خصوصیات اخلاقی ایشان بیشتر سخن بگوئید.

آن چه در ابتدا جلب توجه می‌کرد در ایشان همان اتکال به خدا در طول همه این سال‌ها بود. در این ۶۰ سالی که این همه پژوهش از خود به جا گذاشته است هیچ وابستگی‌ای به جایی نداشت و از این بعد یک انسان کاملی بود و اعتماد به نفس بالایی داشت. همواره در حول و حوش توان و مقدرات خود گام برمی‌داشت و از یک مناعت طبع ویژه‌ای برخوردار بود.

بارها می‌شد که من که با ایشان معاشرت داشتم می‌گفتم اجازه می‌دهید با برخی بیوت و آقایان که این همه کتاب می‌گیرند و برای مطالعه و اطلاع محققین نشر می‌کنند، تماس بگیرم که دوره‌هایی از کتاب‌های شما را بگیرند و توزیع کنند، و ایشان پاسخش منفی بود. می‌گفتند که به هر حال این کتاب‌ها به آن‌ها می‌رسد و من در نمایشگاه شرکت می‌کنم و اگر به هر حال دیدند و خواستند از این مؤلفات استفاده کنند، از وزارت ارشاد گرفته تا دیگران، خب استفاده کنند. می‌گفتند که من خدمت این همه علما و مراجع در نجف، در قم، در مشهد رفتم هرگز برای چاپ و نشر کتاب‌هایم از آن‌ها تقاضایی نکردم. ایشان از چنین مناعت طبعی برخوردار بودند.

می‌گفتم: پس شما برای چاپ کتاب‌هایتان چه کار می‌کنید؟ می‌گفت: یک دوره را که چاپ کردم خودش جای خودش را باز می‌کند و خریدار دارد و از محل فروش آن‌ها مبالغی در اختیار من قرار می‌گیرد که من آن را برای چاپ کتاب‌های دیگرم استفاده می‌کنم.

البته این به این معنا نیست که بزرگان ما توجه نداشتند. اتفاقاً عنایت داشتند و کتاب‌های ایشان خریده می‌شد. من خودم دوره‌های زیادی از تاریخ خراسان ایشان را و یا مسند امام صادق (ع) و مسند امیرالمؤمنین (ع) را که هر کدام متجاوز از ۲۵ جلد بودند به تعداد زیادی از ایشان گرفتم و در اختیار کتابخانه‌ها گذاشتیم، اما شخصاً این گونه فردی بود که منبع الطبع بود و خودشان می‌گفتند که من نزدیک به بیوت علما، بزرگان و مراجع نشده‌ام برای این که کتاب‌های خودم را به آن‌ها عرضه بدارم یا از آن‌ها مساعدتی طلب کنم.

خب این خیلی مهم است و واقعاً کم هستند کسانی که این گونه خاموش و این همه پرکار باشند. واقعاً به حق ایشان دانشمندی پارسا، محقق‌ی مهدب، فعال و پرکار بود. من کمتر کسی را دیدم که صبح و ظهر و شباش را به غیر از ایام

روزی آقای محترمی کنار من نشسته بود و با هم احوالپرسی کردیم. ایشان که معلوم بود اهل تحقیق است از من پرسید که چه می‌کنید و من هم گفتم که کارم این است و سابقه‌ام این است و ... ایشان گفت که من شما را اهل تحقیق می‌بینم و خوب است که اگر دوست دارید بیایید و با من هم همکاری کنید. آقای عطاردی می‌گفت که او برای من بسیار راهگشا بود. من از مرحوم عطاردی پرسیدم که ایشان که بود و او گفت که مرحوم استاد علی‌اکبر غفاری. مرحوم غفاری از افاضل عصر بود و تألیفات فراوانی دارد و واقعاً شخصیت بسیار بزرگی است که دارای تحقیقات عمیقی است.

ایشان نقل کردند که با مرحوم غفاری که آشنا شدند نتیجه‌اش این شد که از آن زمان به عرصه تحقیق وارد بشود و اولین کارهایش را هم با ایشان در زمینه «تحف‌العقول» و «اصول کافی» و امثال این‌ها شروع کرد. بعد هم که تألیفی در مورد حضرت عبدالعظیم حسنی انجام دادند، تا به امروز که می‌بینیم که ایشان یکی از کسانی است که ۶۰ سال در مسیر تحقیق زحمت کشیدند.

به قول یکی از دوستان می‌گفت که علما و بزرگانی که در حوزه تلاش می‌کنند و سال‌ها زحمت می‌کشند و معروف می‌شوند و به عنوان مرجع تقلید شناخته می‌شوند و به حد بالای مرجعیت می‌رسند، عموم مردم و جوامع و حوزه‌های علمیه و امت اسلامی از آن‌ها بهره می‌گیرند و پرآوازه می‌شوند، اما کسانی که دنبال تحقیق‌اند و بدون آوازه و گمنام کار می‌کنند، خب مردم کمتر از وضع این‌ها اطلاع دارند. این‌ها در واقع مراجع تحقیقات هستند که بیشتر اهل فضل و علم از این‌ها استفاده می‌کنند. مرحوم آیت‌الله عطاردی جزء آن مراجع تحقیق بود در عین این که در تحقیق و تصحیح و ترجمه و تألیف صاحب سبک بود، واقعاً ناشناخته بود.

واقعاً حتی علما و فضایی اهل علم و محصلین در حوزه‌های علمیه نجف، قم، مشهد و حتی خراسانی‌ها و قوچانی‌های خود ما هم کمتر از عمق تحقیقات و تألیفات ایشان اطلاع داشتند. بله، می‌شنیدند که ایشان کتاب‌های زیادی تألیف کرده است اما کمتر به عمق و تبحر و دقت و فضل ایشان توجه داشتند و واقعاً یک استاد گمنامی بودند و خدا رحمت‌شان کند.

در صورتی که حضرت آیت‌الله عطاردی قوچانی را در واقع به پشتوانه ۶۰ سال تلاش علمی، تحقیقاتی و مطالعاتی عمیق و دقیق‌شان باید به حق یکی از عالمان و محققان و پژوهشگران برجسته قرن معاصر نامید.

هم در شرح نهج البلاغه است، بررسی کرده‌اند. ایشان همچنین در زمینه اسناد نهج البلاغه کار کرده‌اند و همین طور در مورد کسانی که قبل از سید رضی کلمات مولی امیرالمؤمنین (ع) را گردآوری کرده‌اند تحقیق مهمی انجام داده است، همین طور سه جلد امیرالمؤمنین (ع) و نهج البلاغه دارند. خب این‌ها زمان می‌برد و کارهای مهمی هم هست. این مرد بزرگ هم در مورد قرآن کریم و هم در رابطه با نهج البلاغه که مثل تفسیر قرآن قدرش در نزد ما مهجور است، کار کرد و در همه این عرصه‌ها وارد شده است.

در عرصه درایه و رجال تحقیقات زیادی داشتند. در بخش علوم ادبی چه عربی و چه فارسی تألیفات زیادی دارند. در زمینه‌های روایت و حدیث که ملاحظه می‌کنید مسانیدی که تدوین کرده‌اند تقریباً ۹۹ جلد شده است. به ویژه در مورد حضرت ثامن الحجج که خودشان هم در آن آستان نشو نما کرده‌اند و از برکات انوار تابناک رضوی بهره برده‌اند کارهای بسیار خوبی کرده‌اند و علاوه بر مسند الرضا (ع) دعاها و زیارت‌های ایشان، جوامع الحکمی از امام رضا (ع) و کارهای فوق العاده دیگری را هم انجام داده‌اند.

ایشان در زمینه لغت، رجال تاج العروس را پرداخته‌اند و کاری در مورد احادیثی که غریب است و در تاج العروس آمده است، دارند. می‌دانید تاج العروس از کتاب‌های مهم لغوی است که خیلی‌ها از بزرگان ما در زمینه‌های مختلف از آن استفاده کرده‌اند. ایشان حتی یک جلد کتاب در مورد لغات فارسی معرب شده در تاج العروس دارد و به هر حال حدود ۷۶ جلد در این زمینه لغوی و در رابطه با این مسائل ایشان کتاب دارد.

عبادی و استراحت اندکش این همه صرف در کتابت و تحقیق و تألیف داشته باشد و عجیب در زندگی هم انسان قانعی بود.

ما دوستانی که گاهی با هم می‌رفتیم تعجب می‌کردیم که در این منزل محقر اما این همه پرثمر و پرفایده هستند. ایشان احتیاج به تعریف ندارد و من کسی نیستم که بخواهم از ایشان تجلیل کنم، اما چون با ایشان معاشر بودم می‌دانم که واقعاً حاصل ۶۰ سال تحقیق، تصحیح، تألیف، ترجمه، در حوزه‌های مختلف که بیش از ۱۶۰ جلد کتاب بوده است خیلی مهم است. اصلاً یک چیز غریبی است که کسی بتواند در این ۶۰ سال تحقیق این همه در ابعاد مختلف تولید علمی کند. بد نیست که مروری هم بر آثار ایشان داشته باشیم.

بله بفرمائید!

ایشان در مجال تفسیر قرآن کریم زحمت فوق العاده‌ای کشیدند و تفاسیری که نیاز داشته است تعلیق داشته باشد و احیاناً تصحیحی لازم داشته است خب ایشان زحمت کشیدند و بعضی از این‌ها را کار کردند. ایشان در این زمینه حدود ۸،۷ جلد کتاب دارند. بعضی از این تفسیرها را من هم قبلاً دیده بودم تفسیرهای مهمی بود و ایشان زحمت تصحیح و چاپ آن‌ها را کشیدند.

در رابطه با نهج البلاغه هم چه زحماتی کشیدند و چه تلاش‌هایی کردند. در این زمینه هم تصحیح دارند، هم تحقیق دارند، هم تألیف دارند و هم ترجمه. ایشان اعلام نهج البلاغه را که سرخسی نوشته است بررسی کرده‌اند، دو جلد منهاج البلاغه را که شرح نهج البلاغه است، دو جلد حدائق الحقائق را که این





همه این کارها که به فارسی و عربی در ۷۰ عنوان در ۱۶۰ جلد چاپ و منتشر شده است کار کوچکی نیست و کار بزرگی است که این مرد بزرگ در طول عمر شریفشان انجام داده بودند.

علاوه بر همه اینها ایشان بسیاری مخطوطات داشتند که من که خدمتشان رسیدم گفتند که اگر خدا به من عمری بدهد آنها را چاپ می‌کنم. علیرغم این که ایشان هر هفته سه روز دیالیز می‌شدند من می‌دیدم که در همان حال دیالیز نوشته‌های خودشان را تصحیح می‌کردند که برای چاپ آماده شود. ایشان تعبیر جالبی داشت و می‌گفت که اصلاً فرصت تجدید نظر در نوشته‌هایم ندارم. همان وقتی که می‌خواست کتابها چاپ شود نگاهی می‌انداخت؛ به جز آن دو جلدی که مربوط به قوچان بود و می‌گفت که آنها را یک مرور دوباره‌ای دارم می‌کنم که آماده برای چاپ شود.

از دیگر کارهای ایشان هم می‌شود به تحقیقی در رابطه با حرمین شریفین، کعبه مشرفه و حرم خاتم الانبیاء(ص) و مخطوطاتی که در این حرمین شریفین هست، تحقیقاتی در تراجم اشخاص، برای مثال مشایخ فقه و حدیث در جماران و کلین و درشت که موضوعی مغفول عنه بوده است و ایشان به خصوص به این پرداخته‌اند، اشاره کرد. در زمینه‌های تاریخی هم خیلی زیاد کار کرده است از تاریخ خراسان که کار اصلی ایشان در حوزه تاریخ بود گرفته تا تاریخ و اخبار قزوین.

کتابهای مهمی را هم ترجمه کردند مثل العارات، مثل زندگی معصوم(ع) که مربوط به اعلام الوری است یا ترجمه ایمان و کفر بحار الانوار که خودش دو جلد است، یا تاریخ عاشورا، یا در رابطه با زید بن علی بن الحسین(ع)، حدیث کسا از طرق اهل سنت، مواظ صدوق در اخلاقیات، مشکوٰۃ الانوار در اخلاق و مواظ، ادعیه مهم مثل دعای کمیل و ابوحمزه ثمالی. در مجموع

می آمده‌اند و در هر حال مطالبی را می‌گفتند که نشانگر ارتباط مداوم ایشان با فعالیت‌های انقلابی بود. از طرف دیگر هم ارادتی بود که به حضرت امام داشتند.

بعد از انقلاب و از وقتی که حضرت امام به ایران برگشتند و بعد از معالجاتی که صورت گرفت و در جماران مستقر شدند، آیت الله عطاردی هم که در امامزاده قاسم ساکن بودند ارتباط ما بیشتر شد و شاید هر دو هفته ایشان را می‌دیدم و مخصوصاً در کلیه جلساتی که ما برای ماه رمضان داشتیم شرکت می‌کردند، همین طور در مجالس اربعین اباعبدالله، در فاطمیه، در رحلت پیامبر (ص) و شهادت حضرت علی بن موسی الرضا (ع) شرکت می‌کردند و ارتباطات مان زیاد بود.

در رفت و آمدهایی که با این بزرگوار داشتیم همیشه من از راهنمایی‌های ایشان در دوران حضرت امام بهره می‌بردم و همچنین در بعد از رحلت امام عزیزمان در دوران رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای هم ایشان تأکید داشتند بر این که به هر حال باید ایشان از همه جهات مورد حمایت قرار بگیرند که انشاءالله کار به سامان برسد و علاقه‌مند بودند و ارادت داشتند به ایشان. بر اساس آشنایی‌هایی که از قبل داشتند نظرشان بر این بود که همان طوری که ما در مسیر رهبری امام امت بودیم باید در تأیید و پشتیبانی و همراهی با رهبر معظم انقلاب هم گام‌های مؤثری برداریم.

به هر حال ایشان یک شخصیت مؤمن متعهد، انقلابی، آگاه و یک محقق ارزشمندی بود که می‌توانست اگر چنانچه این دهه را هم به پایان می‌رساند باز هم تألیفات مثمر ثمری از خودشان به یادگار بگذارد.

ما از خداوند متعال برای این دانشمند پارسا، این محقق مهذب، این مرد پرکار و متواضع از خداوند متعال علو درجات می‌خواهیم و امیدواریم که در این مرکزی که ایشان وقف کرده‌اند و محل تحقیقات است انشاءالله دوستان موفق شوند بقیه آثار و مخطوطاتی را که ایشان دارند چاپ و منتشر کنند. برای برادر عزیز و گرمی‌مان استاد عالیقدر جناب آقای عبداللهمیان و همچنین برادر گرمی و عزیز و انقلابی‌مان جناب آقای نوراللهیان که فوق‌العاده پیگیر مسائل ایشان هستند آرزوی توفیق می‌کنیم که بتوانند به همکاری فرزندان بزرگوار، و دامادهای عزیز و خانواده مکرم مرحوم آیت الله عطاردی که عمری در تألیفات و تحقیقات در کنار این مرد بزرگ بودند این آثار و مخطوطات به جا مانده از ایشان را سامان بدهند تا انشاءالله برای حوزه‌های علمیه و برای اهل تحقیق مفید فایده قرار بگیرد.

اگر مطلبی، خاطره‌ای، نکته‌ای در مورد ایشان یا در مورد دیگر جنبه‌های زندگی ایشان باقی مانده است بفرمائید.

استاد عطاردی از نظر شخصیتی عالم خیلی فرزانه‌ای بود که واقعاً متواضع و فروتن بود و در این زمینه واقعاً مثال زدنی. من هیچ ادعایی از ایشان در باب علم و فضل و کمال نشنیدم. من از ایشان کلام منفی نسبت به کسی نشنیدم. اگر وقتی صحبت تحقیق یا امثال این‌ها می‌شد بله می‌گفت که فلانی چه تحقیقاتی و چه آثاری دارد و برای مثال چقدر عمیق است و چقدر نیست؛ آن‌ها از باب یک نظر محققانه بود، اما نظر تنقیمی نداشت. یا بعضی‌ها را خرده می‌گرفت به این معنا که عمری را گذاشتند و با این فضل و کمال حق بود و به جا بود که در عرصه‌ها مختلف علمی از خودشان اثری می‌گذاشتند. نباید به دور از واقعیت حرف بزنم. از خود من هم خیلی گله‌مند بودند که این همه در این چند سال چه در قبل از انقلاب، چه بعد از انقلاب و چه در رابطه با انقلاب و چه مربوط به اساتیدی که داشتید مباحث علمی فراوانی که داشتید، چرا این‌ها را به رشته تحریر نداشتید و من بعضی از آن‌ها را خدمت‌شان عرضه داشتیم و ایشان اصرار داشت که من این‌ها را وقت بگذارم و منظم کنم و چاپ بشود که انشاءالله بعضی از آن‌ها به لطف الهی در آینده شاید آماده چاپ و به هموطنان عزیزمان ارائه شود.

ایشان از اخلاص بالایی هم برخوردار بود. نسبت به انقلاب هم باید عرض کنم که می‌دانید که ایشان در طول دوران مبارزات هم به هر حال به دلیل آن شناخت عمیقی که داشت همیشه از بزرگانی که همراهشان بود و به هر حال از نظر سنی از آن‌ها بیشتر بود، یاد می‌کردند. برای مثال از میان کسانی که همراهشان بودند ارتباط بسیار خوبی با مرحوم آیت الله مرتضی مطهری داشتند و از ایشان چقدر به بزرگی و به سلامت در فکر در عرصه عمل و اندیشه یاد می‌کردند. با ایشان خیلی ارتباط داشتند؛ مخصوصاً در دوران مبارزات در مسجدالجمود (ع) که کانونی برای پیگیری این مسائل بوده است.

همین طور به دلیل وصلتی هم که داشته است در این جریانات بودند. خانم ایشان برادرزاده شهید بزرگوارمان رئیس جمهور شهید، شهید رجایی است. خب ایشان هم تعاریف خاصی دارند از جهت علمی و عملی و نقشی که ایشان در به اصطلاح مبارزات داشتند و به تعبیر ایشان کارهایشان را بدون سر و صدا انجام می‌داده‌اند.

می‌گفتند که آن روزها و حتی قبل از آن ایام ارتباطی با رهبر معظم انقلاب و با آیت الله واعظ طبعی داشته‌اند، که به تهران

امتیازات مسانید آیت الله عطاردی

حجت الاسلام والمسلمین محمدکاظم رحمان ستایش که از سال ۶۰ فراگیری دروس حوزوی را آغاز کرده، تاکنون با موسسات پژوهشی متعددی نظیر پژوهشکده فقه و حقوق و موسسه دارالحدیث همکاری داشته و صاحب آثار بسیاری در زمینه فقه، اصول، حدیث و رجال است.

۱۰۲

روایت شریف «اذامات العالم تلم فی الاسلام ثلثة لایسدها شیء» معنایش این است که هر کسی جایگاه وجودی خودش را دارد و هیچ کس دیگر جایگزین او نیست. هر عالم جدیدی، جای خودش است نه جای عالمان دیگر. این روایت هم معنایش این است که خللی در اسلام به وجود می آید که قابل پر شدن نیست؛ لذا در تکریمها و تجلیلها جهت دهی باید مورد بررسی قرار گیرد و در این برنامهها آن چه باید به نسل جوان خودمان منتقل کنیم این است که این مطالب بتواند انگیزهها و رهنمونهایی برای آنها باشد. من در موارد و اقشار مختلف دیده ام که اشخاصی از جوانها وقتی که شرح حال زندگی یک انسان موفق را می خوانند به صورت جدی تحت تأثیر قرار می گیرند و نسبت به خودشان و اتلاف وقت و عمرشان نادم و پشیمان می شوند، که از این جهت بسیار متناسب است.

نکته دیگر این است که علم، مرز و جنس و قومیت ندارد، هر گاه از بزرگی تکریم شود، تکریم معلمی برای بشریت است، نه صرفاً تکریم اسلام و مسلمین. کسانی که در تاریخ و جغرافیای کشورهای اسلامی کار کرده اند، اگر چه مسلمان نبوده اند، اما خدماتشان از حیث معلم بودن باید مورد تکریم و تقدیر قرار گیرد. کلیه معلمان بشریت نیز همانند معلمان آموزش و پرورش باید مورد تقدیر قرار گیرد. امروزه بسیاری از نهادهای جهانی، بدون در نظر گرفتن این نکته که شخص دارای چه ملیت، قومیت مذهب و... است، نگاه انسانی به شخص و فعالیت هایش می کنند و او را تکریم می کنند. ما هم می توانیم چنین نگرشی را داشته باشیم.

مسندنویسی در بین مسلمانان

در نگارش حدیث، دو شیوه مورد استفاده قرار گرفته که از لحاظ زمانی به این ترتیب ظهور کرد؛ شیوه اول این بود که، احادیث بدون در نظر گرفتن موضوع و محتوا بررسی می شد یعنی با در کنار هم قرار دادن احادیثی که یک نفر نقل کرده است، آن را دسته بندی و نگارش کرده اند، که به این شیوه مسندنویسی می گفته اند. در این شیوه ملاک قرار گرفتن روایات، راوی آن روایت است نه محتوای آن، بر اساس معنای اولیه، اصطلاح مسند این است که به مجموعه روایاتی که همراه با سند از پیامبر نقل می شود مسند گفته می شود.

کتابهای جامعی که در حوزه سند نوشته می شد روایات مختلف راویان متعدد را کنار هم قرار داد و کتابهای جامعی به عنوان مسند ارائه کرد. این شیوه، اولین شیوه تألیفی در تدوین حدیث در حوزه حدیثی است. به این ترتیب که بسیاری از نویسندگان کتب حدیث، روایات یک راوی را جمع کرده، گاه این روایات به عنوان یک جزء حدیثی شناخته می شد. جزء حدیثی به مجموعه احادیثی که فقط در یک موضوع یا از یک راوی نقل می کنند، گفته می شود.



نکته و فایده مسند را عرض می‌کنم:

فایده اول این که ما در حوزه مطالعه اندیشه‌های مطرح در عصر هر یک از ائمه، نیازمند مطالعه هستیم یعنی باید توجه داشته باشیم که امام علی -علیه‌السلام- در چه شرایطی این مطالب را درباره توحید یا عجایب خلقت طاووس گفته است. بخش عمده این مطالب را با مطالعه زمان، شرایط اندیشه و فرهنگ آن زمان می‌توان پاسخ دهد. شناخت این فرهنگ، در صورتی که ما به صورت جامع کلمات یک امام را در اختیار داشته باشیم، بسیار راحت‌تر و مناسب‌تر است؛ مثلاً وقتی می‌بینید اشخاص متعددی مسئله‌ای را درباره یک موضوع از امامی پرسیده‌اند، ولی از امام قبلی و بعدی آن نپرسیده‌اند، مثلاً درباره جبر و تفویض در کلمات ائمه اول کسی را که در این زمینه به صراحت پرسیده و پاسخ گرفته باشد، نداریم، اما در دوره‌ای وابسته به شناخت فرهنگی و اندیشه‌های مطرح در عصر هر یک از ائمه است.

اثر شرایط سیاسی اجتماعی بر شناخت روایات

شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در شناخت مفهوم روایات موثر است؛ لذا مسندها می‌تواند یک ابزار جدی در مطالعه، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مطرح آن زمان ایجاد کند. به عنوان مطلبی را که شاید تعجب‌آور هم باشد عرض کنم و آن هم سؤالی است که از امام علی -علیه‌السلام- کرده‌اند که، آیا کدو ذبح می‌شود یا نه؟ این سوال برای ما مضحک و خنده‌آور است، ولی وقتی مطالعه می‌کنید می‌بینید که عمرو عاص در یکی از اقداماتش به معاویه می‌گوید: این مردم شام بسیار جاهلند و همه چیز را باور می‌کنند و برای امتحان کردن آن‌ها به آن‌ها گفت «الکدو یذبح». بعد از این ماجرا مردی در کوفه خدمت امام علی -علیه‌السلام- آمد و پرسید: آیا کدو ذبح می‌شود و حضرت پاسخ دادند: خیر و در آنجا مطلب طولانی را در این زمینه فرمودند.

فایده دوم این است که در اسناد و روایات منقول از ائمه روایاتی وجود دارند که به عنوان اصحاب روایت امام شناخته می‌شود. امروز با توجه به مسندهای موجود می‌توانیم رجال جدیدی که دارای روایت و از اصحاب امام هستند را بنویسیم و نه یک سری از اسامی که معلوم نیست این‌ها کجا هستند، روایت دارند و یا نه و چه وضعیت رجالی دارند. مرحوم شیخ طوسی در کتاب رجالش اسامی راویان هر امام را آورده است، اما امروز با جست و جو متوجه می‌شویم که برخی از این افراد روایتی در کتب روایی ما ندارند. از سوی دیگر نام همه روایاتی که نقل کرده‌اند در کتب رجال نیامده است، به معنای دیگر آن چه ما به

در عصر اول تدوین حدیث در دوره عمر بن عبدالعزیز، با کنار هم قرار گرفتن این اجزاء، کتاب‌های مسند تشکیل شد. این مسندها با وجود پیشرفت در جهت تدوین حدیث، دارای مشکلی اساسی بود و آن این که کسانی که به دنبال یک حدیث، در موضوع خاص بودند، باید هر حدیثی را در جایی جست و جو می‌کردند. طریق یافتن حدیث در کتاب‌های مسند در مرحله اول شناخت راوی بود و در مرحله بعد جست و جو در مسند آن راوی بود که این شیوه نیز دارای مشکل بود؛ مثلاً اگر برای یک موضوع خاص ده روایت از ده راوی موجود بود، باید برای هر روایت در یک کتاب جست و جو می‌کرد؛ لذا در عصر بعد از مسند نگاری‌های جدید، این تبویب و تنظیم موضوعی کتب حدیث هم متداول شد تا آنجا که منابع حدیثی مهم بین شیعه و اهل سنت، بر اساس تبویب موضوع تدوین شده است.

برخی از مسانید بین مسند نویسی و موضوع نگاری جمع کرده‌اند که قدیمی‌ترین مسندی که به این سبک نوشته شده، مسند «بقی بن مخلد» است. این کتاب هم مسند است و هم تبویب موضوعی را حفظ کرده است. این کتاب بزرگترین کتاب مسند با ویژگی‌های خاص خودش بوده که از دست رفته، اما مطالب آن موجود است. نکته قابل توجه این است که هم در میان شیعه و اهل سنت، به لحاظ تاریخی، اول مسندنگاری و بعد موضوع نویسی متداول شده است، اگر چه نام آن متفاوت است.

در شیعه به آن جزءها اصل می‌گفتند و به مجموعه‌ای از این اصول، کتاب گفته می‌شد و کتاب به مطالبی که به صورت موضوعی و منظم و مبوب می‌شد می‌گفتند. در عصر پس از ائمه این کتاب‌ها کنار هم قرار گرفت و جوامع حدیثی نوشته شد؛ لذا وقتی به جوامع حدیثی مثل «کافی» مراجعه می‌کنید به ابواب آن‌ها را تحت عنوان «کتاب» می‌بینید مانند کتاب العقل و الجهل، کتاب العلم و کتاب التوحید. البته کتاب هم بین شیعه و هم اهل سنت متداول بوده است.

مسندنویسی؛ عقب‌گرد یا حایز فواید علمی؟

ما در دوره‌ای، از مسندنویسی به موضوع‌نگاری روی آوردیم و سوال این است که چرا بعد از چندین قرن دوباره به مسند نویسی بازگشته‌ایم و چه فایده‌ای دارد و آیا این کار عقب‌گرد نیست؟ در پاسخ باید این نکته را متذکر شوم که اگر چه مسندها به لحاظ کاربرد عمومی دارای مشکلاتی هستند ولی به لحاظ علمی، فوایدی نیز دارد. موارد متعددی از کاربردهای علمی مسند نویسی در عصر حاضر را در مقاله‌ای به نام «نیم‌نگاهی به مسانید اهل بیت» در یادنامه استاد عطاردی نوشته‌ام. اما در اینجا چند

عنوان کتب رجالی داریم به صورت کامل منطبق با راویان موجود در روایات نیست. با تألیف مسندها کسانی که واقعاً راوی هستند، مشخص می‌شوند. پس فایده دوم این است که ما با این کار رجالی کارآمد داریم و فوایدی را که از آن نیاز داریم به ما می‌رساند و نه اسامی بی‌مناسبت.

فایده مسندنگاری در شناخت زاویه دید امام معصوم (ع)

فایده سوم مسندنگاری این است که ما وقتی زندگی ائمه و خصوصیات هر امام را مطالعه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که بخشی اطلاعات تاریخی در کتب تاریخی آمده است. لکن نکته مورد توجه این است که زاویه دید امام را ببینیم. ما معتقدیم که «ائمه کلهم نور واحد» هستند و یک نورند اما این نور تجلیات متعدد دارد و این نور در امام علی - علیه‌السلام - امام حسین - علیه‌السلام - امام صادق - علیه‌السلام - و هر کدام از ائمه به نحوی تجلی کرده است. با شناخت این تجلیات، متوجه خصوصیات می‌شویم که در عملکرد هر امام وجود دارد می‌شویم که با یکدیگر متفاوت هستند و در واقع می‌توانیم امام شناسی کنیم و زاویه عملکرد هر امامی را به طور منسجم پیدا کنیم.

دلیل وجود شبهات درباره عملکرد هر یک از ائمه این است که تصور می‌کنیم روایاتی که از ائمه شنیده‌ایم مانند یکدیگرند و جزئیات و ویژگی‌های مطالب را در نظر نگرفته‌ایم اما اگر عملکرد هر امام را تشریح کنیم، بسیاری از شبهات قابل رفع و حل است؛ مثلاً در زمان امام صادق - علیه‌السلام - شخصی به امام اعتراض کرد که چرا بر علیه ظلم قیام نمی‌کنید؟ امام با توجه به گوسفندانی که در آن نزدیکی بودند پاسخ دادند که اگر من به تعداد این گوسفندان یاور داشتم، قیام می‌کردم، وقتی گوسفندها را شمارش

کردند متوجه شدند که ۱۷ گوسفند است یعنی حضرت می‌خواستند بگویند که اگر ۱۷ تار و فادار داشتیم، قیام می‌کردم.

دلیل بسیاری از عملکردهای امام صادق - علیه‌السلام - را متوجه می‌شویم که به عنوان مثال چرا امام صادق - علیه‌السلام - قیام نکرد و حتی با حکومت نیز ارتباط داشته است و منصور، امام را فرا می‌خوانده و با ایشان صحبت می‌کرده است؟ و یا این نکته که چرا امام صادق - علیه‌السلام - نام منصور دوانیقی را در لیست اوصیاءشان، به عنوان یک وصی می‌آورد؟ با مطالعه جامع روایات امام صادق - علیه‌السلام - متوجه می‌شویم که امام صادق خواستند با این روش تقیه کرده و وصی واقعی خودشان را مخفی کنند تا جان سالم به در ببرند.

ایشان به شکلی در حکومت جنبش می‌کردند که همه می‌دانستند منصور عباسی، وصی واقعی حضرت نیست اما در لابه‌لای این جمع اسم او را هم آوردند تا این چنین قلمداد نشود که این لیست اوصیاء، لیست کسانی است که سرکردگان فکر تشیع در آن عصرند و در واقع این بود که حضرت اگر این تمهید را نمی‌کردند، انگار لیست یاران واقعی خود را در اختیار حکومت قرار داده‌اند و این کار خلاف احتیاط بود و این از فواید مسند نگاری است.

تلقی درایه‌نگاران از مسندنگاری

نکته دیگر در مسند نگاری این است که در زمان قدیم حدیث مسند، حدیثی را می‌گفتند که با سند از پیامبر (ص) نقل شود. اما بعدها درایه‌نگاران اهل سنت و شیعه از حدیث مسند تعریف دیگری را ارائه کردند و مسند نگاران به حدیثی مسند می‌گفتند که سندش متصل بود حتی اگر این اتصال به صحابی می‌رسید و این مطلب در مسند احمد بن حنبل که از مسندهای مهم است وجود دارد و در واقع نوعی عدول از تعریف آن است. در واقع مسند را به حدیث متصل نازل داده‌اند و تفاوت این دو در این است که مسند احادیثی است که با سند متصل از پیامبر (ص) نقل شود اما حدیث متصل آن است که در سند اتصال داشته باشد و فرقی نمی‌کند که از چه کسی نقل شده باشد. اما با وجود این توسعه در نگرش، ذکر احادیثی درباره آن فردی که مسند وی را می‌نویسیم، جزئی از مسند نیست.

سه بخش در مسندات آیت‌الله عطار دی

در مسندهایی که آقای عطار دی تألیف کرده‌اند سه بخش وجود دارد: بخش اول آن چه که مربوط به تاریخ امام و ویژگی‌های آن امام است، بخش دوم روایاتی که آن امام فرموده‌اند و بخش سوم رجالی که به عنوان اصحاب ائمه آن روایات را نقل کرده‌اند. بخش اول روایاتی درباره امامت، خصوصیات و ویژگی‌های آن امام است که به صورت



امام علی - علیه‌السلام - است که از حیث بلاغت در درجه بالایی بوده و توسط سیدرضی گردآوری شده است. همیشه این بحث مطرح بوده است که متن اصلی این خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها به صورت کامل در کجا قرار دارد. این بحث از سالیان دور مورد توجه قرار گرفته است. حتی یکی از محققان معاصر آقای «سیدصادق موسوی» کتابی به نام «تمام نهج‌البلاغه» تألیف کرده است و متن‌هایی را که از داخل آن‌ها گزینش صورت گرفته، به صورت کامل آورده است. مرحوم «عبدالزهر الحسینی الخطیب» نیز کتاب «مصادر نهج‌البلاغه» را نوشته است.

آقای عطاردی در مسند به صورت پراکنده این کار را انجام داده است یعنی تمامی کلماتی که به صورت خطبه، نامه یا کلمه قصار از حضرت نقل می‌شده جمع‌آوری کرده و در حین این جمع‌آوری متن کامل را آورده است؛ لذا در دل مسند امام علی - علیه‌السلام - مستدرک نهج‌البلاغه وجود دارد که از جهت محتوا در اینجا نقل شده است. ناگفته نماند که شیخ «محمد باقر محمودی» با زحمت فراوان کتاب «مستدرک نهج‌البلاغه» را نوشته‌اند و آقای عطاردی در ضمن آوردن مطالب این کتاب، مطالب جدیدی را هم یافته و به این محتوا افزوده‌اند.

دشواری‌های مسندنویسی

مسند نویسی شاید در ابتدای کاری ساده به نظر بیاید ولی از مشکلات زیادی برخوردار است؛ یکی از مشکلات برای مسند نویس این است که کتاب‌ها و منابع متعددی را باید تفحص کند برخی از مسندها کم حجم‌اند. آقای عطاردی تقریباً ۸۰ منبع دارد منظوم از ذکر عدد این است که برخی از عناوین دارای مجلدات زیاد است. این منابع درباره مسند امام علی - علیه‌السلام - بیشتر هم می‌شود. به این دلیل که از حضرت علی - علیه‌السلام - روایات فراوانی از شیعه و اهل سنت نقل شده است و

مستقیم جزء مسند نیست، لکن مطالبی است که از کتب تاریخ و حدیث درباره حضرت نقل شده است؛ به عنوان مثال در مسند امام رضا - علیه‌السلام - شاید روایاتی را از پیامبر (ص) درباره امام رضا ببیند یا از سایر ائمه درباره امام بعدی آن جا که می‌خواهند تصریح به امامت امام بعدی کنند و آقای عطاردی این روایات را در مسندی آورده که درباره آن امام صحبت می‌کند و اگر امام صادق - علیه‌السلام - درباره امام کاظم - علیه‌السلام - مطالبی را

گفته‌اند این باید در مسند امام صادق - علیه‌السلام - باشد، اما ایشان به تناسب این که هم شخصیت و هم روایات و هم راویان هر امام را در هر یک از مسندها جمع کند، این کار را انجام داده است که این سه بخش را تنظیم کند.

امتیاز دیگر مسانید ایشان، توسعه ایشان در نقل از کتب تاریخ است، در حالی که کتاب‌های تاریخ به صورت رسمی، به عنوان منبع مسند شناخته نمی‌شود و نمی‌توانیم آن‌ها را در این مجموعه بگنجانیم، اما به دلیل تناسب آورده شده است. مسند به اصطلاح رسمی فقط بخش دوم کتاب ایشان است که روایاتی است که از آن امام نقل شده است.

نکته دیگر در رابطه با اعتبار روایات مسندها است که در مسندها، صحت

روایات شرط نشده است، یعنی؛ مسند نگار در هیچ جا

در موارد خاص متعهد نیست که روایات را ارزیابی کرده و بعد آن روایات را نقل کند. در مسندهای آقای عطاردی این مطلب وجود دارد که ادعایی درباره صحت روایات نشده است و لکن نوعی گزینش در کار ایشان دیده می‌شود و مواردی را که به وضوح غیر واقعی بودن آن معلوم است نیاورده است و مطالبی را که احتمال صدق آن‌ها وجود دارد در کتاب هایش نقل می‌کند. در خصوص مسند امام علی علیه‌السلام - نکته مهمی که باید مورد توجه قرار بگیرد این است که ما نوعی از مسند را در اختیار داریم که وسیع تر از مسند است و تعریف مسند بر آن صادق نیست و بیشتر به نهج‌البلاغه شباهت دارد.

نهج‌البلاغه‌ای که امروزه در اختیار داریم، در واقع جمع‌آوری منتخبی از روایات



مقدار زیادی از این روایات در منابع اهل سنت پراکنده است اما از برخی ائمه در منابع اهل سنت روایتی نقل نشده است.

علی القاعده تتبع موردی و صفحه به صفحه روایات یک امام و پس از آن استخراج موارد تکراری یعنی روایاتی که با سند های مختلف از یک امام نقل شده است و ذکر مصدر اول و رها کردن بقیه مصادر، از مشکلات است.

به بیان دیگر در تألیف هر یک از مسانید اگر ۸۰ مصدر را در هزار صفحه با توجه به تعداد صفحه ضرب کنیم باید ۸۰ هزار صفحه را مورد تفحص و جست و جو قرار دهیم تا احادیث استخراج شود پس از استخراج، مسأله بعدی، بحث فقه الحدیث و فهم حدیث مطرح می شود و بعد تبویب موضوعی به این معنا که هر موضوع در جای خودش قرار بگیرد و بعد در مجموعه مسند در باب مناسب با خودش ذکر شود. این مسیری است که باید در جهت تدوین یک مسند طی کرد، لذا در مرحله تتبع نیازمند دقت فراوانی هستیم که ممکن است آسیب های زیادی هم داشته باشد، مثلاً در مسیر فقه الحدیث و فهم حدیث باید دقت های بسیاری صورت بگیرد و در تبویب و چینش و همه مراحل امکان اشتباه وجود دارد.

نکته دیگری که از سختی های این کار است در بخش سوم رجال است. آقای عطاردی فقط به اطلاعات شیعه اکتفا نکرده اند بلکه اطلاعات مختصر و مفیدی از هر راوی را، از شیعه و اهل سنت هر دو، نقل کرده است، که این از نکات مهم است. در مواردی زیادی روایانی با اسامی متعدد از آن ها یاد شده است که ایشان در این موارد همه اسامی را به یک اسم برگردانده و شرح حال موجز و جامعی را از راوی ارائه کرده است. در این بخش کتاب رجال طوسی برای ایشان یک مصدر به کار برده می شده است اما تتبعات بیشتر ایشان در شناسایی راویان زیادی مفید است.

خطای متعارف مسندات

نکته آخر درباره مسانید این است که، خطای متعارفی در کتاب های مسند دیده می شود که آن خطا درباره کسانی از ائمه که دارای کنیه های مشترک هستند مثل امامانی که دارای کنیه ابوالحسن که مشترک بین سه نفر ابوجعفر که مشترک بین دو نفر و . . . وجود دارد و در مواردی که این کنیه ها اشتباهاتی را ایجاد می کرد که کدام یک مورد نظر بوده است. ما در کتاب هایی که به صورت مسند درباره ائمه در این اواخر نوشته شده است به اشتباهات زیادی از این قبیل برمی خوریم که روایات امامی را به جهت اشتراک کنیه، جا به جا کرده اند، آقای عطاردی انصافاً در این جهت کمترین اشتباه را انجام داده اند که این با استفاده

از اطلاعات رجالی میسر است و این از زحمات ایشان است. نکته ای که خود ایشان متعدد تصریح کرده اند این است که ایشان حدیث نگار نبوده اند. اساساً قصد حدیث نویسی از ابتدا نداشته اند و صرفاً برای خراسان پژوهشی خودشان به تعبیرشان از قبر امام رضا شروع کردند و تحقیقاتشان را تا تمامی خراسان توسعه دادند و در ابتدای امر به همین جهت روایات امام رضا -علیه السلام- را در حوزه فرهنگ خراسان جمع آوری کرده اند و اساساً قصد مسند نویسی به شکلی جامع را نداشته اند و بعد با تشویق های دیگران مسند اهل بیت را نوشتند.

با وجود این که نوشتن مسانید یک تقدیر الهی بوده است این مشکل ایجاد می شود که از ابتدا طرح جامع و کاملی مدنظر نبوده است که تتبع انجام شود شاید بسیاری از زحمتهایی که در این جهت کشیده اند ناشی از این امر بوده است و اگر دوره ای غیر از آن دوره ایشان کار کرده بودند می توانستند وسیع تر و دقیق تر از آنچه که موجود است را ارائه کنند. در هر صورت این ادعا را می توانیم بکنیم که، امروزه به این شکل، بدیلی از کتب شیعه به صورت جامع نداریم و این کار فواید خودش را رسانده و خواهد رساند. در خصوص مسند امام علی -علیه السلام- تذکر این نکته لازم است که دو مسند امام علی -علیه السلام- دیگر نیز به غیر از کتاب هایی که داخل مسندهای اهل سنت وجود دارد، موجود است؛ یکی مسند امام علی -علیه السلام- تألیف سید حسن قبانچی که توسط انتشارات اسوه منتشر شده است و یکی نیز مسند امام علی -علیه السلام- تألیف یوسف اوزبک است که از اهل سنت است. روایات امام علی -علیه السلام- را نیز از کتب اهل سنت جمع کرده است. با وجود این که تعداد و حجم روایات آن کتاب ها بالا است، تنها کاری که مولف کرده تهیه فیش هایی از خود کتاب ها بوده است به طوری که خطوط هم خاص همان کتاب است و متن همان کتاب را زیراکس کرده است و در یک صفحه شما خطوط متعددی را می بیند چرا که از اصل کتاب ها بریده است.

در هر صورت امروزه مسند جامعی نداریم و مسند آقای عطاردی به لحاظ جامعیت بر مسند آقای قبانچی با وجود محاسنش (با توجه به نکته ای که خود مولف در ابتدای آن گفته و آن کنار گذاشتن برخی از مصادر است) افضلیت دارد. نکته آخر درباره آقای عطاردی این است که کارهای ایشان را باید با خراسان مرتبط کرد. اگر «الغارات» را ترجمه کرده و یا شرح نهج البلاغه ای را که توسط نویسنده ناشناخته ای نوشته شده، تصحیح کرده است، دلیلش این است که با خراسان مرتبط بوده است.

ادای دین به نهج البلاغه

این محقق حوزوی عنوان کرد: وی اطلاعات تاریخی، رجالی و ... زیادی را از تاج العروس استخراج و چند کتاب از آن به دست آورده و از ویژگی‌های وی تحقیق میدانی و اکتفا نکردن به تحقیق کتابخانه‌ای بوده است.

ادای دین به نهج البلاغه

وی افزود: ترجمه برخی آثار همچنین انجام پژوهش‌هایی درباره نهج البلاغه مانند تصحیح و مقابله نهج البلاغه با نسخه‌های قرن پنجم و ششم، تصحیح و مقابله شرح نهج البلاغه تألیف قطب الدین راوندی کاشانی، تصحیح و مقابله شرح نهج البلاغه تألیف قطب الدین کیندزی بیهقی، تصحیح و مقابله شرح نهج البلاغه از علی بن ناصر سرخسی، تصحیح و مقابله شرح نهج البلاغه از اعلام قرن ششم هجری و تصحیح و مقابله کتاب التدوین فی اخبار قزوین تألیف رافعی قزوینی از جمله آثار ماندگار آن مرحوم است.

۱۰۷

عضوهیئت علمی مؤسسه دارالحدیث، ضمن تشریح اهمیت آثار متعدد آیت الله عطاردی پیرامون نهج البلاغه، سه ویژگی برجسته ایشان را تواضع، پشتکار و زهد برشمرد.

مستقل بودن کارهای بزرگ علمی را بدون اینکه بخواهد مرتکب چنین کارهایی شود به سرانجام رساند.

دبیر علمی کنگره بزرگداشت آیت الله عطاردی، زندگی زاهدانه را از دیگر ویژگی‌های ایشان دانست و بیان کرد: این محقق برجسته در زندگی خود، مخارج خانواده و در رفتار و تعامل با خانواده و فرزندان زندگی معمولی و متعارفی داشت و به هیچ وجه اهل تجمل نبود؛ مودب بود و اگر کسی کاری را انجام می‌داد، خودش را موظف می‌دانست از او تشکر کند.

وی ادامه داد: پشتکار و استفاده از وقت دیگر ویژگی ایشان بود؛ وی ده‌ها اثر علمی را منتشر کرده و به همین مقدار نیز فیش تهیه کرده است که محققان زیادی باید سال‌ها بنشینند این فیش‌ها را تنظیم و در قالب کتب منتشر شود.

مهریزی در ادامه به ویژگی‌های علمی این محقق برجسته پرداخت و تصریح کرد: وی اهل ابتکار بود و از انجام کارهای موازی پرهیز داشت به همین دلیل سراغ مسندنویسی برای اهل بیت (ع) رفت.

وی با بیان اینکه مسندنویسی در اهل سنت سابقه طولانی داشته است گفت: این کار در میان محققان و اندیشمندان شیعه چندان رایج نبوده است به همین دلیل ایشان در این زمینه خلا احساس کرد و ابتدا مسند حضرت عبدالعظمی حسنی را نوشت و متعاقب آن نیز مسند ائمه (ع) را در حدود ۷۰ جلد تدوین و تألیف کرد.

حجت الاسلام والمسلمین مهدی مهریزی، عضو هیئت علمی مؤسسه دارالحدیث مرحوم عطاردی را از عالمان وارسته و برجسته و کم‌نظیر دوران دانست و تأکید کرد: باید برای معرفی ایشان به عنوان اسوه و الگو تلاش شود. وی افزود: شخصیت ایشان در دو بعد علمی و اخلاقی قابل بررسی است و ایشان در هر دو زمینه برجستگی‌های کم‌نظیری داشتند که بنده یا به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم از ایشان مشاهده کرده‌ام.

مهریزی به بیان چند خصوصیت ایشان در بعد اخلاقی پرداخت و اظهار کرد: تواضع یکی از خصوصیات ممتاز ایشان بود؛ ایشان با آن سطح علمی و دانش در رفتارشان وقار و متانت خاصی داشت و تواضع مدنظر دین در ایشان دیده می‌شد.

تواضع مثال زدنی

وی افزود: هر وقت تلفن و زنگ زده می‌شد، خود ایشان پاسخگو بود و کارهایش را خودش انجام می‌داد و بارش را خودش به دوش می‌کشید که این کار نشانه تواضع است.

شاگرد آیت الله عطاردی تصریح کرد: وی انسان قانعی بود و به همین جهت مستقل هم بود و وابستگی به شخص و نهاد و جریان‌ی نداشت؛ برخی افراد برای ایجاد یک مرکز و اداره و ... مجبورند پیش این و آن سر خم کنند اما وی به علت



لزوم معرفی آیت الله عطاردی به عنوان الگو
عضو هیئت علمی مؤسسه دارالحدیث در خاتمه تاکید کرد: چنین افرادی را باید معرفی کنیم؛ فردی که نه خدم و حشم و دفتر و دستکی داشت ولی به اندازه یک گروه و مرکز کار کرده است بدون اینکه امکاناتی در اختیار داشته باشد؛ باید چنین الگوهایی به طلاب معرفی شوند و تاکید کنیم که اراده انسان ها و انگیزه آنان است که کار می کند و تبیین کنیم که با کمترین امکانات می توان بزرگترین کارها را انجام داد.

وی ادامه داد: همچنین تاریخ خراسان که اثری بزرگ به شمار می رود و هفت جلد آن چاپ شده و کارهای به زمین مانده دیگری که وی آن را برعهده گرفت و به خوبی انجام داد. ایشان اهل تتبع بود و تا از طریق سفر حتی به کشورهای دیگر مانند هندوستان و نقاط مختلف ایران نسبت به مطالبی مطمئن نمی شد مطلبی را نمی نوشت از این رو اهتمام جدی به مطالعات میدانی داشت. وی افزود: برای نوشتن تاریخ خراسان مطالعات زیادی داشت و حتی وقتی درباره منطقه ای می خواست مطلبی بنویسد آن منطقه را می دید و بعد قضاوت خود را مطرح می کرد به طور مثال درباره یک بیت از اشعار شاهنامه درباره یک منطقه و یا نظر درباره امامزادگان و ... حتما باید آن منطقه را می دید و بعد می نوشت.

مورخ مجتهد

وی با بیان اینکه بازگو کردن زندگینامه آیت الله عطاردی نیاز به جلسات متعدد و زمان هایی طولانی دارد، گفت: علما، خوراک فکری مردم را در قالب رساله های عملی و کتاب های فکری، اخلاقی و تربیتی تهیه می کنند اما خود این علما نیز نیاز به تغذیه و خوراک فکری دارند.

وی با اینکه اینک حاصل فعالیت های آیت الله عطاردی خوراک علمی علما بوده و آنان را از نظر فکری، علمی و عملی پشتیبانی می کند، ابراز کرد: سطح فعالیت های این محقق شیعی به قدری بالا است که گره گشای مشکلات علما است.

دست پروری یادآور شد: تمام جامعه اسلامی به خصوص شیعیان مرهون زحمات و فعالیت های ارزشمند و بی دریغ این عالم ربانی است زیرا ایشان خدمات فراوانی را به مسلمانان ارائه داده اند.

وی یکی از فعالیت های بی نظیر آیت الله عطاردی را جمع آوری ۷۳ جلد مسانید اهل بیت (ع) عنوان کرد و گفت: این ۷۳ جلد مسند، حاصل ۵۰ سال تحقیق ایشان در کتابخانه های مختلف دنیا است و این در صورتی است که این استاد گرانقدر به هیچ پشتیبان مالی وابسته نبوده است.

این استاد حوزه ادامه داد: دسترسی به نسخ خطی کتابخانه های مختلف دنیا کار بسیار سخت و پرمشقتی است اما این عالم ربانی تمامی این مشقت ها و سختی را برای یاری رساندن به جهان اسلام تحمل کرده است.

وی تالیف ۸۰ جلد کتاب در خصوص تاریخ بزرگ خراسان را یکی از فعالیت های ارزشمند آیت الله عطاردی دانست و گفت: تاکنون هشت جلد از این مجموعه چاپ شده و امیدواریم سایر آثار ایشان نیز چاپ شود تا همه مسلمانان از خدمات ایشان بهره مند شوند.



به گفته حجت الاسلام حسین دست پروری، جهان اسلام از نعمت وجود فقها در زمینه های مختلف برخوردار است، اما تعداد بسیار اندکی مورخ مجتهد داریم که آیت الله عطاردی نمونه کم نظیری از یک مورخ مجتهد بود.

این استاد حوزه و دانشگاه اظهار کرد: از خداوند متعال می خواهیم جای خالی این مجتهد گرانقدر و این مورخ بزرگ را با فضل و کرم خود پر کند تا جهان اسلام از نعمت وجود مورخان و مجتهدانی همچون آیت الله عطاردی محروم نشود.



علو همت، نستوهی و تواضع

حجت الاسلام و المسلمین حسن طارمی، معاون علمی دانشنامه جهان اسلام که قریب ۱۶ سال با آیت الله عطاردی انس داشته، وی را واجد پشتکار و علو همت می داند که در ضمن تواضع، سعی کرده است کارهای بزرگی انجام بدهد و با همت بلند خود در این راه کوشیده است.

جناب آقای طارمی از سابقه آشنایی خود با مرحوم آیت الله عطاردی بگوئید.

من اولاً فرصت را مغتنم می شمارم و ضایعه ارتحال مرحوم آقای عطاردی را که از چهره های ارجمند و دارای رفتاری درس آموز برای نسل های آینده بود، به همه جامعه علمی و به ویژه علمای دین تسلیم عرض می کنم و امیدوارم که همچنان که ایشان در حیات شان منشأ خیراتی بود، آثارشان به مثابه صدقه جاریه در اختیار اهل علم قرار بگیرد تا بر کاتش انشاءالله به ایشان برسد.

بنده قریب ۱۵، ۱۶ سال است که با مرحوم عطاردی انسی داشتیم، گاهی خدمت شان می رسیدم و ایشان لطف می کردند و به بنیاد دائرة المعارف اسلامی تشریف می آوردند و همیشه چیزهایی بود که در رابطه با ایشان برای من جالب توجه بود که به نظر می تواند سرمشقی برای نسل های آینده باشد.

چه چیزی از ایشان برای شما جلب توجه می کرد؟

به نظر من ایشان خیلی علو همت داشتند. علو همت یا به اصطلاحی که در احادیث ما و در کتاب های اخلاقی ما هست یعنی به سراغ امور ارجمند رفتن و معالی الامور را دنبال کردن. گاهی هم برخی واژه «جاه طلبی» را برای علو همت به کار می برند اما حالا این اشتباهی است در ترجمه و معالی الامور یعنی همان کارهای ارزشمند و علو همت داشتن یعنی پرداختن به چنین کارهایی.

آقای عطاردی طلبه فاضل تحصیل کرده ای بوده که از همان آغاز سعی کرده است کارهای بزرگ انجام بدهد و کار کوچک را در ذهن خود خیلی کوچک می دیده و کارهای بزرگ را در قد و قامت خودش می دیده است. او با این نیت وارد عرصه ای شده است که ما امروز شاهد این همه آثار در آن عرصه ها از ایشان هستیم.

فقط کتاب های مسند ایشان مجموعاً قریب به ۸۰ جلد بوده است. کارهای دیگری هم در زمینه تاریخ ری، تاریخ آستان قدس، تصحیح، تألیف و خیلی کارهای ارزشمندی داشتند و آن چه در این بین مهم بود علو همت ایشان بود.

نکته دوم هم به اعتقاد من این بود که این علو همت صرفاً یک آرزو و تصویری در ذهن ایشان نبود، بلکه ایشان با یک پشتکار و نستوهی برای رسیدن به آن همت بلند خودش تلاش می کرده است.

شاید اگر کسی در این سال های آخر ایشان را دیده باشد که کهولت داشتند و سن شان زیاد بود و تحرک شان کم، فکر کند که ایشان همیشه در همین شهر به همین نحو زیسته است، در حالی که ایشان برای رسیدن به آن خواسته ها و دستاوردهای علمی خود سال های سال در سفر زیست؛ سفرهای دشوار، سفرهای بسیار سخت.

ما تصور کنیم که یک نفر ۷۲ ساعت در قطار باشد و از این شهر به آن شهر هند که وسعتی به اندازه یک قاره دارد، برای رسیدن به یک نسخه از نهج البلاغه کهن برود، چون که می خواسته آن را به مناسبت هزارمین سال تألیف نهج البلاغه منتشر کند. داستان این را خود ایشان فرموده اند و در کتاب هایی که قبلاً به نام ایشان نوشته شده درج شده است. من فقط اشاره می کنم که برای یک نسخه کهن که در کتابخانه یکی از دانشگاه های هند بوده است ایشان ۷۲ ساعت در قطار و آن هم قطارهای

نظر من شاخص کارهای ایشان همان مسندهای ایشان است که در حقیقت تنظیم و نشر یکی از ارزشمندترین معرفت‌های دینی است.

ما معتقدیم و این را براساس ادله برهانی اثبات می‌کنیم که سخن حق از زبان اولیای دین جاری شده است. قرآن یک امانت الهی و یک نعمت الهی در میان انسان‌هاست و بسط و شرح و در واقع گسترش آن با کلام و حیانی که از جانب پیامبر(ص) و اولیای دین بیان شده، صورت گرفته است. این مجموعه را که ما به آن حدیث می‌گوئیم بزرگترین نعمتی است که در اختیار ماست. معرفت دینی در دل این احادیث موج می‌زند. هر کسی که می‌خواهد بداند معرفت دینی چیست ناگزیر باید به سراغ این‌ها برود.

آقای عطاردی ابتکاری که به خرج دادند این بود که آمدند و مجموعه احادیثی را که در کتب مختلف ما از ائمه(ع) به طریق مسند در منابع معتبر روایت شده است، گرد آوردند و مجلد یا مجلداتی را به هر کدام از امامان(ع) اختصاص دادند و مسند ائمه(ع) درست کردند. کار ایشان کار بزرگی بود. البته الان شاید دیگرانی هم بعضی از این کارها را انجام داده‌اند اما ایشان مبتکر این کار بودند.

الان فضلالی ما و اهل علم وقتی که می‌خواهند کار فقهی کنند یا مجموعه داده‌هایی از یک امام را بررسی کنند بهترین منبعی که در اختیارشان هست همین مسند ائمه(ع) است و من می‌دانم بسیاری از علما و مراجع بزرگ ما این مجموعه‌ها را هم تهیه کرده‌اند و هم در اختیار دیگران قرار داده‌اند. من فکر می‌کنم کار بزرگ ایشان همین نشر معارف دینی است که در مسندنویسی بروز کرده است.

البته ایشان کارهای دیگری هم کردند که یکی از آن‌ها همین مجموعه فرهنگ خراسان است که خُب متأسفانه این کار ایشان ناتمام ماند. خیلی هم دل‌شان می‌خواست که این کار را تمام کنند اما این توفیق پدید نیامد و عمرشان برای این کار کفاف نداد. اما با من که گفت‌وگو می‌کردند خیلی مایل بودند که این کار توسط یک گروهی انجام بگیرد.

به نظر من اگر کسانی که بیشتر با ایشان نزدیک بودند و الان هم میراث علمی ایشان را در اختیار دارند، تلاش کنند که بدون معطلی، در همان سطحی که ایشان کار کرده بودند بقیه این فرهنگ خراسان را به نتیجه برسانند کار بسیار بزرگی است و اگر کارهای دیگر به بازنگری و ویرایش نیاز دارد می‌تواند در مراحل بعدی انجام شود.

هند در حدود ۴۰ سال پیش سر کرده است و آن هم با حداقل هزینه‌ای که می‌توانسته تأمین کند، تا این که به این نسخه رسیده و آن را در اختیار اهل علم قرار داده است.

بقیه کارهای او هم همین گونه بوده است و من می‌دیدم که ایشان که می‌خواستند مسند را چاپ کنند، به دلیل این که مایل بودند به سرمایه خودشان این کار را بکنند و امکان تأمین سرمایه را نداشتند، به ابتکار خودشان می‌رفتند آن را پیش فروش می‌کردند و برای این که این کار انجام بگیرد ابائی نداشتند که نزد این و آن بروند و بگویند که برای مثال شما به ما کمک چاپی کنید، شما کاغذ آن را به ما بدهید. این کارها را با این که عالم درجه اولی بودند انجام می‌دادند؛ فقط برای این که آن خواسته‌شان انجام بگیرد. در هر صورت پشتکار ایشان و نستوهی و خستگی‌ناپذیری‌شان بسیار عجیب بود.

نکته سومی که شاید کمتر در اشخاص عالم دیده می‌شود و در ایشان بروز کرده بود، تواضع شگفت ایشان بود. هم در هیئت ظاهری و هم در سلوکی که با افراد داشتند آدم مبهوت می‌ماند که چقدر ایشان تواضع دارد و با چه صمیمیتی با افرادی که سنا خیلی از خودش کمتر هستند به گفت‌وگو می‌نشیند و مطالب علمی خودش را مطرح می‌کند. کمترین شائبه‌ای از این احساس که من بیشتر می‌دانم و برتر هستم در کار ایشان نمی‌دیدیم.

ایشان در سلوک اجتماعی بسیار کم‌مؤنه و کم‌هزینه بود. خودش به راحتی بلند می‌شد و با همین اتوبوس‌ها و وسایل عمومی از این طرف به آن طرف می‌رفت، برای این که در جلسات شرکت کند و با دیگران گفت‌وگو کند. به تعبیر حدیث شریف، ایشان در زندگی اجتماعی «قلیل المؤمنه و کثیر المعونه» بود؛ با آثارش بسیار به دیگران کمک کرد و دیگران را در مسیر تحقیق راهنمایی کرد و با کارها و کتاب‌هایش راه را گشود، اما خودش کم‌هزینه بود. اگر می‌خواست به جایی برود منتظر نمی‌ماند که حتماً آداب معینی را برایش رعایت کنند و خودش بلند می‌شد و مرتب در شهر می‌چرخید. بارها می‌شد که ما می‌گفتیم ما خدمت شما بیاییم و ایشان می‌گفتند که نه، شما این جا کار دارید، من می‌آیم و بلند می‌شدند می‌آمدند به مؤسسه و با دیگران هم همین گونه بودند.

آقای عطاردی مناسبات اجتماعی‌شان را هم بر پایه رفاقت طراحی کرده بودند و این خود بسیار مهم و اساسی بود. این‌ها ویژگی‌هایی بود که من عنوان آن‌ها را می‌گذارم علو همت، نستوهی و تواضع و کم‌مؤنگی. این‌ها ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود.

ارزیابی شما از فعالیت‌های علمی آیت‌الله عطاردی چیست؟
مرحوم آیت‌الله عطاردی در عرصه علم کارهای بزرگی کردند. اما به



قلم‌گفتا که من شاه جهانم...

نجیم فلاحتی

«ن و القلم و ما یسطرون؛

قسم به قلم و آنچه می‌نگارد...» (قلم/۱)

علاوه بر قرآن کریم، در لسان و اقوال ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز در باب اهمیت و جایگاه با ارزش قلم بسیار سخن رفته است. در جلد بیست و سوم مسند امیرالمؤمنین (ع) علامه عطاردی حدیث نبوی را نقل می‌کنند به این مضمون که «ان اول ما خلق الله القلم»، نخستین مخلوق خداوند قلم بوده است.

از وجوه برتری دین مبین اسلام بر سایر ادیان الهی و غیره الهی این است که معجزه این دین از جنس کتاب است، کتاب آسمانی و سعادت آفرین قرآن. اکنون پانزده قرن از طلوع اسلام می‌گذرد و تمدن شکوهمند اسلامی فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذشته و به رغم حملات سهمگین و ویرانگری که در قلمرو آن صورت گرفته است، نظر حمله مغولان در قرن هفتم و هجوم و تسلط اروپائیان بر اسپانیا و سقوط اندلس و شکست امپراطوری عثمانی و ... فرهنگ و تمدن اسلامی با عبور از تمام این حوادث و چالش‌ها، بالنده و پربار همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد.

رمز بقا و تداوم این فرهنگ و تمدن را باید در قلم و کتابت دانشمندان و علمای جهان اسلام و آثار آنان در عرصه‌های مختلف علوم و فنون و معارف جستجو کرد. این آثار از والاترین ارزش‌های تمدنی مکتب حیات‌بخش اسلام و سبب مجد و مباهات مسلمانان در جهان معاصر است. مرحوم علامه عطاردی بحق از حسنات روزگار ما بود. وسعت، تنوع و عمق مطالعات و تحقیقات ایشان، منظومه فکری شگرفی را شکل داده که موجب تحسین صاحب نظران است. کثرت آثار ایشان حاکی از مطالعات میان رشته‌ای و چند رشته‌ای خستگی‌ناپذیرشان می‌باشد.

در کتاب روایت عشق که شرح حال خودنوشت عشق و

از قلم گفتن و نوشتن امری است سهل و ممتنع. سهل از این جهت که در عصر ما قلم پدیده‌ای همگانی شده و در دسترس هم است. ممتنع از آن روی که در قرآن کریم خداوند یک سوره را به آن اختصاص داده که در اولین آیه آن با قسم از قلم یاد شده است که این مطلب حکایت از حرمت، قداست و جایگاه والای قلم در فرهنگ و اندیشه بشر دارد.

واقعیت آن است که قلم فصل ممیز تاریخ از ماقبل تاریخ است و مهم‌ترین حوادث و وقایع حیات انسانی در طول تاریخ با قلم و کتابت رقم خورده است. نقش قلم و قلمزن در طلیعه، فراز و نشیب‌ها و حیات و ممات تمدن‌های بشری در بستر سنت‌های الهی حاکم بر تاریخ بسیار برجسته و انکارناپذیر است.

از تمدن برتری طلب قیصران از روم باستان گرفته تا تمدن قدرتمند فراعنه مصر، تمدن باشکوه و مجلل ایرانیان و سایر تمدن‌های مشرق زمین و تمدن فاخر اسلامی و ... همگی تحت تاثیر قلم‌ها و قلم‌زنان بوده‌اند. امروزه در ارزیابی تمدن‌های گذشته علاوه بر آثار باستانی بجای مانده از آنها که موجب تحسین و شگفتنی است، آنچه بیشتر اهمیت دارد و مورد تجزیه و تحلیل و توجه محققان فرهنگ و تمدن می‌باشد، میزان و کیفیت آثار مکتوبی است که از هر تمدن بجای مانده است. از طرف دیگر رشد و توسعه شتابان معارف و فرهنگ بشر طی چند صد سال اخیر (دوره رنسانس به بعد) که به تنهایی بیش از پیشرفت چند هزار ساله تمدن و فرهنگ او است، مرهون قلم و کتابت می‌باشد. به قول آزادمرد عرصه قلم و نویسندگی مرحوم فرخی یزدی:

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم

هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت



دلدادگی ایشان به عرصه قلم و قلمزنی است، مطلع آشنایی خود را با قلم، خط و نگارش شرح داده و بیان می‌کند اولین سرمشقی که معلم مهربانشان جهت تمرین و مشق داده، این بیت بوده است:

قلم گفتا که من شاه جهانم

قلمزن را به دولت می‌رسانم

نوشته‌اند که بمدت یک هفته هر روز ساعتی را به مشق و تمرین از روی این سرمشق می‌گذرانده‌اند تا این که معلم سرمشق دوم را می‌دهد:

هر که ز آموختن ندارد ننگ

دُر برآرد ز آب و لعل از سنگ

در این زمان ایشان هفت سال داشته‌اند و به مصداق عبارت مشهور «الدرس فی الصغر کالنقش فی الحجر» این دو سرمشق چنان در دل و جان ایشان نقش می‌بندد که گویا مسیر زندگی آینده‌شان مشخص می‌شود و تمام عمر شریف و با برکت خویش را در این زمینه سپری می‌نمایند.

هفت دهه از عمر پربار خویش را با اخلاق و با حفظ حرمت و قداست قلم، و قلم زنی در راه حق و حقیقت و با پرهیز از هر گونه مظاهر ریا، خودستایی و القاب و عناوین رایج زمانه، با تلاش و پشتکار و فقط با اعتماد و توکل به خداوند متعال گذراندند. در این مدت آثار ماندگاری از خود بجای گذاشتند که هر مجلد آن مصداق صدقه جاریه‌ای است که از پیش فرستاده‌اند.

حاصل یک عمر تلاش توأم با عشق و پشتکار و توکل، هفتاد عنوان کتاب در یکصد و شصت مجلد می‌باشد. این همه در حالی است که دهها مجلد طرح عظیم فرهنگ خراسان شامل دهها هزار مدخل که کلیت آن توسط ایشان به صورت الفبایی تنظیم شده است، آماده تحقیق و کار می‌باشد.

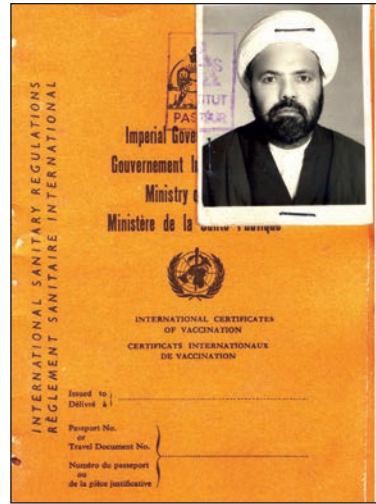
در ارزیابی تلاش‌های علمی و فکری هر محقق، از یک طرف باید دید که در مقایسه با زمانه و روزگار خویش چه گام یا گام‌هایی فراتر برداشته و مرزهای دانش و معرفت را به چه میزان توسعه داده و پیش برده است و از دیگر سوی در عرصه تحقیق به چه میزان این تلاش‌ها و ابتکارات علمی مورد استناد و ارجاع سایر محققین قرار می‌گیرد. در این مورد نیز آثار مرحوم علامه عطاردی قابل نقد و بررسی است.

سرانجام ایشان پس از عمری مجاهده علمی و تحقیقی، تهی دست و تهی دل از این دنیای فانی، اما با قلبی سلیم و دستی پر در پیشگاه حقیقت، با آرامشی وصف‌ناپذیر مرگ را پذیرا شده و تسلیم مشیت الهی گشتند. نازم به حسن مطلع و حسن ختام او!

A close-up portrait of an elderly man with a full white beard and a white turban. He is looking slightly to the left with a thoughtful expression. The background is blurred, showing what appears to be a keyboard. The lighting is soft, highlighting the texture of his beard and the folds of his turban.

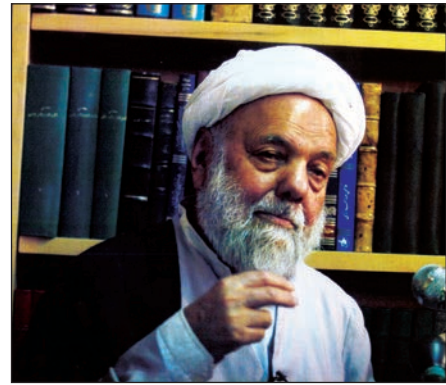
در آئینه تصاویر

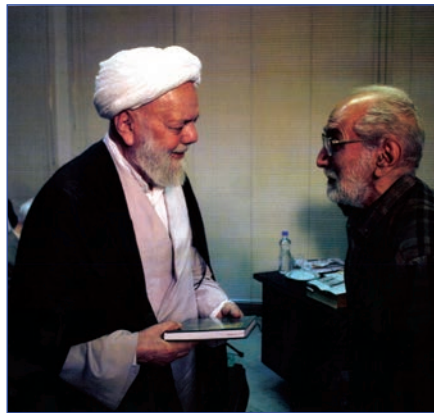
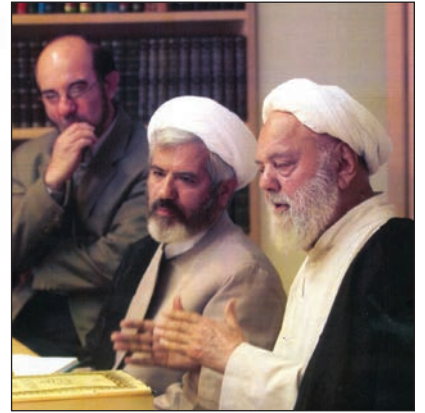


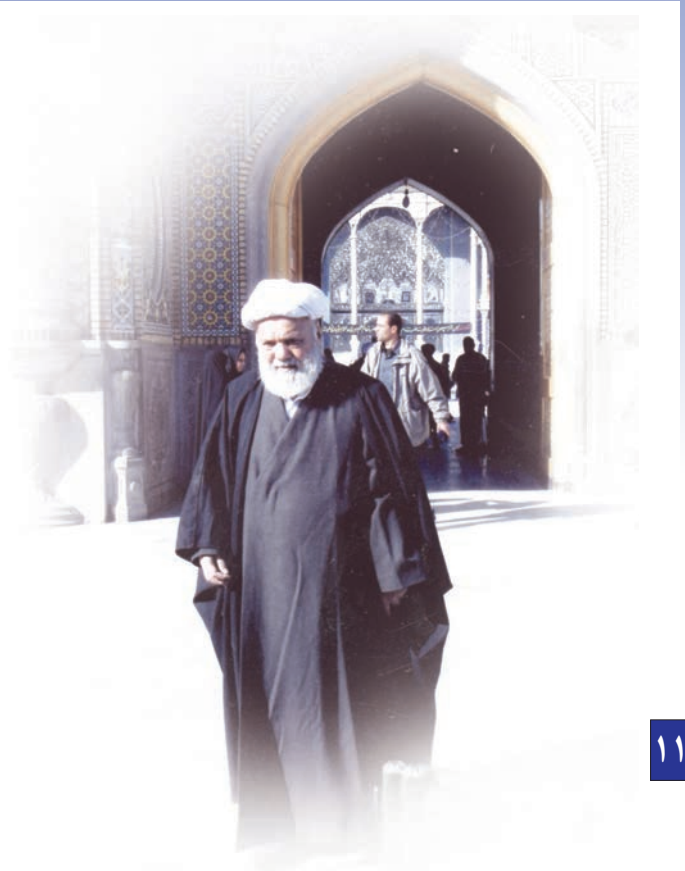
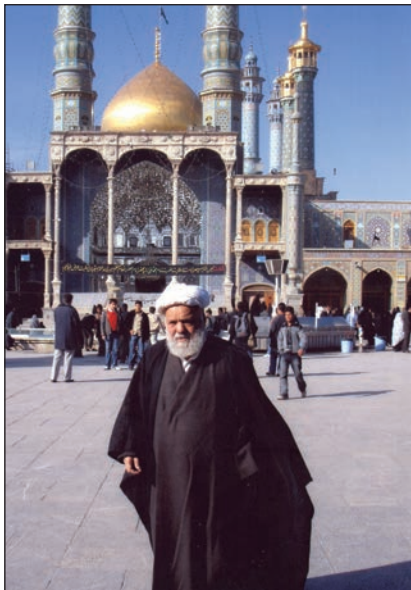


۱۱۵











بسم الله الرحمن الرحیم و بقی

المجده والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد من عباده
وعلى اوصيائه الاثنى عشر المصوبين لربنا. امه منواصله بلفظ
و بعد فان المولى الفاضل البارع الباهر المحقق الميامنة
المعزز بقبلة الحج الشيخ غزيراه العطاردى القوزق حازر في فضله
وضوحه مثله فدا را داناسى سنة الف الف صالح في تصحيح
واستاد الامنة السادة الاعجاز، والحقيقة استجارية الرواية عنهم وكان
له ذلك قبله في ابله و اخستان بروى في جميع صحاح الرواية
مشايخ الاعلام وقطان الرازي والفهره والبلد الحرام بجميع طرقهم المسطوره
في ابارانهم واخص بالذكر منها طريق اول شايخ خانه المجهدين والمجدين
الشيخ العلامة الحاج الميرزا حسين النوري في نسخة الحاشية المتوجهه بتاريخ (١٣٣٠)
وذلك الطريق خمسة مسطوره مفصلة مسطوره في خانه كتابه مستدرک الوسائل
والمستبحر المرسومة بمواقع النجوم فليروا من كانه عنى عنى تلك
لمن شاء واحب ارجع الى احبنا في الروايات و مراجعهم في تمام الحلال
و ارجع الى القرآن في الحياه والماء حره و باطلة المرتبة في مكتبة العامة في النجف
في الجنبه بعد ابي الشريفي يومها من ربه في سنة ١٣٣٠ في المكتبة والوقف القائل



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام
بعد الحمد والصلوة فقد استجازني العالم الفاضل غياث الكمال
الشيخ عزيز الله العطار دي القوجاني ذامت ايامه في رواية الحديث
فاجزته ان يروي عنى كلما صحت لى روايته بطرق المنتهية
الى اهل بيت العصمة ومعاد العلم والحكمة ومرجيلة
تلك الطرق ما اروي بواسطه العلامتين العظيمين
التي الله السيد حسر الصدر والسيد عبد الحسين شرف الدين
قدس سرهما من العلامة الخوثرثا المجلسين الشيخ الحاج ميرزا
النوري قدس سره وقد اثبت طرقه الشريفه في خامسة
كتابه القيم مستدرك الوسائل فله ان يروي عنى بهذه
الوسائل طال كما في ذلك سبيل الحائطة في الرواية
مراعيا ما تضمنه علم الرجال وعلم الدراية واجرمه
واما ايامه ان يذكره في خلواته يصلح دعواته انه قال في مجمع مؤيد



٧ / زنده ماه ١٣٨٣

تقریظ

استاد محقق و نویسنده دانشمند حضرت حجة الاسلام آقای حاج میرزا
ابوالحسن شعرانی دامت برکاته بر کتاب زندگانی حضرت عبدالعظیم

بسم الرحمن الرحیم

کمی از روایت کتابت نه دینی نبودن شرح حال جامع ترجمه معضل از حضرت عبدالعظیم علیه السلام
الحسنی سلام الله علیه است این بزرگوار با آنکه از بزرگان علمای شیعه و از ارکان کتب
مشهورترین شرفا خاندان طهارت و مرد دعوات ائمه دین سلام الله علیه است
برای مردم همسران معنی حصین و پناهاهی زمین است بشماره الله صغری با خاندان
رسالت محمد در رشته الفت و ذوق از شور و علاقی دینی و نه زم است کتابها
در شرح حال معصوم است نب و فضل زیارت و در آیات و روایات و روایت و شیخ او
داشته باشیم و ندایم آری کتابی با نام روح و برکات و جنبه انیمیمی از شاد و خوشتر
تالیف کرده و برکت نام مبارک حضرت عبدالعظیم هزاران مطالب دیگر همی نده است
و برسم و عاظمی بناست یک سخن سخنهای مفید و هم پر بسته و فرس که از شرح حال
انحضرت و آنچه راجع بخود او است بسیار آنرا آورده است و همچنین از سعادت
در این عهد است که زیارت گرامی نادر شش بر مقاصد مطلوب نایل گشتیم
و جناب عالم فاضل محمد شریعتی متبع آقای حاج شیخ مرتضی که چاه به الله علیه
الشریف و زادنی رفیقه اس از خط سراسر بر عهده گرفته و از عهده برآمده شرح حال خاندان
باید از اجداد و اولاد و اخوان و شیخ در آیات و فضل زیارت انحضرت در
مجموعه نفیس فراموش کردند و این نده به با کمال فقر خود بکمال برهنگ و در کف اعتراف
دارم و انرا سوره عظیم و غنی شکر می شمارم و امید دارم همه دوستان خاندان
معصوم از عمل ایشان بهره مند و از رحمت ایشان تقدر شکر نموده و مزید توفیق ایشان
ارضا و نده بخوانند و ان الحقیقیر الحسن الدعوی البشیر الالهی در لغت الحرام سن ۱۳۸۳

طبقات

اعلام الشيعة

القسم الثالث
من
الجزء الاول
وهو

بسم الله الرحمن الرحيم
هدية زمينه لفضيلة الشيخ محمد باقر
اعقوب شاه آبادي من علماء الطائفة
العلوية الشافعية من نقباء المولف
٢٦ رجب ١٣٠١ هـ

نقباء البشر في القرن الرابع عشر

تأليف

اغابنرك الطهراني

مؤلف (الذريعة)

جسم آفته الرحمن الرحیم

المحدثه رب العالمین والصلاة والسلام علی أشرف
الانبیاء والمرسلین محمد وآله الطیبین الطاهرین
واللعن الدائم علی أعدائهم اجمعین من الآن الی یوم
یوم الدین ولعل قد استجاز فی الفاضل الکامل
مروج الاحکام ثقتنا بالاسلام الشیخ عزیزالله العطاردی
المؤجانی دامت اخذاته فی روایة الاحادیث المرثیة
عن الإئمة المعصومین علیهم السلام ووجدته أهلاً
للإجازة فاجرته ان یروی عنی کما صحت له روایتہ
بطرق المنہیة الی اهل بیت النبوة والعصمة ومن
تلك الطرق ما یروی بواسطه شیخی واستاذی
الحجة المیرزا محمد حسین النائینی قدس سره عن
شیخه المحدث الکبیر والعالمة الخیر الشیخ میرزا
حسین النوری قدس سره وقد اثبت طرق المنہیة
فی خانمة کتابه مستدرک الوسائل فله حفظه
ان یروی عنی بهذا الطريق منی شاء مع مراعاة
الاحتیاط واوصیه ان لا ینافی من صالح دعوائی
کلا انشاء الله تعالی والاسلام علیه ورحمة الله وبرکاته

طباطبائی



۱۴ ص

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي رفع منازل العلماء وفضل مدادهم على ماء الشهداء
وأفضل صلواته وتحياته على من اصطفاه من الأولين والآخرين
وبعث رحمة للعالمين محمد وآل الطيبين الطاهرين
وبعد فإن جناب العلامة الفاضل ثقتنا الاسلام والمسلمين
الشيخ عزيز الله العطاردي القوجاني دامت أيام افاضاته
قد استجارتنا في روايته للحديث فاجزناه ان يروى عنا جميع
ما صحت لنا روايته من الكتب الأربعة التي عليها المدار الكافي
والفقيه والتهذيب والاستبصار والجوامع الأخيرة الواسعة
ومستدركره الوافي والبحار وغير ذلك من مصنفات اصحابنا
وما روه عنه غيرنا بحق اجازتنا من ما يخنا العظام قدس
الله تعالى اسرارهم باسائدهم المنتهية الى اهل بيت النبوة وخرج
الرسالة عليهم افضل الصلاة والسلام واصبر ايدهم الله تعالى
بالثبوت فيما يرويه وعلاهم التقوى وسلوك سبيل الاحتياط
فانه ليس بنا كعب عن الصراط من سلك سبيل الاحتياط وان لا يتنازع
من صالح الدعوات والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته
برهنتهم يروى الخوني



مراسم تشییع پیکر آیت الله عطاردی قوچانی در تهران

پیکر مرحوم آیت الله عزیزالله عطاردی، عصر چهارم مردادماه با حضور جمعی از مسئولان، روحانیون و علما، خانواده مرحوم عطاردی و علاقه مندان به ایشان از محل مؤسسه فرهنگی خراسان به سوی امامزاده صالح در میدان تجریش تهران تشییع شد و حجت الاسلام و المسلمین سیدحسن خمینی در پایان این مراسم، بر پیکر وی در صحن امامزاده صالح نماز گذارد.





۱۲۷







۱۲۹





مراسم خاکسپاری آیت الله عطاردی قوچانی در حرم رضوی

پیکر مرحوم آیت الله عزیزالله عطاردی قوچانی، محقق برجسته شیعی ۵ مردادماه با حضور شاگردان، روحانیون و اساتید حوزه و دانشگاه و جمعی از مسئولان و بیت مرحوم در حرم رضوی به خاک سپرده شد. در مراسمی که پیش از خاکسپاری در مهدیه مشهد برگزار شد، رئیس شورای اسلامی شهر تهران، مشاور فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران، معاون فرهنگی - تبلیغی جامعه المصطفی (ص) العالمیه مشهد، مدیر حوزه علمیه خراسان، مدیر کل صدا و سیما خراسان رضوی و امام جمعه موقت مشهد و ... حضور داشتند.

پس از این مراسم، پیکر این اندیشمند خراسانی به سمت حرم مطهر رضوی تشییع شد. پس از قرائت روضه امام حسین (ع) و خطبه خوانی، نماز بر پیکر این محقق شیعی در صحن آزادی با حضور آیت الله سیدجعفر سیدان اقامه شد. پیکر آیت الله عطاردی پس از تلقین خوانی حجت الاسلام نوراللهیان، طبق وصیت وی، در کنار مقبره شیخ طبرسی آرام گرفت.











